



طوبای زرین، ایثار و فداکاری، کیوریتوریال، مقالات  
نظامی گنجوی، تجسم هنر، آینه در آینه، تجلیل از مفاخر

# چهاردهمین جشنواره هنرهای تجسمی

## فجر

۱۴۰۰  
2022  
14<sup>th</sup> Fajr  
Visual Arts  
Festival







چهاردهمین جشنواره  
هنرهای تجسمی  
فجر  
۱۴۰۰  
2022  
14th Fajr  
Visual Arts  
Festival

ناشر: موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر  
زیر نظر: سید عباس میرهاشمی  
به کوشش: سید حسین محمدپور  
طراحی گرافیک: شاپور حاتمی / مهدیه روستایی  
دبیر تحریریه: سعید اسلامزاده  
عکاس آثار: فریدون قیصریپور  
عکاس رویداد: معین باقری  
مترجم: مجتبی احمدخان  
لیتوگرافی و چاپ: آندیا گرافیک  
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه  
اسفندماه ۱۴۰۰

**Publisher:** Institute for Promotion of Contemporary Visual Arts  
**Under the supervision of:** Seyed Abbas Mirhashemi  
**Through the efforts of:** Seyed Hossein Mohammadpour  
**Graphic design:** Shapoor Hatami, Mahdieh Roostaie  
**Editorial Secretary:** Saeed Eslamzadeh  
**Photographer (works):** Fereydoon Gheysaripour  
**Photographer (event):** Moeen Bagheri  
**Translation:** Mojtaba Ahmad Khan  
**Lithography and printing:** Andia Graphic  
**Circulation:** 1000  
**February 2022**  
The use of the book's images without legal permission of the publishers is forbidden.

fajrtajasomi.ir  
@tajasomi

**Mohammad Mahdi**

**Esmaili**

The Minister of Culture and Islamic Guidances

If the growth of literature and writing leads to the enhancement of audio arts, then without a doubt all the different fields of art that are considered as visual are tangibly dependent on the advancement of Visual arts. For this reason, any activity that whose outcome is the excellence of the national visual arts, will leave its marks on other visually presented arts. However, this cannot be realized unless the Iranian artist casts an eye on the past for an inspiration from the artistic and cultural heritage and to recreate it through his / her period's language.

The artist knows that art will not endure without an audience. Artists who create their oeuvres based on the social events and their experiences, are considered as the great legacies, who, in the course of their artistic creations, maintain their relations with the people and the society alive and dynamic.

Coinciding with the anniversary of the glorious Islamic Revolution of Iran, the 14th Fajr Festival of Visual Arts, which is held after two difficult years of COVID19 Pandemic, is the outcome of the visions and thoughts of precious visual artists, and a light of hope for the artists and the audiences of this event, who have ensured the dynamism and the vigor of art by exhibiting and presenting their works.

The great participation of the creators of oeuvres in different fields of visual arts and the presence of a considerable number of prominent national artists as the Festival's secretaries and judges, can herald an appropriate and ingenious competition in visual arts allowing the artists to participate in the event in all confidence.

I express my gratitude to all the organizers of the 14th Fajr Festival of Visual Arts, as well as the esteemed masters who took part in the event as secretaries and judges, and wish them all a success in organizing an appropriate Festival.



**محمد مهدی اسماعیلی**

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

اگر رشد ادبیات و داستان نویسی باعث ارتقای هنرهای شنیداری می شود، بی گمان رشد تمامی رشته های هنری که در زمره هنرهای دیداری و بصری محسوب می شوند به شکل ملموسی وابسته به پیشرفت هنرهای تجسمی اند. از این روی، هر نوع فعالیتی که به اعتلای هنرهای تجسمی کشور بینجامد، نتیجه اش در سایر هنرهای بصری قابل مشاهده خواهد بود. گرچه این امر میسر نمی شود مگر آن که هنرمند ایرانی به گذشته خود نظر کند و از میراث فرهنگی هنری گذشته همچون نگاره ها و نقش مایه های شگفت اسلامی - ایرانی بهره گیرد و با زبان زمانه ی خود و برای مخاطب آن ها را باز آفرینی نماید.

هنرمند می داند هنر بی مخاطب دوامی ندارد. هنرمندانی که برگرفته از رخداد های جامعه و تجربیات خود آثار هنری ارائه می دهند، با نگاه انسانی و تعهد هنری خود، بزرگترین ذخیره برای هنر و داشته های فرهنگی و میراث هنری کشورمان محسوب می شوند که از رهگذر آفرینش های هنری، نسبت خویش با مردم و جامعه را زنده و پویا نگاه می دارند.

همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، چهاردهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی فجر که با گذشت دو سال از شرایط سخت شیوع بیماری کرونا برگزار می شود، حاصل نگاه و اندیشه هنرمندان گرانمایه هنرهای تجسمی است و نقطه امیدی برای هنرمندان و مخاطبان این رویداد که با حضور مستمر در فرایند عرضه و ارائه اثر، پویایی و نشاط هنر را تضمین می کنند.

مشارکت پرشمار پدیدآوردندگان آثار تجسمی در شاخه های گوناگون و حضور تعداد قابل توجهی از هنرمندان برجسته کشور در کسوت دبیران و داوران جشنواره، می تواند نویدبخش رقابتی سالم و اندیشمندانه در عرصه هنرهای تجسمی باشد تا هنرمندان با اطمینان خاطر در این عرصه شرکت کنند.

از تمامی دست اندرکاران چهاردهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی فجر و نیز استادان گرامی که به عنوان دبیر و داور در این دوره حضور داشته اند، صمیمانه سپاسگزارم و برای همه عزیزان از خداوند متعال آرزوی توفیق در برگزاری جشنواره ای شایسته را دارم.



## محمود سالاری

معاون امور هنری

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

هنرهای تجسمی، کهن‌ترین دستاورد هنری بشر است و امروز در جهان فناورانه‌ای که شئون زندگی بشر را فراگرفته، همچنان هنرهای تجسمی در تمامی رشته‌ها مانند نقاشی و مجسمه‌سازی و عکس و کاریکاتور و سرامیک و ... در زندگی روزمره و زیست هنرمندانه مردم جهان جایگاه منحصر به فردی دارد.

ایران ما نیز در طول ادوار تاریخ، هنرمندان بزرگی را به خود دیده که نقش‌ها و نگاره‌هایشان برای ما و جهانیان بزرگ‌ترین میراث فرهنگی و هنری بشریت است.

امروز هنرهای تجسمی در میان مردم خواهان بسیاری دارد و این مسأله، وظیفه معاونت امور هنری و به طریق اولی اداره کل هنرهای تجسمی را دو چندان دشوار می‌کند. همراهی صمیمانه هنرمندان با رویدادهای هنری، که از یک سو فرایندی پیچیده در برگزاری دارند و از دیگر سو تأثیرات اجتماعی و جریان‌سازی‌های هنری آن‌ها اهمیت بسیاری در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی دارد، در جشنواره هنرهای تجسمی فجر به اوج می‌رسد. در این جشنواره که خاستگاهی انقلابی دارد، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و ریشه‌های فرهنگمدارانه موجب شده است تا هنر به معنای متعهدانه آن در میان اقشار هنرمند و مردم هنردوست راه بیابد. ارزش و جایگاه رویدادی چون جشنواره هنرهای تجسمی وقتی بیشتر نمود می‌یابد که توجه داشته باشیم امروزه بخش قابل توجه محصولات مورد نیاز مردم با هنرهای تجسمی پیوند دارد.

نگاهی به ادوار پیشین جشنواره هنرهای تجسمی فجر نشان می‌دهد که مسیر راه هر چند با دشواری و آزمون و خطاهای بسیاری طی شده، اما صحیح بوده است، زیرا موجب شده که منتقدان و هنرمندان این عرصه، بی‌اعتنا از کنار آن عبور نکنند و نقدها و مسائلی که برای بهبود این جشنواره مطرح کرده‌اند، نشان از دغدغه‌های فرهنگی و هنری آنان دارد. هر چند جشنواره هنرهای تجسمی فجر در قیاس با دیگر جشنواره‌های فجر، جوان است، اما در همین جوانی نیز، پخته و پیرانه می‌اندیشد و دبیران کل همواره در پی جست‌راه‌هایی برای بهتر شدن تلاش کرده‌اند. جوانی در ذات خود پویایی و سرزندگی بسیاری برای جشنواره ایجاد می‌کند و حضور پیشکسوتان هنر در این رویداد در جایگاه دبیرکل و دبیر و داور، رگه‌هایی از پختگی و اندیشه متعالی را رقم می‌زند.

امید است که با نگاهی ساختارمند به بدنه جشنواره، این رویداد مهم هنری را به عنوان نهاد مؤثر در عرصه هنرهای تجسمی بشناسیم و برای تقویت بنیان‌های ساختاری آن از یک سو، و بهره‌برداری از دستاوردهای آن از سوی دیگر بهتر و بیشتر بیندیشیم. تلاش همکاران ارجمندم را در اداره کل هنرهای تجسمی، مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر، دبیر کل و همه دبیران و داوران و همکاران دبیرخانه جشنواره هنرهای تجسمی فجر می‌ستایم و از یکایک آنان برای برگزاری این جشنواره سپاسگزارم.

## Mahmood Salari

Deputy for Arts Affairs, Ministry of Culture and Islamic Guidance

Visual arts are the oldest achievement of the humans, and today, in an era when technology has penetrated all aspects of human life, the visual arts in all their fields such as painting, sculpture, photography, caricature, ceramic, etc. still occupy a unique position in the daily and the artistic lives of the people.

Throughout its history, Iran has seen great artists, whose designs and oeuvres are for us and the world, the greatest cultural and artistic heritage of humanity.

Today, visual arts are greatly sought after, and this issue doubles the responsibilities of the Department of Art Affairs in general and the Directorate General of the Visual Arts in particular. The sincere collaboration of artists in such events, which, on one hand involve a complicated process for organization, while on the other, affect any cultural planning activities due to their social impacts and artistic currents, reaches its peak during the Fajr Festival of Visual Arts. In this event, which has a revolutionary foundation, the cultural policy makings and the cultural roots, have reintroduced the arts in their dedicated sense to the artists and the art followers. The values and status of events such as visual arts become highlighted when we realize that most of the needed products are somehow linked to visual arts.

A review of the past Fajr festivals of visual arts, shows that in spite of the many difficulties and trials and errors, the path taken was a correct one, because it has not allowed the critics and actors of this field to merely pass it be, forcing them to comment and propose solutions for its improvement, which underlines their cultural and artistic concerns.

Although the Fajr Festival of Visual Arts is quite young compared to other Fajr events, but even in its youth, it thinks wisely and maturely, and its general secretaries have always attempted to find solutions for its improvement. By its nature, youth creates dynamism and vigor for the festival while the presence of pioneers and elders in this event as Secretary General, secretaries and judges bestow it with the necessary maturity and excellence.

I hope, that through a structured review of the festival's body, this important art event becomes recognized as an effective establishment in the field of visual arts, and that we look for the proper solutions to strengthen its structural foundations on one hand, and to enjoy the fruits of its accomplishments on the other.

I praise the efforts of my esteemed colleagues in the Directorate General of the Visual Arts, the Institute for the Promotion of the Contemporary Visual Arts, the Secretary General, the secretaries the judges, and my colleagues in the secretariat of the Fajr Festival of Visual Arts, and thank each and every one for their cooperation in organizing the event.



## هادی مظفری

رییس شورای سیاستگذاری

چهاردهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

جشنواره هنرهای تجسمی فجر، حرکت در مسیری بلند مدت و رو به آینده است. هرچند به طور مشخص می‌توان هر دوره جشنواره را نقد و بررسی کرد، اما آنچه مهم است، دیدگاه کلان درباره جشنواره و طراحی مسیری رو به جلو و نگاهی فرایندمحور به ساختار جشنواره است. شورای سیاستگذاری چهاردهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر، با درک و دریافت از توانمندی جامعه هنری، بخش‌های متعددی را مانند ایثار و فداکاری، کیوریتوریال، نظامی گنجوی، مقالات و تجسم هنر، در کنار مسابقه هنرهای تجسمی ایران - موسوم به طوبای زرین - طراحی کردند که از ویژگی‌های ممتاز این دوره است.

برگزاری جشنواره در سی استان کشور، همزمان با برپایی و تمرکز جشنواره در تهران، نگاهی کلان و مبتنی بر بهره‌گیری از ظرفیت هنری همه هنرمندان کشور بوده است. بخش تجسم هنر در جشنواره چهاردهم به مثابه حرکت جمعی در شکل‌گیری جشنواره‌ای به معنای واقعی کلمه، ملی است. این تجربه در این دوره می‌تواند پایه‌گذار فرایندی باشد که قطعاً در دوره‌های آینده هم تثبیت خواهد شد و هم خلاءهای بسیاری را در زمینه هنرهای تجسمی در استان‌ها پر خواهد کرد.

از سوی دیگر آنچه در آینده که نمایشگاهی پژوهش محور درباره هنر معاصر ایران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۳ بوده است، افزون بر استقلال محتوایی و اجرایی بخش مهمی از جشنواره این دوره به شمار می‌رود.

و مانند همیشه حضور هنرمندان گرانقدر هنرهای تجسمی کشور در دو سوی ماراتن جشنواره. در سویی هنرمندانی که به دعوت جشنواره پاسخ مثبت می‌دهند و آثارشان را به دبیرخانه ارسال می‌کنند و در سوی دیگر هنرمندانی نامدار که در سمت دبیری و داوری مسیر جشنواره را هموار می‌کنند.

بی‌تردید جشنواره هنرهای تجسمی فجر در این دوره با اتکا به تجربیات ارزنده پیشین و خلاقیت‌های روزافزون، روزهای درخشانی را پیش رو خواهد داشت.

## Hadi Mozafari

President of Policy Council of the  
14th Fajr Festival of Visual Arts

The Fajr Festival of Visual Arts is a long term and future oriented movement. Although each festival can clearly be subjected to review and criticism, but what is important is to have a holistic outlook of the event, to plan the road ahead and to have a process oriented view of the festival's structure.

Being aware of the art society's potentials, the Policy Council of the ۱۴th Fajr Festival of Visual Arts planned different sections such as self- sacrifice, curatorial, Nezami and visualization of art, alongside the Iranian visual arts competition – called the Golden Tooba – which were the distinguishing features of this year's event.

Holding the Festival at ۳۰ provinces simultaneous with its organization and concentration in Tehran, was the outcome of the holistic approach and based on the desire to benefit from all the capabilities of the artists throughout the nation. The visualization of art section in the ۱۴th festival was a group action to make this festival a national one in the true sense of the word. This experience can set the foundations of a process, that will definitely become established in the future events and at the same token fill the vacuums in many fields of visual arts in the provinces.

On the other hand, the "mirrored reflections", which is a research oriented exhibition on the contemporary Iranian arts from ۱۹۷۴ to ۱۹۸۴, in addition to its independent content and execution, was considered as an important part of this year's festival. As like always, the presence of the great visual artists of the country on both sides of the festival's marathon. On one side, artists who answer the invitation and submit their works to the Secretariat, and on the other, famed artists who, as secretaries and judges, pave the grounds for the festival.

No doubt, this year's Fajr Festival of Visual Arts and the future event, will build on the precious past experiences and ever increasing creativity to create glorious days ahead.

## Seyed Abbas Mir Hashemi

### Secretary General, 14th Fajr Festival of Visual Arts

The organization of Fajr Festival of Visual Arts is a blessed event, will build on the precious past experiences and ever increasing creativity to create glorious days ahead. I congratulate its opening to all the dear artists who are present in this festival and whose oeuvres are on display for the audience, as well as all the artists and masters, who accepted invitation and collaborated in the process of preparing the festival with their works and were our companions as secretaries and as the selectors and judges of the works, putting all their arts and knowledge at work.

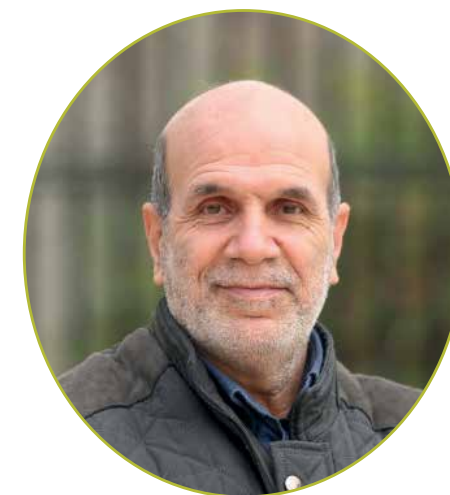
From the first days of the renewed activity in the secretariat to work at the 14th Fajr Festival of Visual Arts, until today, when the efforts have borne fruit and a deserving exhibition has been offered to our dear people, we have spent many hours engaged in consultation and dialogue with artists and pundits to be able to trace a road and design a consolidated structure, not only for this festival, but for future events as well.

In the course of the 14 events, the Fajr Festival of Visual Arts has experienced many trials and errors, bringing the various potentials and capacities of the visual arts to the fore through its prestige, and has benefitted the society as much as it could with its programs.

With all the happenings, which have occurred in this festival and which will strengthen with the participation of the artists, we feel quite assured that the visual arts, both in their competitive and non-competitive forms, will enhance the potentials and capacities of the Iranian art.

Backed by the relentless and sincere support of my dear friends and colleagues at the Festival's Secretariat, as well as the esteemed artists, we were able to organize the sections on the Golden Tooba, Self – Sacrifice, Nezami Ganjavi, Mirrored Reflections and the articles at this Festival. However, what was most important for me, as this year's Secretary General was the organization of the significant and extensive section of Visualization of Art, which somehow engaged the artists throughout the country. Through the cooperation of the Directorates General in the provinces, we were able to organize an independent festival at over 95% of the provinces, which underlined the potentials of the provinces and their artists. We hope that this structure shall continue in the future Fajr Festivals of Visual Arts, and the decentralization from the capital shall be realized through the collaboration of the artists.

I request all the artists, critics and the stakeholders of culture, art and human sciences of the country to visit the Festival's oeuvres and indulge with their expert comments as well as their scientific and artistic views, enabling us to promise better days ahead for the Fajr Festival of Visual Arts.



## سیدعباس میرهاشمی

### دبیرکل چهاردهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

برگزاری چهاردهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر رویدادی مبارک است و گشایش آن را به همه هنرمندان گرامی که در این جشنواره حضور دارند و اثرشان پیش روی چشم مخاطبان است و همه هنرمندان و استادانی که قبول زحمت کردند و در فرایند پیشبرد جشنواره در ارسال آثار، دبیری، انتخاب و داوری آثار، همراه و همگام بودند و از دانش و هنر خود دریغ نکردند تبریک می‌گوییم.

از روزهای آغازین فعالیت دوباره در دبیرخانه برای کار در جشنواره چهاردهم هنرهای تجسمی فجر، تا امروز که تلاش‌ها به ثمر نشسته و نمایشگاهی در خور، هدیه مردم عزیز شده است، ساعت‌های بسیاری در گفت و گو با هنرمندان و اهل فن سپری شد تا بتوانیم نه فقط برای این جشنواره، که جشنواره‌های آتی نیز، مسیری را ترسیم کنیم و ساختاری منسجم در جشنواره طراحی کنیم. جشنواره هنرهای تجسمی فجر، در این چهارده دوره که پشت سر گذاشته، آزمون و خطاهای بسیاری کرده و توانایی و ظرفیت‌های گوناگون هنرهای تجسمی کشور را با اعتبار خود به میدان آورده و در حد توان و برنامه‌های خود جامعه را بهره‌مند ساخته است. با تمامی اتفاقاتی که در این جشنواره می‌افتد و در سال‌های آتی هم با حضور هنرمندان، تقویت خواهد شد، باید امیدوار باشیم که هنرهای تجسمی در شکل رقابتی و غیر رقابتی در جشنواره‌ها توانایی و ظرفیت‌های بیشتری به هنر ایران می‌افزاید.

در این دوره از جشنواره، با حمایت بیدریغ و صمیمانه دوستان و همکاران گرامی‌ام در دبیرخانه جشنواره و همچنین هنرمندان عزیز توانستیم بخش‌های طوبای زرین، ایثار و فداکاری، نظامی گنجوی، آینه در آینه و مقالات را برگزار کنیم. اما آنچه در این دوره برای من به عنوان دبیرکل اهمیت بسزایی داشت برگزاری بخش مهم و تأثیرگذار و گسترده تجسم هنر بود. تجسم هنر به نوعی هنرمندان سراسر کشور را درگیر کار کرد. با همکاری ادارات کل استان‌ها، توانستیم در بیش از ۹۵ درصد استان‌های کشور، جشنواره‌ای مستقل برگزار کنیم که حاکی از توانمندی استان‌ها و هنرمندانشان است. امید که این ساختار در جشنواره هنرهای تجسمی فجر استمرار یابد و تمرکززدایی از پایتخت با همراهی هنرمندان انجام گیرد.

از همه هنرمندان، منتقدان و اهالی فرهنگ و هنر و علوم انسانی کشور می‌خواهم که با دیدار از آثار این جشنواره، نگاه نقادانه خود را از جشنواره دریغ نکنند و با اشارات علمی و هنری خود، جشنواره هنرهای تجسمی فجر را به روزهای بهتر نوید بدهند.

---

معرفی اعضای شورای سیاست‌گذاری  
دبیران و داوران





## اعضای شورای سیاستگذاری و دبیران



هادی مظفری

رئیس شورای سیاستگذاری



سید عباس میرهاشمی

عضو شورای سیاستگذاری  
و دبیر کل



امیر راد

عضو شورای سیاستگذاری  
و دبیر هنری



حبیب‌الله صادقی

عضو شورای سیاستگذاری



منیژه آرمین

عضو شورای سیاستگذاری  
و دبیر سرمایه



محسن حسن‌پور

عضو شورای سیاستگذاری  
و دبیر تصویرسازی



مسعود نجابتی

عضو شورای سیاستگذاری  
و دبیر طراحی گرافیک



عبدالرحیم سیاهکارزاده

دبیر اجرایی



اردشیر میرمنگره

دبیر بخش تجسم هنر (استان‌ها)



محمد حبیبی

دبیر بخش ایثار و فداکاری



سیدمسعود شجاعی طباطبایی

عضو شورای سیاستگذاری  
و دبیر کارتون و کاریکاتور



طاهر شیخ‌الحکمایی

عضو شورای سیاستگذاری  
و دبیر مجسمه



علی‌اشرف صندوق‌آبادی

عضو شورای سیاستگذاری  
و دبیر خوشنویسی



جاسم غضبانپور

عضو شورای سیاستگذاری



احسان آقایی

دبیر بخش آینده در آینده



پریسا شاد قزوینی

عضو شورای سیاستگذاری  
و دبیر بخش مقالات



مینا صدری

عضو شورای سیاستگذاری



محمد مهدی رحیمیان

دبیر عکاسی



رضوان صادق‌زاده

دبیر نقاشی



امیر طهماسبی

دبیر نگارگری



سید نظام‌الدین امامی‌فر

دبیر رسانه‌های هنری جدید

## داوران

عکاسی	 مجید ناگهی	 کریم متقی	 فرهاد سلیمانی	 علی هاشمی شهرکی	 پیمان رحیمی زاده	 علی خدایی	تصویرسازی
کارتون و کاریکاتور	 غلامعلی لطیفی	 جواد علیزاده	 بهمن عبدی	 یدالله کابلی خوانساری	 امیراحمد فلسفی	 احمد عبدالرضایی	خوشنویسی
مجسمه	 ایرج محمدی	 بهروز دارش	 محمد بهرامی	 آزاده گنجه	 فرشته عالمشاه	 کریم اله خانی	رسانه های هنری جدید
نقاشی	 آرمان یعقوب پور	 یعقوب عمامه پیج	 کاظم چلیپا	 هیربد همت آزاد	 احدالله شکری پور	 کوروش آریش	سرامیک
نگارگری	 محمد نباتی	 حسین عصمتی	 بهمن شریفی	 علی وزیریان	 مصطفی گودرزی	 کوروش پارسانژاد	طراحی گرافیک





---

طوبای زرین  
The Golden Touba

---



The Golden Tooba is the competition section of the Fajr Festival of Visual Arts, held in the fields of: illustration, calligraphy, new art media, ceramic, graphic design, photography, cartoon and caricature, sculpture, painting and Persian painting following the publication of the notice.

The Golden Tooba is the main body of the Fajr Festival of Visual Arts, and the winners of this event take home the Golden Tooba Statuette. In this section, the winning oeuvres are selected by three judges in the presence of the relevant section's secretary.

399 works from 368 artists went on display at the 14th Fajr Festival of Visual Arts in the Golden Tooba Exhibition.

طوبای زرین، بخش رقابتی جشنواره هنرهای تجسمی فجر است که در رشته‌های: تصویرسازی / خوشنویسی / رسانه‌های هنری جدید / سرامیک / طراحی گرافیک / عکاسی / کارتون و کاریکاتور / مجسمه / نقاشی / نگارگری بر اساس فراخوان منتشره برگزار می‌شود. طوبای زرین، بدنه اصلی جشنواره هنرهای تجسمی فجر است و برگزیدگان این جشنواره تندیس طوبای زرین را به خانه می‌برند. در طوبای زرین، آثار هر رشته با حضور دبیر، توسط سه داور انتخاب و برگزیده می‌شوند.

در نمایشگاه طوبای زرین چهاردهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی فجر ۳۹۸ اثر از ۳۶۸ هنرمند به نمایش در آمد.

#### تصویرسازی

تعداد آثار: ۷۱    تعداد هنرمندان: ۵۶

نسترن آزاد / مونا آملی / سمیه ابراهیمی / محراب ابراهیمی / سیده حکیمه ابراهیمی بروجنی / هیبت احمدی / آرش احمدی هرچگانی / مریم اخباری / صدیقه ادراکی / شیما ادیب زاده / طه اردی / فاطمه امینی پژوه / مریم انصاری / پریسا اکبری شهرکی / مریم برادران مهدی بیگدلی / سارا توکلی / زهرا جعفری سرابی / نرگس جوشش / مهتاب حاتمی مجومرد / ساناز حامد / یوسف حسن پور محمد مهدی حیدری / هلیا حیدری مقدم / مجید ذاکری یونسی / ریحانه رحیم پور اصفهانی / فریبا رسولی / یاسمن رفیع زاده سیما ریحانی / سمیه زارعی / الهام زمانی / علی زورمند / حسین سلوکی / مریم سادات سیادت / زهره شاه محمدی / هدا شاکر سیده سحر شجاع رضوی / ملیکا شجاعی علی آبادی / نفیسه صالحی بذل / علی عباس نیا / سالار عشرت خواه / منصوره فاطمی قمی فرانک فرزاد ارجمند / مارال فروزش نژاد / ساناز مجتهدی مقدم / سحر محمدی / صبا معصومیان / زاهده معینی منش / سید سعید موسوی / نگین نقیه / فاطمه نیک خواه / محمد نیکوئیان / سمیه هدایت / اعظم واضحی مقدم / نفیسه کثیری / بنت الهدی کریمان

#### خوشنویسی

تعداد آثار: ۶۰    تعداد هنرمندان: ۶۰

پیمان آذری / رحمت آذری فر / حمید احمدی / احمد ارجمندی / وحید اسدی / پیام بهی / فرامرز پالیزبان / رامین تاج بخش داریوش تازش / فرامرز تیمورنژاد / مسعود جان بزرگی / امیر جعفری / معصومه چهاردولی / کاظم خراسانی / اللهیار خوشبختی علی خیری حبیب آباد / مجید داستانی / امیر دانش مراغی (دانشومند) / علیرضا دانشمند / محمد هادی دبیر / مهسا دواچی احمد رجبی / فروغ رجبی ویشکایی / محمد جواد رحمتی شهرضا / طیبه رضانی کهنکی / علیرضا زندی دشت بیاض آرمین سرداری فرد مقدم / علی سلطانی / عبدالرحیم شاه حسینی / شهاب شهیدانی / احسان شورورزی / ناصر صادقی / میثم صدری سیدمهدی طاهری / مصطفی عابدینی / محمد عبدالهی / محمد حسین علوی / رحمان غلامی / محمد فاتح نطنزی / محمد مهدی فرهنگی سحر فرید / سمیرا فغانی / محمد مهدی فیروزی / مریم فیض پور / امیر قادری / جواد لنگری / حمید مجیدی / نفس (نفیسه) محمدی نسترن مختاری / مائده مدادی / شمس الدین مرادی / رویا مرادیان / سید نجف مسعودی / مهدی منصوری / حبیبه موسوی چرندابی زهرا میرائی / تیمورعلی (امیر) نوروزی / فهیمه ولیزاده / ایمان وکیلی مطلق / نصیر کوثری

**رسانه‌های هنری جدید**

**تعداد آثار:۱۲   تعداد هنرمندان:۱۲**

امیر احمدی آهنگرنژاد (ویدئو آرت) / سعید ارغوانی (پرفورمنس آرت) / علیرضا امین مظفری (پرفورمنس آرت) / فاطمه باقری (ویدئو آرت) فاطمه زمانپور (چیدمان) / محمد زندسلیمی (ویدئو آرت) / سهند سرحدی (ویدئو آرت) / محسن سه چوبی (چیدمان) الهه عبدالله زاده (ویدئو آرت) / مرضیه غلامشاه ماهانی (چیدمان) / صمد قربان زاده (ویدئو آرت) / راضیه گودرزی (ویدئو آرت)

**سرامیک**

**تعداد آثار:۲۵   تعداد هنرمندان:۲۱**

حسام الدین آرمان / اشکان اختر / نسرین اسمی / ارغوان جابری ملایری / لیلا جیریانی شراهی / زهره حاجی زاهدی / هانیه حاجی میرزا هانیه دولو / بابک دیده ور / نفیسه رحیمی / محمدرضا رونده / فتح الله زیارتی / فاطمه سعادتمند / هنگامه صالح زهتاب زینب صباغیان / نجمه عبداللهی / سید رضا قائمی اوره / الهام قاهری / سپیده محمدی / فهیمه محمدی / بهاره مختاری

**طراحی گرافیک**

**تعداد آثار:۳۴   تعداد هنرمندان:۲۸**

فرشته آرام بن / محمد افشار / حمید اقدسی یزدلی / یوسف امیدیان / مهران پندار / علیرضا پوراکبری / محمد جمشیدی حسین چمن خواه / علیرضا حاجی رحمانی / سید مهدی حسینی / وحید حقی تومتری / امیر خالقی / علیرضا خدامرادی مریم دباغ زاده دزفولی / زینب ربانی خواه / محمد روح الامینی / سید علی ساجدی / پویا سرابی / احمد عزیزپور / محمدرسول عسگری حمید قربان پور / روح الله مختاری / حامد مغروری / سید مهدی میرحیدری / محمدرضا میری / میثم نامدار حسین یوزباشی / محمدرضا چیت ساز (هیئت هنر) / محسن نصرالله (هیئت هنر) صادق لطفی زاده (کارگاه طراحی سه در چهار) / مجید کشاورز/(هیئت هنر) / محمدرضا چیت ساز (کارگاه طراحی سه در چهار)

**عکاسی**

**تعداد آثار:۴۳   تعداد هنرمندان:۳۹**

علی ابک (عکاسی مستند) / فرشید احمدپور (عکاسی مستند) / غلامرضا احمدی (عکاسی مستند) / ماردین احمدی (عکاسی هنری) علی اسدالهی سوته (عکاسی مستند) / یگانه اسفندیاری نیا (عکاسی هنری) / بهرام بیات (عکاسی مستند) ابراهیم ترک زاده(عکاسی مستند)/ شاپور حاتمی(عکاسی هنری)/ مجید حجتی (عکاسی هنری)/سیدمحمدصادق حسینی(عکاسی مستند) آناهید خزیر (عکاسی هنری) / حامد خلیلی (عکاسی مستند) / فرناز دمنابی (عکاسی هنری)/ حسن دهقان دوست (عکاسی هنری) امین رحمانی (عکاسی مستند) / لیلا رضوانفر (عکاسی مستند) / احمد زعفری هشجین (عکاسی مستند) / زهره صابری (عکاسی مستند) ندا صفتکار صفاری (عکاسی هنری) / محمد عباسی (عکاسی مستند) / جابر غلامی (عکاسی مستند) / مجتبی فخری (عکاسی مستند) محمد تقی فکوری نیا (عکاسی مستند) / سعید قاسمی (عکاسی مستند) / صابر قاضی (عکاسی مستند) / صمد قربان زاده (عکاسی هنری) مهدی محبی پور (عکاسی مستند) / سیده نیلوفر محمودیان (عکاسی هنری) / محمد مظفری (عکاسی هنری) علیرضا معصومی (عکاسی مستند) / سبجان مهدی زاده (عکاسی مستند) / ساسان مویدی (عکاسی مستند) امیرحسین نامی (عکاسی هنری) / سید متین هاشمی (عکاسی مستند) / مهرداد واحد یوسف آباد (عکاسی مستند) اکرم کاظمی پور خبازی (عکاسی هنری) / مهدیه کرمانی (عکاسی مستند) / محمد علی کنار کناری (عکاسی مستند)

**کارتون و کاریکاتور**

**تعداد آثار:۲۹   تعداد هنرمندان:۲۷**

هیبت احمدی (کارتون) / بهرام ارجمندنیا (کارتون) / محمد حسین اکبری سیستانی (کارتون) / اسماعیل بابایی (کارتون) فاطمه باقری هفشجانی (کارتون) / علیرضا پاکدل قوشخانه (کارتون) / علیرضا پاکدل قوشخانه (چهره) / مجید جان بزرگی (کارتون) میثم جعفرخانی (چهره) / محسن جعفری نعیمی (کارتون) / احسان چراغی ایرانشاهی (کارتون) / رسول حاجی زاده میراشرفی (کارتون) حمیدرضا حیدری صفت (چهره) / مرضیه خانی زاده ابیانه (کارتون) / سجاد رافعی (کارتون) / محمدباقر رنجبر (چهره) احمدرضا سهرابی (کارتون) / علی شعبانی (کارتون) / جلیل صابری (چهره) / داود صفری (کارتون) / منصوره فاطمی قمی (چهره) امین فامیل باغستانی (چهره) / معصومه مسیب خواه (کارتون) / امین منتظری (کارتون) / علی میرایی (کارتون) / باقر همتی (کارتون) مهدیه کلانتری (کارتون) / ژاله یوسفی نژاد (کارتون)

**مجسمه**

**تعداد آثار:۲۸   تعداد هنرمندان:۲۸**

نسیم ابوالقاسم / بهادر احسانی / رحمان احمدی ملکی / عرفان بی باک / محمود(کیوان) پورنصری نژاد / هادی پیروی / فاطمه چگینی علی حاجی مرادی / حسین حسن شاهی / یزدان دلیری / احسان رحمانی طاحونه / منا رضائی / معصومه روستا / نسرین شاپوری آذر الهام شکری / ونوشه شکری / محمد علی شیخ الحکمایی / زهرا شیخ الحکمایی / زهرا صفری / فرشته قاسمی / رضا قره باغی احسان گرمسیری / حاجیمراد گرمسیری / مرسلده گونه / روزبه نعمتی شریف / ملیسا ولی پور / فائزه کرمی آورزمان / ایمان یزدان پژوه

**نقاشی**

**تعداد آثار:۵۸   تعداد هنرمندان:۵۸**

فریما آذرسینا / ابراهیم اکبری / زهرا به نژاد / شهرزاد بیاتی / فرهاد توکلی / زهرا حسین پور / راضیه حسینی / سیدرضا حسینی یاسمن خالقی / ریحانه خدابنده / شادی دادخواه / روزبه دبیری / هانیه دوامی / یلدا رحمانی راغب / مرضیه رزاقی / فاطمه رسا محمدجواد زارع مهذبیه / سمیه زارعی / اعظم ساردویی نسب / مصطفی سرورپان / یغما سروشه / الهام سلطانمحمدی فریبا سلطانی علی آباد / سالی سمیعی کاشی / شیما شریفی کوشا / مهدی شعبانی رضی / حسن شکری / لطیف شکری / مریم شیخی محمدرضا شیروانی زاده / ایمان صادقی / سپیده صادقی / سمیه صادقی پری / مریم صفری / گلنار صمیمی / سعید عاشوری مسعود عسگری مبین / فرهود فیض ده / فاطمه فیلی / ابوطالب قادری / سیدعلی قافله باشی / سجاد گمار / پریا مالمیر آمنه محسنی / هلیا مروتی / شقایق مشکانی شاهسوارانی / فرناز مطلوبی / اردوان منظم / نوید ندائی / اکرم نصیری زاده / بهزاد نقاش علیرضا نیکزاده / سپیده وزیری / عارفه وفا / نیکو وقری مقدم / بهنام ولدوند / فائزه کرمی نوری / آرش یاسمن پور

**نگارگری**

**تعداد آثار:۳۸   تعداد هنرمندان:۳۸**

محمدرضا آقامیری / سهیلا اسکندری / فضل الله افشار / دنیا امام حسینی / وحیده بدیعی / زینب تورانلو / بتول ثابتی قهفرخی سهیلا جاهد ساری نصیرلو / صابر حلوانی / غزاله خانی / حدیثه دوستی / سمانه دوستی نیا / حسین رزاقی / مژگان رضائی فاطمه رمضانی دیزکوهی / سارا رهبر / محیا زارع / ابوالفضل زیلویی / هادی ساعت ساز / حبیب الله سوخته‌سرایي / زهرا سیدان / رعنا شریلو / عاطفه شفیعی / افسانه شهبازی / شیوا شهروزی / مهدی عباس زاده / نازی عظیمی / فاطمه غزالی / مجید فتاحی / هادی فقیهی مجید قاسمی / امیر حسین قلیچ خانی / ستاره قنبری / سهیلا لشکری / شیوا مدنی / فرشاد نادران / سیده فاطمه هندی / فرید هنرور



---

تصویرسازی

Illustration







مریم سادات سیادت / پرندگان را آزاد کن  
Free the birds / Mariam Sadat Syadat













نسترن آزاد / بدون عنوان  
Untitled / Nastaran Azad



نسترن آزاد / بدون عنوان  
Untitled / Nastaran Azad







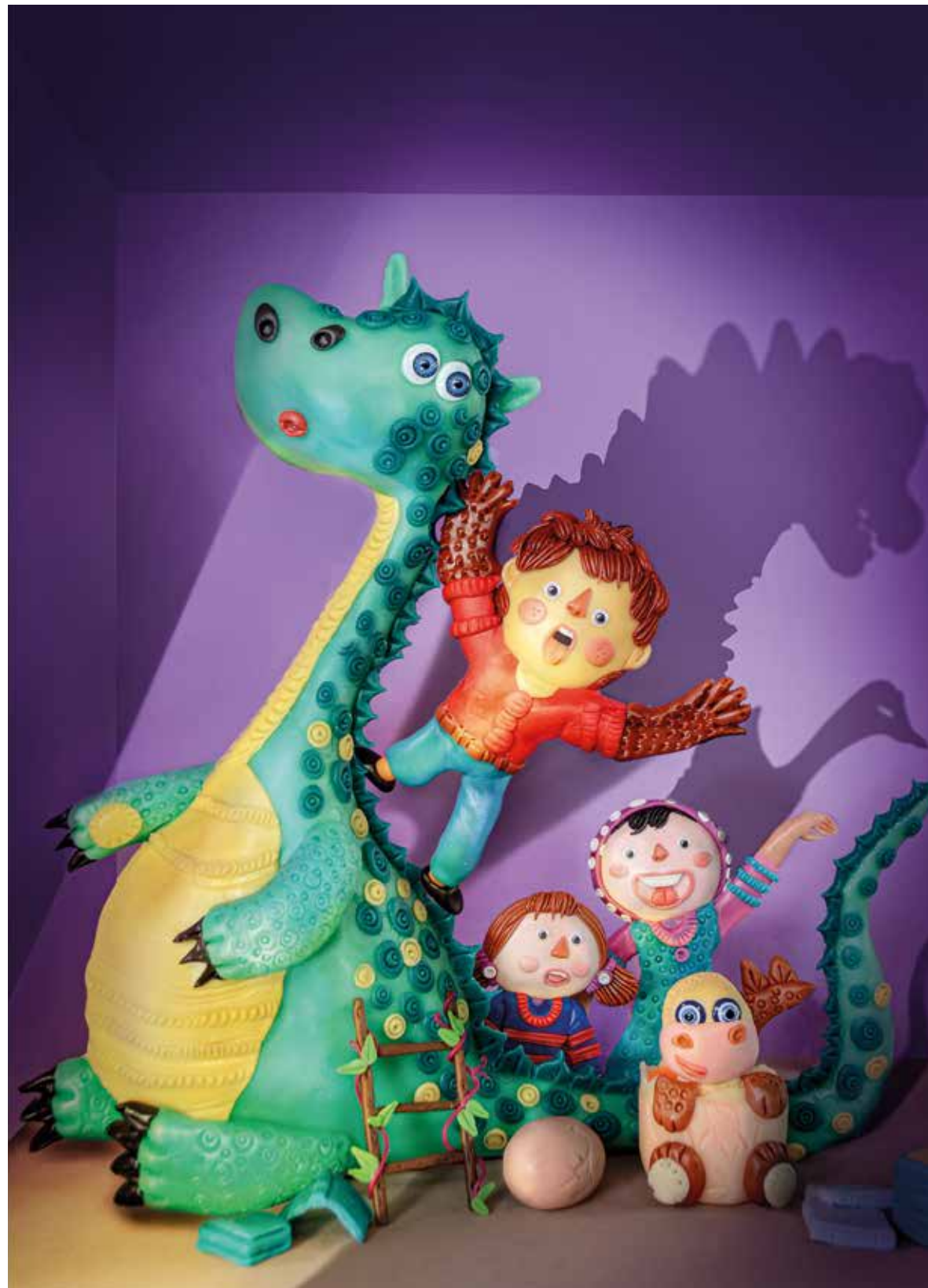


سمیه ابراهیمی / شهر من  
My town / Somayeh Ebrahimi



محراب ابراهیمی / چمنزار  
Grassland / Mehrab Ebrahimi





سمیه ابراهیمی / جشنواره نمایشنامه‌نویسی کودک  
Children Letter Writing Festival / Somayeh Ebrahimi





سیده حکیمه ابراهیمی بروجنی / طاووس زیبا  
 Pretty peacock / Seyedeh Hakmeh Ebrahimi Broojeni

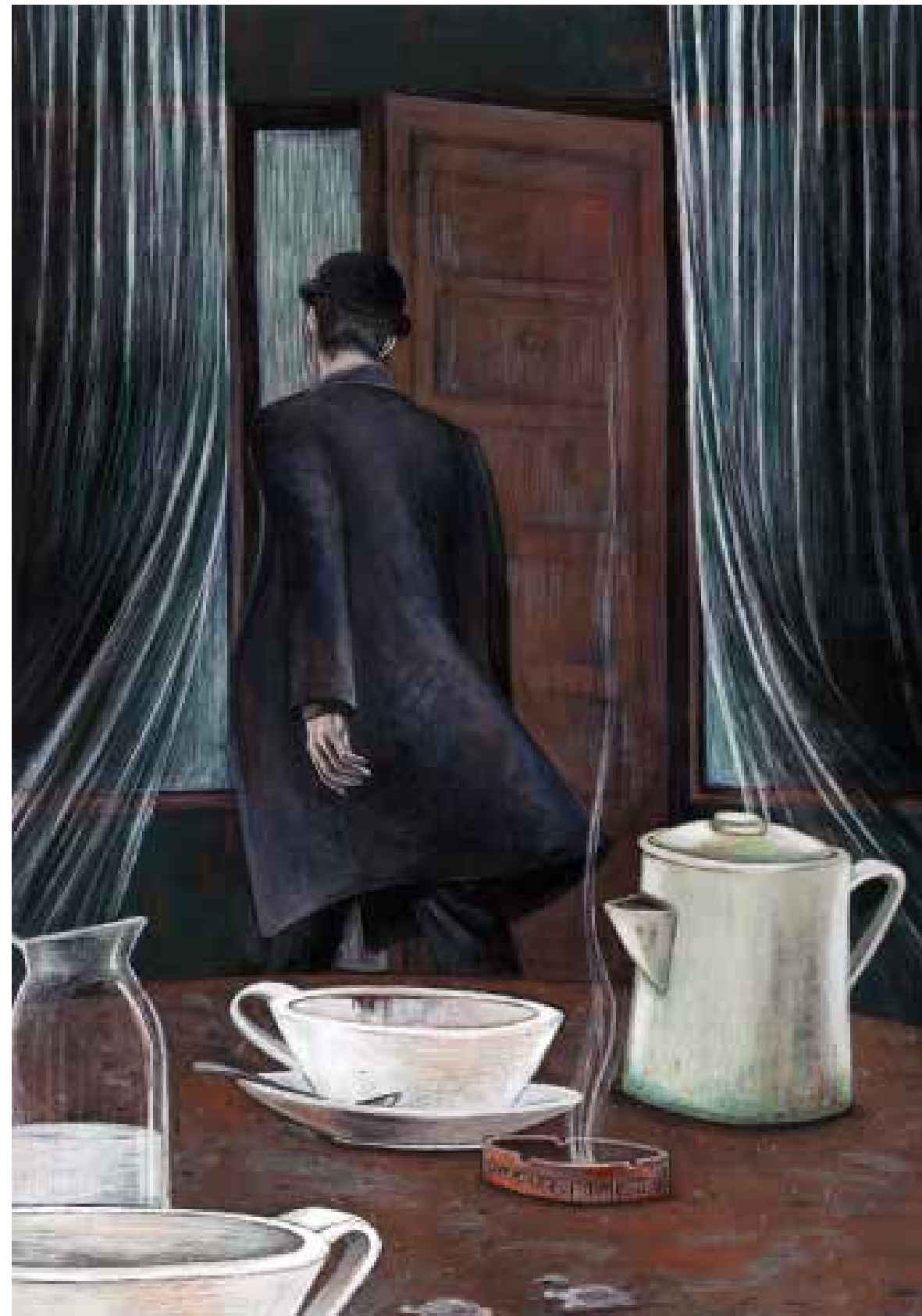








آرش احمدی هرچگانی / بدون عنوان  
Untitled / Arash Ahmadi Harchegani



مریم آخیری / بدون عنوان  
Untitled / Mariam Akhbari





صدیقه ادراکی / خواسته‌های کودکانه / چرا هیچ‌کس دوستم نداره؟  
Why no one loves me? / Childhood desires / Sedigheh Edraki



صدیقه ادراکی / مسیر مدرسه  
The school path / Sedigheh Edraki













فاطمه امینی پزوه / اطعام  
Feeding / Fatemeh Amini Pajoooh

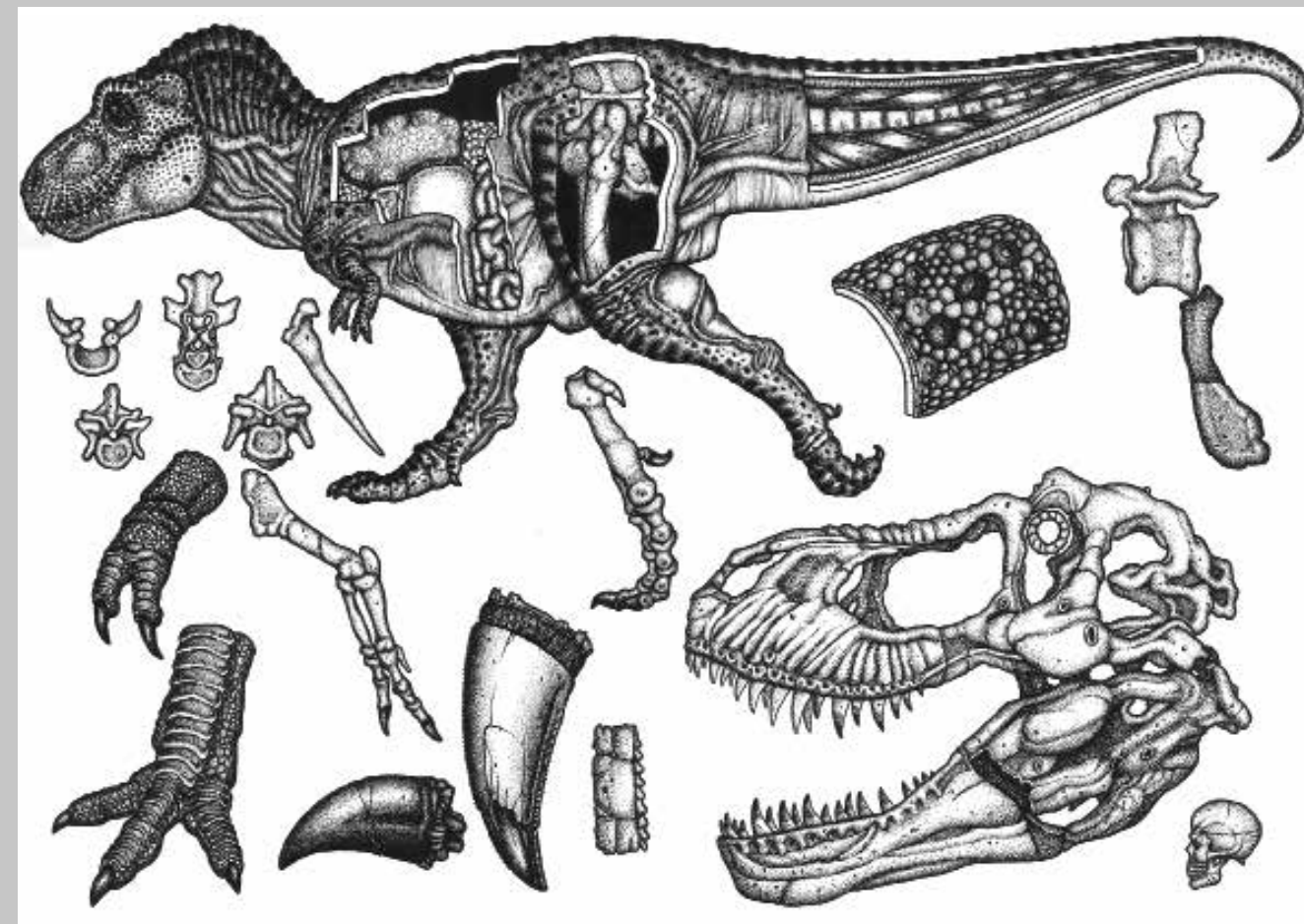
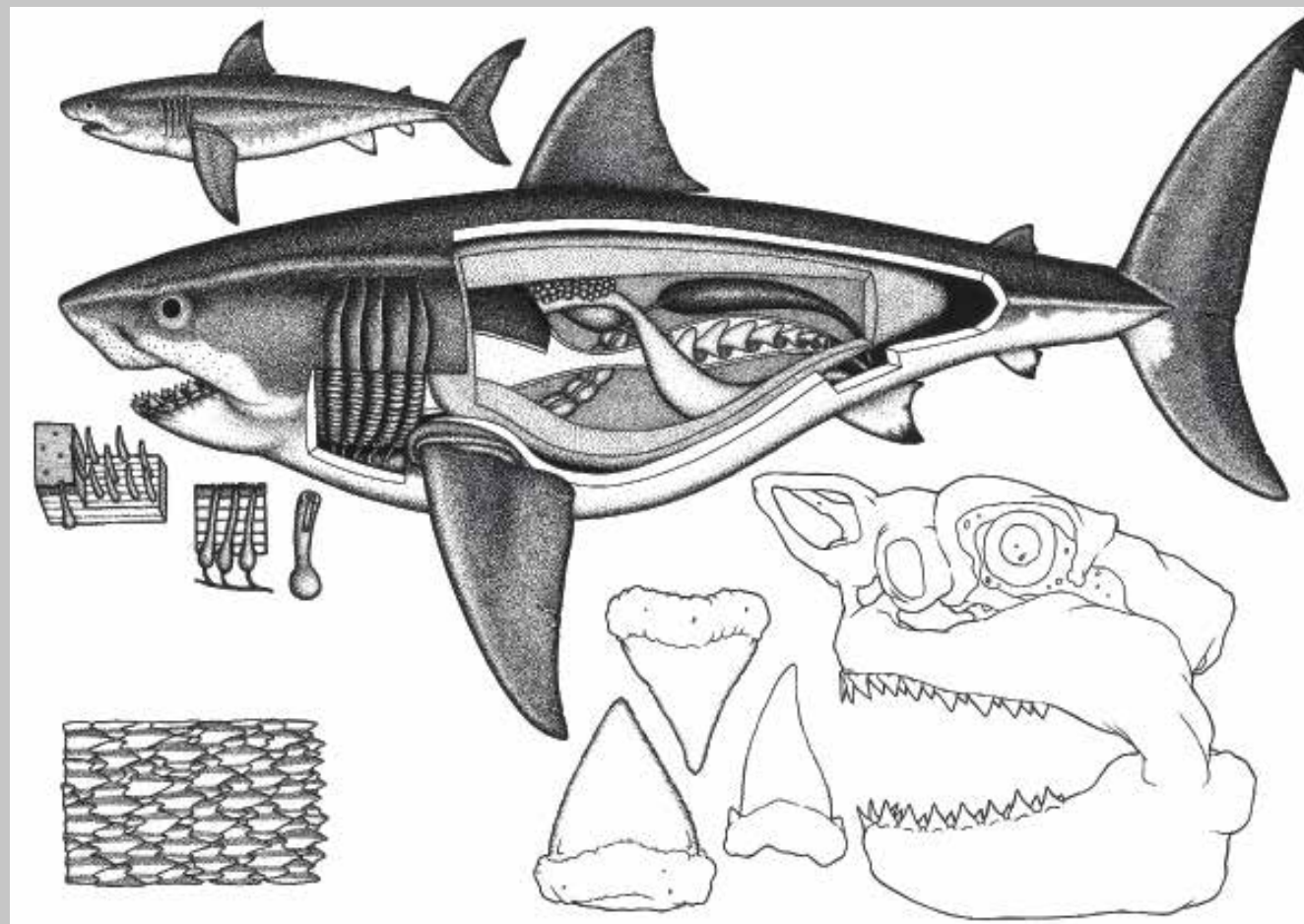
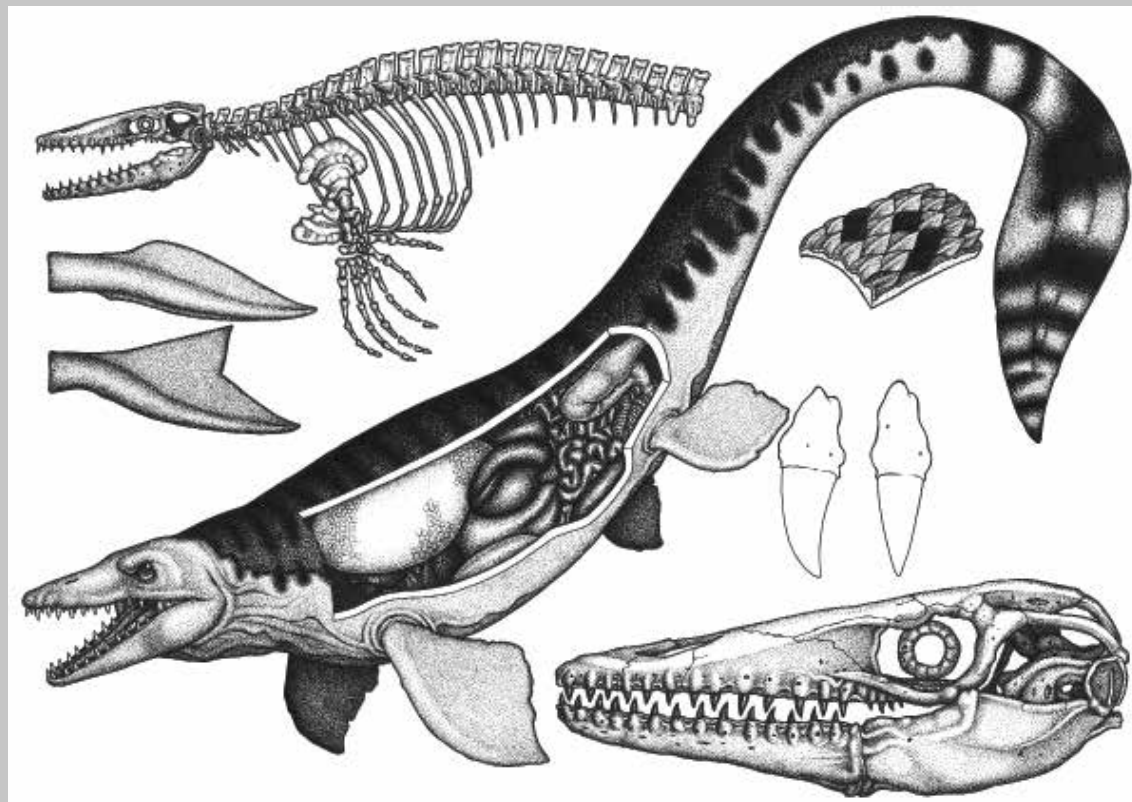


فاطمه امینی پزوه / دویدم و دویدم  
I ran and ran / Fatemeh Amini Pajoooh













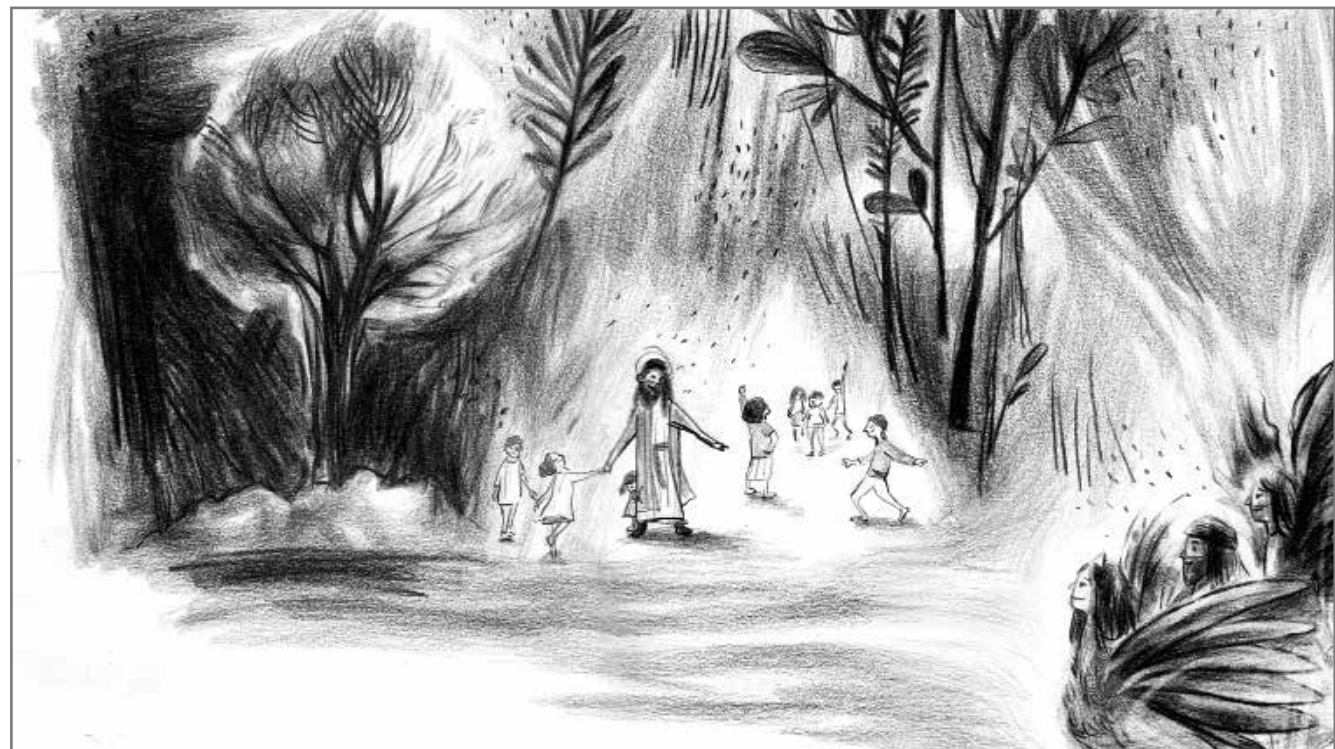






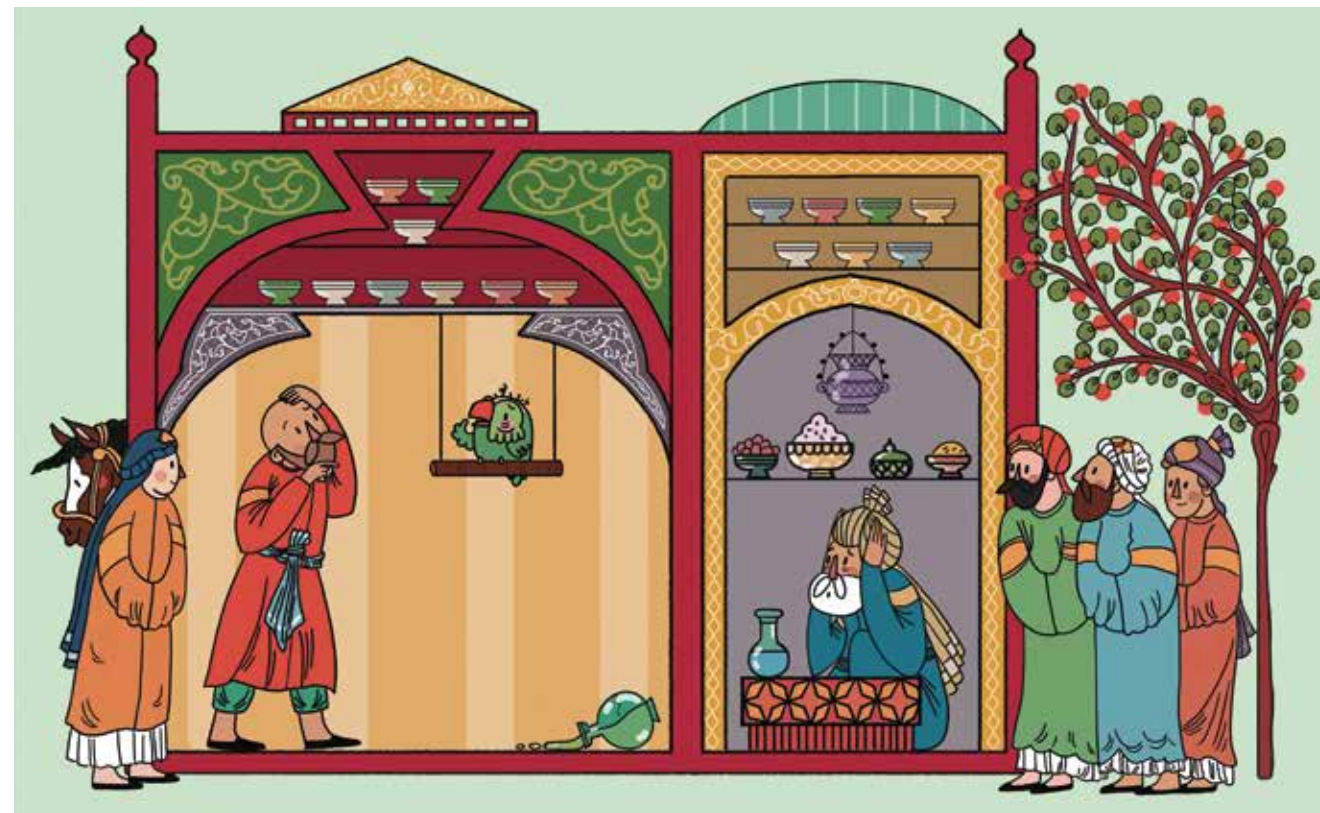


زهرا جعفری سرابی / معراج پیامبر-دیدار با حضرت ابراهیم  
The prophet's ascension-meeting with Abraham / Zahra Jaffari Sarabi



زهرا جعفری سرابی / معراج پیامبر-دیدار با حضرت ابراهیم / دیدار با یراق  
meeting with Boraq / The prophet's ascension-meeting with Abraham / Zahra Jaffari Sarabi









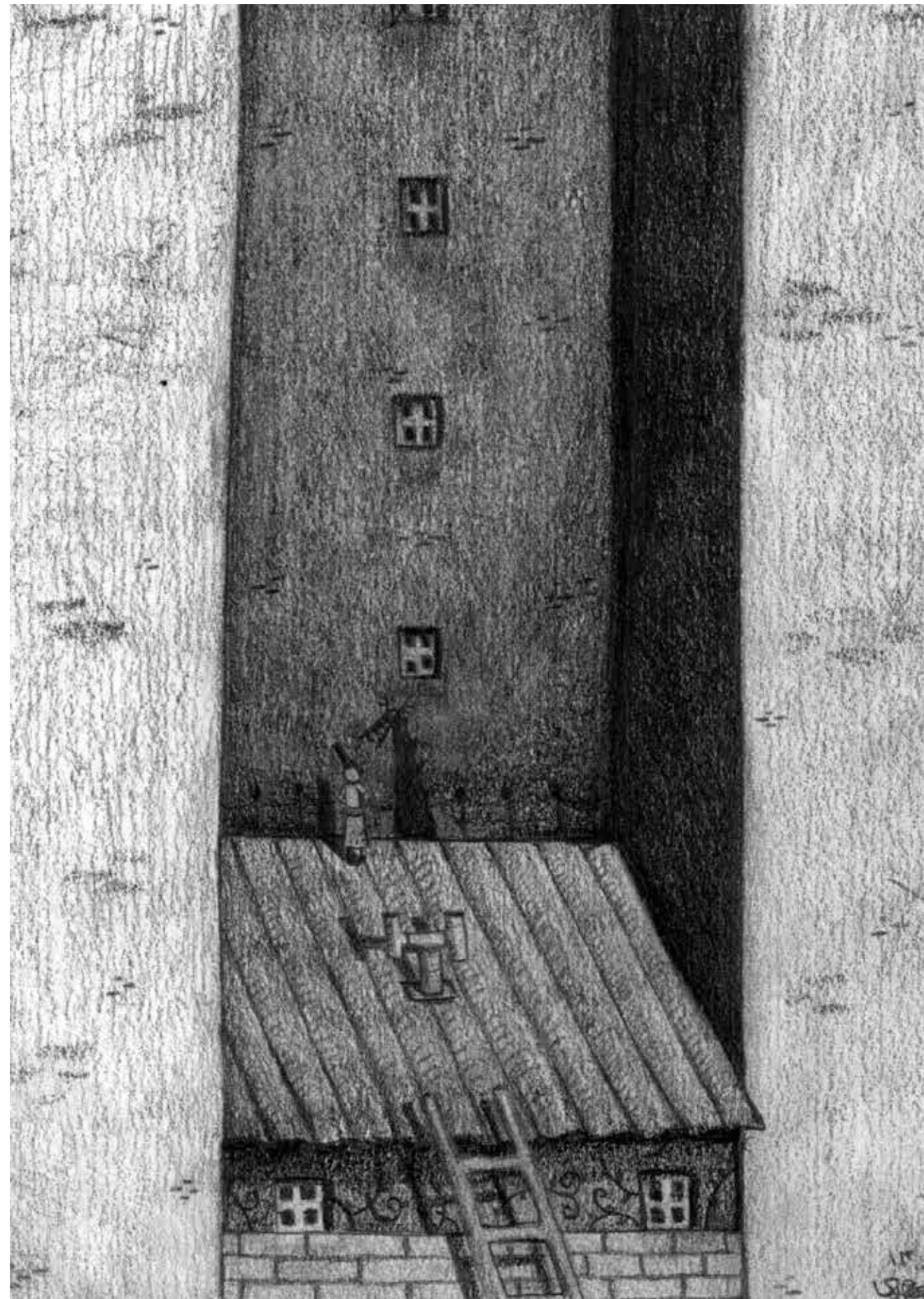








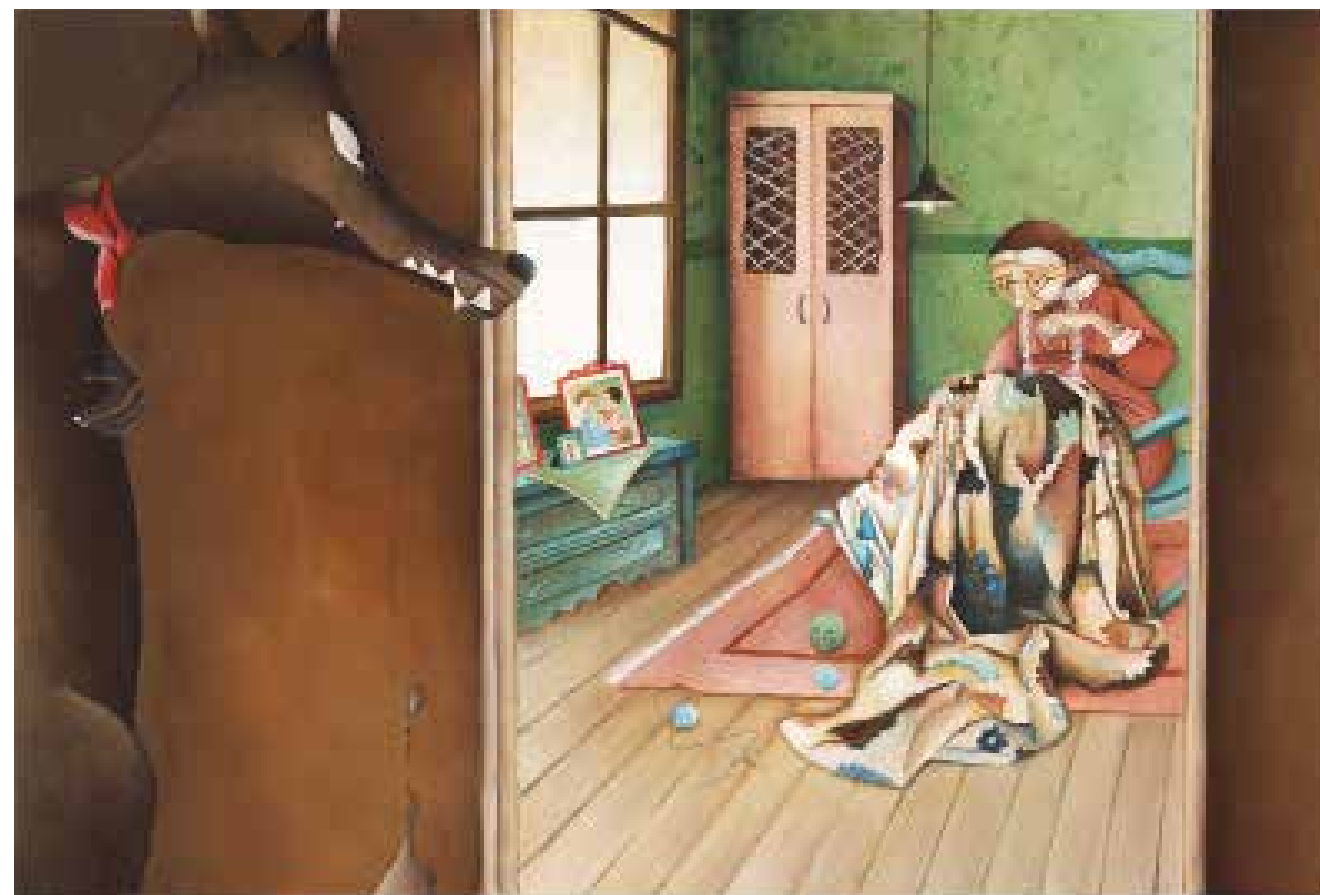
محمدمهدی حیدری / ملاقات بامدادی با شب / رژه روز یکشنبه  
The Sunday March / A morning meeting with night / Mohammad Mahdi Heidari



محمدمهدی حیدری / دودکش  
The chimney / Mohammad Mahdi Heidari















سیما ریحانی / لباس جدید امپراطور  
The Emperor's new cloth / Sima Reyhani



سیما ریحانی / لباس جدید امپراطور  
The Emperor's new cloth / Sima Reyhani





سمیه زارعی / بدون عنوان  
 Untitled / Somayeh Zareie











علی زورمند / عبور  
Passing / Ali Zoomand



هلیا حیدری مقدم / نبرد رستم و اسفندیار  
The battle of Rostam and Esfandiar / Helia Heidari Moghadam







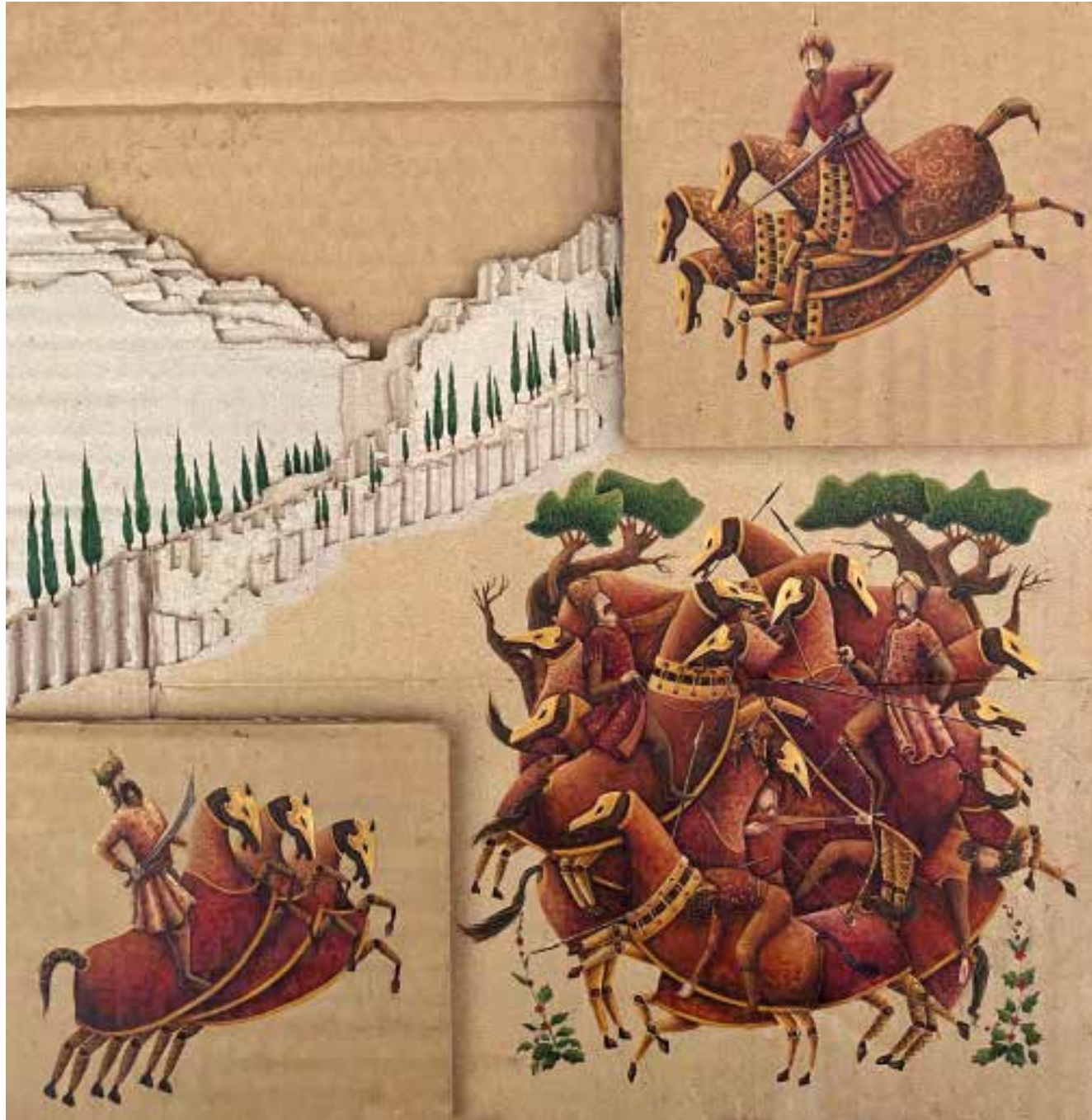


هدا شاکر / برف را رنگ می‌کنیم  
We shall paint the snow / Hoda Shaker



هدا شاکر / پاییز می‌رود  
Autumn will pass / Hoda Shaker





سیده سحر شجاع‌رضوی / جنگ خسرو و بهرام  
Battle of Khosro and Bahram / Seyedeh Sahar Shoja Razavi



ملیکا شجاعی علی‌آبادی / بدون عنوان  
Untitled / Melika Shojae Aliabadi









منصوره فاطمی قمی / مراسم زار  
Zar Ceremonies / Mansooreh Fetemi Ghomi



سالار عشرت‌خواه / کندوان  
Kandovan / Salar Eshratkhah

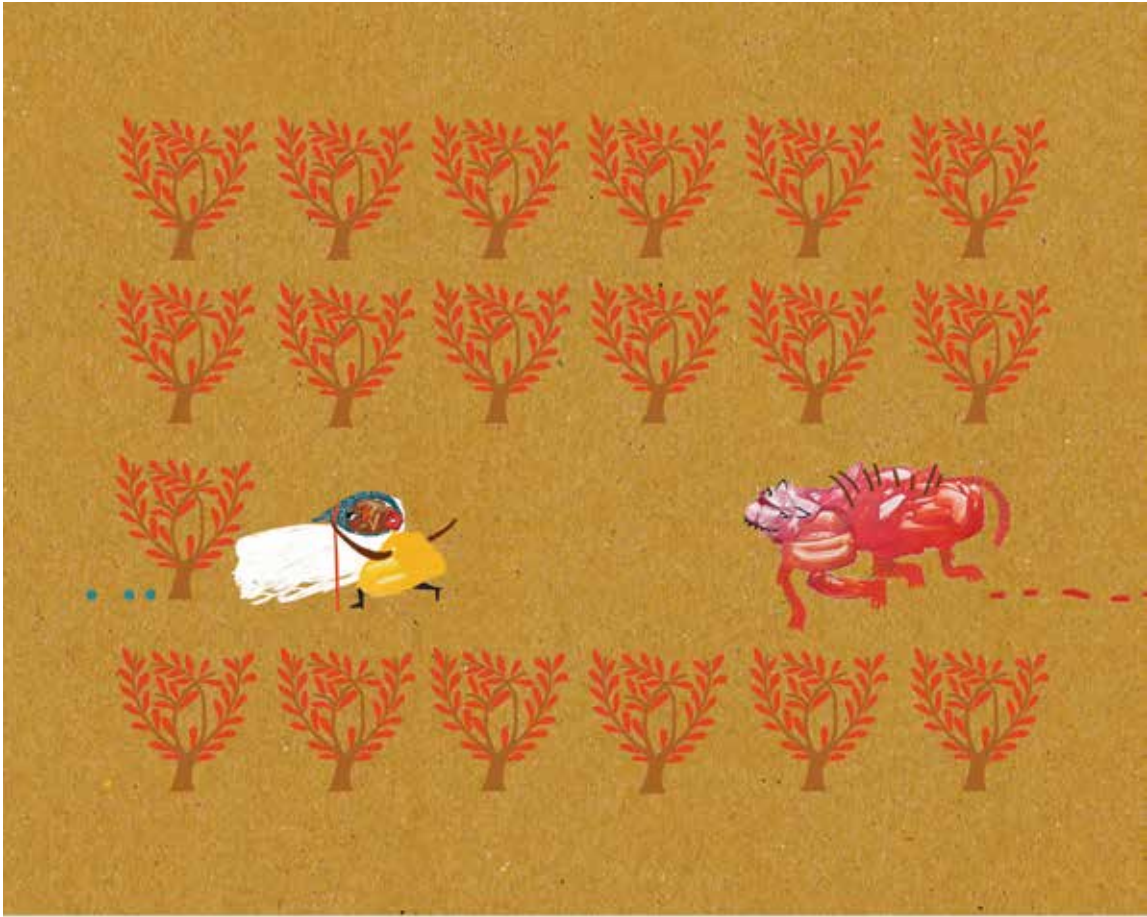
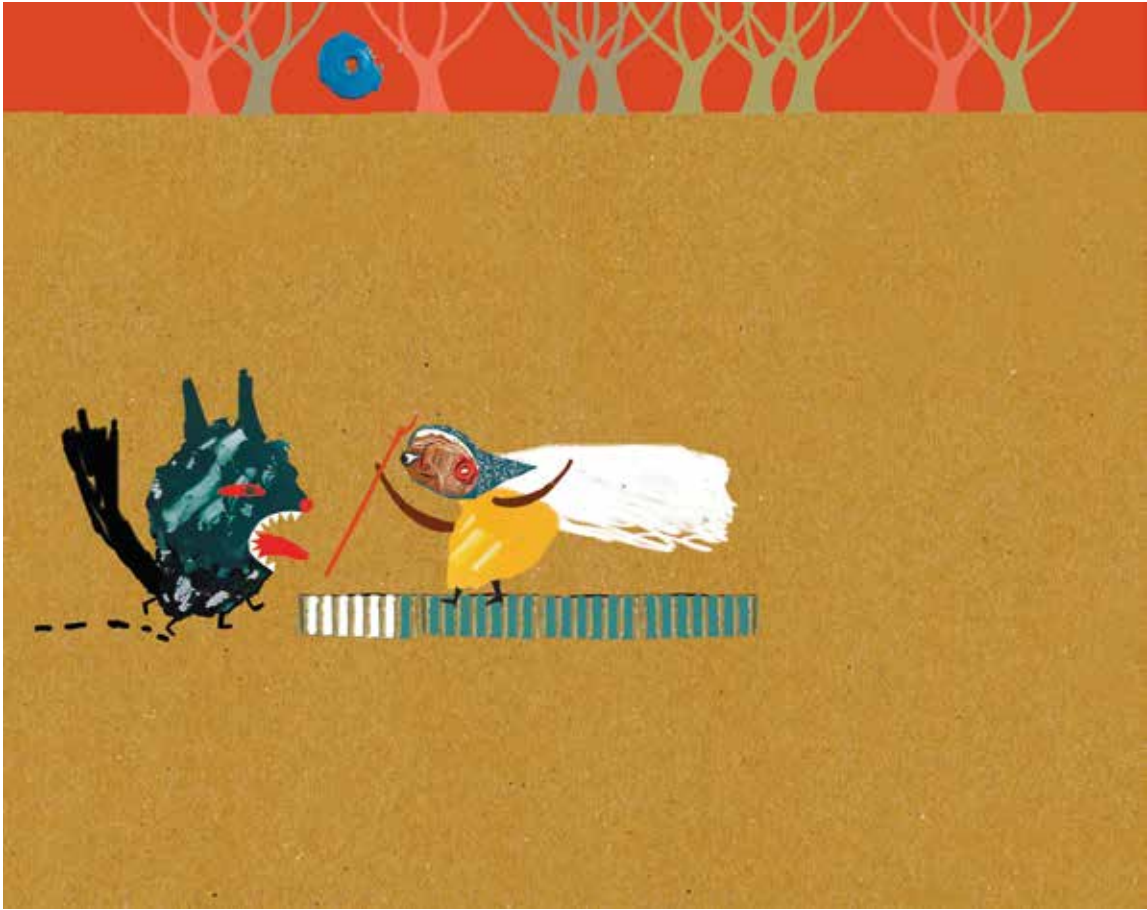




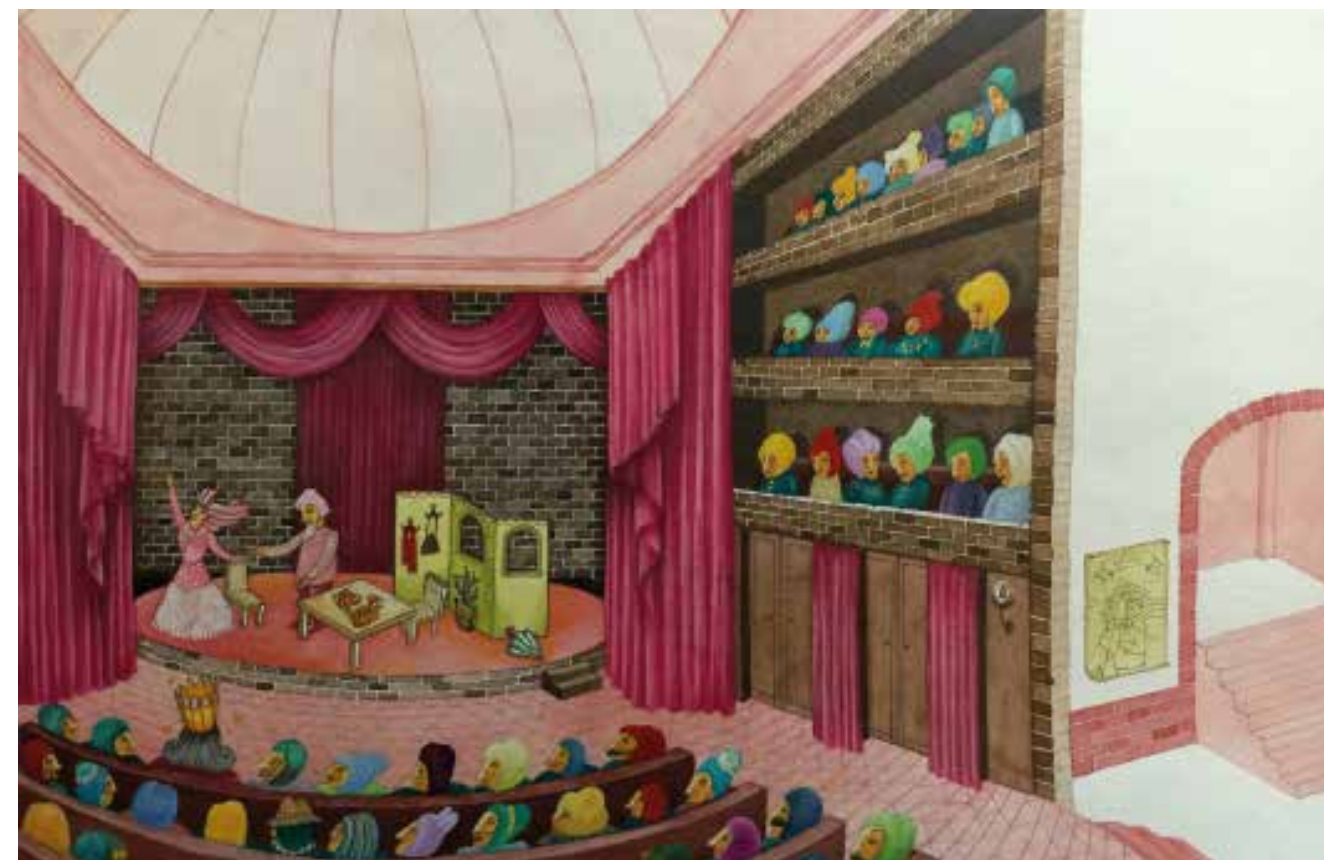




مارال فروش نژاد / کدوی قلقله زن  
Rolly polly pumpkin / Maral Foroozeshnejad



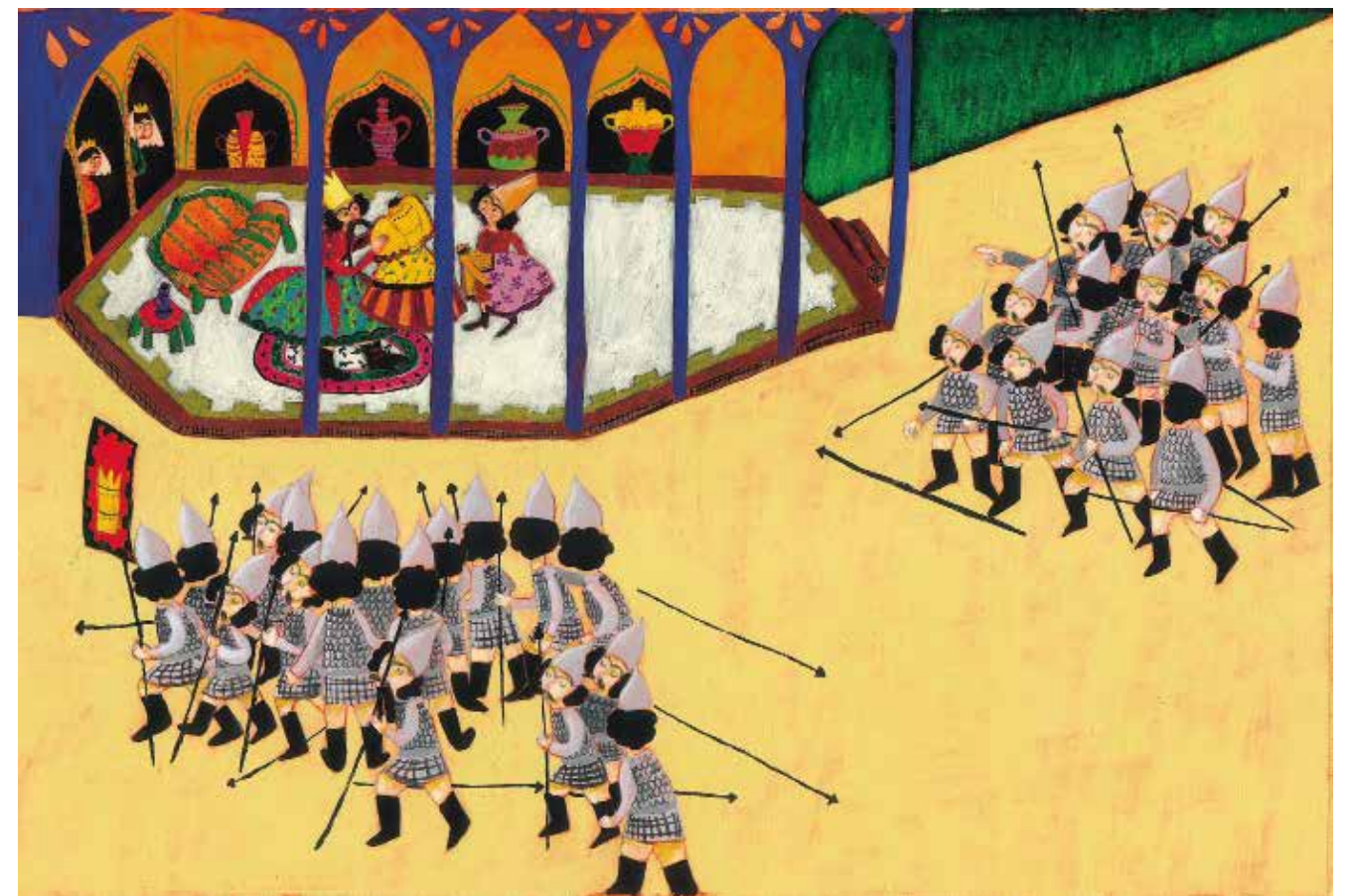








بنت الہدی کریمان / لباس جدید امپراطور  
The Emperor's new cloth / Bentol Hoda Kariman







ساناز مجتهدی مقدم / بدون عنوان  
Untitled / Sanaz Moghaddam



سحر محمدی / بدون عنوان  
Untitled / Sahar Mohammadi





زاهده معینی منش / جاده‌ی تشویش (با نگاهی به داستان بریز قندی)  
The road of anxiety / Zahedeh Moeinimanesh



صبا معصومیان / بدون عنوان  
Untitled / Saba Masoumian





سید سعید موسوی / صلح  
Peace / Seyed Saeed Mousavi



زهره شاه محمدی / هفت خوان رستم  
The seven tasks of Rostam / Zohreh Shah Mohammadi









فاطمه نیک خواه / بدون عنوان  
Untitled / Fatemeh Nikkhah



فاطمه نیک خواه / بدون عنوان  
Untitled / Fatemeh Nikkhah





سمیه هدایت / بدون عنوان  
 Untitled / Somayeh Hedayat



محمد نیکوئیان / بدون عنوان  
 Untitled / Mohammad Nikooian













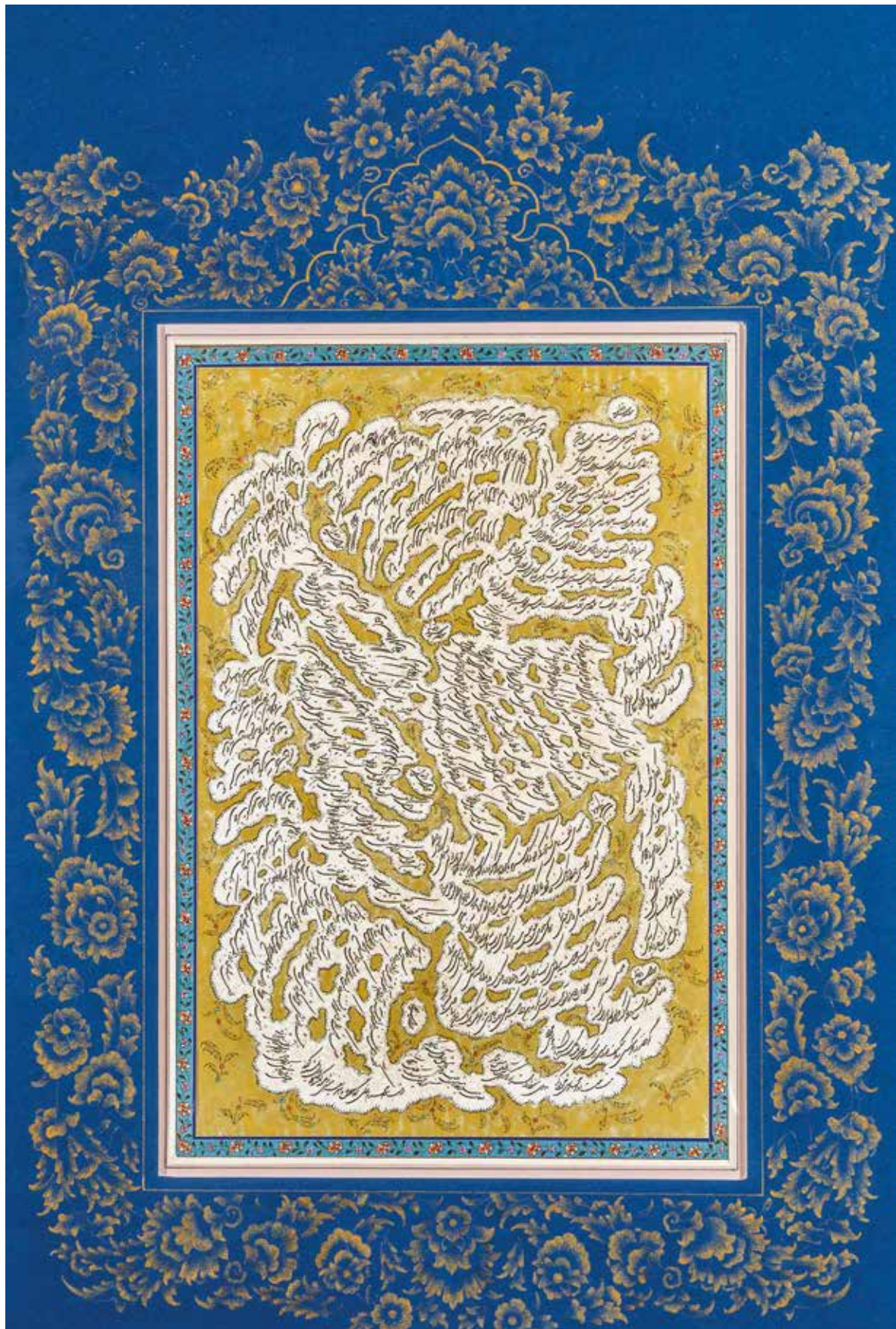
---

خوشنویسی

Calligraphy





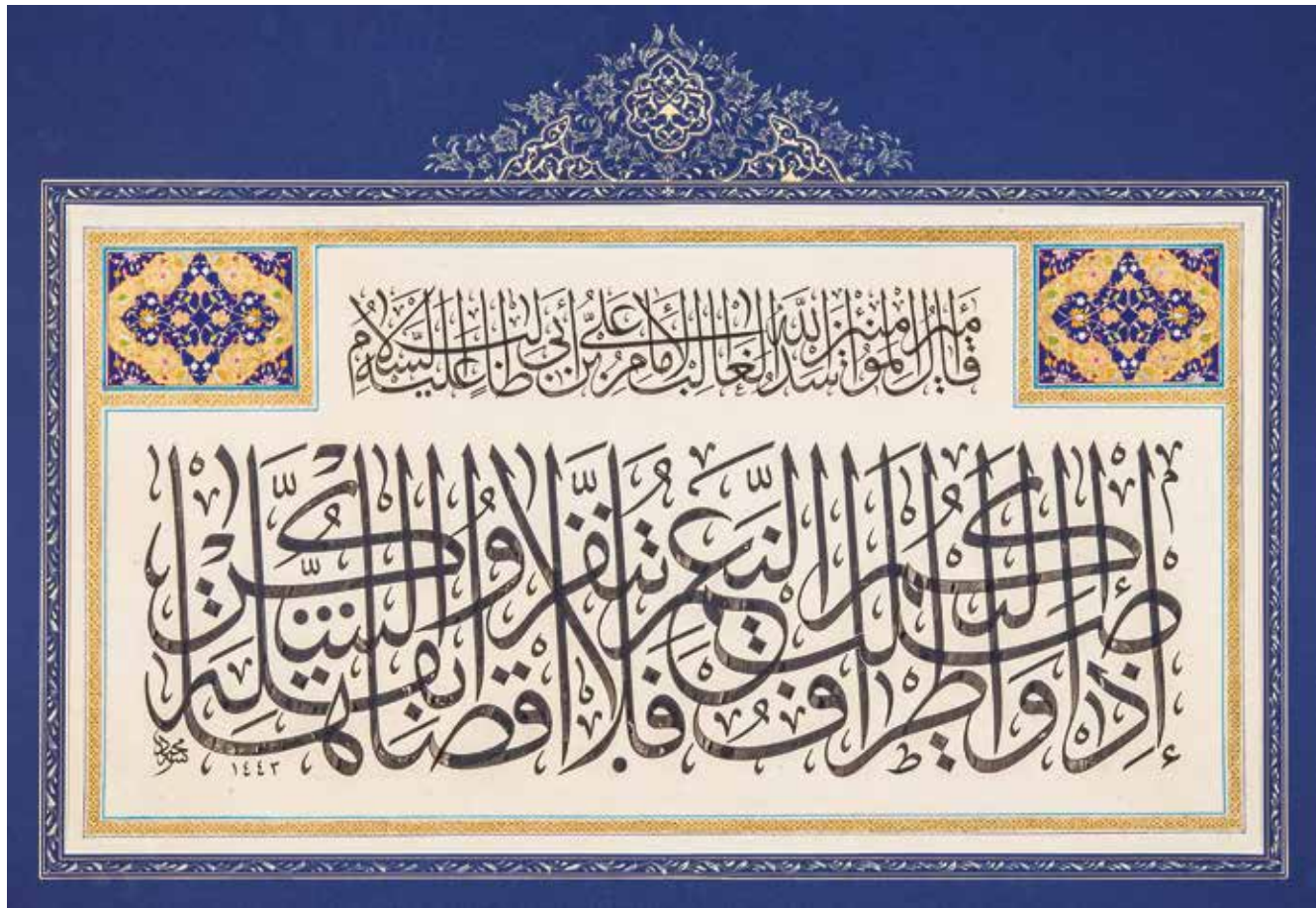


محمد فاتح نطنزی / مولانا غبار  
Our Lord the dust / Mohammad Fateh Natanzi





علی خیری حبیب آباد / ماه فرو ماند از جمال محمد  
The moon was shamed in the beauty of Muhammad / Ali Khayeri Habib Abad

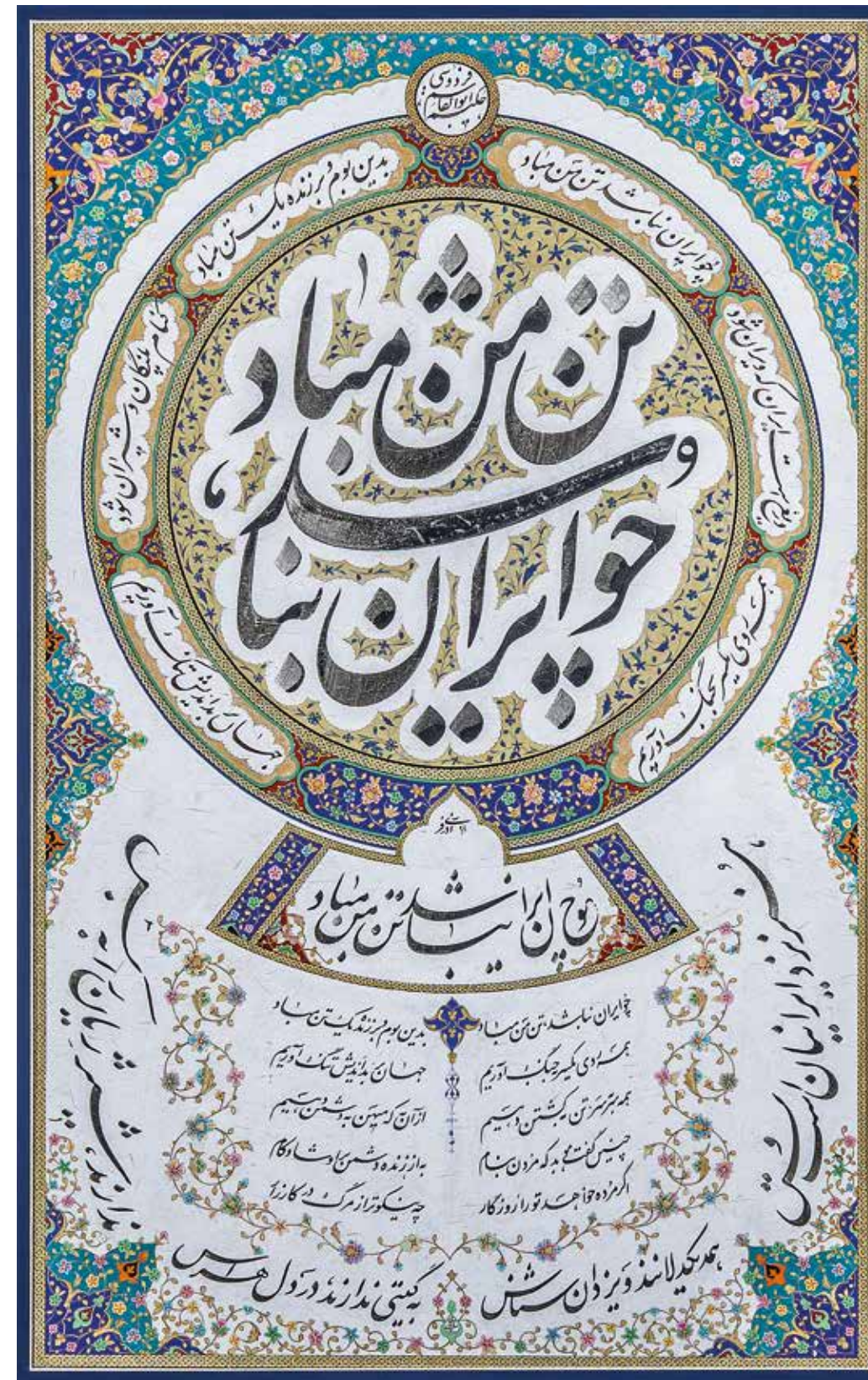
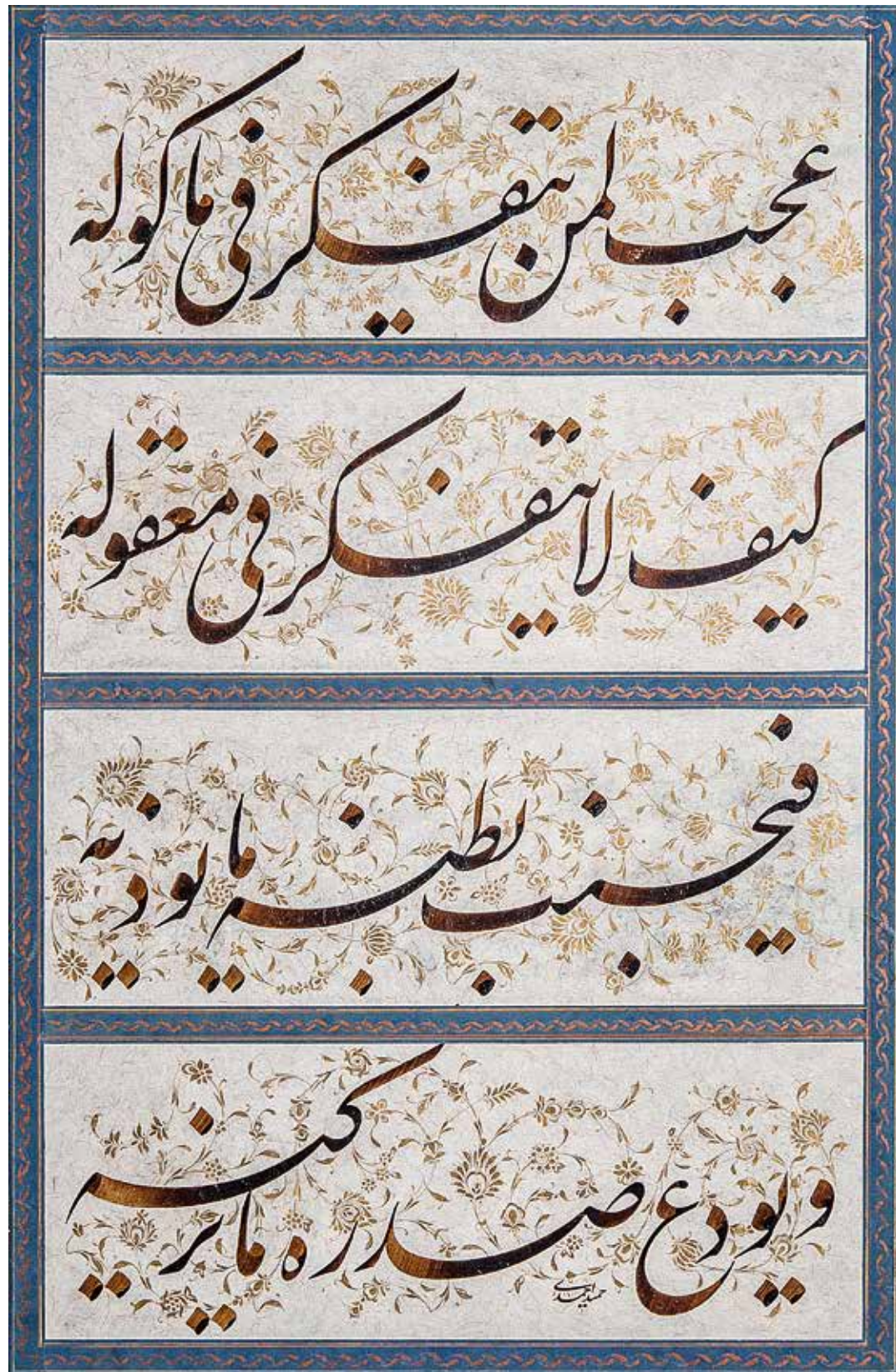


مجید داستانی / نتیجه کم شکری  
The consequence of ingratitude / Majid Dastani













وحید اسدی / عشق  
Love / Vahid Assadi



پیام بهی / مجموعه گل  
Flower collection / Payam Behi

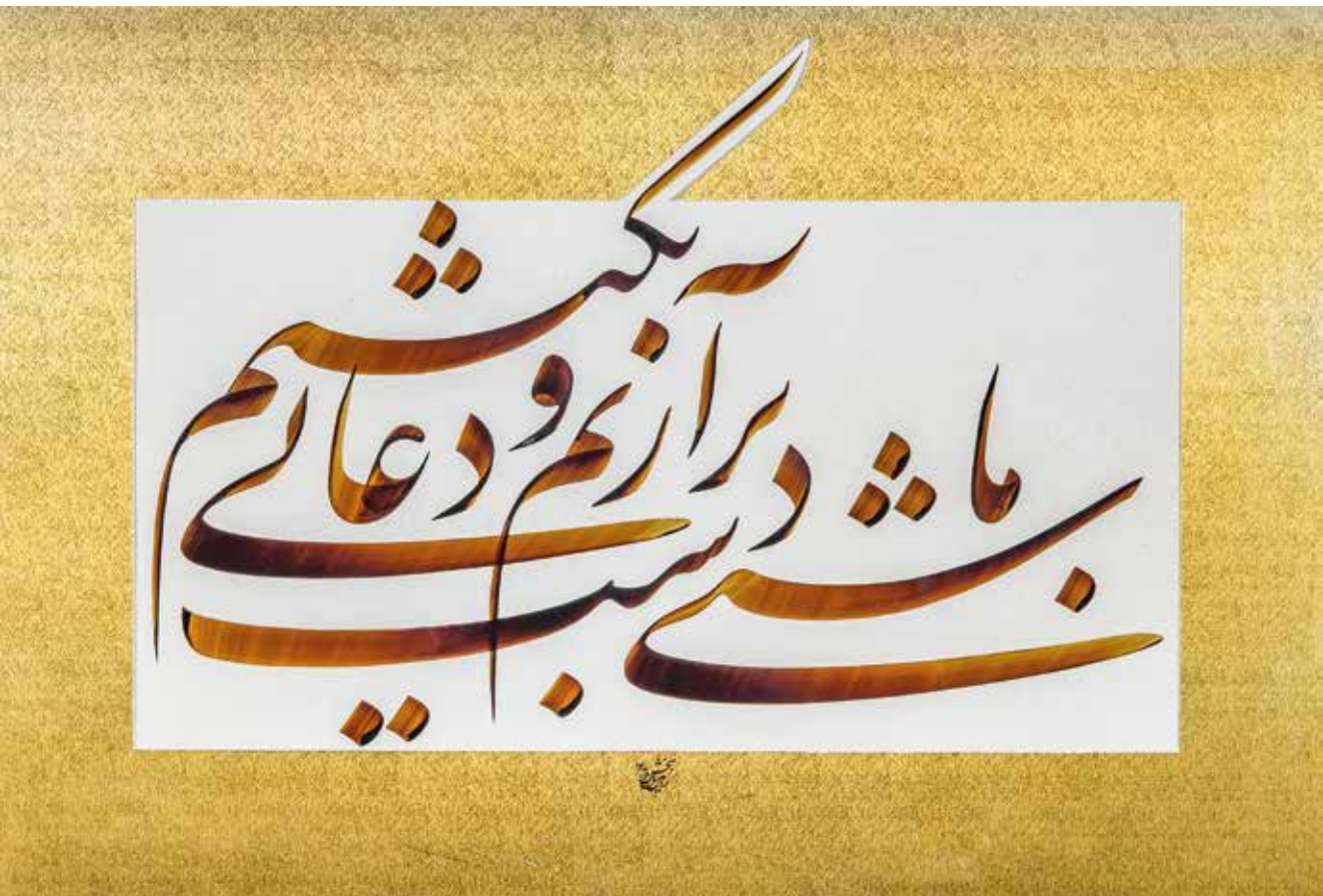








داریوش تازش / بدون عنوان  
Untitled / Darioush Tazesh

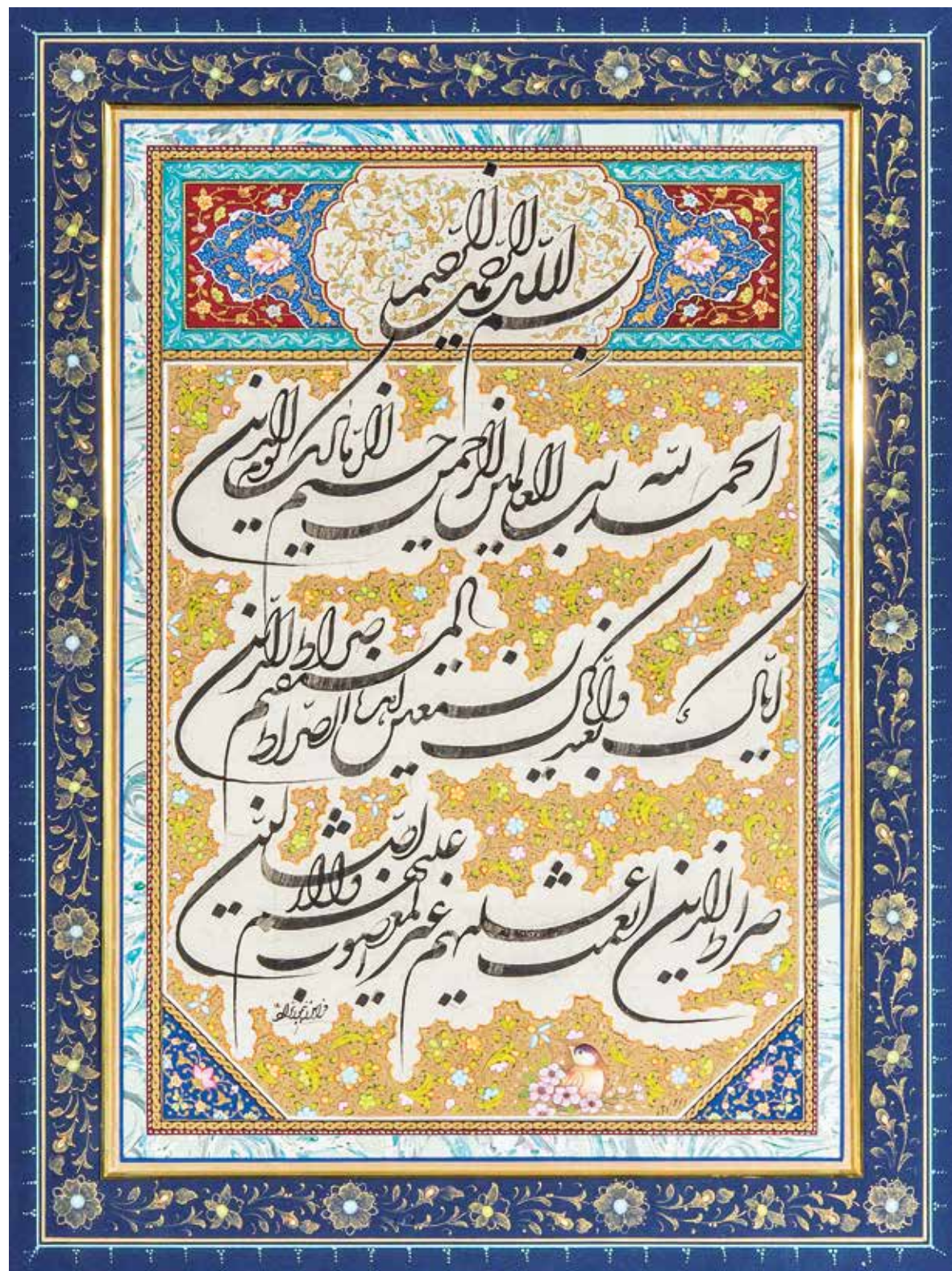


رامین تاج بخش / دعا  
Prayer / Ramin Tajbakhsh



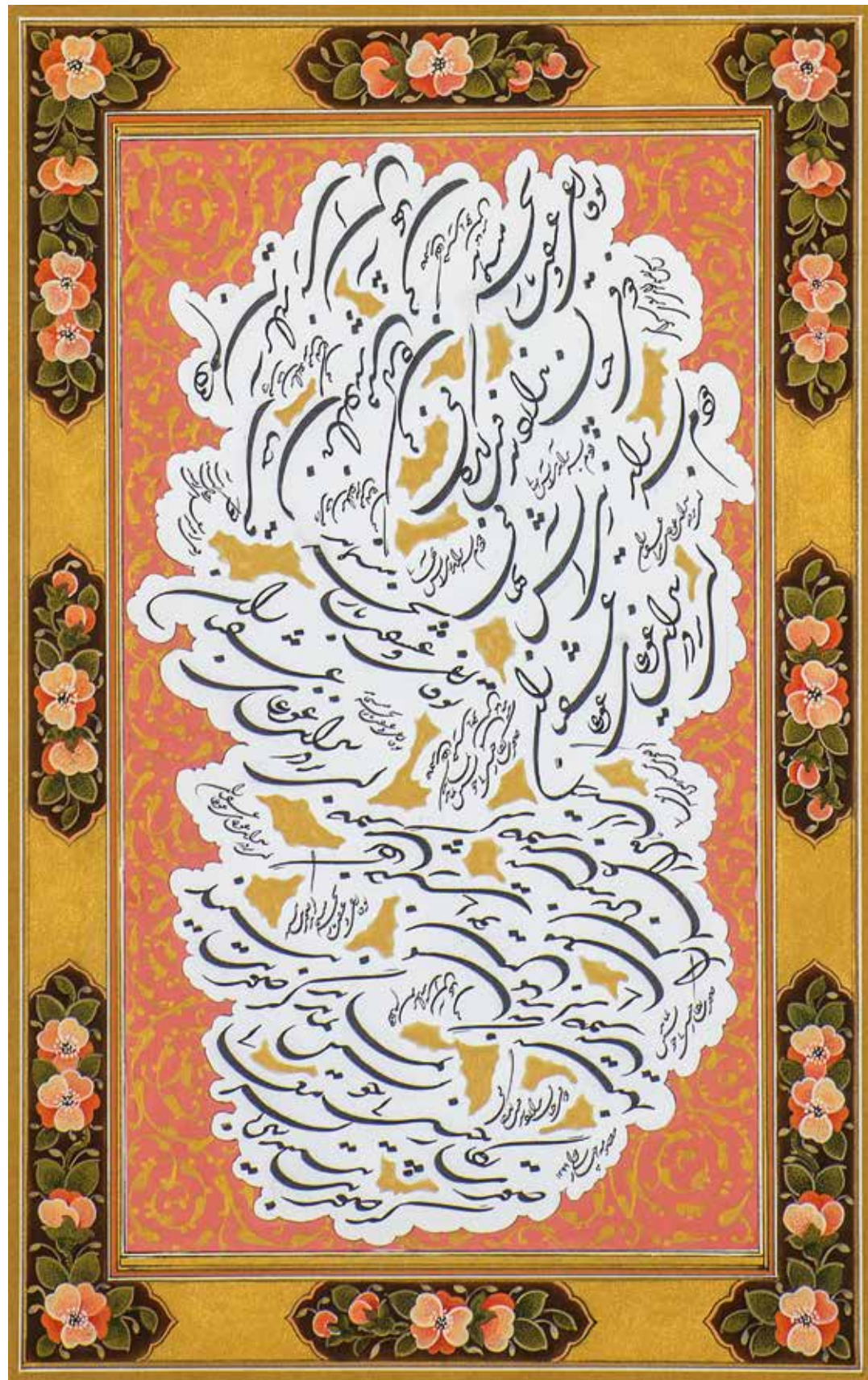


مسعود جان بزرگی / درون آینه  
Inside the mirror / Masoud Jan Bozorgui

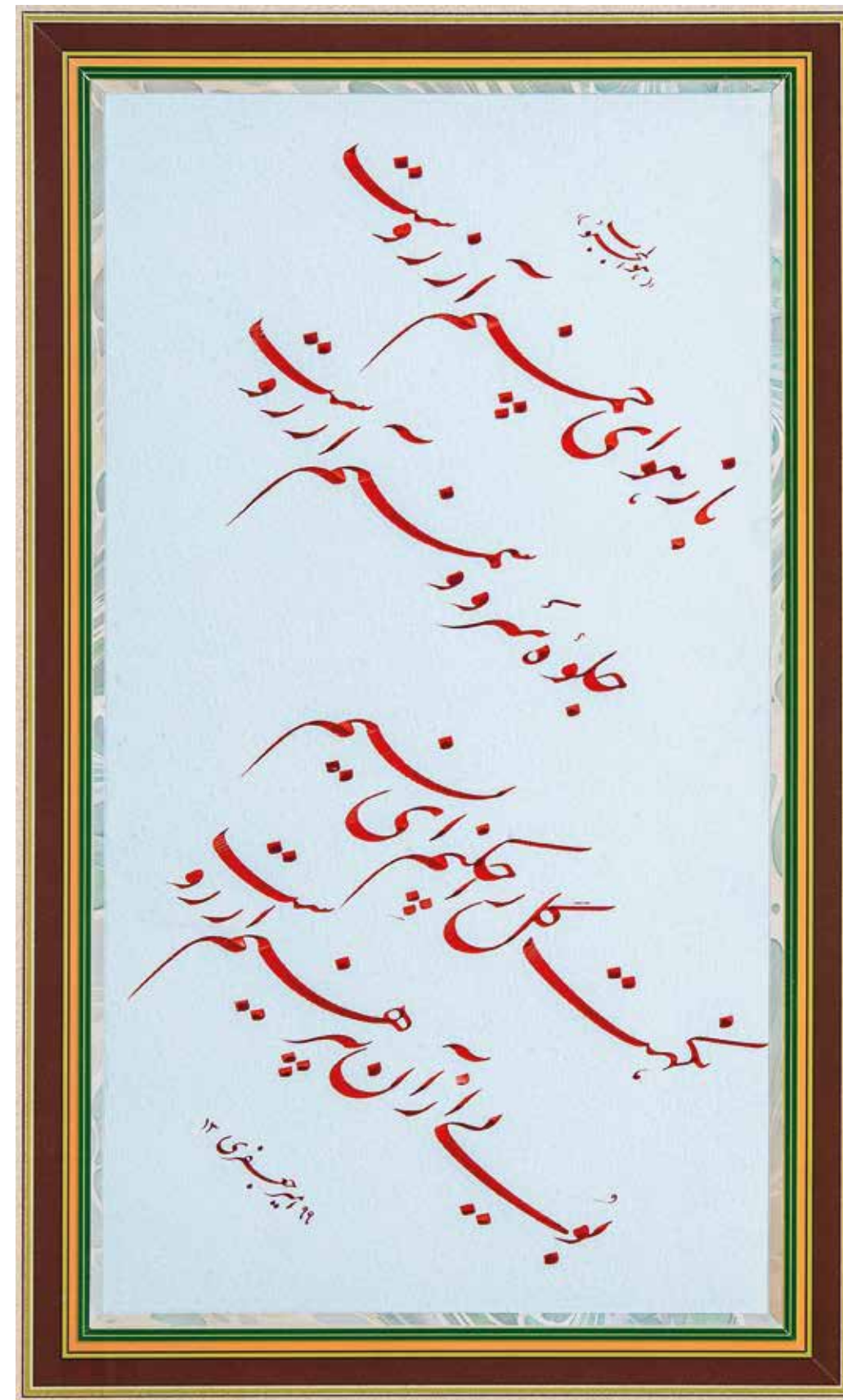


فرامرز تیمورنژاد / سوره حمد  
Surah Al Hamd (the Opening) / Faramarz Teimoorinejad



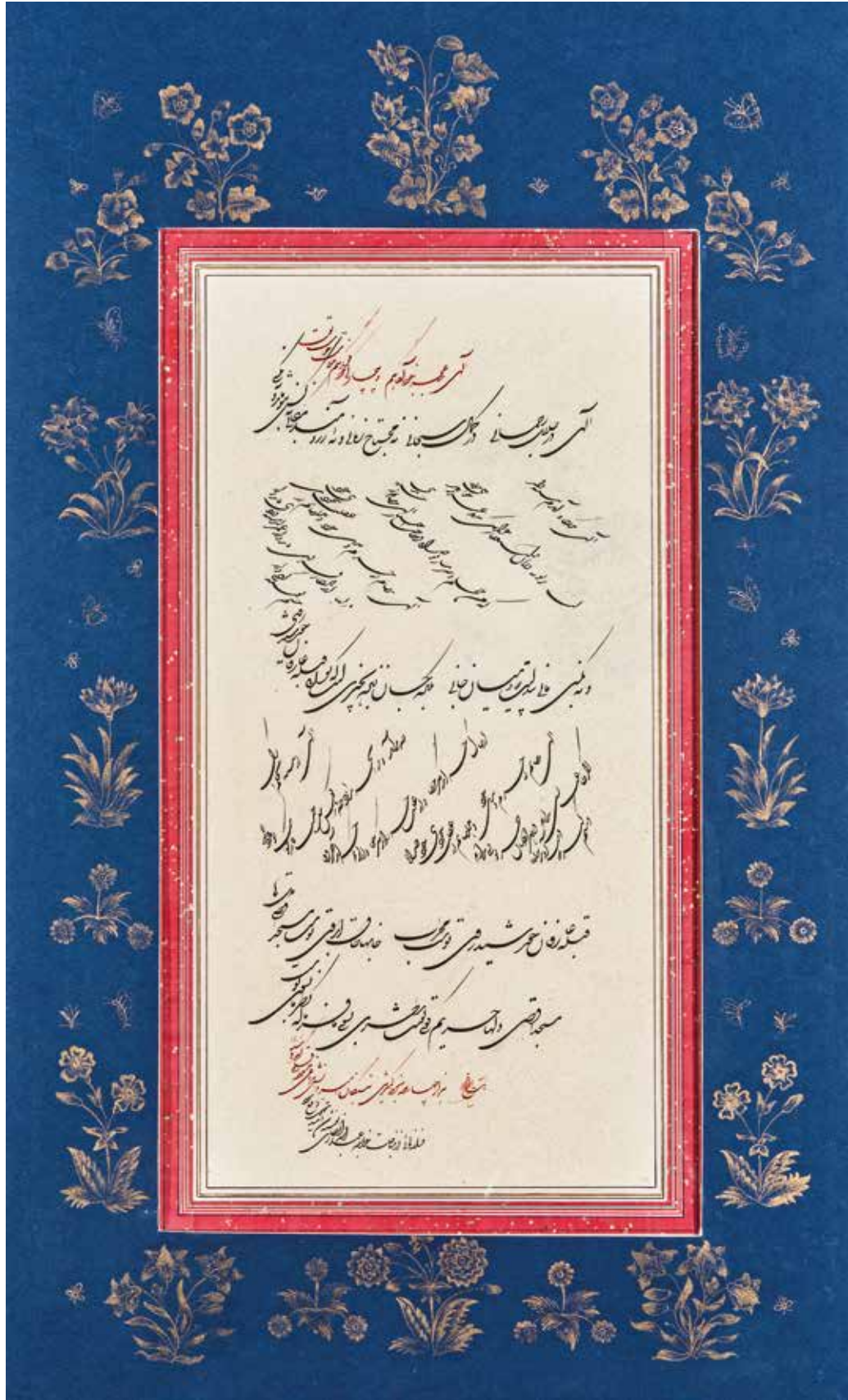


معصومه چهاردولی / غوغای عشقبازان  
The clamor of lovers / Masoumeh Chahardoli



امیر جعفری / باز هوای چمنم آرزوست  
I yearn for the grass once more / Amir Jaffari



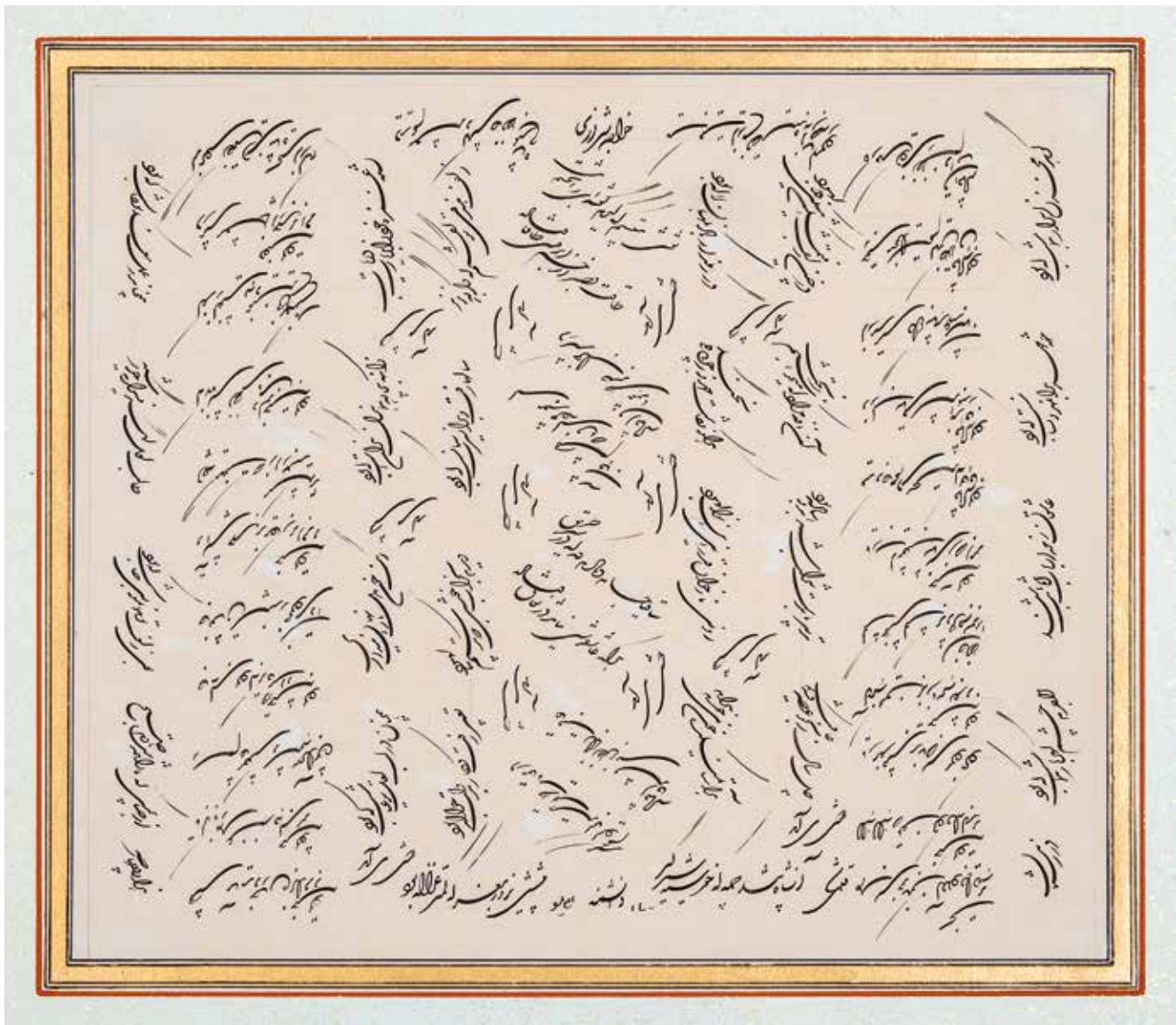


امیر دانش مراغی (دانشومند) / مناجات نامه  
Prayer Letters / Amir Danesh Maraghi (Daneshomand)

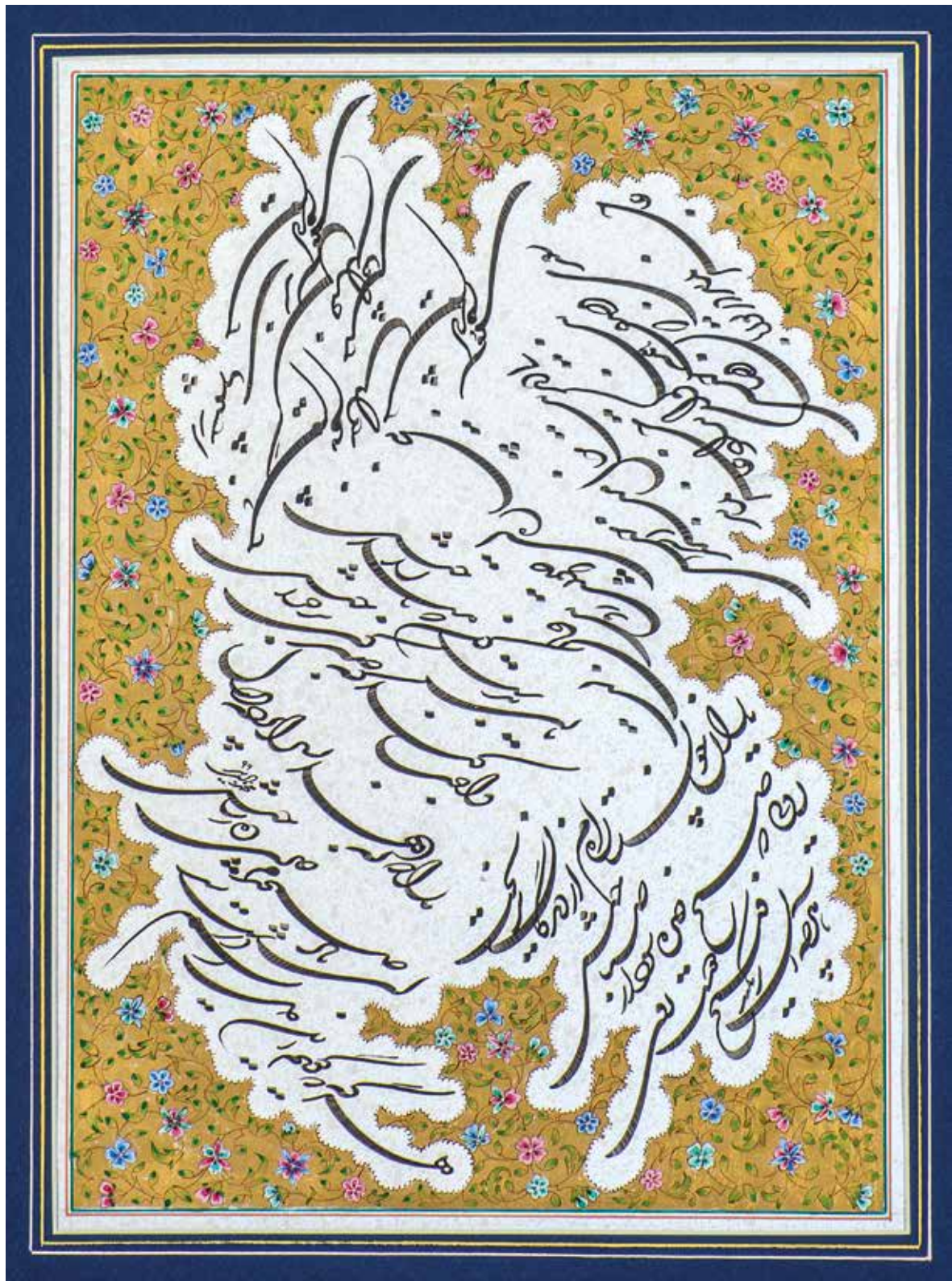


اللهیار خوشبختی / بدون عنوان  
Untitled / Allahyar Khoshbakhti



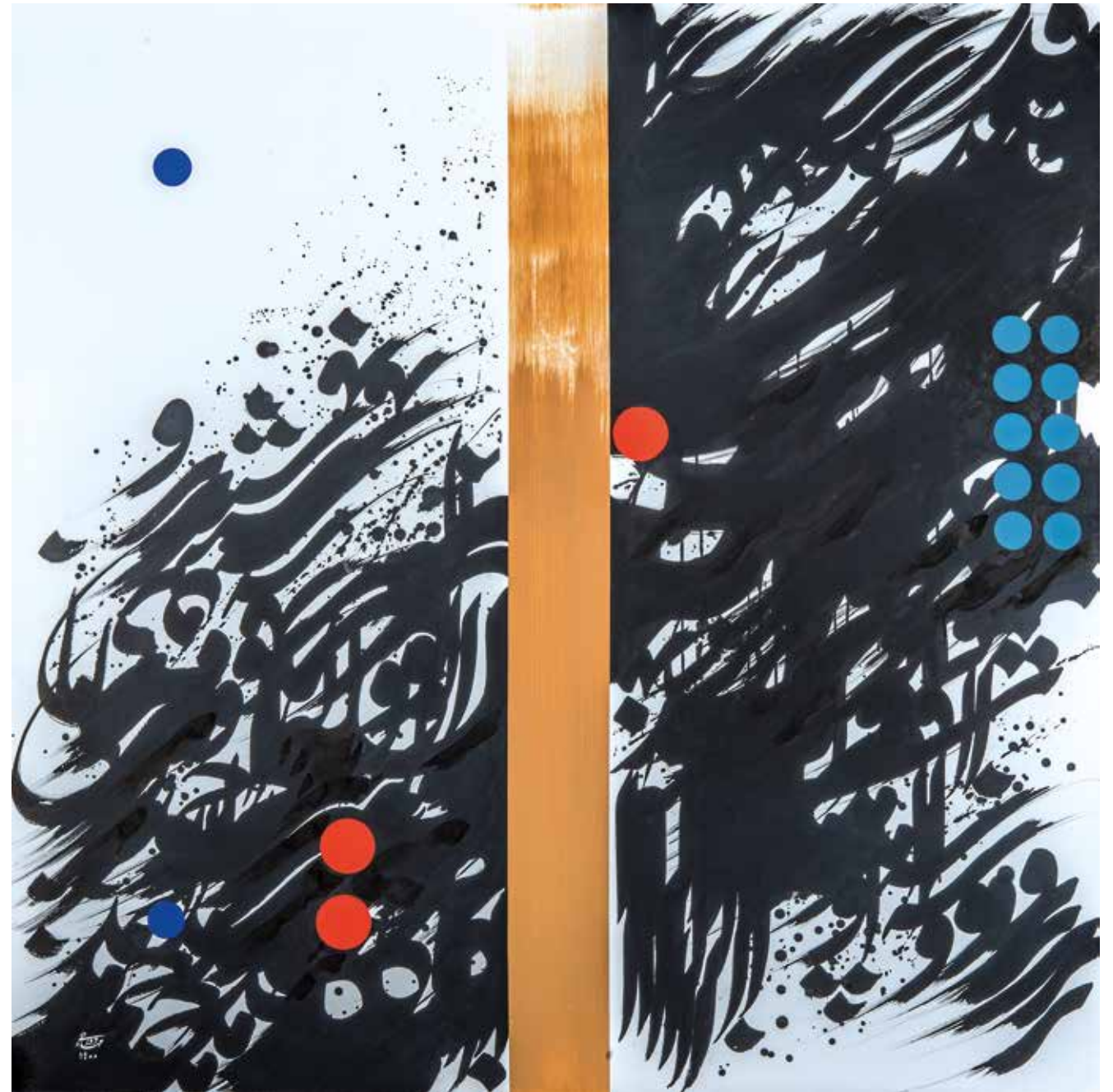
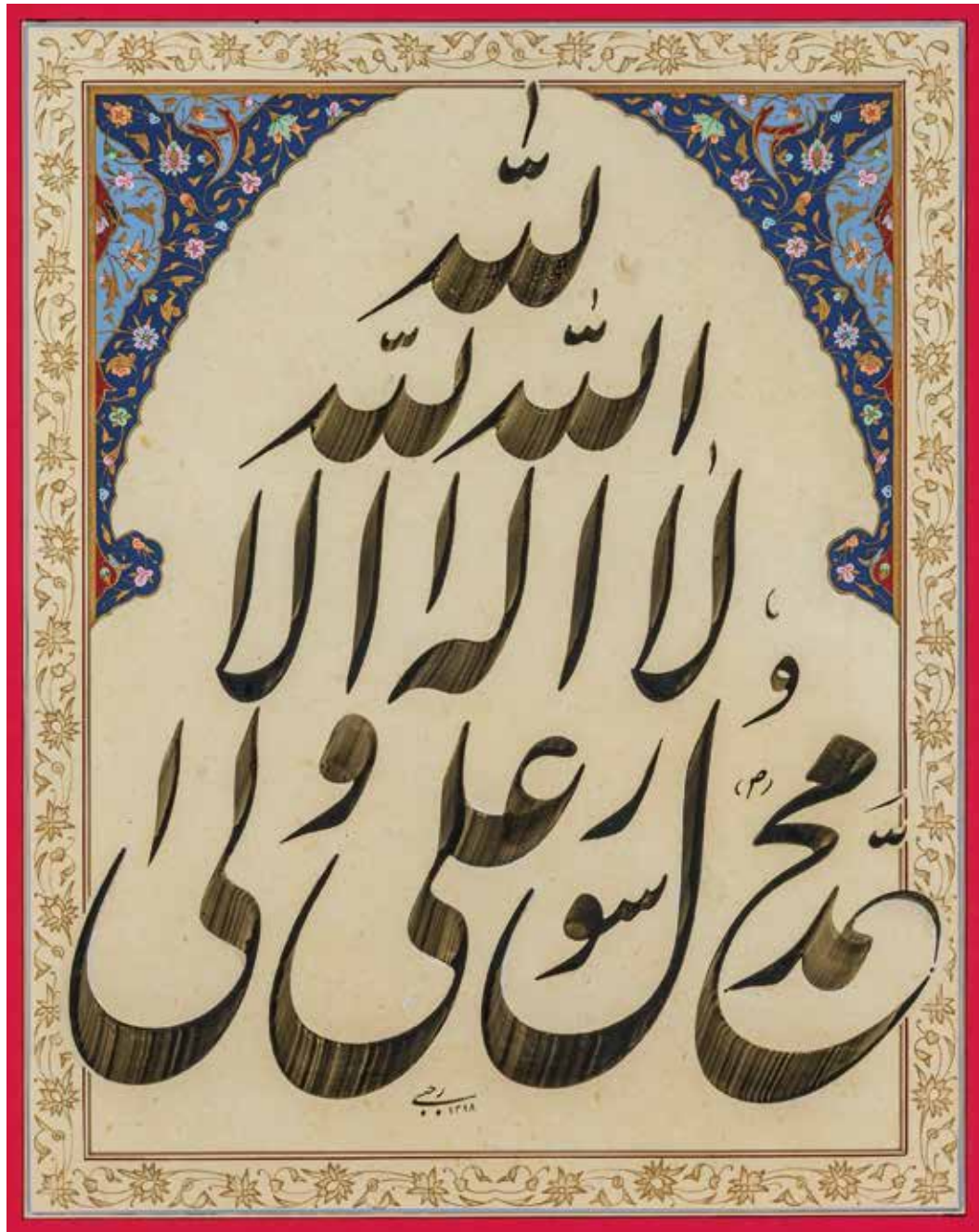


علیرضا دانشمند / دل غمزده  
Saddened heart / Alireza Daneshmand

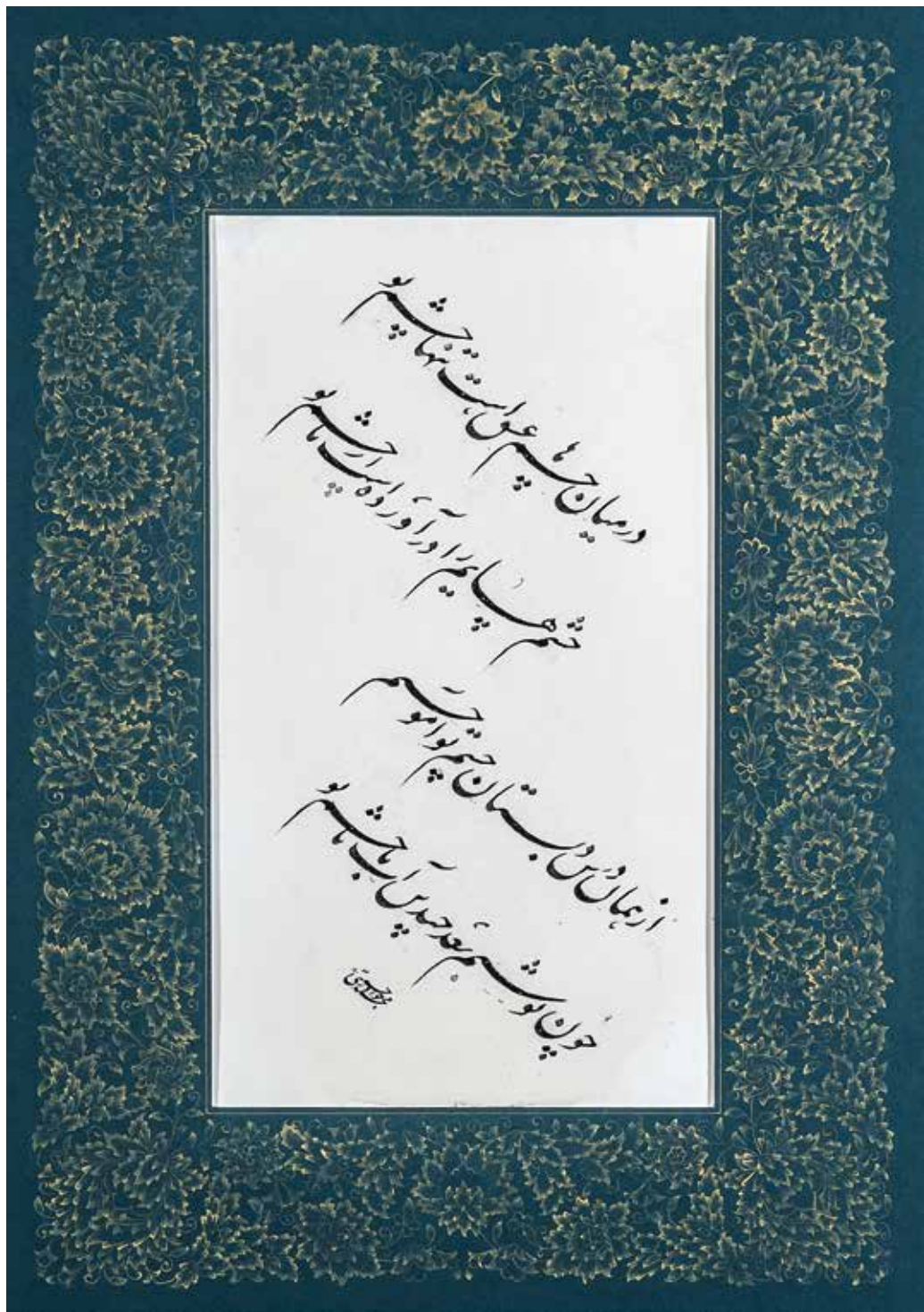


محمدهادی دبیر / یاران ستاره  
The star's friends / Mohammad Hadi Dabir

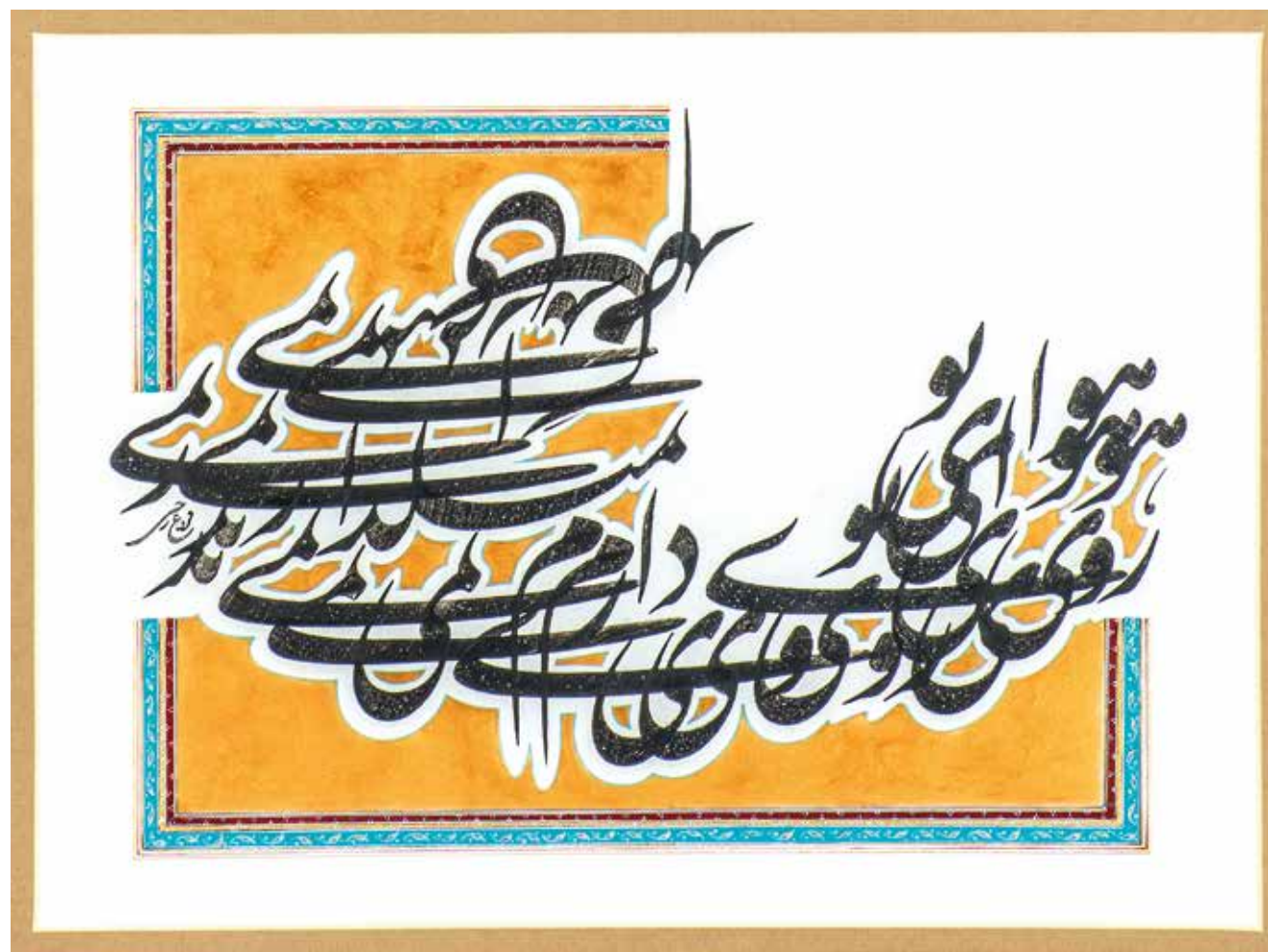






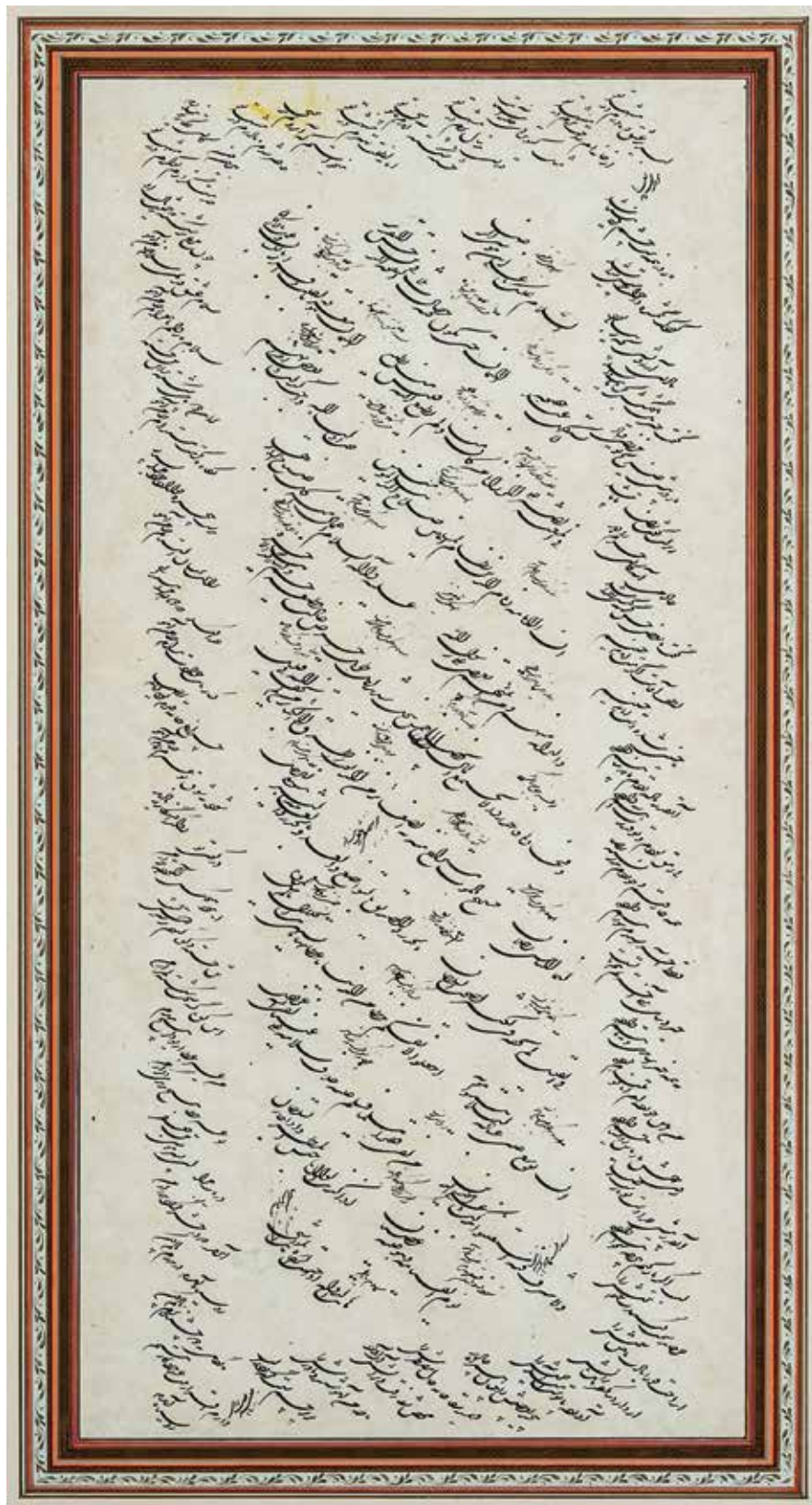


محمد جواد رحمتی شهرضا / چشم‌ها ۲  
Eyes 2 / Mohammad Javad Rahmati Shahreza

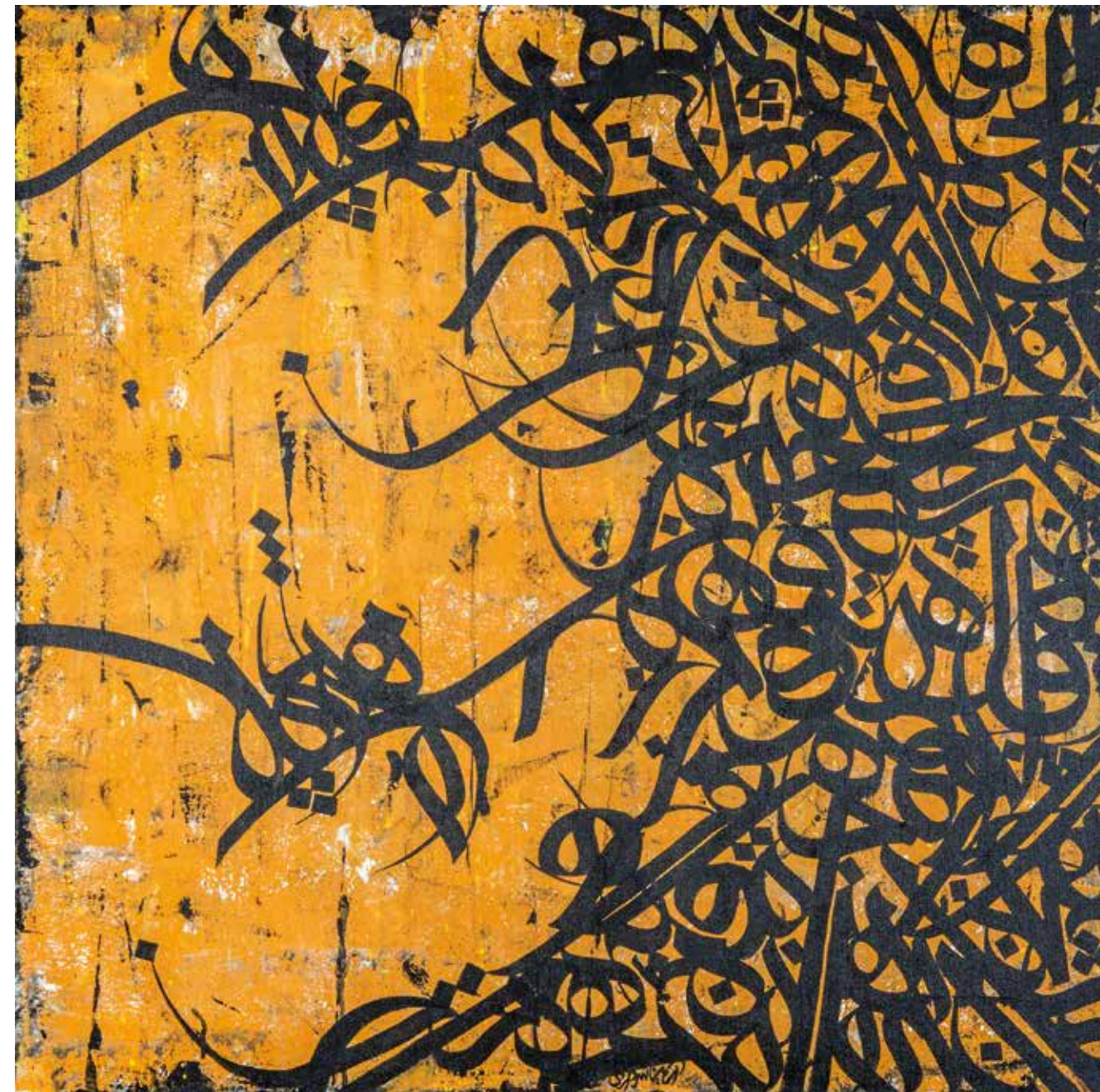


فروغ رجایی ویشکایی / هوای روی تو  
The yearning for your face / Forough Rajabi Vishkaei

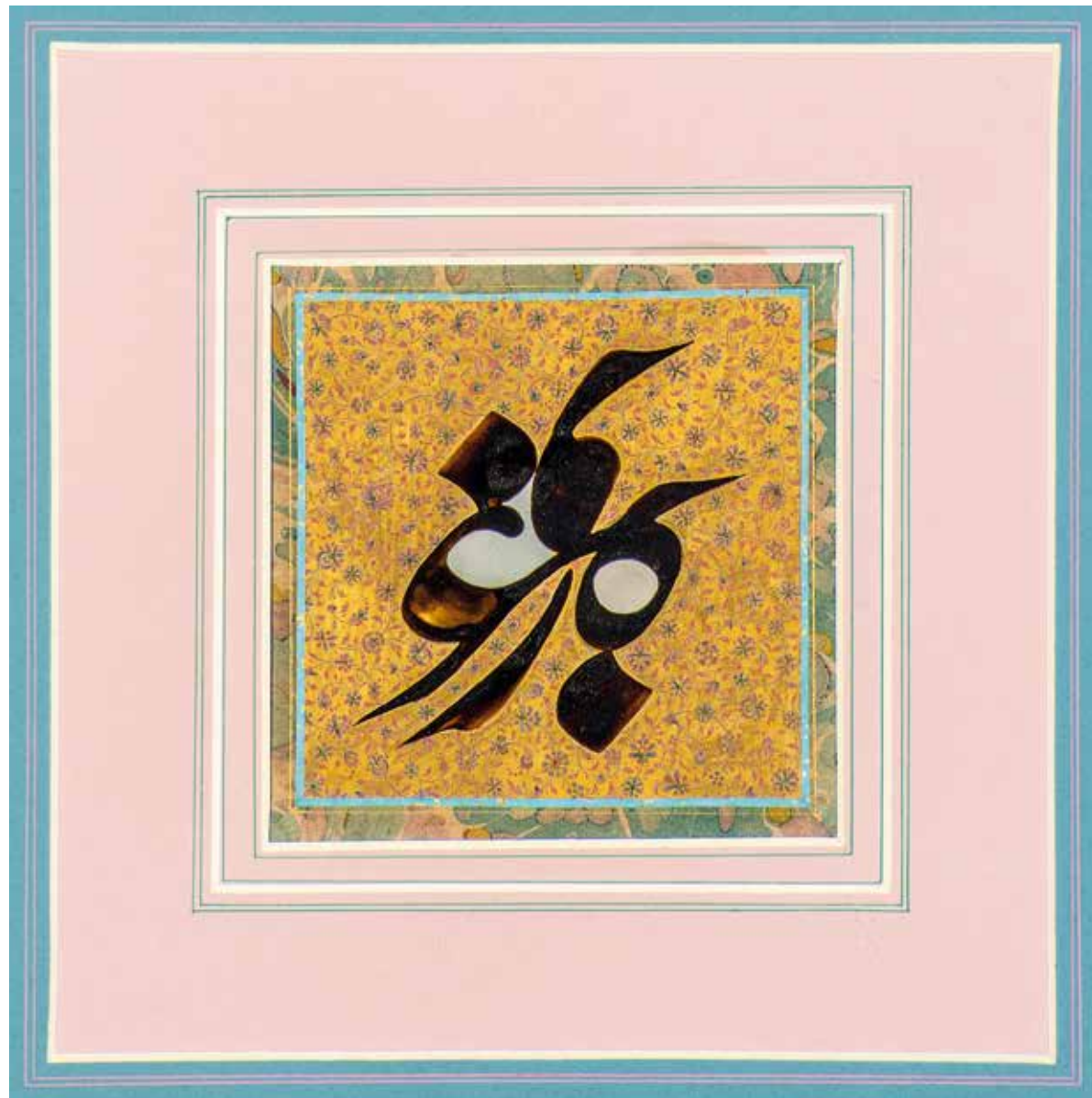










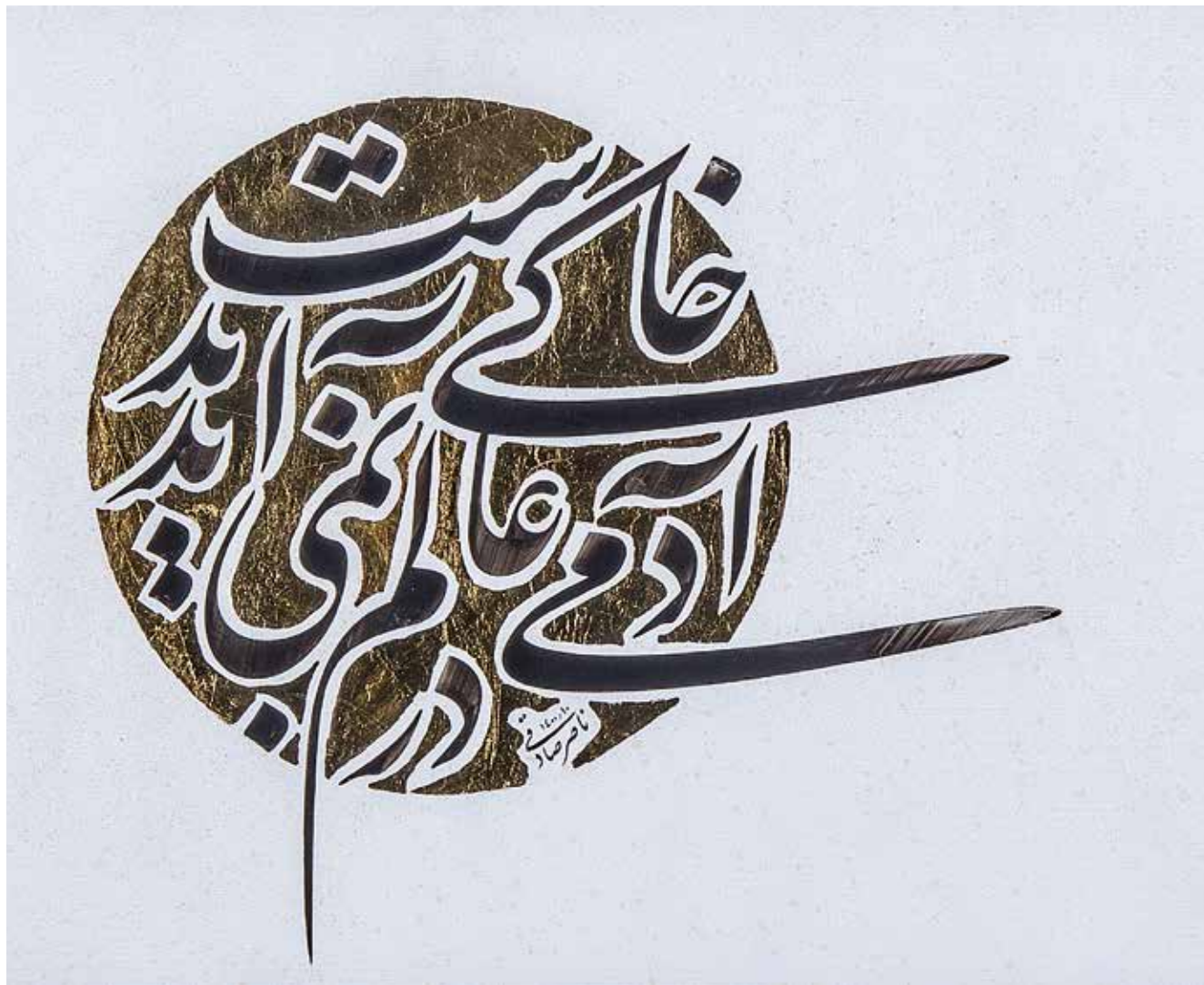


شهاب شهيدانی / غفور  
The Forgiving / Shahab Shahidani

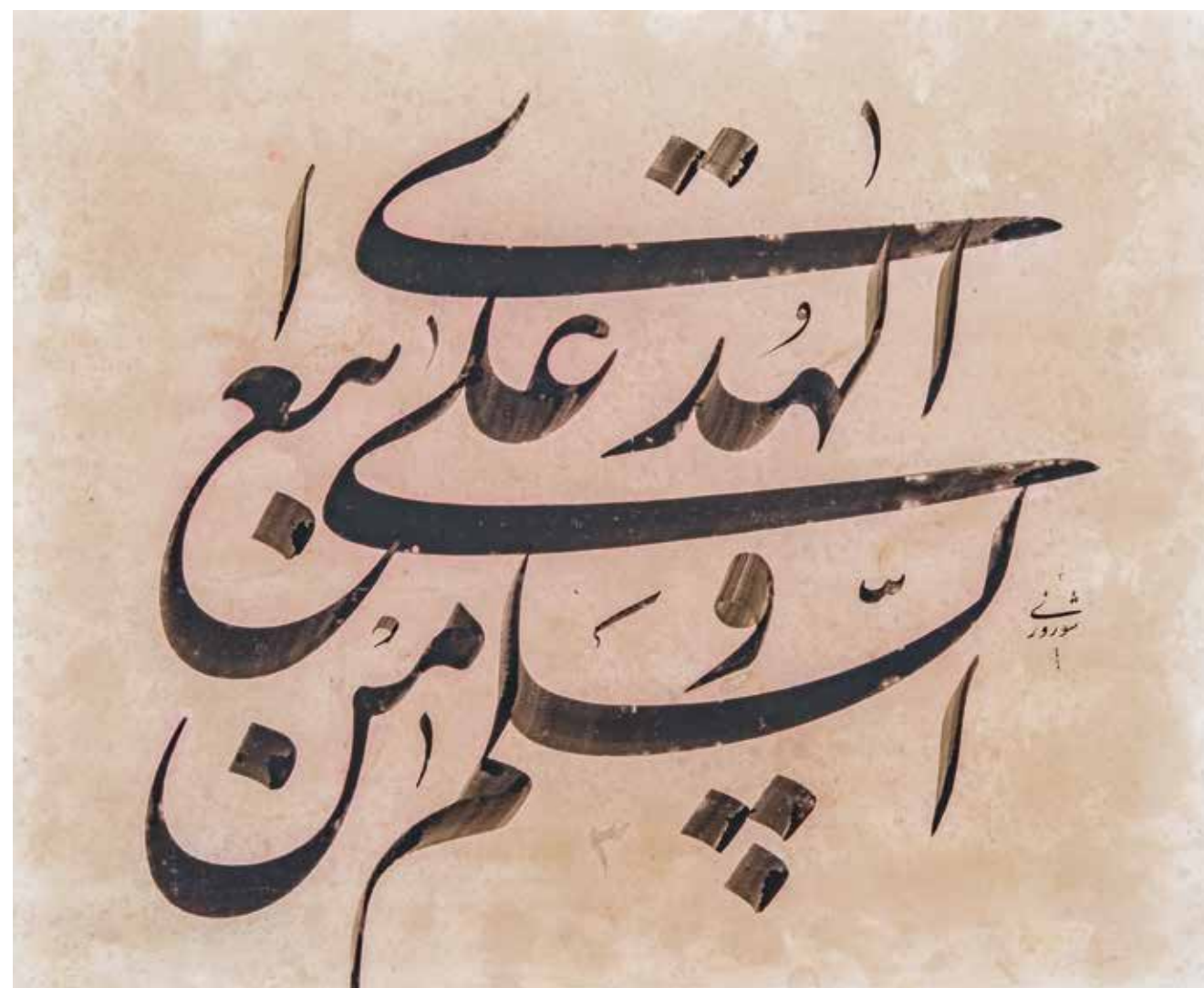


عبدالرحيم شاه حسينی / من رضى  
He who is contented / Abdol Rahim Shah Hosseini





ناصر صادقی / آدمی در عالم خاکی نمی آید بدست  
Earthly world maketh not the man / Nasser Sadeghi

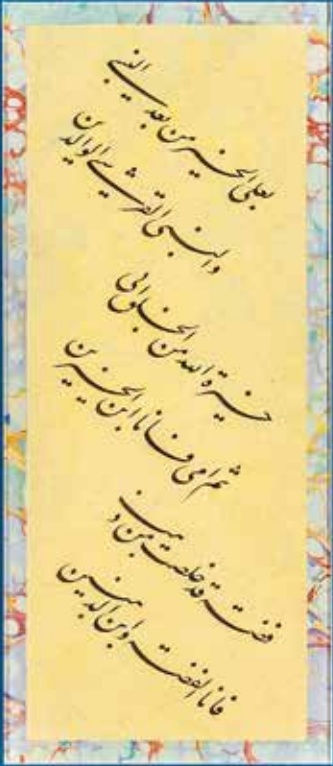
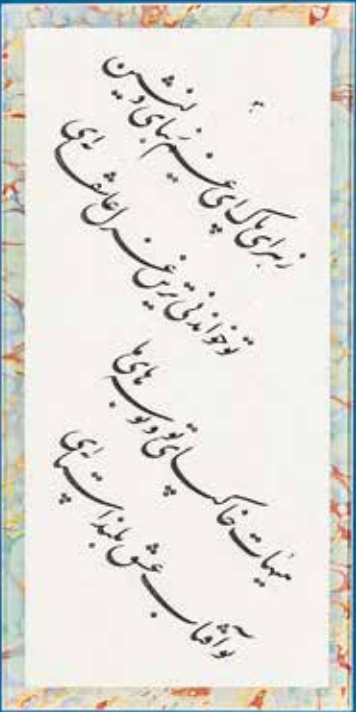


احسان شوروری / بدون عنوان  
Untitled / Ehsan Shoorvarzi



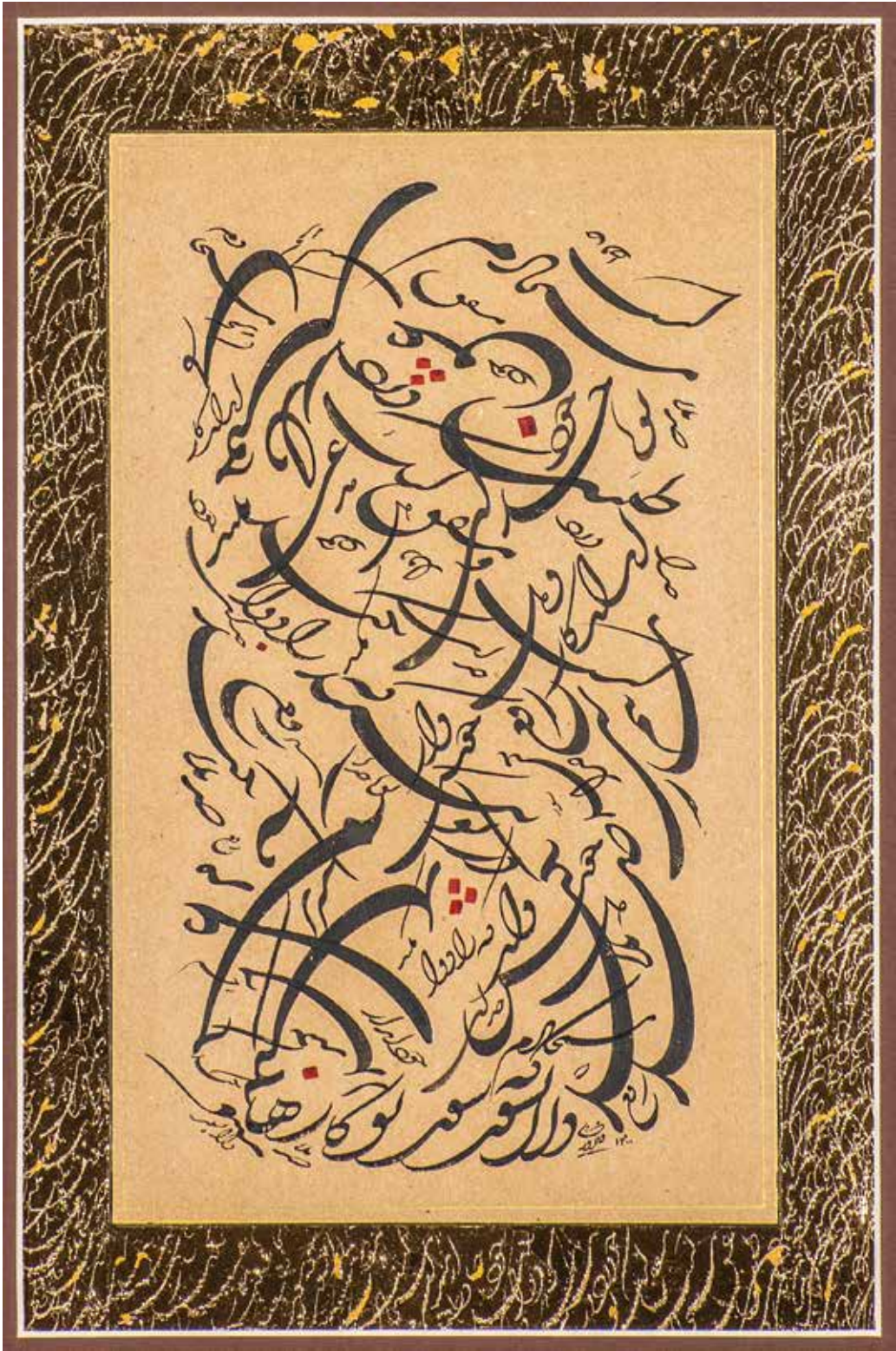
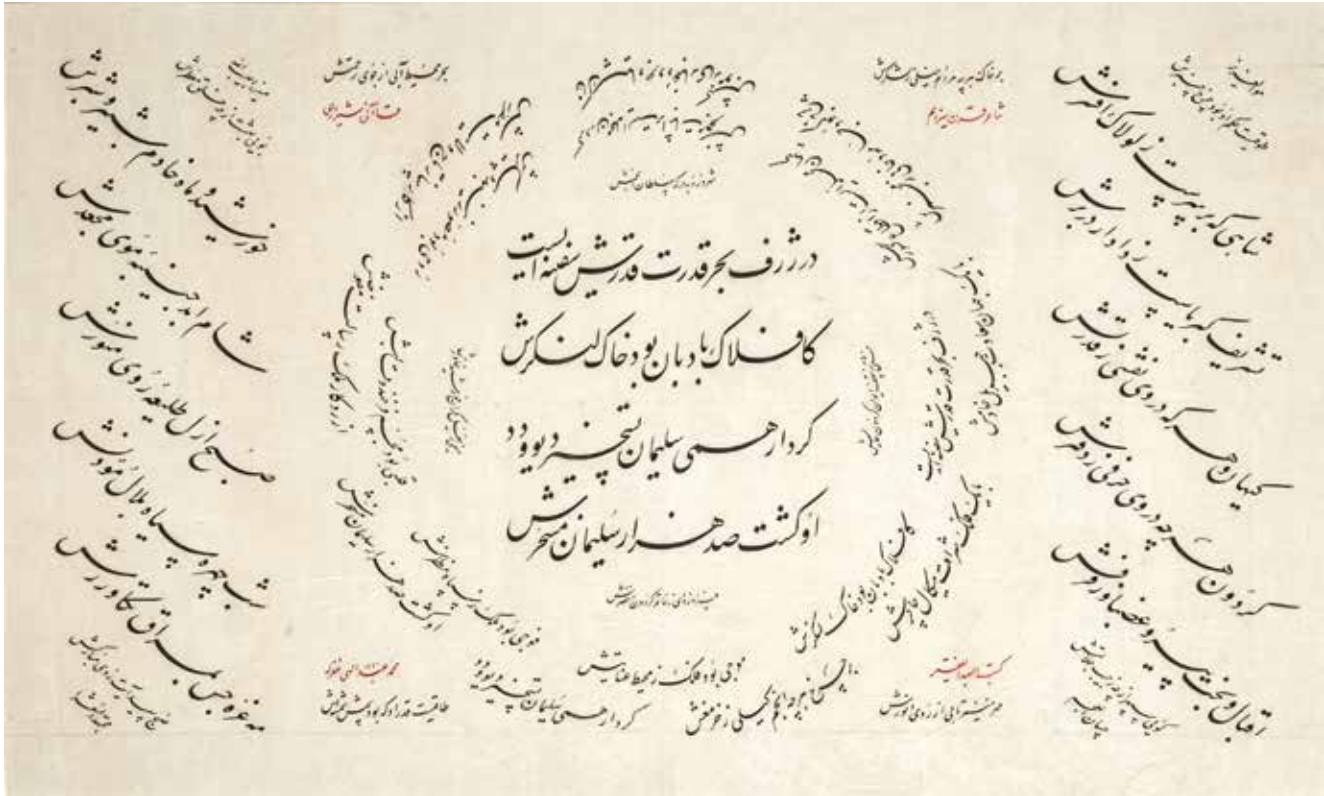


میثم صدری / بیا ای عشق پر غوغا...  
Come O roaring love / Meysam Sadri



مصطفی عابدینی / غم زیبای دلنشین  
The delightful sorrow / Mostafa Abedini

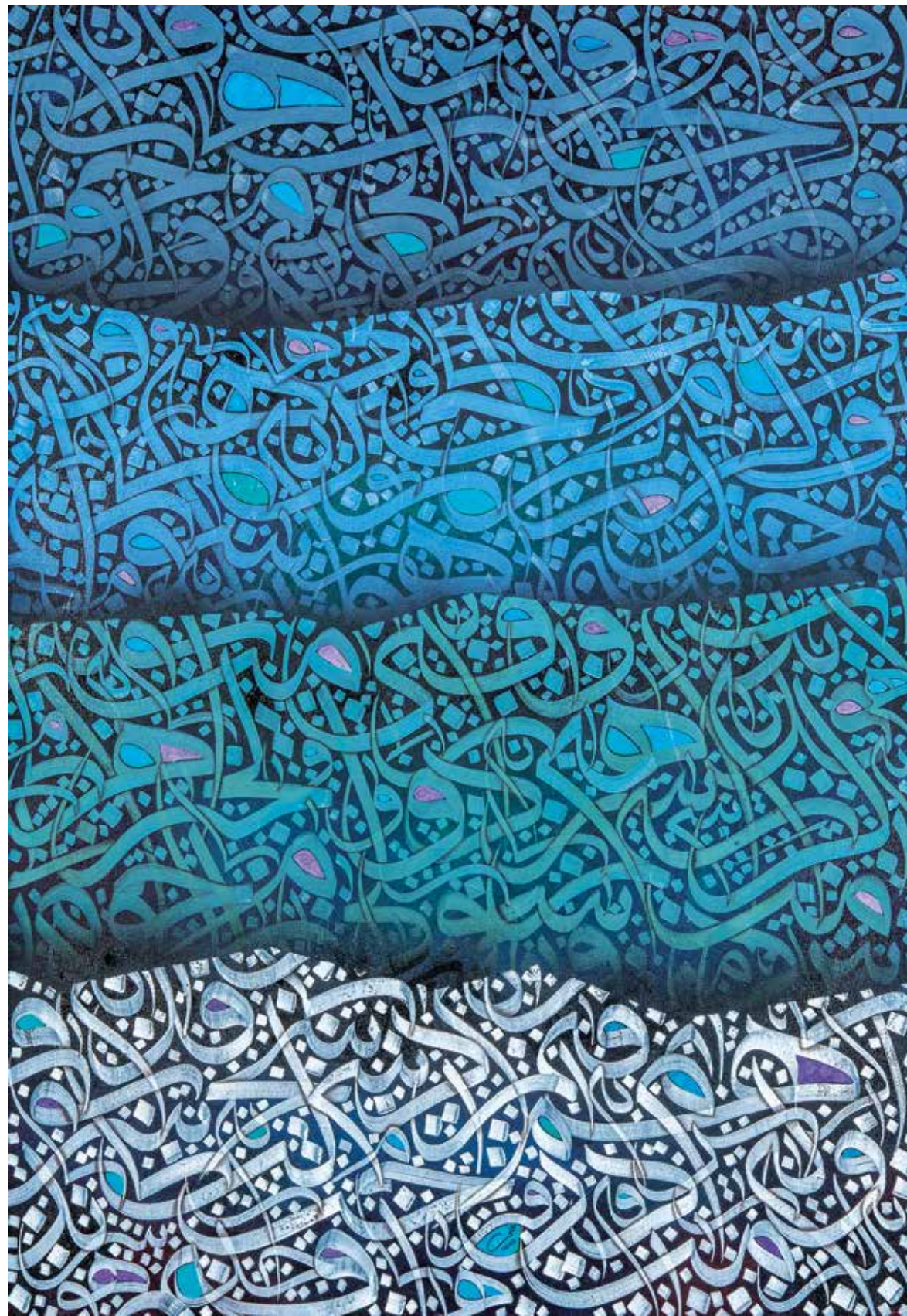






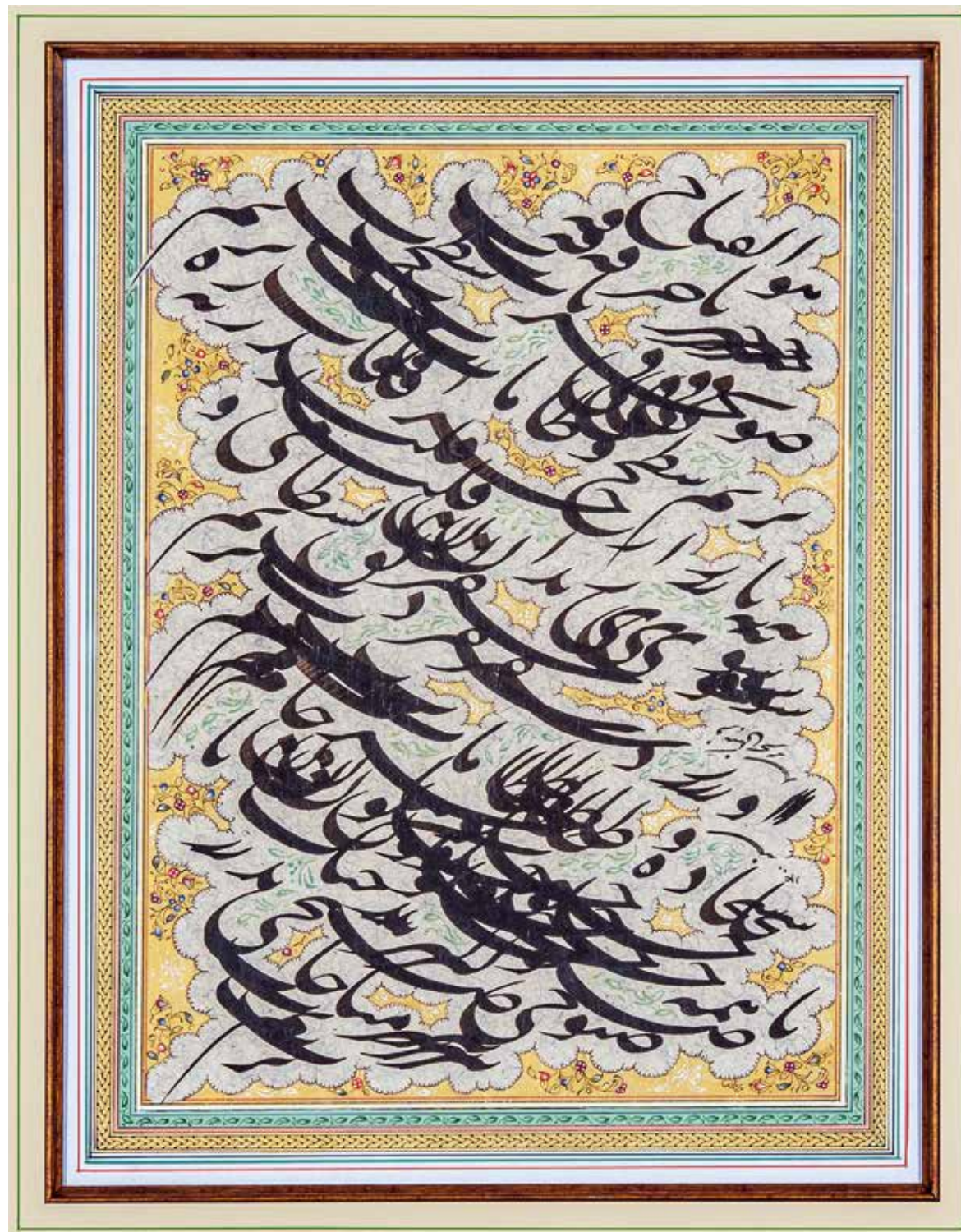


رحمان غلامی / بدون عنوان  
Untitled / Rahman Gholami



محمد حسین علوی / بدون عنوان  
Untitled / Mohammad Hossein Alawi







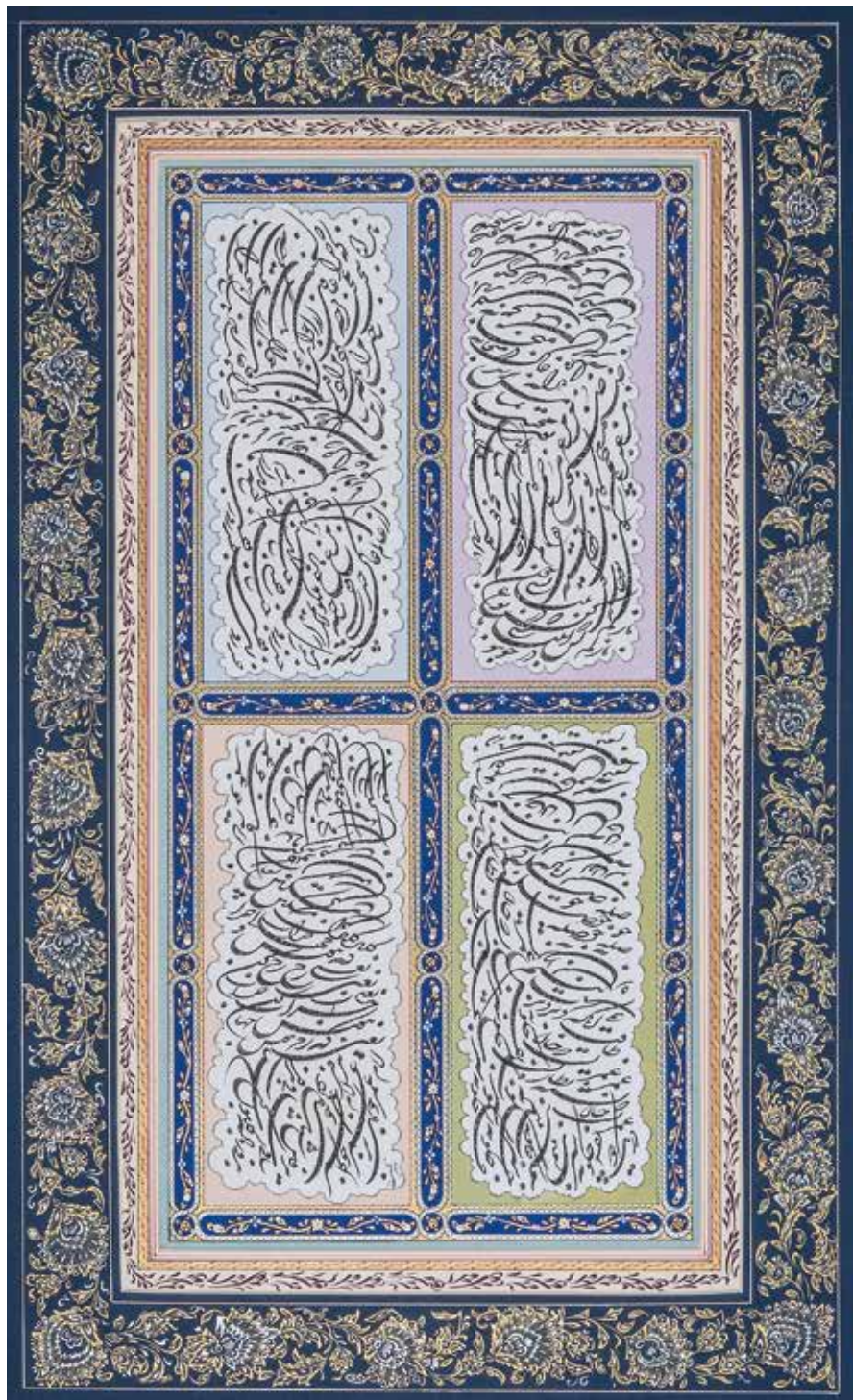


سید مهدی طاهری / مرا نخوان  
Do not call to me / Seyed Mahdi Taheri



سمیرا فغانی / از شیشه، بی می، می بی شیشه طلب کن  
From glass, seek wine, from wine seek glass / Samira Faghani



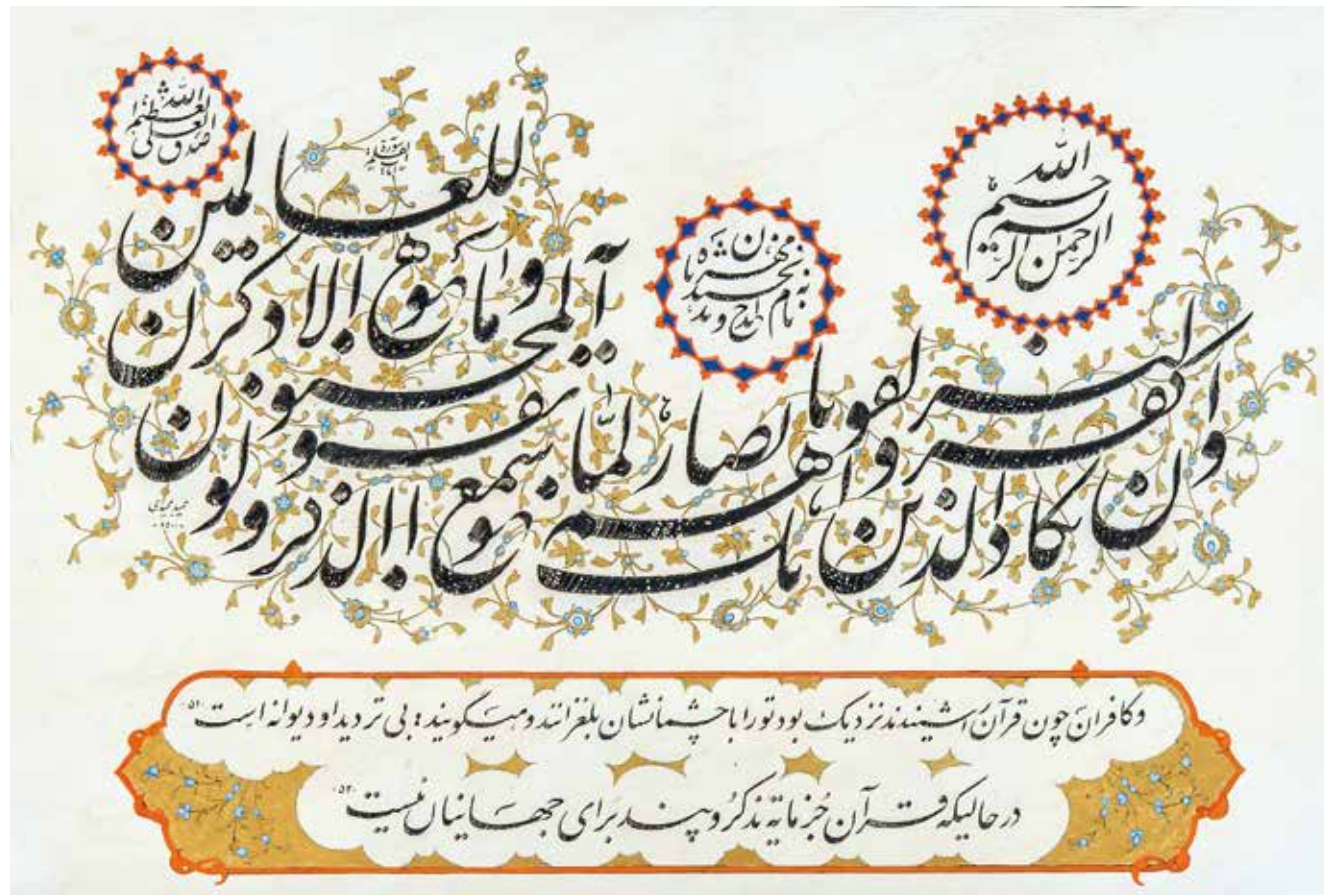


امیر قادری / بدون عنوان  
Untitled / Amir Ghaderi

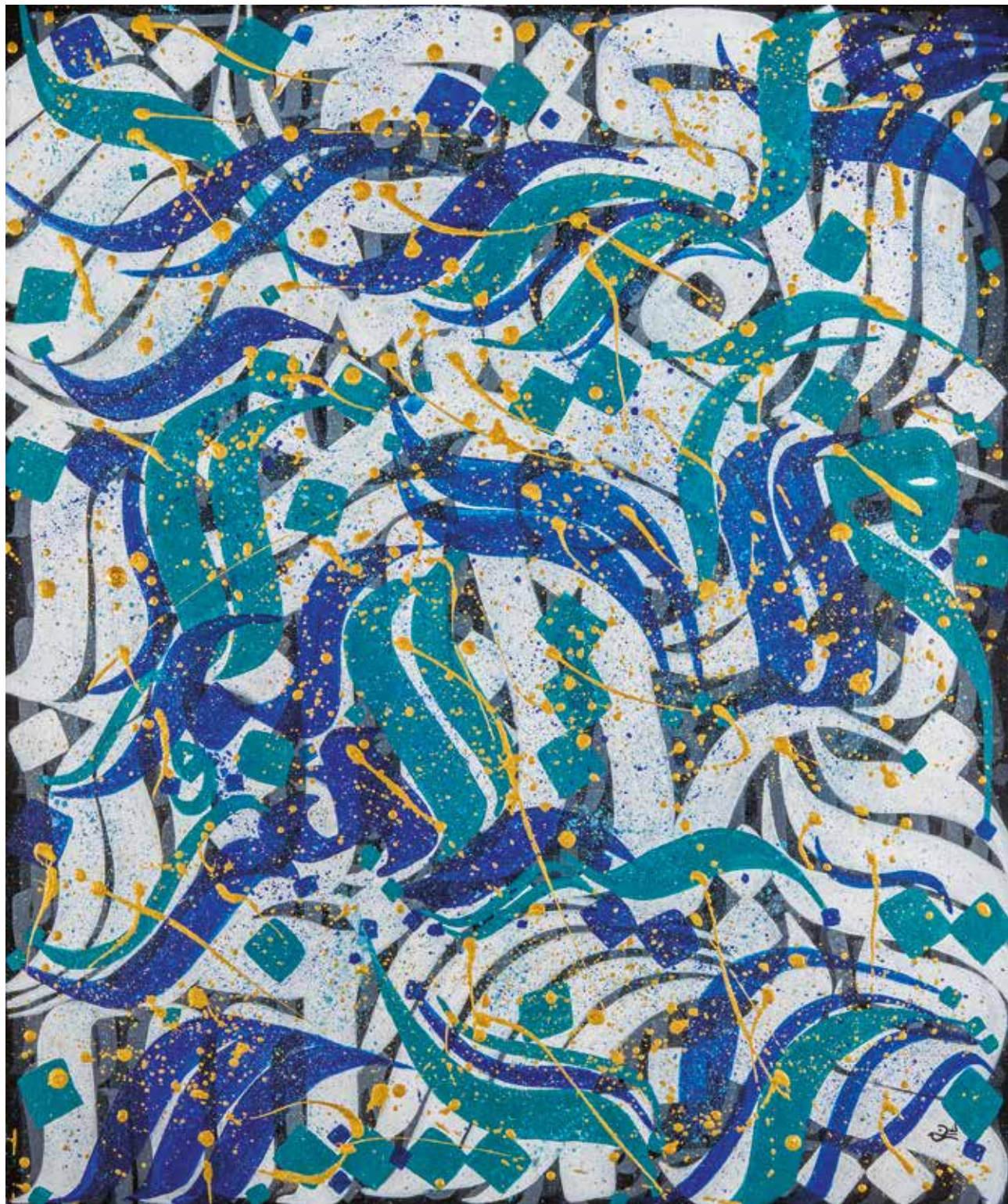


مریم فیض پور / غم عشق  
Love's sorrow / Mariam Feizpour







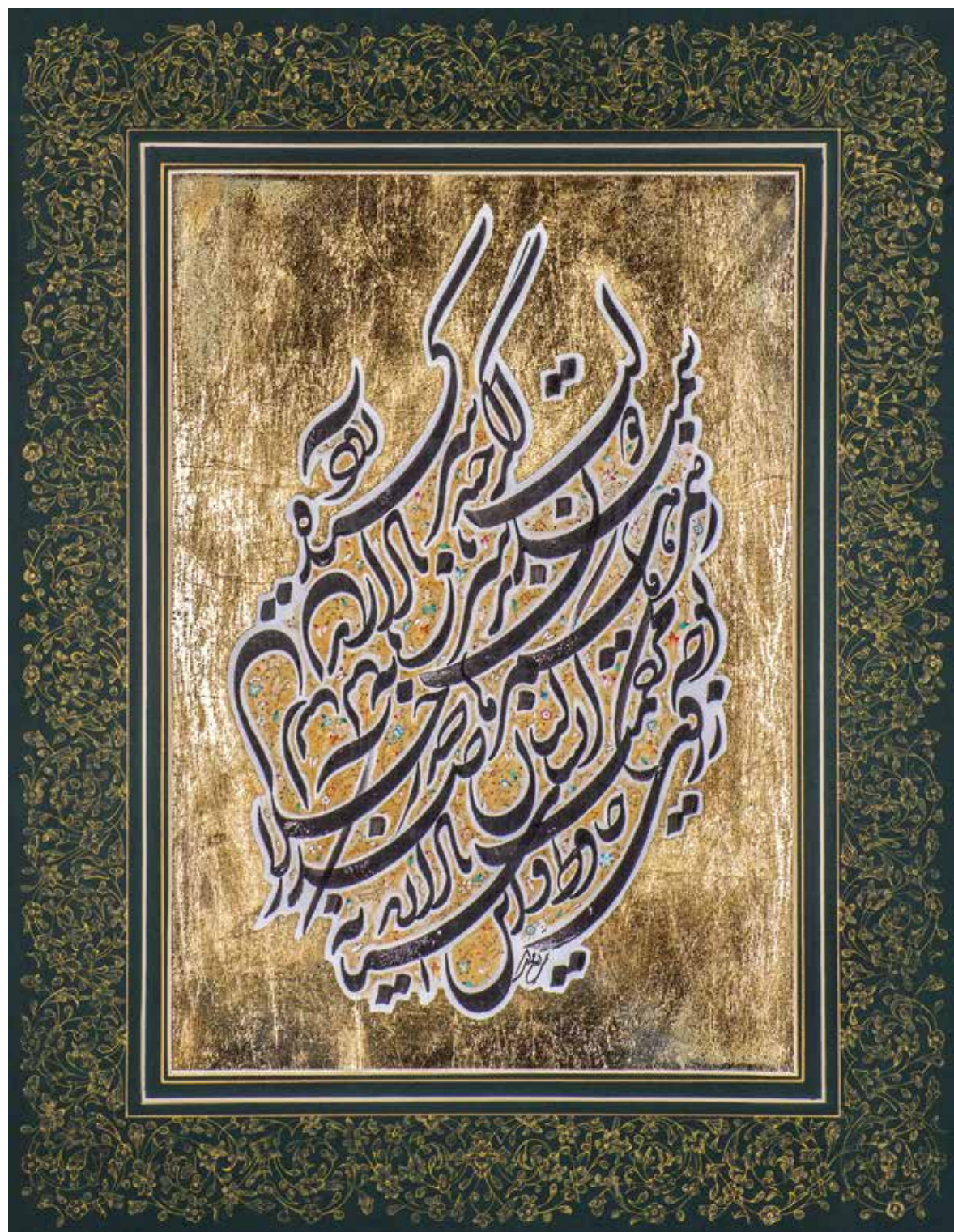


نسترن مختاری / نظم  
Verse / Nastaran Mokhtari

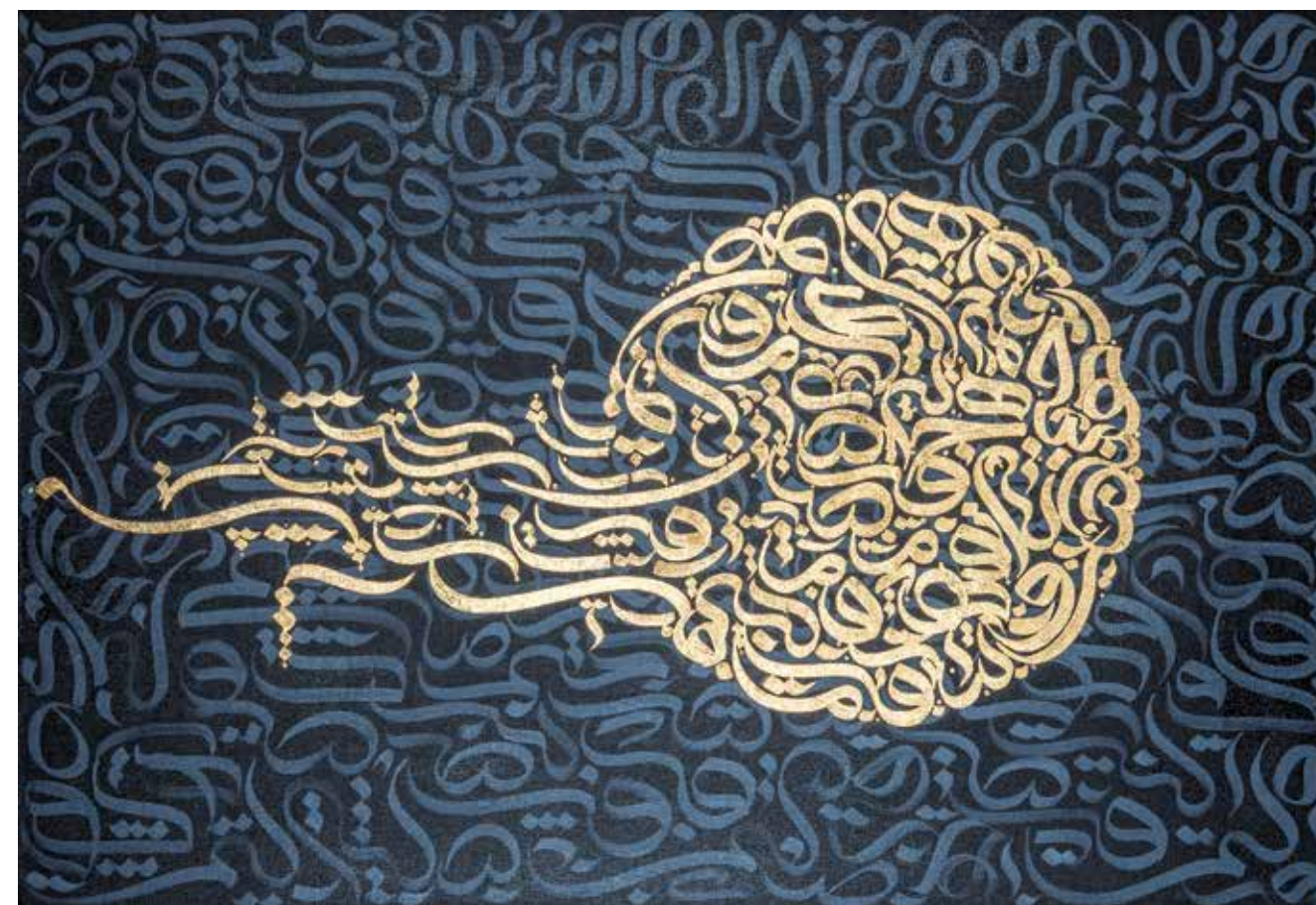


نفس (نفیسہ) محمدی / ناگفته‌ها  
The untold / Nafas (Nafiseh) Mohammadi





شمس‌الدین مرادی / هم‌رهان  
The companions / Shamsoddin Moradi

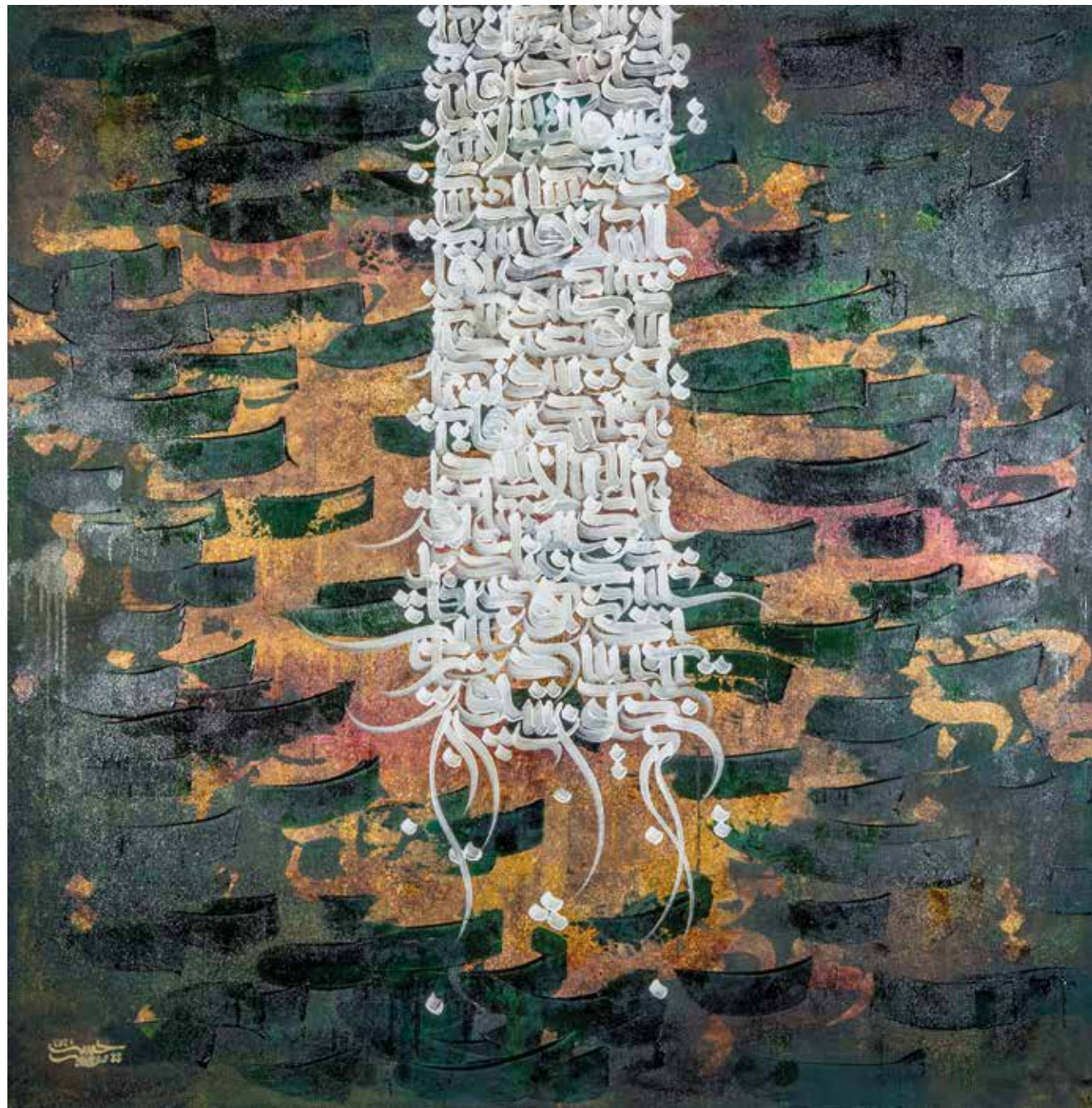


مائده مدادی / بدون عنوان  
Untitled / Maedeh Medadi

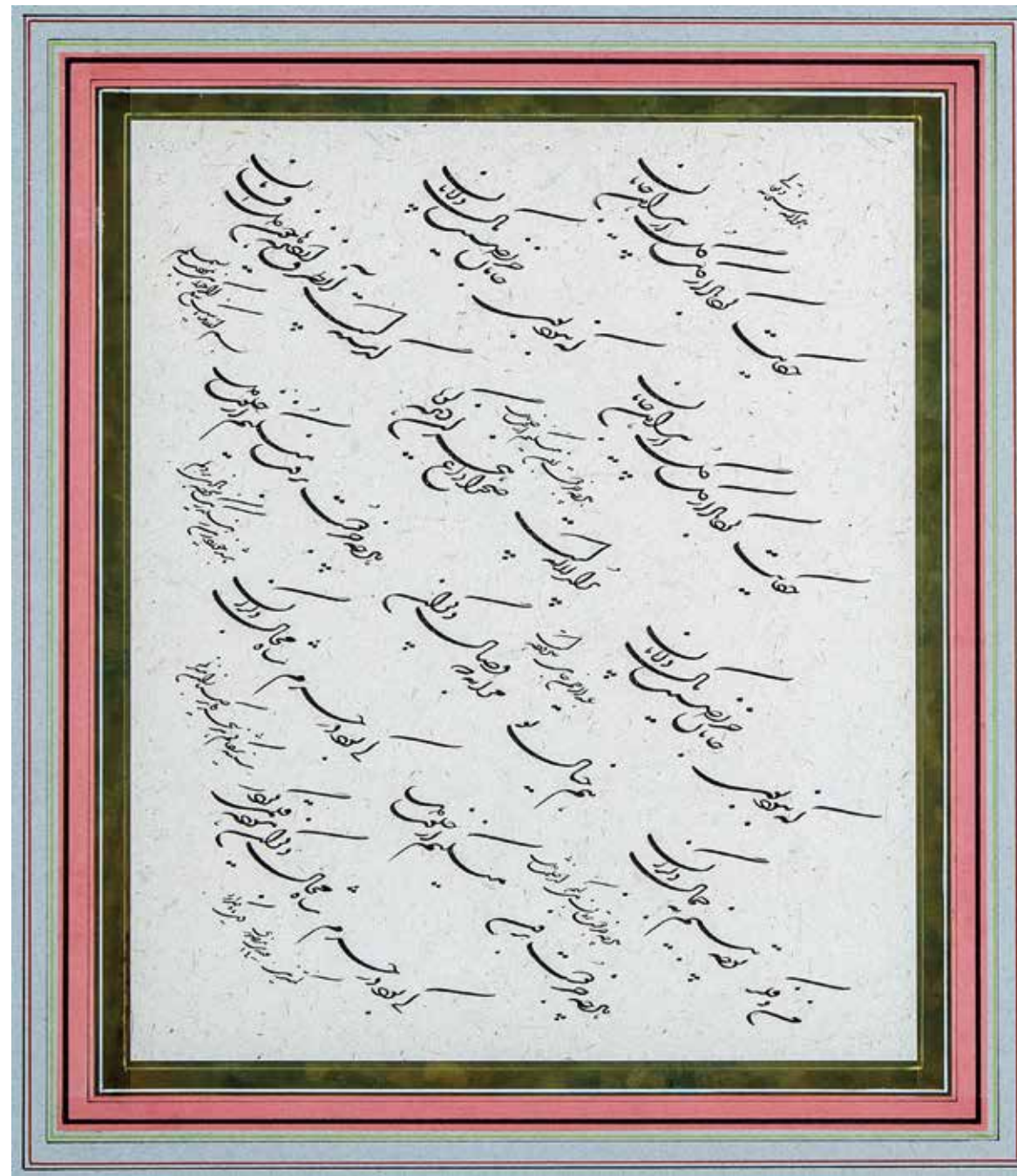






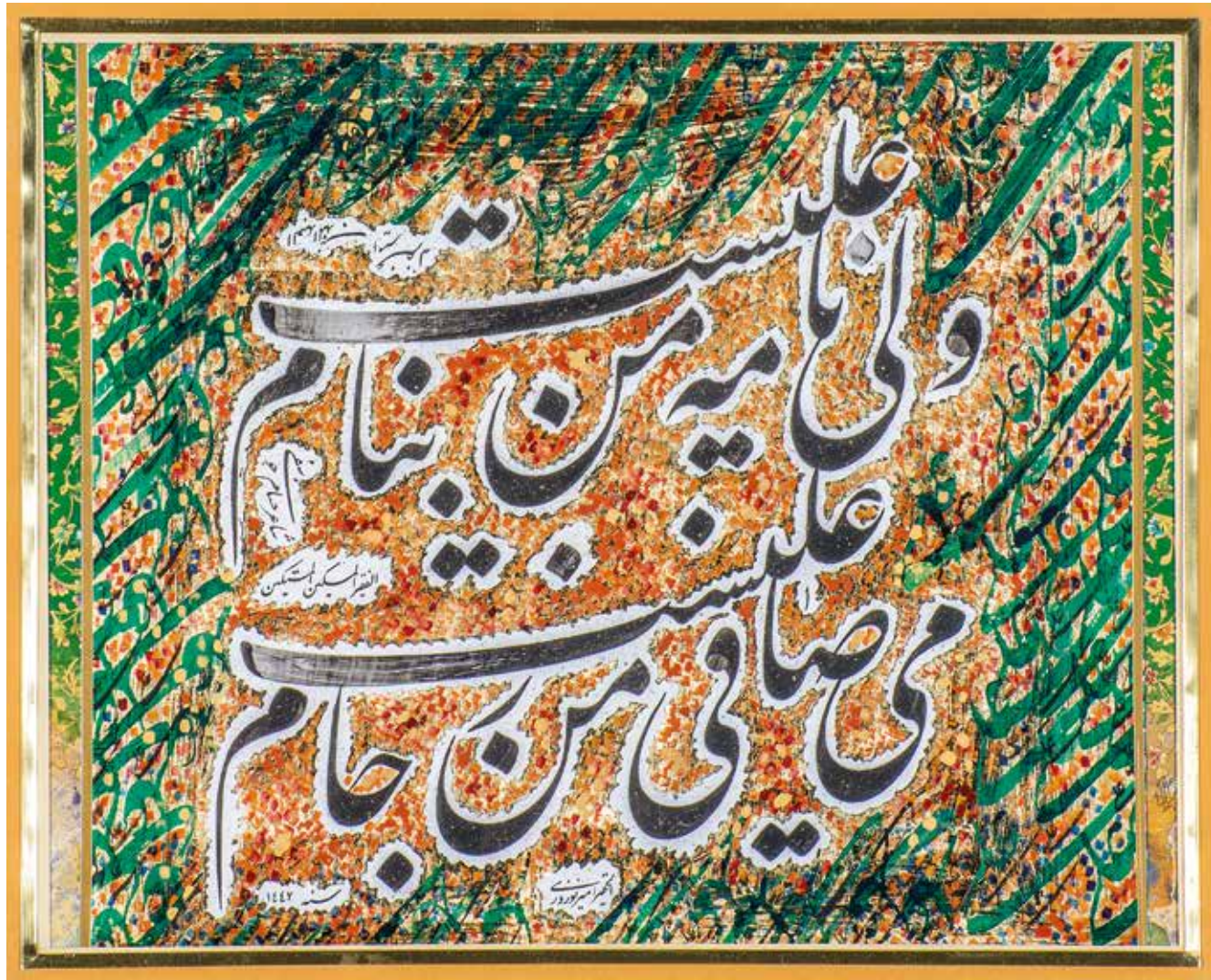


حبیبہ موسوی چرندایی / مبتلا  
Inflicted / Habibeh Mosawi Chardabi

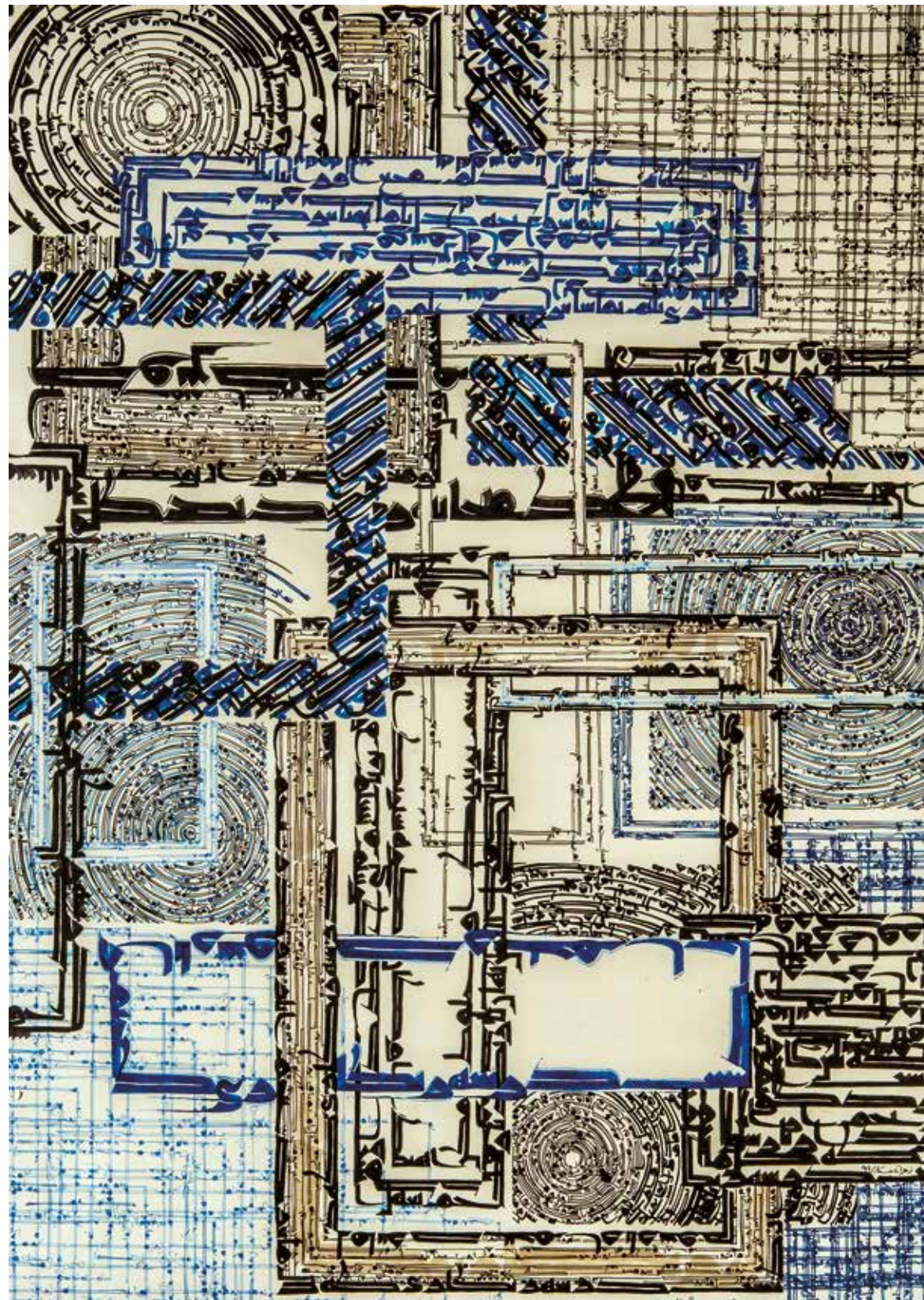


مهدی منصوری / بدون عنوان  
Untitled / Mahdi Mansouri



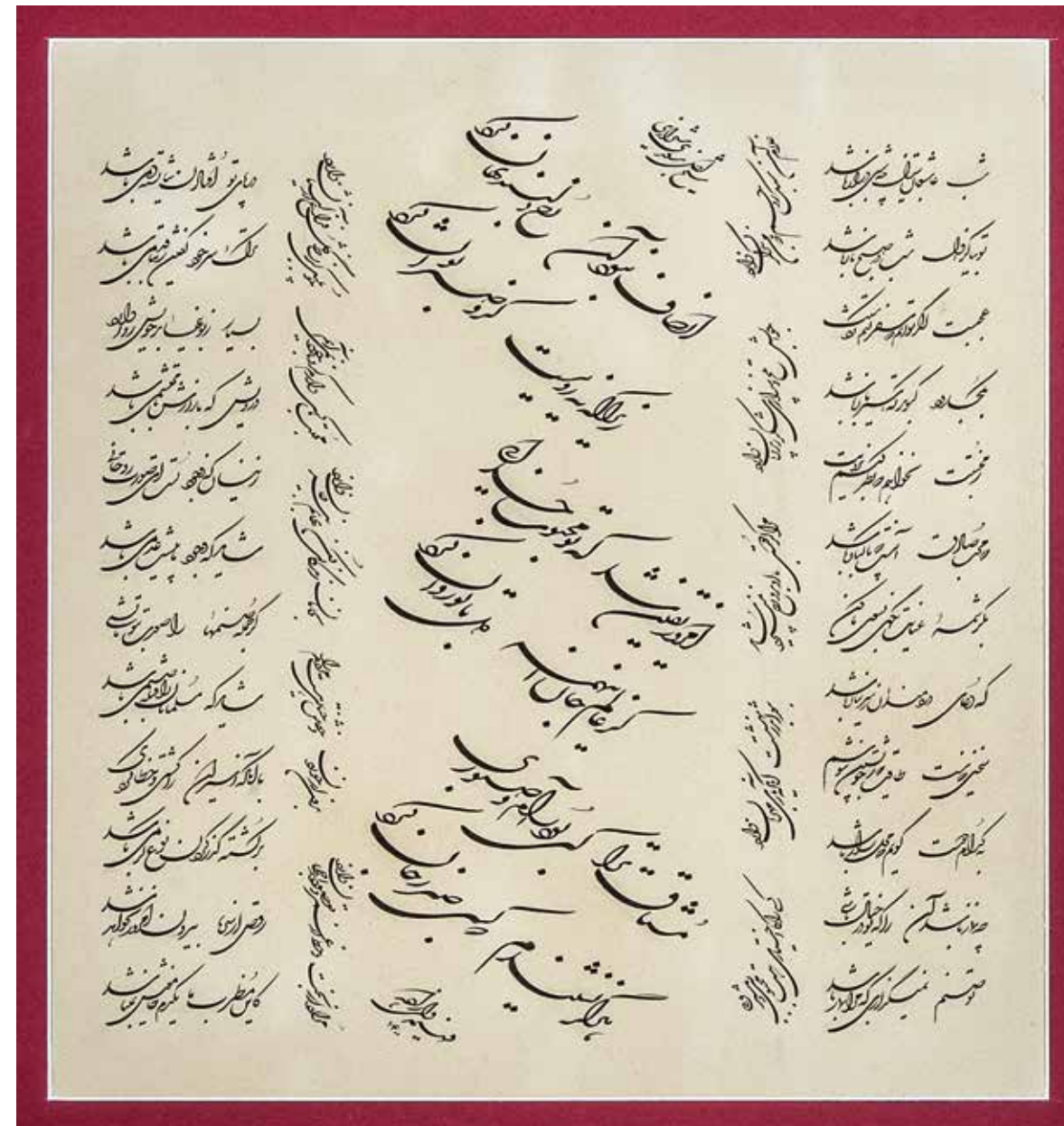
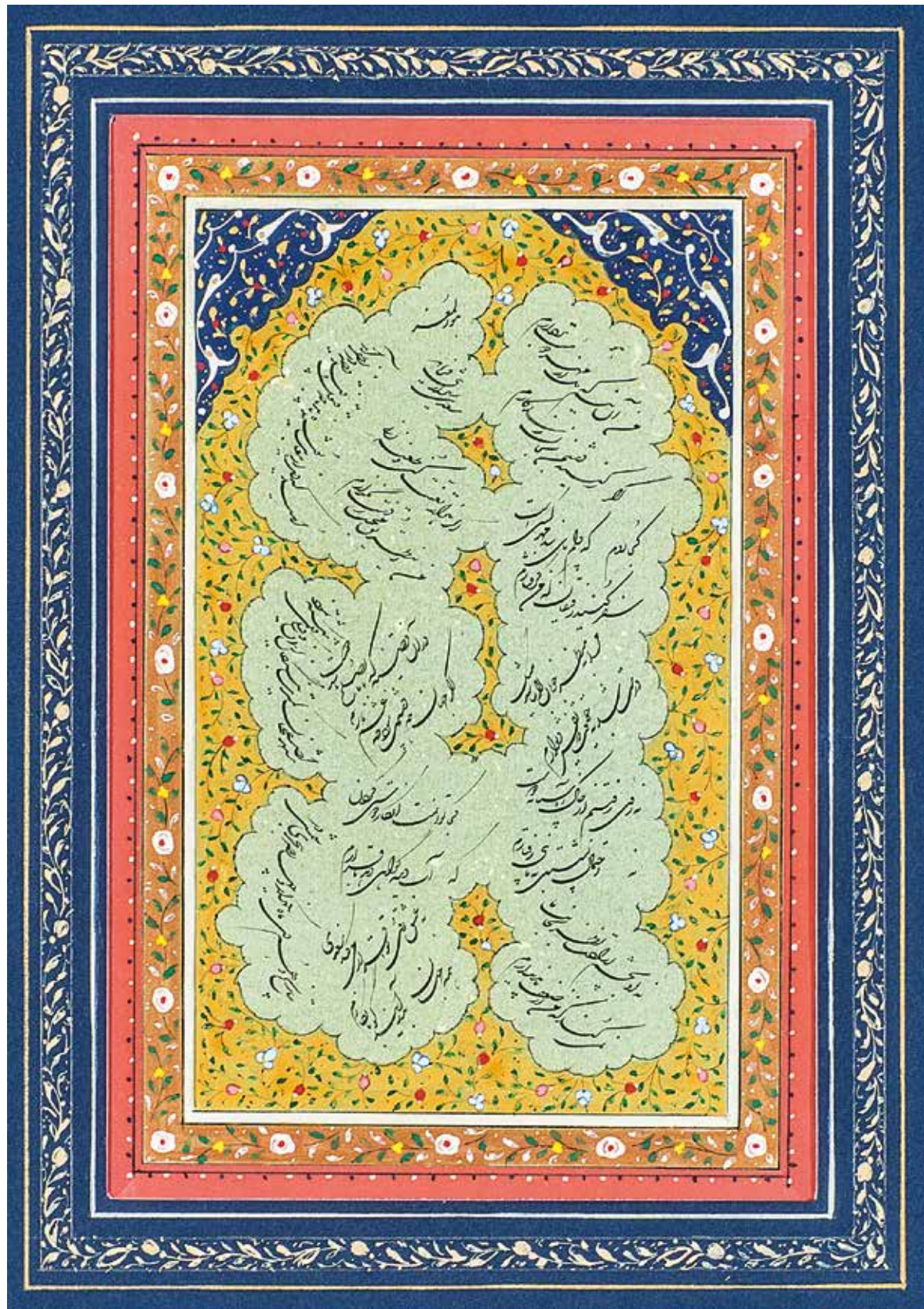


تیمورعلی (امیر) نوروزی / می صافی  
Pure Wine / Teimour Ali (Amir) Noroozi



زهرا میرائی / هزارتو  
The Maze / Zahra Mirae







بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 فَإِذَا بَلَغَ اَجْلَهُنَّ فَاَمْسِكُوهُنَّ مَبْعُوفٍ  
 اَوْ فَاَرَقُوهُنَّ مَبْعُوفٍ وَاشْهَدُوا ذَوِي عَدْلِكُمْ  
 مِنْكُمْ وَاَقْبُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ  
 بِهِ مَنِ كَانَ يُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَفِي تَوْالِدِ  
 يُجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا وَرِزْقًا حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ  
 وَفِي تَوْالِدِ كُلِّ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُكَ اللَّهُ  
 بِالْغَايَةِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا



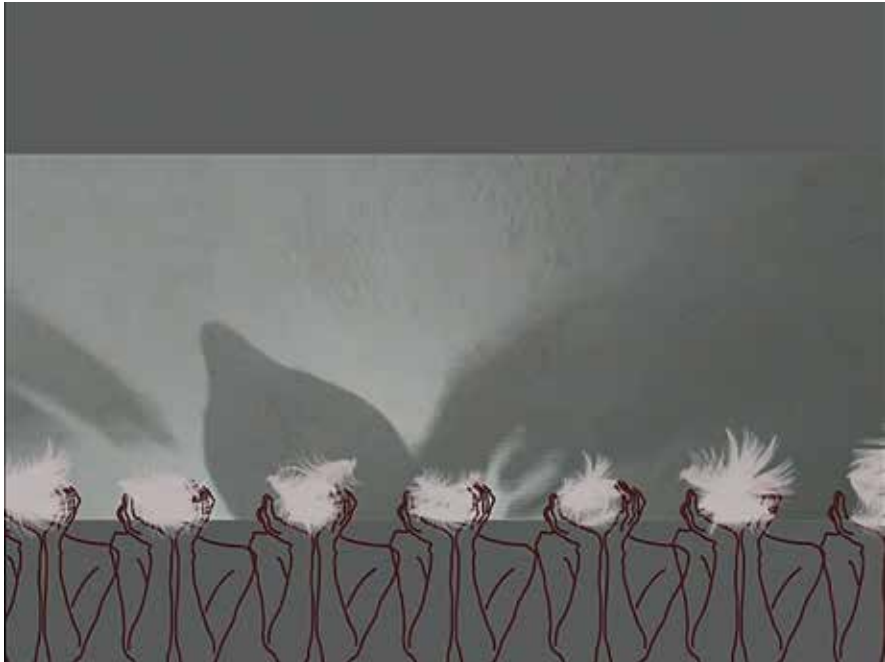


---

رسانه‌های هنری جدید  
New Medias







جایی عمیق درون ما زن‌ها وجود دارد،  
برای نگهداری از تمام پرهای ریخته شده چیده شده و کنده شده.  
There is a deep place in us women for keeping all the fallen,  
cut off and torn feathers.



الهه عبدالله‌زاده / در بند (ویدئوآرت)  
In captivity / Elaheh Abdollahzadeh





در سال ۱۹۷۳ مارینا آبروموویچ در نمایشگاه ادینبورگ پروژه ای به نام "ریتم ده" را اجرا کرد.

«ریتم ده به توان صفر» اجرای مجدد از ایده آبروموویچ می باشد با نگاه شخصی هنرمند به تغییر و تحولات از پیش تعیین شده خاورمیانه که شعاع آن تمام جغرافیای منطقه را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد. «ریتم ده به توان صفر» مخاطب را درگیر شکلی معادله گونه می کند که نیاز است به آن پاسخ داده شود. اهمیت نام اجرا نه در خود متن بلکه در جواب آن نهفته است. رسیدن به عدد یک. گویی این نام تلاش دارد مخاطب را متوجه کند. دغدغه ی پرفورمنس در صورت تداوم و تشدید در بطن جامعه، ما را به نتیجه ای مشخص خواهد رساند. نتیجه ای که در طول اجرا شاهد آن هستیم.

«In 1973, Marina Abramovich executed a project called "Rhythm 10" at Edinburgh Exhibition. "Rhythm ten to the power of zero" is the reprocessing of Abramovic idea through a personal vision of the artist to the predetermined changes and evolutions in the Middle East, which will affect all the region's geography in their sphere. "Rhythm ten to the power of zero" will involve all the viewers in an equational form that requires an answer. The performance's importance is not in its context by in the answer: reaching a number. As if this name is trying to draw the viewers' attention to this fact that if the performance's concerns endure and intensify in the heart of society, they will lead us to a determined result, one that we witness throughout the performance.



As the visual language eye is the companion and solution for many human needs and the means of establishing contact with the surrounding world. No doubt, the relation between gallery and seeing is a close one. In the present installation, eye has been arranged in the corners of the exhibition at a sensory element. It is a symbol that exists around us with a fragile material. These eyes could be representations of the living eyes around us, wherever we are, so we have to...

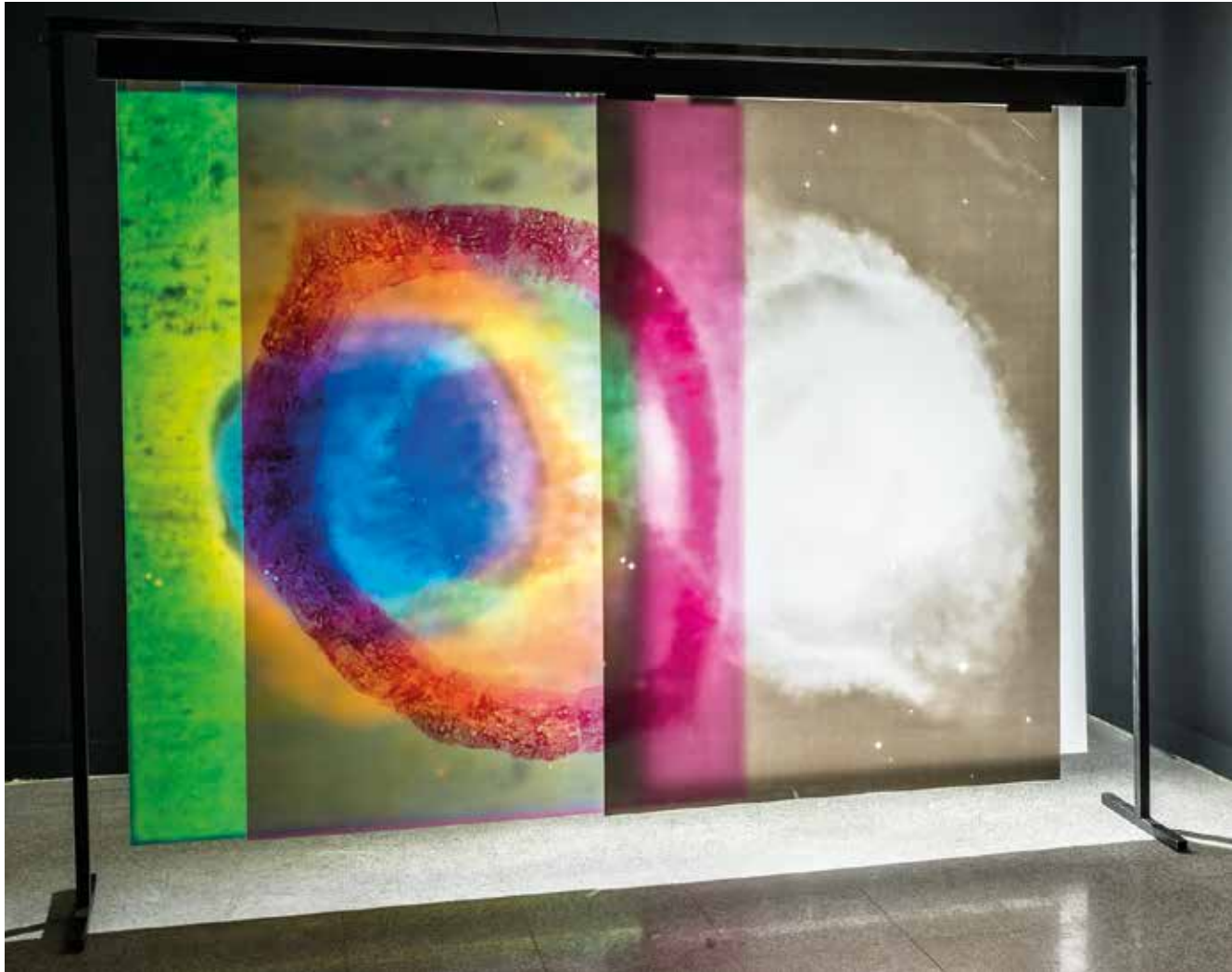
چشم به عنوان زبان بصری همراه و راهگشای بسیاری از نیازهای انسان است و واسطه برقراری ارتباط با جهان پیرامون. بی شک رابطه ی گالری و دیدن، رابطه ای بسیار نزدیک است. در چیدمان حاضر، چشم به عنوان عنصری ادراکی در گوشه و کنار نمایشگاه نصب شده است. نمادی که با جنسی شکننده در اطراف ما حضور دارد. این چشم ها می توانند نمودی از چشم های زنده ی پیرامون ما در هرجا که هستیم باشند؛ پس باید که...





در دل زمین؛ آب، آنچه پیش از این مائده زیرزمینی نامیده می‌شد. سالیان سال است که هویدا و آشکار مفقود گشته و فضایی تهی جایش را در اعماق وجود خاک پر کرده است. جای خالی آب، هیزه را سبب شده است؛ زخم‌هایی که بر لب‌های خشکیده زمین نقش بسته و شکافی عمیق را بر پیکر تشنه خاک بوجود آورده است. زیاده‌خواهی انسان‌ها و عدم صرفه‌جویی و قدر دانی ایشان، نمک بیشتری است بر زخم‌های عمیق زمین. در این اثر، با چینش قطعات به جای مانده از چینه‌های دیوار گلی یک باغ که به خاطر خشکسالی و بی‌آبی اکنون هیچ از آن باقی نمانده است و عبور دادن لوله‌های خشکیده انتقال آب از میان آن‌ها، بار دیگر بر این موضوع که تهدید بزرگی برای کشورمان است اشاره کرده‌ام.

«Water in the heart of the earth was called an underground blessing. It has now years since this once obvious element has become lost, giving up its place to a void at the depth of the soil. The empty space of water has caused a scruff, wounds that have appeared on the dried up lips of the earth and have created a deep rupture on the thirsty body of the soil. The greed of humans and their lack of moderation and gratitude, are salts poured over the deep wounds of the earth. By arranging pieces of a brick wall from a garden that is no longer in existence due to drought, and by passing the dry water supply pipes through them, I have highlighted once more this issue, that is a great threat to our country.



نقطه‌ی عطف ایده‌ی این اثر برای من "نگاه" بود. نگاه به انسان‌ها، نگاه به خودم و نگاه به جهان بینی میان من و ما. به دنبال یافتن مفهومی بودم که انسان را به خویشتن خود نزدیک کند، مفهومی که با پیوند طبیعت به نوع بشر سبب بازگشت ما به ما شود؛ چرا که آینه‌ی کوچکی هستیم در برابر عظمت بی‌کران طبیعت. "نگاه" یک مفهوم معنوی و آسمانی است در قالب جسمی زمینی و مادی به نام "چشم". مخاطب در مواجهه با این اثر با فرم چشم هلیکس مواجه می‌شود - هلیکس به چشم خدا معروف است، چشمی کیهانی که گویی به ما نگاه می‌کند - و با ورق زدن، فرم‌های جدید در مقابل چشمان مخاطب ظاهر می‌شوند و در واقع هر قدر لایه‌های بیشتری را کنار می‌گذارند و به عمق حرکت می‌کنند به نور بیشتری می‌رسند، تا جایی که تنها نور مطلق باقی می‌ماند. سیر سفر از قعر ظلمات به نور، در دل لایه‌های چشم و سحابی‌ها می‌گذرد و نهایتاً به منبع و منشأ جهان که همان نور است ختم می‌شود.

"View" was the milestone of this work's idea. A view of human beings, a view of myself, and a view of visions between I and us. I was seeking a concept that would approach humans to their selves, a concept that would cause us to return to us by uniting mankind and nature, because we are a mere mirror in the face of the infinite greatness of nature. "View" is a spiritual and heavenly concept in an earthly and material frame called "the eye". In this work, the audience faces the form of Helix Eye - Helix is famed as the eye of God, the cosmic eye that seems to look at us - and by turning the pages, new forms appear in front of the viewer, and in fact the more layers are gone through and the more depth are attained, he / she reaches to more light, until such point that he / she reaches the absolute light. The travel from the depth of darkness to light takes one through the layers of eyes and nebulas, to ultimately end up at the sources and origin of the world, or light itself.







کودکان همیشه در طول تاریخ تحت تاثیر جنگ و خشونت بوده‌اند و این یک واقعیت تلخ است. به سختی می‌توان دوره ای یا نسلی از کودکان را در جهان امروز مثال زد که با جنگ رابطه مستقیم و یا غیرمستقیمی نداشته باشند. بیش از ۲۵۰ میلیون کودک در سراسر جهان در مناطق جنگی نیازمند کمک و حمایت هستند. کودکان در ۸۷ کشور جهان روی زمین‌هایی با ۶۰ میلیون مین زندگی می‌کنند و سالانه هزاران کودک قربانی انفجار این مین‌ها هستند. این اثر بهانه‌ای است برای یادآوری درد و رنج کودکانی که در همین حوالی، شب‌ها را با صدای گلوله و خمپاره به صبح می‌رسانند و روزها را با خرابی‌های خاطرات کوتاهشان شروع می‌کنند؛ کودکانی که آب و غذا و دارو را نه به عنوان یک نیاز بلکه به دید هدایایی ارزشمند می‌انگارند.

Throughout history, children have always been the victims of war and violence, and this is a bitter truth. It is difficult to see an example of a period or a generation of children in today's world, who have not had a direct or indirect experience of the war. Over 250 million children in war zones all over the war needs assistance and support. In 87 countries of the world, children live on lands infested with 60 million mines, and each year thousands of children fall victim to these explosions. This work is a reminder of the pains and sufferings of children, who, in these vicinities, spent their nights with the sounds of bullets and shell, and begin their mornings with the ruins in their short memories; children who look at food, water and medicines not as a necessity, but as valuable gifts.



خود و دیگری؛ تصویر انسان از خود چقدر با تصویر انسان در نظر دیگری مشابه است؟

«Shocking» How close is out image of self with that of another human being?







زمان، فقط یک ساختار ذهنی است.  
انسان ها بر پهنه‌ای ملال انگیز در دنیای مدرنیسم زندگی می‌کنند.

Time is only a mental structure.  
Humans live in a painful zone in the world of modernism.



وقتی در کنار ساحل قدم می‌زنیم، تکه پاره‌های بازمانده‌ای از تمدن‌ها و زندگی‌ها را می‌یابیم. آب، بستر حیات جدیدی برای آن‌ها شده بود اما آب، روان و ناپایدار است. دریا، حیات می‌بخشد و زندگی می‌گیرد. سکون برای دریا تعریف نشده است، اما همیشه سکوت را می‌شود در کنار دریا شنید. ناگهان از خواب بیدار شدیم، خودمان را میان ساحلی یافتیم، آب ما را به ساحل آورده بود. با پذیرش این حقیقت به گل نشسته، باید از اسارت فکر و کالبد فیزیکی رها می‌شدیم. شبیه به معراج دسته جمعی بود.

برای تولدی دوباره مرگ لازم است .

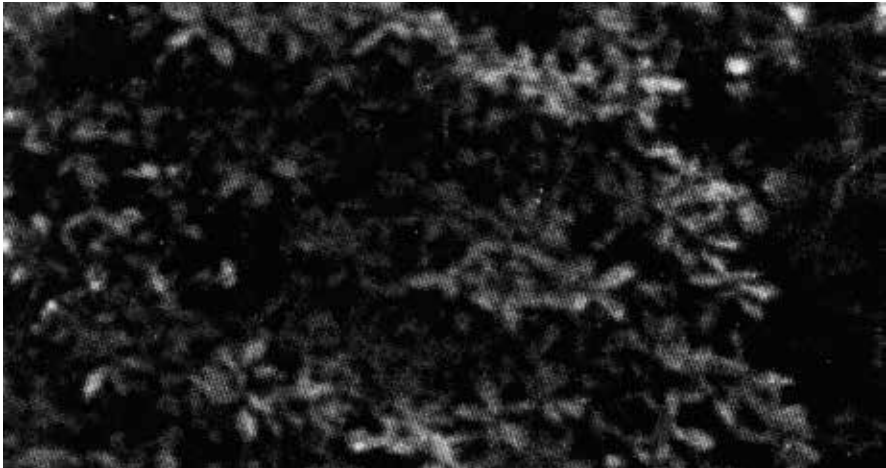
«When we walk on a beach, we find bits and pieces of civilizations and lives.  
Water had become a ground for their new life, but water is flowing and unstable.  
The sea offers life and take it away. Stagnation has not been defined for the sea, but one can always hear silence next to the sea. We have suddenly woken up from a dream. We have found ourselves along a beach, water had driven us to the sea. By accepting this stranded truth, We had to get free of the confinements of thoughts and the physical body.  
It was like a group ascension.  
Death is necessary for a new birth.





این ویدئو که بصورت عکس موشن اجرا شده است سعی دارد به نقش حیوانات اسطوره‌ای در زندگی انسان معاصر بپردازد. گاو یکی از معدود حیوانات اسطوره‌ای است که در اکثر فرهنگ ها نمادی از حاصلخیزی، حیاط، قدرت، برکت است. حتی در اسطوره‌های ایرانی از گاوی یاد شده است که آیندگان می‌توانند با قربانی کردن آن به جاودانگی برسند. آرزویی که هر انسانی را بخاطر بدست آوردنش بی پروا می‌سازد و او را وادار به انجام هر کاری می‌کند. بر این اساس در این ویدئو چنین گاوی را می‌بینیم که در فضای مه‌آلودی در حال نفس زدن‌های آخرش است. انگار او به دنیا نیامده قربانی همین میل جاودانگی انسان معاصر شده است.

This video, made as a motion picture, addresses the role of legendary animals in the lives of contemporary humans. Cow is among the few mythological animals, which is considered as a symbol of fertility, life, power and blessing. Even the Iranian myths relate a cow that the future generations can attain eternity by sacrificing it. A wish that makes any human bold in an attempt to gain it and forces him him / her to do anything. Accordingly, in this video we seen such a bovine embryo that is drawing its last breaths in a hazy environment. As if it has become the victim of this eternal wish of humans, without even being born.



تاریخ یا آنچه وقایع و کنش های شخصی و جمعی بشر می‌خوانیم در کدام صحنه یا میدانی به نمایش در می‌آیند یا رخ می‌دهند؟

آیا مکانی که تاریخ در آنجا رخ می‌دهد را می‌توان قیاس از صحنه‌ی نشأت گرفت؟ آیا مکان ها حاملان روح تاریخ و وقایع روی داده در آن ها هستند؟ گذر سالیان به چه میزان روح و سرشت مکان ها را پربار و غنی تر کرده است؟

در این ویدئو حرکت دوربین بر روی جزئیات عکس، اثری مجزا از کلیت عکس را به وجود آورده است و هنرمند با فاصله‌ی زمانی حدوداً چهل ساله این عکس را از آن خود کرده است. به عبارت بهتر شاید حرکت چشمان ما بر روی این عکس تاریخ جدیدی را رقم بزند.

«At which scene or field are displayed history or what we call the personal and group events and actions?

Can we consider the place where history occurs on a scale of a theater piece? Are locations the bearers of history's soul and the events occurring in them? To what extend have the passing years added to the wealth and load of the sites' spirits and nature?

The camera movement on the details of images in this video, has created a work completely separate from the whole of the image, and in a span of about forty years, the artist has made the image his own. In better words, the movement of our eyes over this photo may create and entirely new history.





سال‌های کودکی با چرخیدن به دور خودم و متصور شدن دنیای بزرگسالی آغاز شد. زمانی که به نوجوانی رسیدم اینترنت در خانه ما متولد شد ابتدا مثل کودکی بود جذاب که همه دوستش داشتیم و بعد کم کم برایمان عجیب شد. روزها و اتفاقات و جریان‌ها در پس یکدیگر می‌آمدند و می‌رفتند و با خاتمه یکی، یکی دیگر آغاز می‌شد و روز به روز سریع و سریع‌تر شد. اکنون او بود که به دور من می‌چرخید...

اما خیال او، گویا راحت‌تر بود او خود را پیروز میدان می‌داند!  
و این گونه است؛

\*پایان هر چیزی، شروع چیز دیگر است\*

توضیحات: این ویدئو آرت برگرفته از قسمت انتهایی یک پرفورمنس آرت می‌باشد. این اجرا را با مفهوم زندگی در دنیای جدید و تقابل سنت و مدرنیته که به صورت آنلاین به دعوت از جشنواره بین‌المللی شیلی بود به اجرا در آوردم.

«My childhood years started with turning around myself and imagining the adult world. When I reached adolescence, internet was born in our house. At first, it was like an infant, delightful, and we all liked it, but then it became gradually strange. Days, events and currents came and went by one after the other, and with end of one, the other began, becoming quicker and quicker day by day.

Now it was the one that turned around me...

But its mind seemed calmer, it considered itself the victor!

And that is how;

\*The end of anything, is the start of another\*

Note: This video art is derived from the ending section of a performance art. I performed it online, following an invitation from the Chile International Festival, as the concept of living in the new world and the conflict between tradition and modernism.







---

سرامیک  
Ceramic







در باور مردم سیستان، کوه خواجه کوهی «مقدس» است. اینان اعتقاد دارند موجودی در دریاچه «هامون» زندگی می‌کند که به مراقبت از این کوه می‌پردازد. این موجود در آب‌های دورتادور دریاچه شنا می‌کند و مراقب است تا موجودات ناپاک نتوانند از طریق خشکی و آب به این کوه نزدیک شوند. این موجود به شکل نیمی انسان و نیمی ماهی در آب‌های اطراف این کوه دیده شده است، که مردم بومی این موجود را به اسم «نگهبان هامون» می‌شناسند. فلسفه وجودی ساخت این اثر بر همین باور رایج که در بین مردم سیستان می‌باشد شکل گرفته است.

In the beliefs of the Sistani people, the Khajeh Mountain is "sacred". They maintain that there is a creature living in the "Hamoon" Lake, who protects the mountain. The creature swims round the lake and prevents impure creatures reaching the mountain from land and water. It is in the shape of semi human and semi fish and has been seen around the mountain. People call it the "Guardian of Hamoon". The concept behind this work is based on this popular belief.



محمدرضا رونده / نگهبان هامون  
Hamoon's guardian / Mohammad Reza Ravandeh

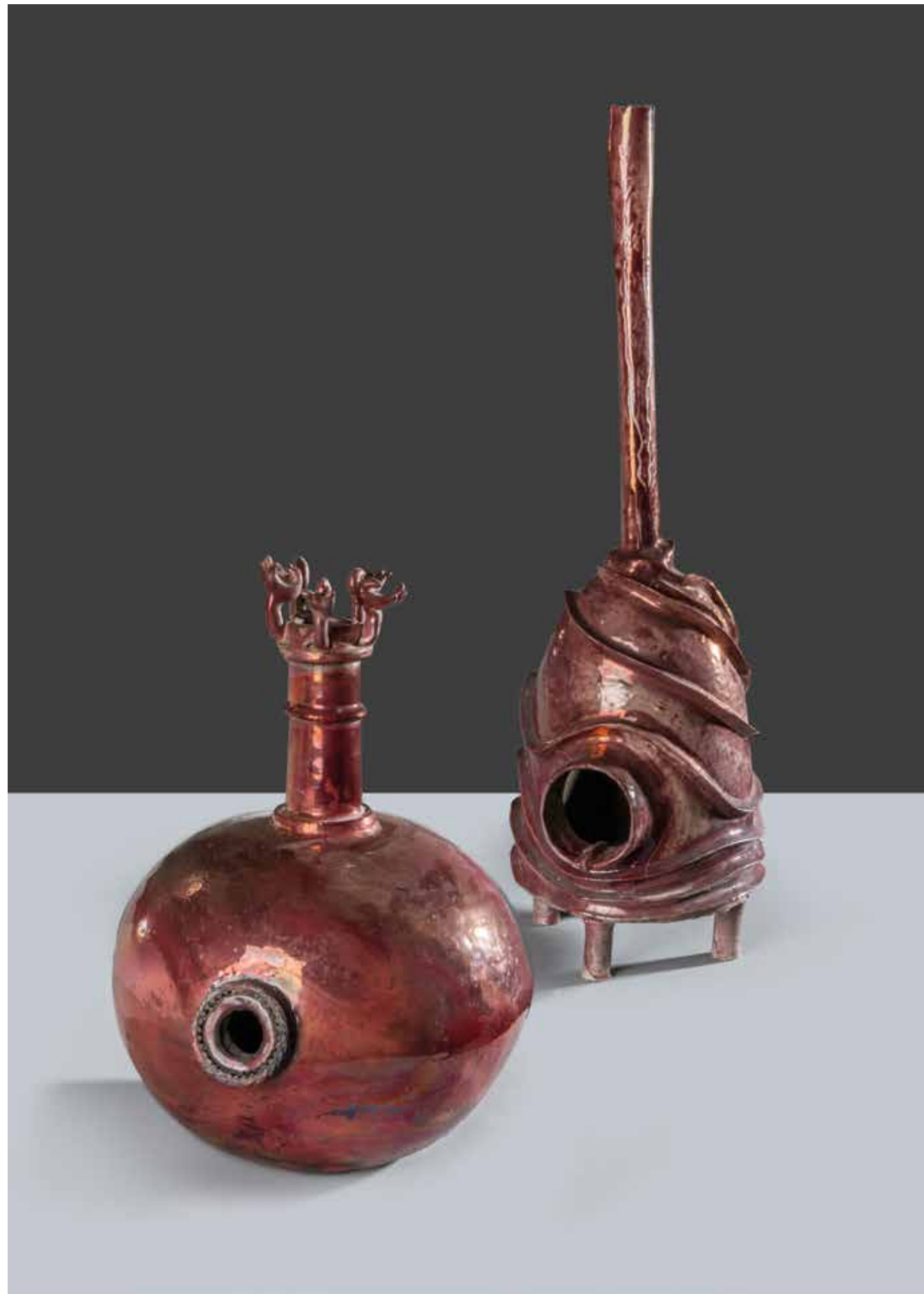








اشکان اختری / مهاجرت  
Migration / Ashkan Akhtar



حسام‌الدین آرمان / از مجموعه دروازه  
From twelve collection / Hessamuddin Arman





نسرین اسمی / بدون عنوان  
Untitled / Nasrin Esmi



نسرین اسمی / خیال  
Imagination / Nasrin Esmi





لیلا جیریانی شراهی / رویش ۳  
Growth 3 / Leila Jeyrani Sharahi



آرغوان جابری ملایری / ما لعلیتکانیم و فلک لعبت باز  
We are puppets and heaven our manipulator / Arghavan Jaberi Malayeri





زهره حاجی زاهدی / «رخش! طفلك رخش! آه»  
Rakhsh, poor Rakhsh, alas! / Zohreh Haji Zahedi

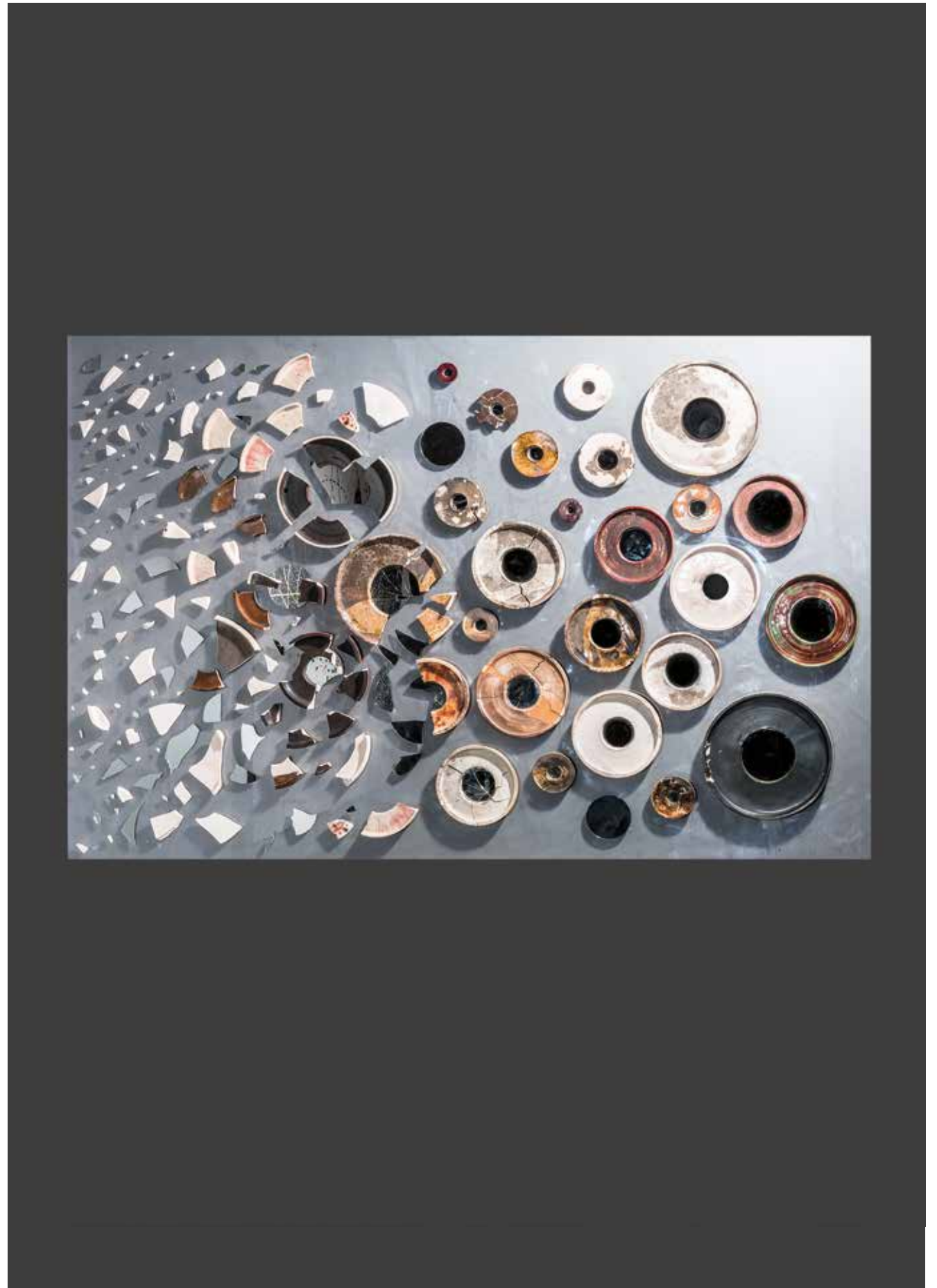


زهره حاجی زاهدی / پرمایه  
Noble / Zohreh Haji Zahedi





هانیه دولو / خیال اسبان در شب پرستاره  
Dream of horses in starry night / Hanieh Davaloo

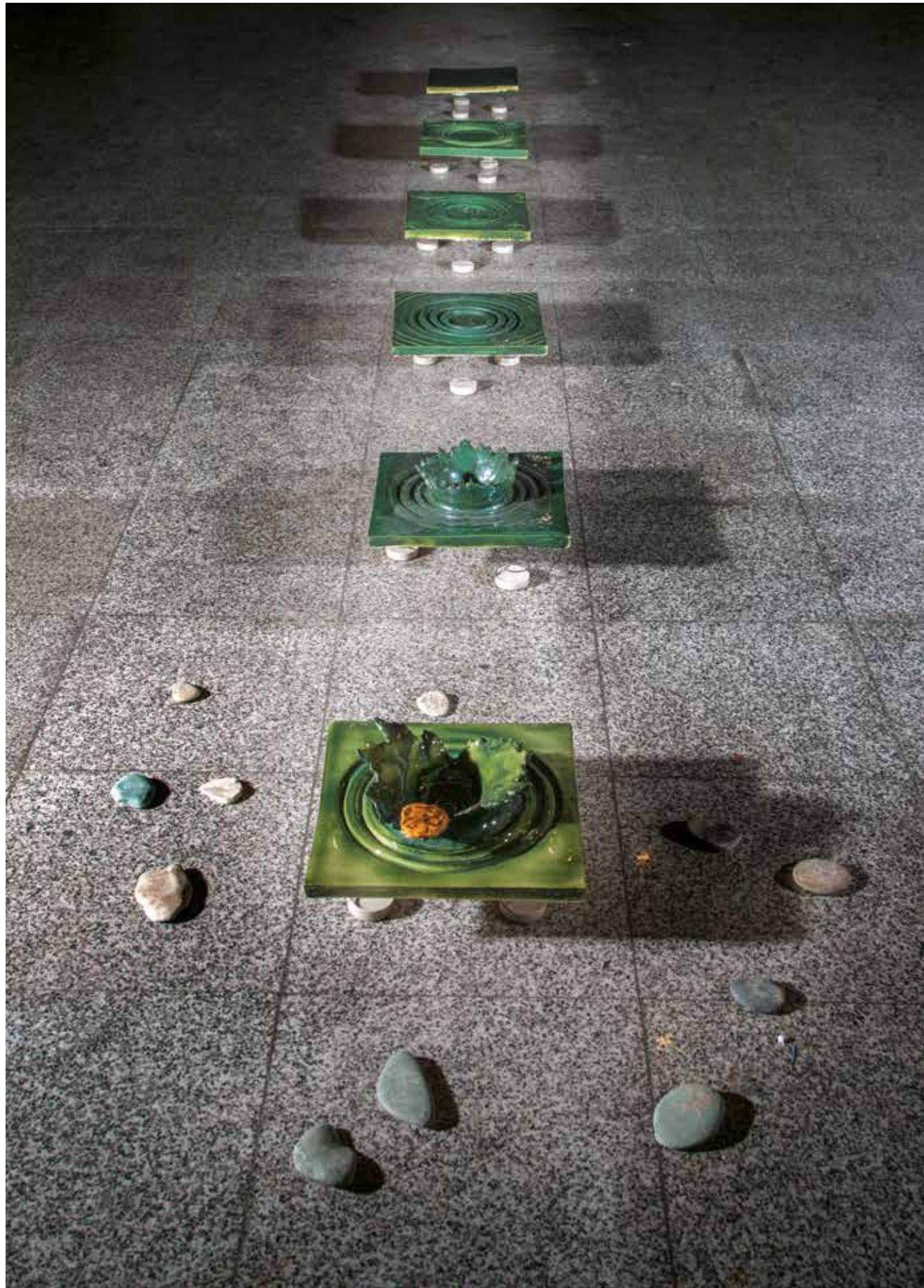


هانیه حاجی میرزا / گذر  
Passage / Hanieh Haji Mirza





بابک دیده‌ور / تاراج  
Pillage / Babak Didehvar

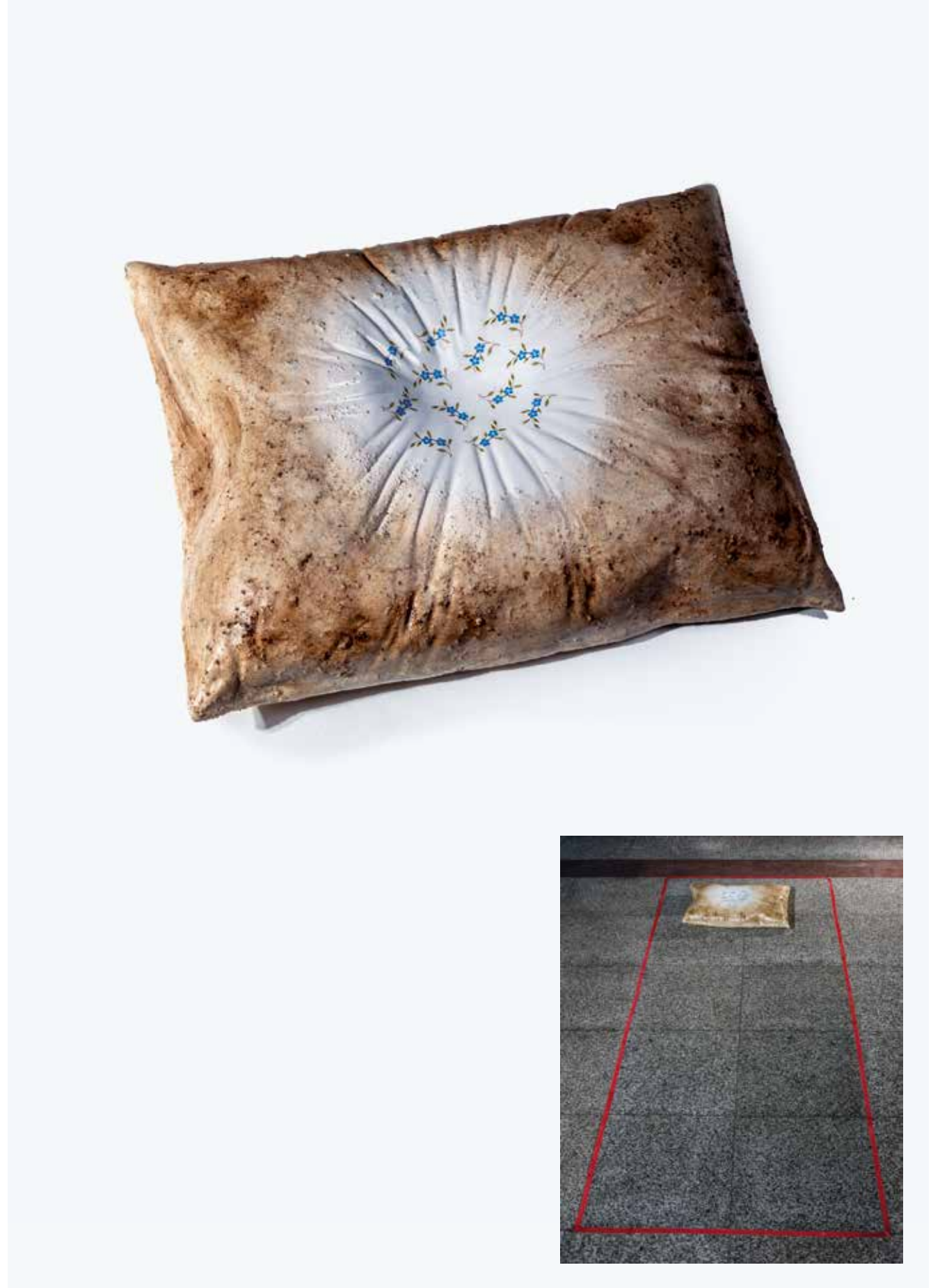


بابک دیده‌ور / تاریخ  
History / Babak Didehvar





فاطمه سعادت‌مند / خودشناسی  
Selfexamination / Fatemeh Saadatmand

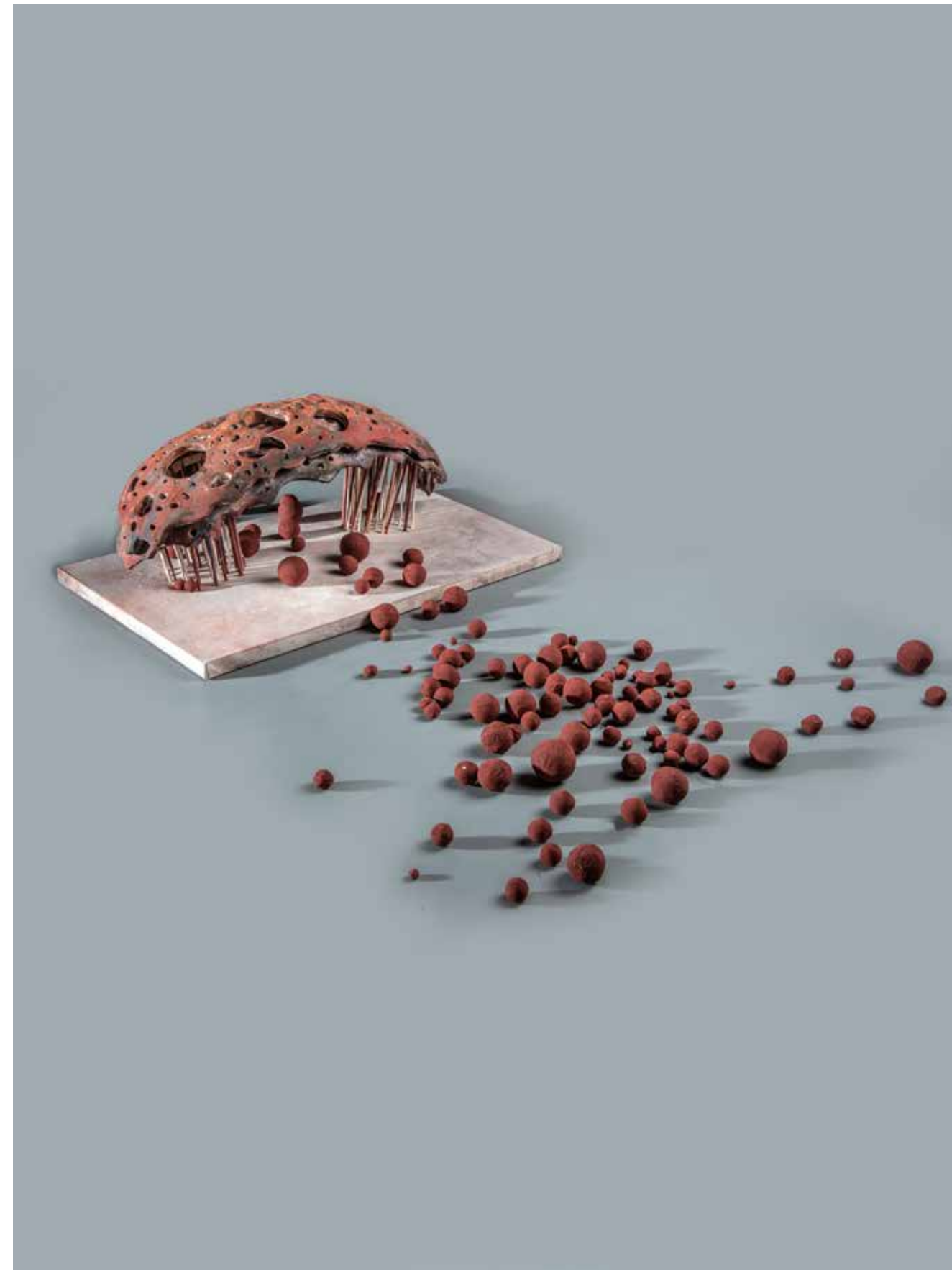


نقیسه رحیمی / رفتن بدون از بین رفتن  
Going without being destroyed / Nafissseh Rahimi





زینب صباغیان / تبار  
Clan / Zeynab Sabaghian

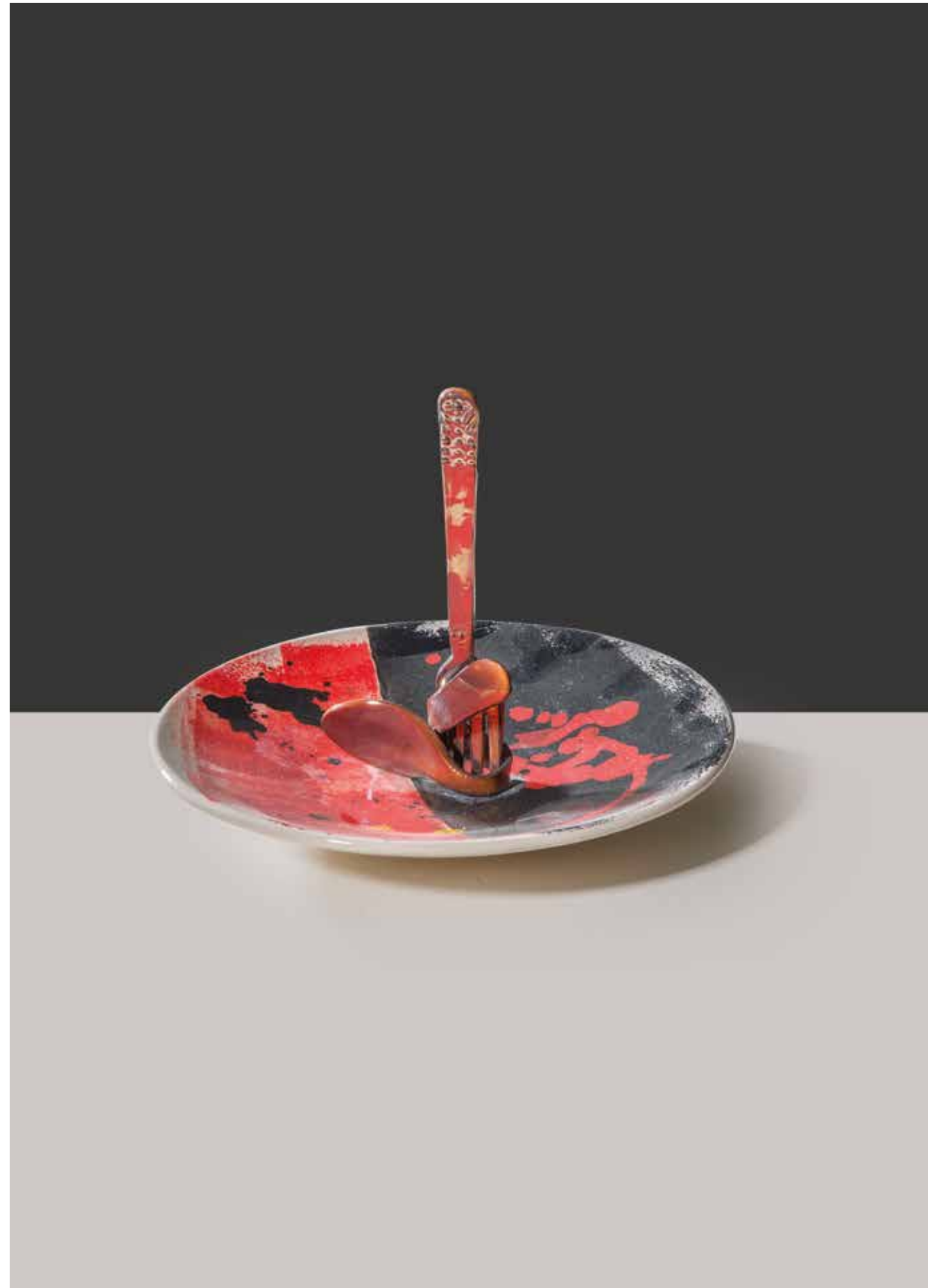


هنگامه صالح زهتاب / زاینده رودم آروزوست.  
Alas for Zayanderood / Hengameh Saleh Zehatab





سیدرضا قائمی اوره / خودخوری  
Fretfulness / Seyed Reza Ghaemi Oureh



سیدرضا قائمی اوره / دگردیسی  
Metamorphosis / Seyed Reza Ghaemi Oureh





سپیده محمدی / زمان  
Time / Sepideh Mohammadi



الهام قاهری / چشمه  
Spring / Elham Ghaheri





بهاره مختاری / هو  
He /Bahareh Mokhtari



فهمیه محمدی / بدون عنوان  
Untitled /Fahimeh Mohammadi







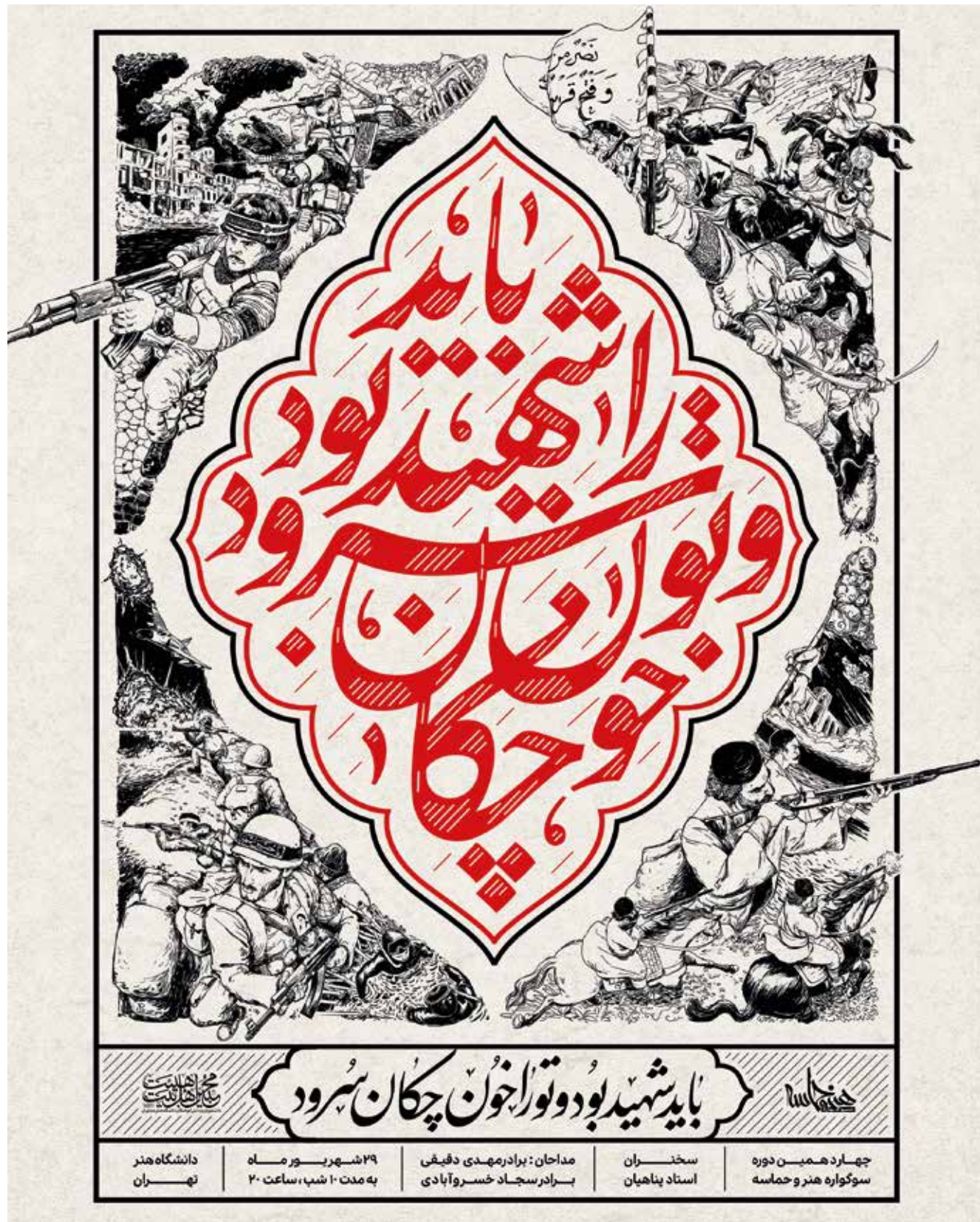


---

طراحی گرافیک  
Graphic Design

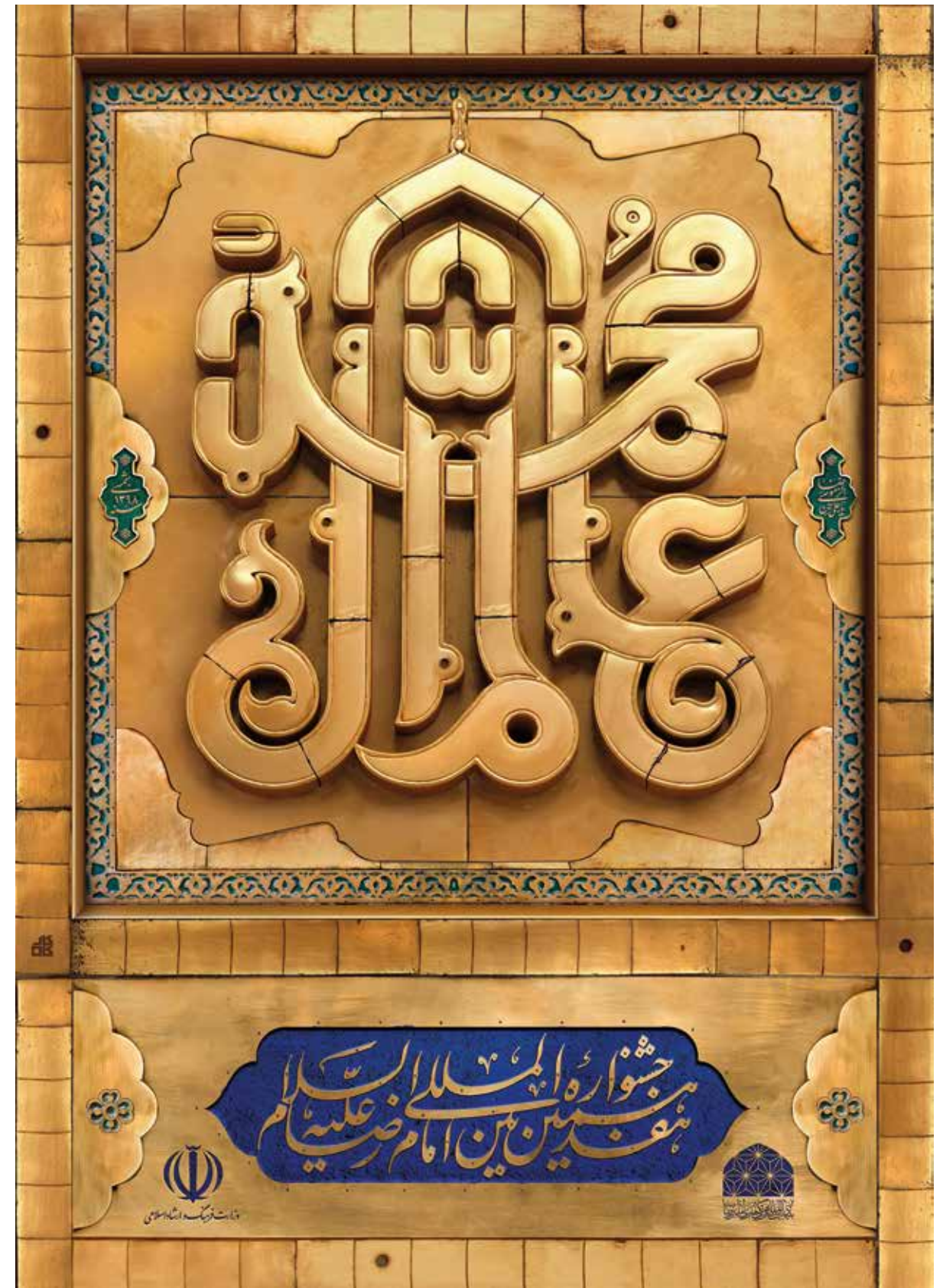




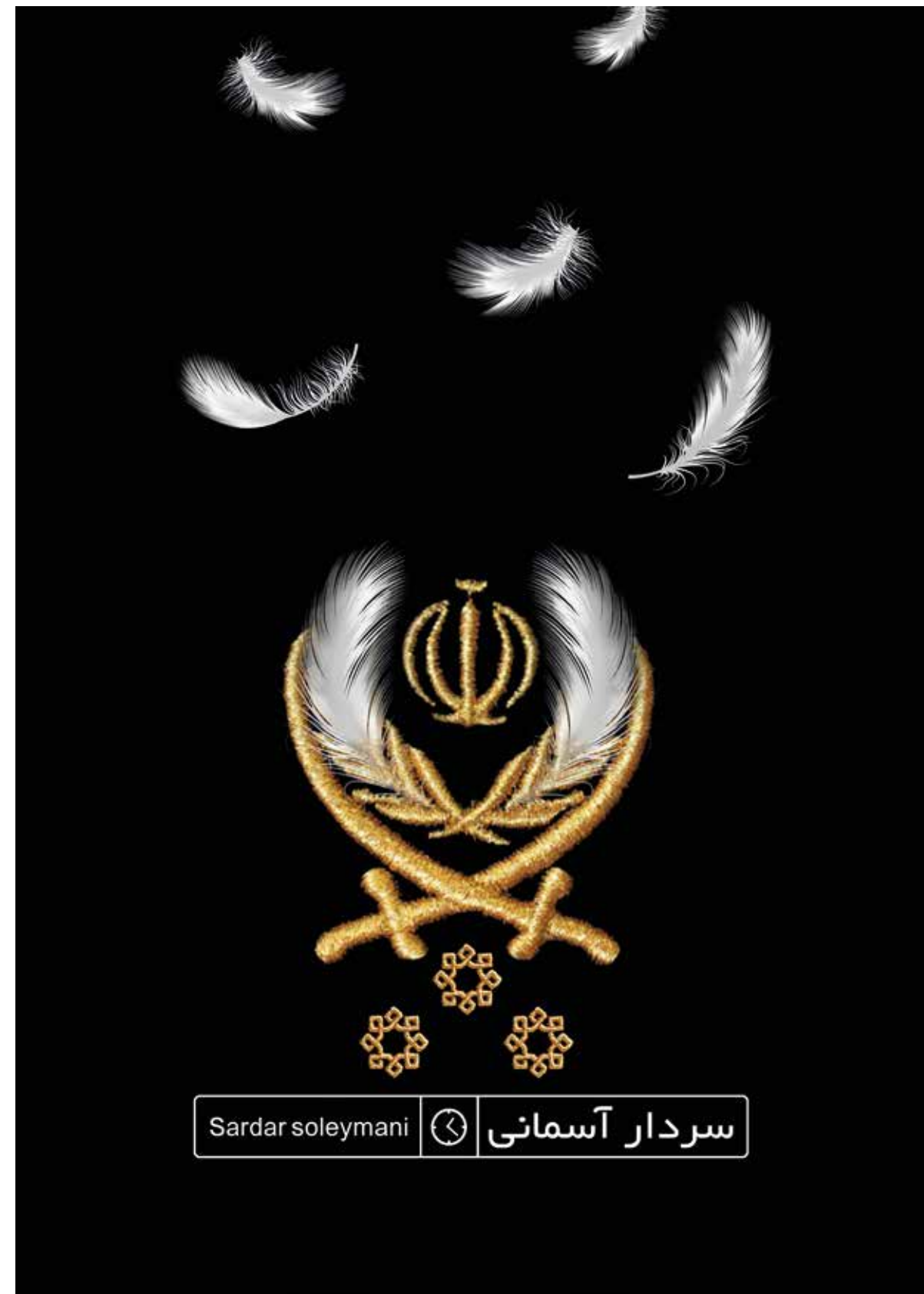


محمد رضا چیت ساز، میکائیل براتی، صادق ایلی (هیئت هنر) / باید شهید بود  
Must be a martyr / MohammadReza Chitsaz, Micail Barati, Sadegh ili







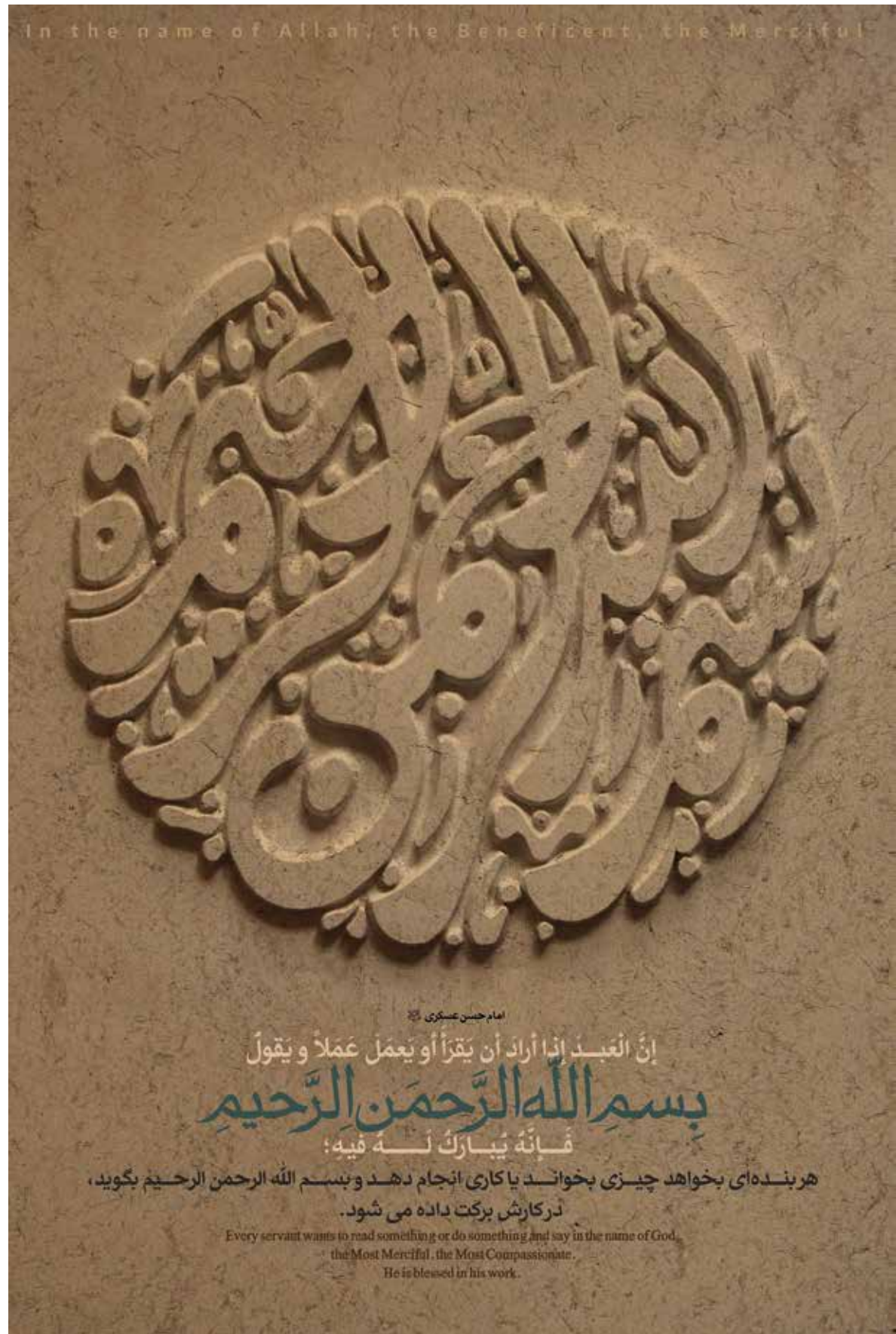






PALESTINE.THE POWER OF STONE









علیرضا حاجی رحمانی / سال / خورده گی  
old/age / Alireza Haji Rahmani

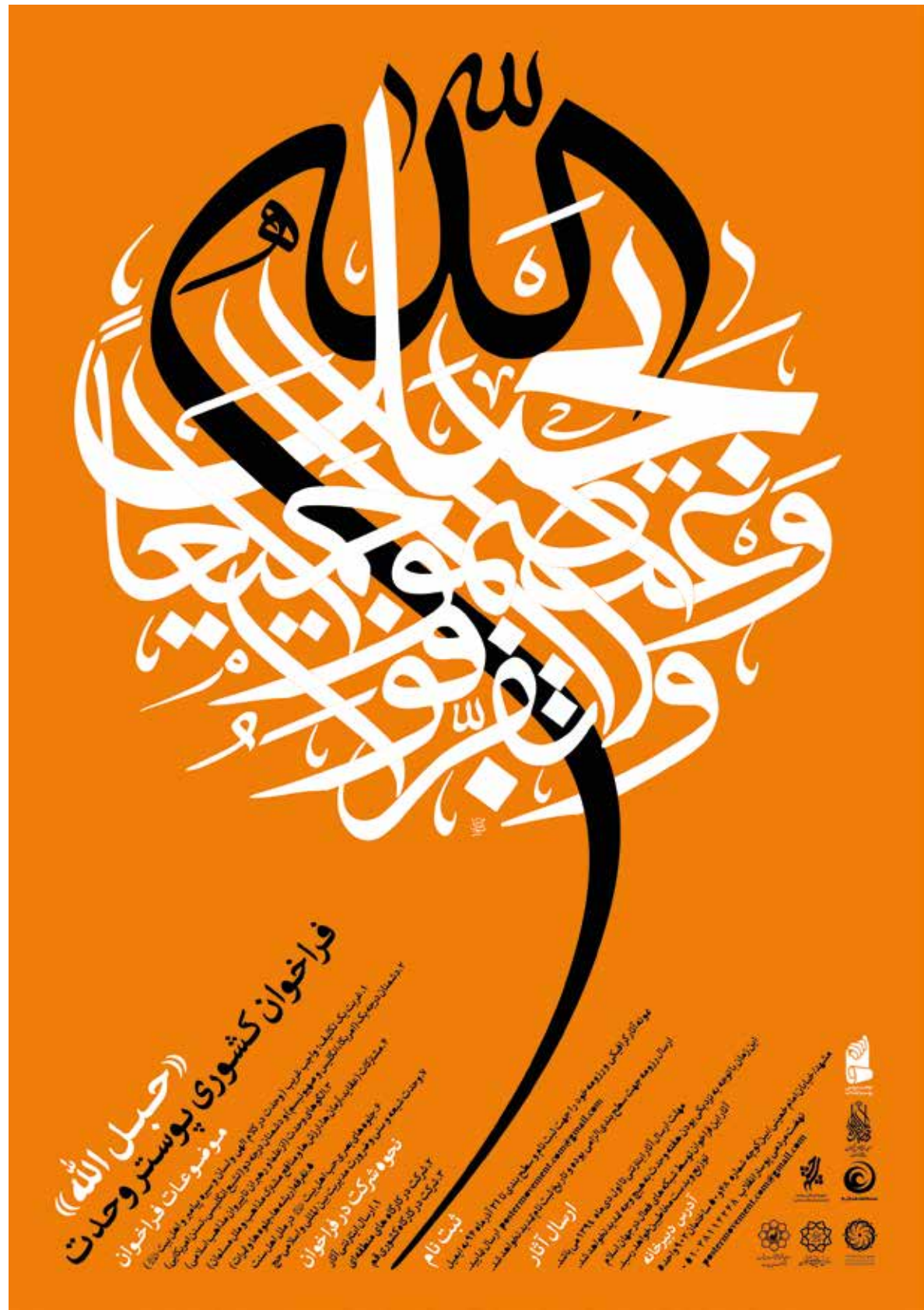


حسین چمن خواه / اسماء الحسنی  
The Glorious Names / Hossein Chamankhah



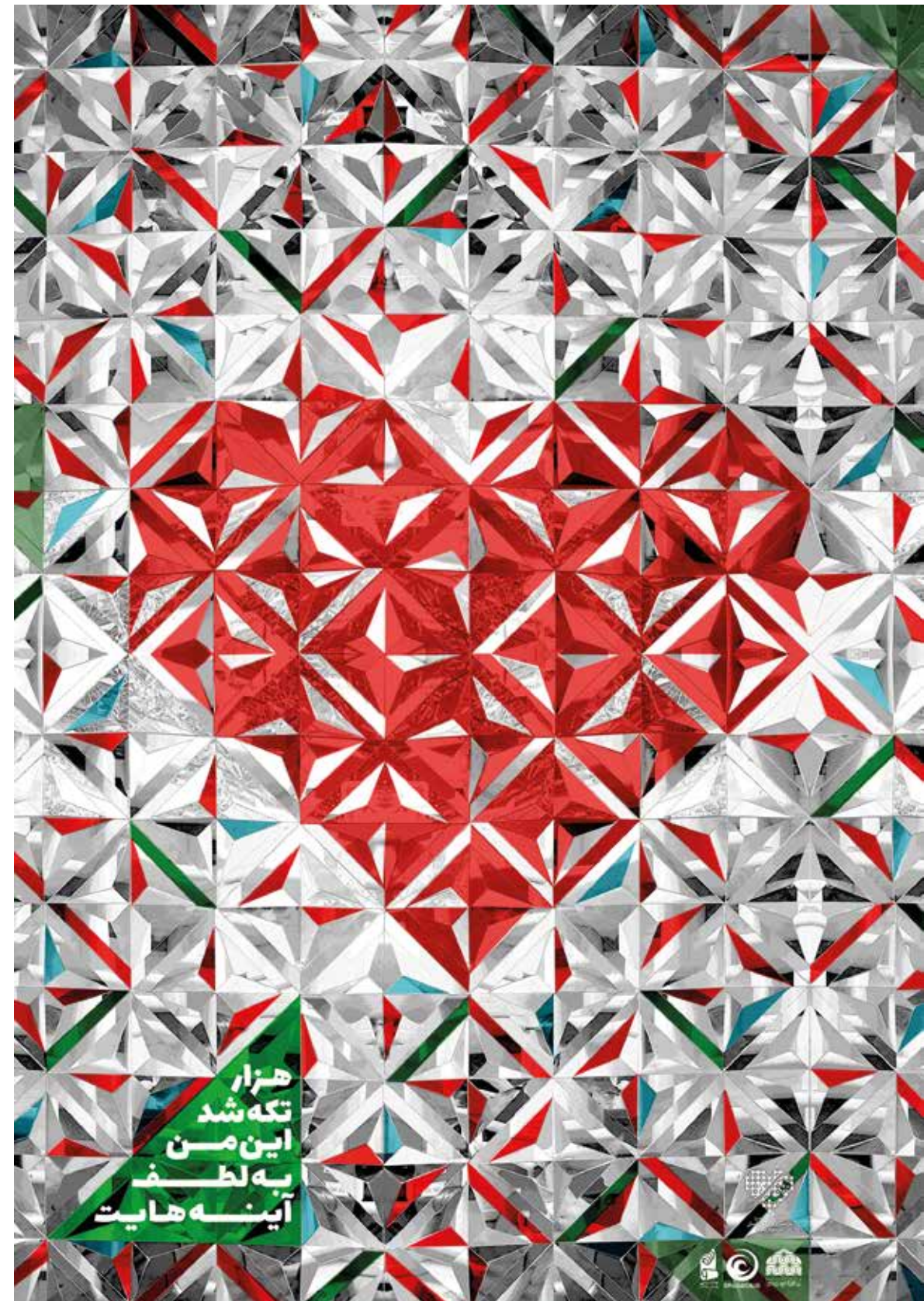
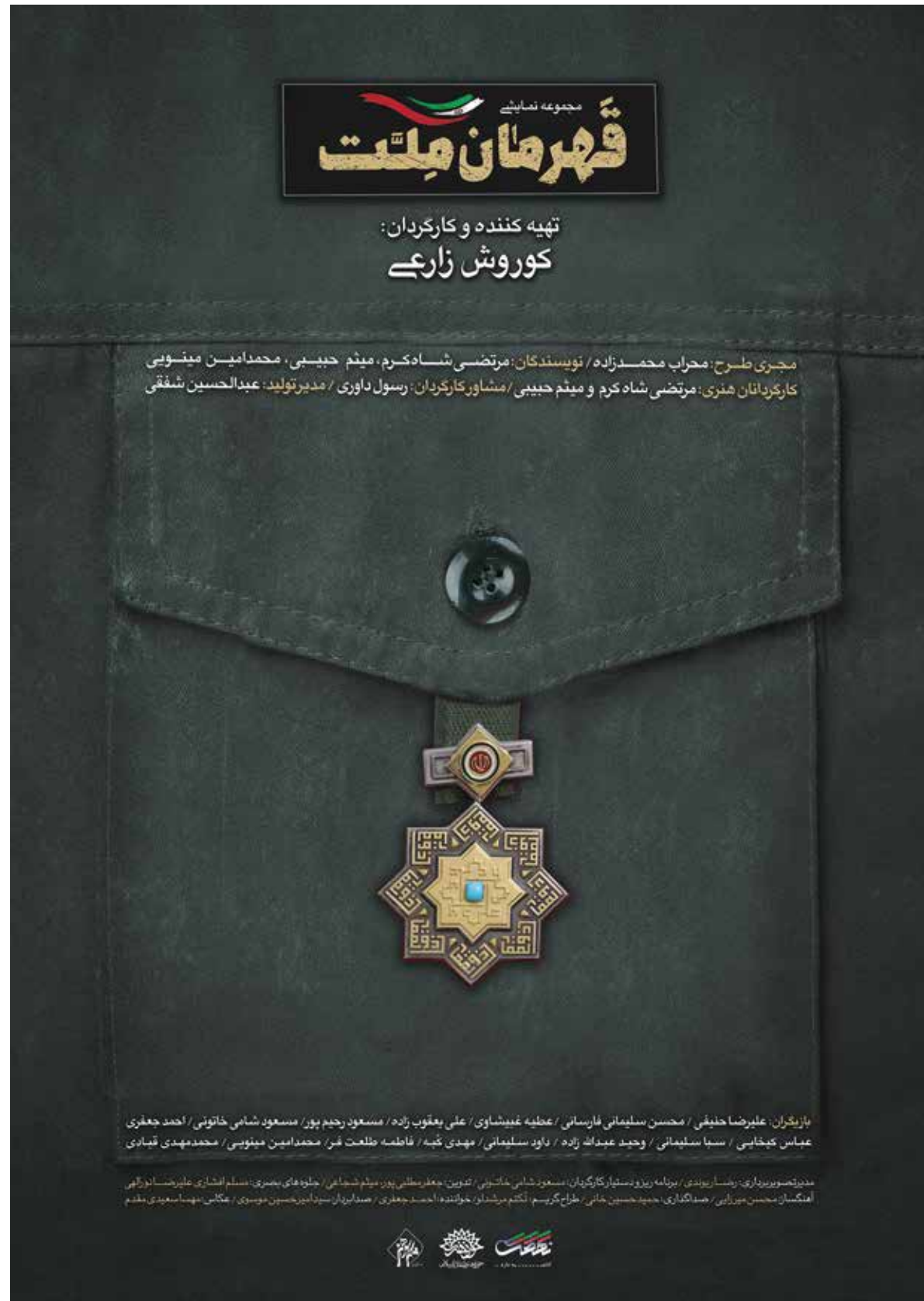


وحید حقی تومتری / نشان شیرازه، چهارمین دوسالانه هنر طراحی کتاب  
Medal for binding, the 4th biennial of book design / Vahid Haghi Toumetri

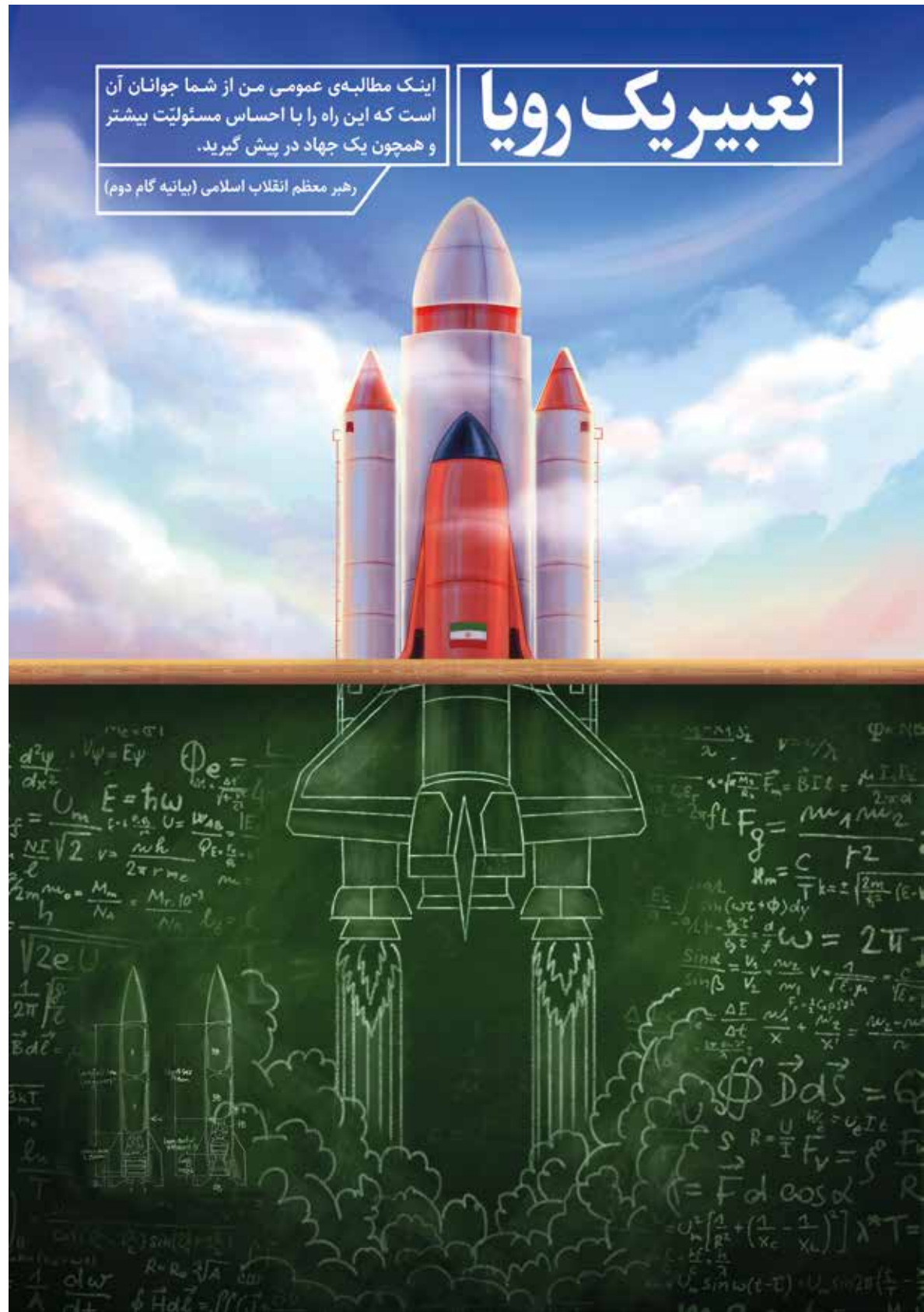
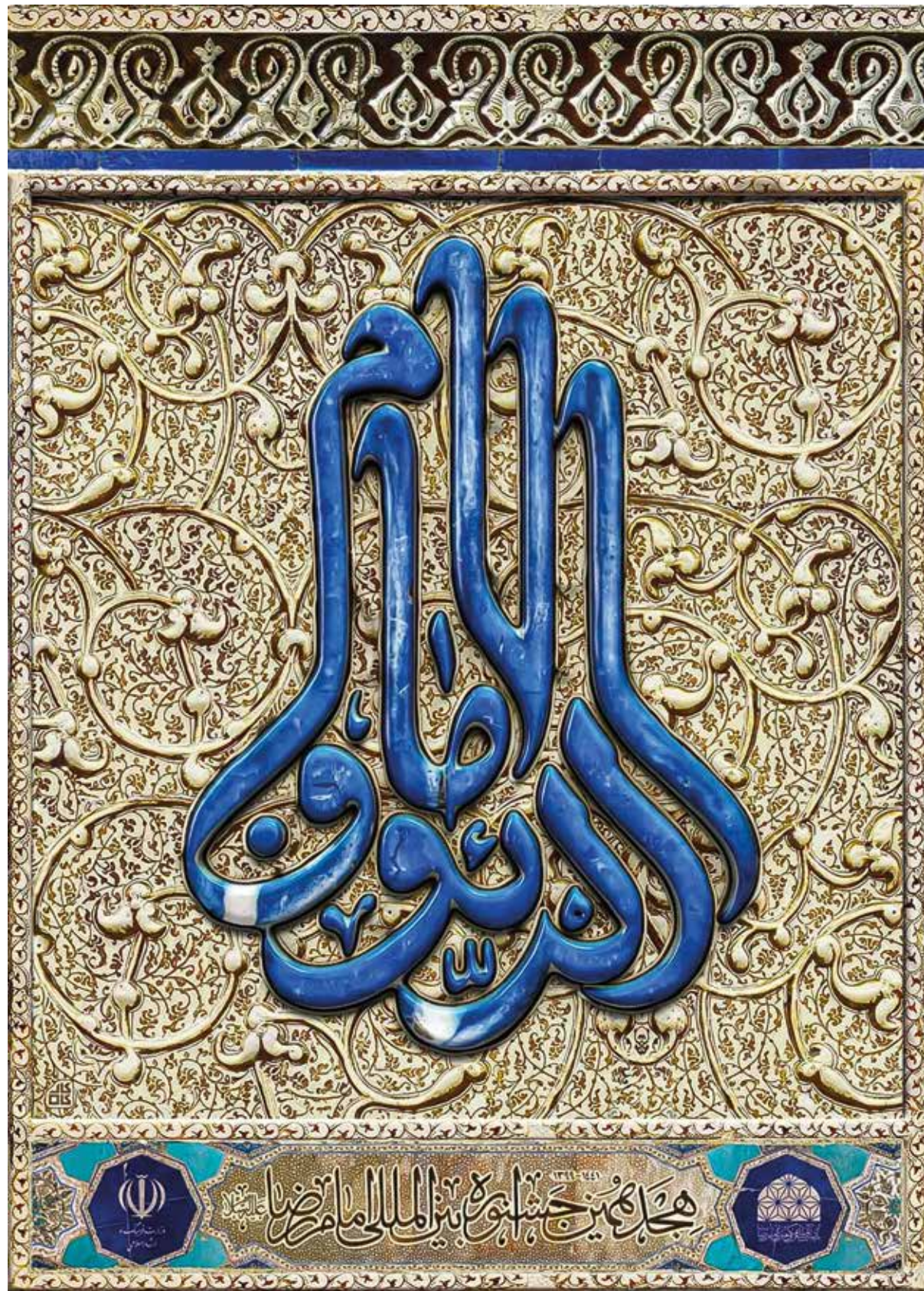


سیدمهدی حسینی / وحدت  
Unity / Seyed Mahdi Hosseini

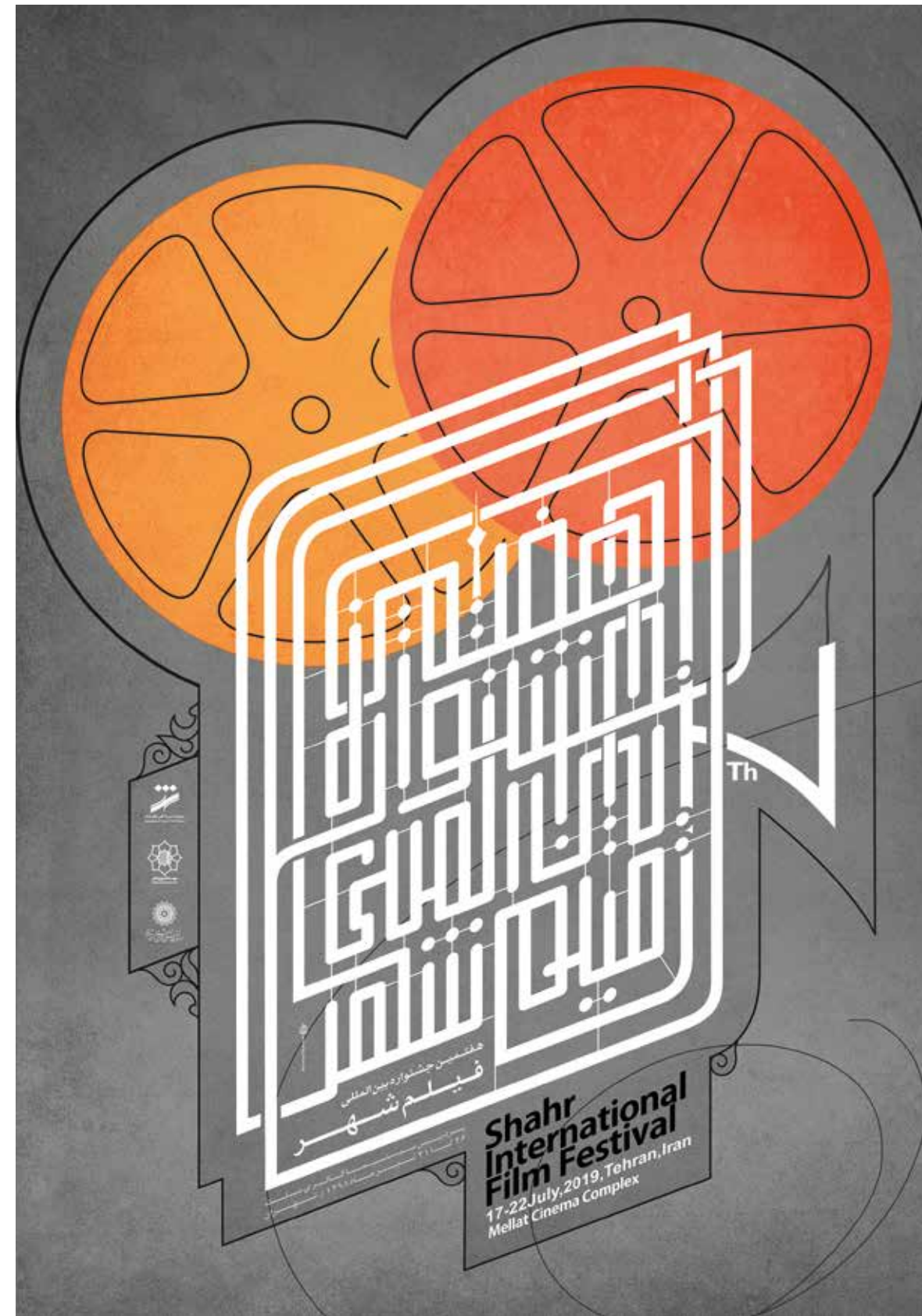




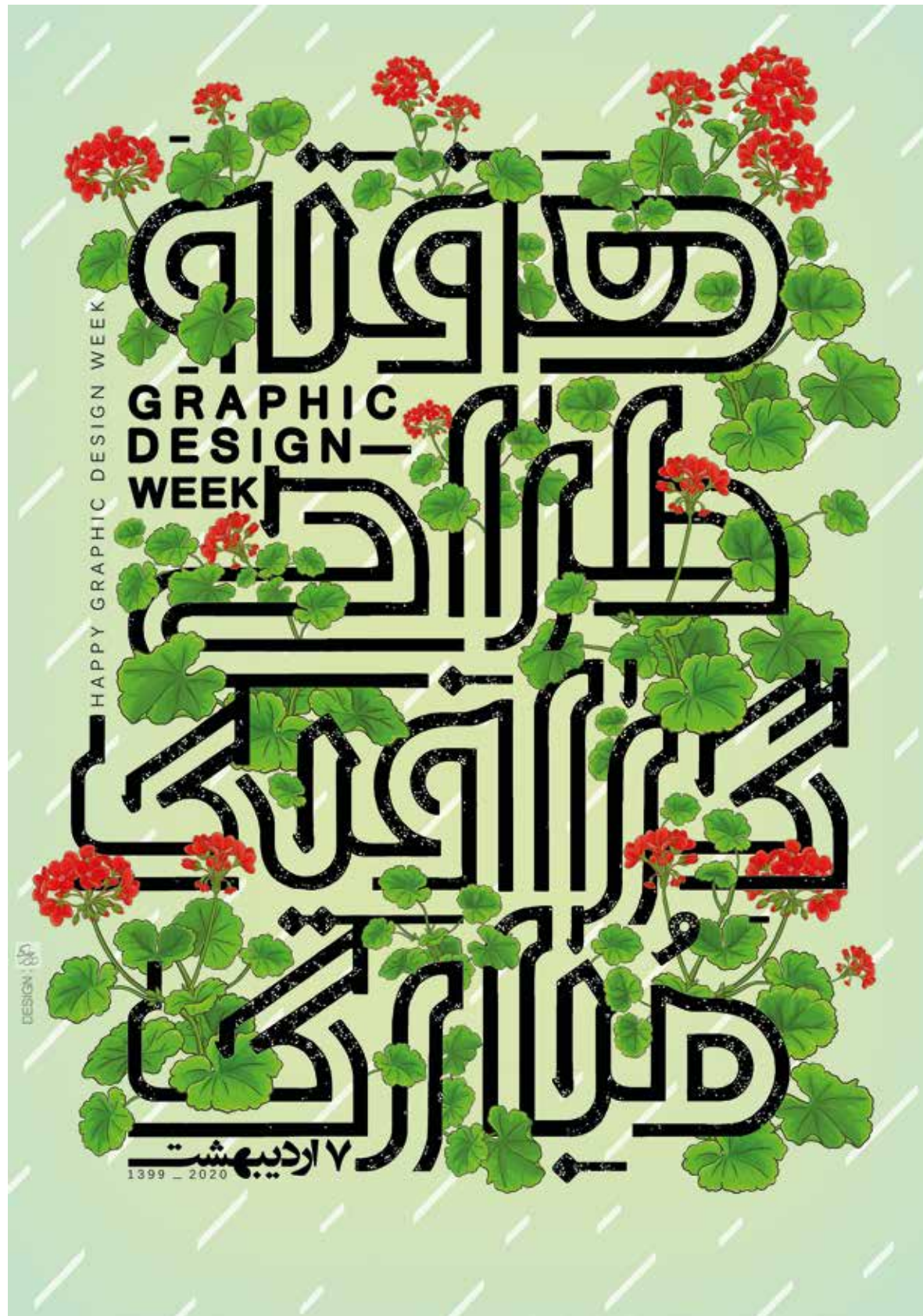




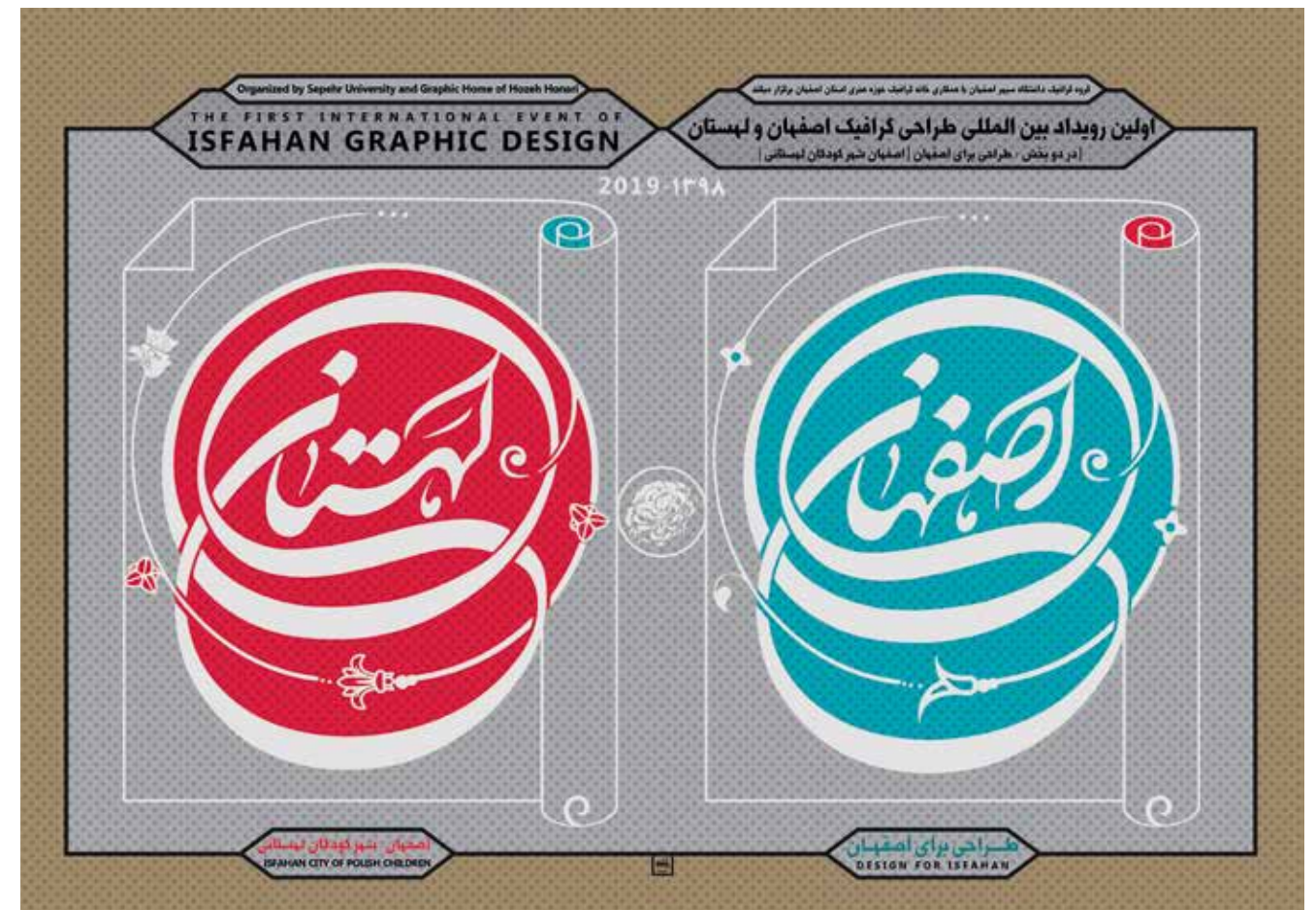












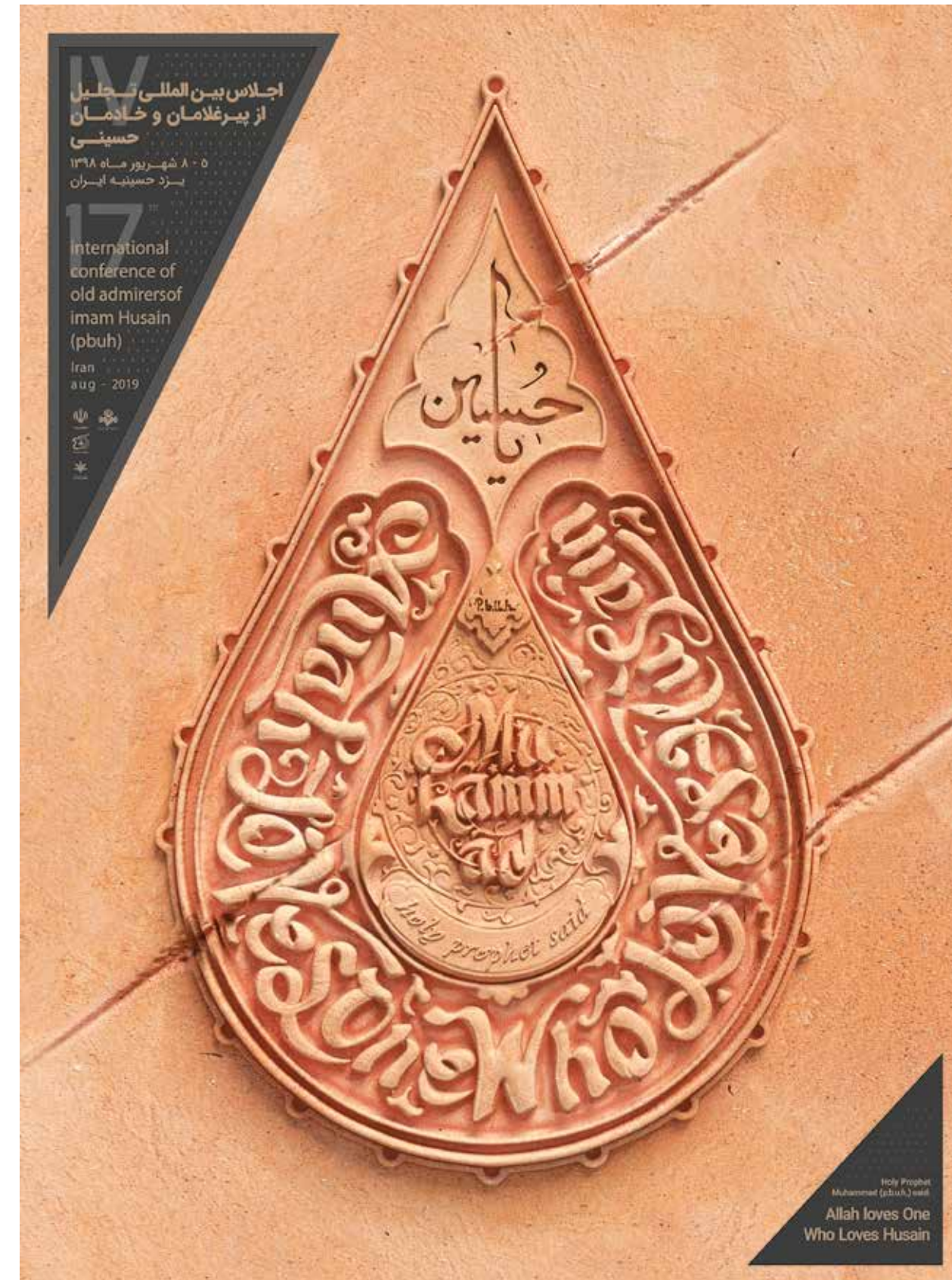
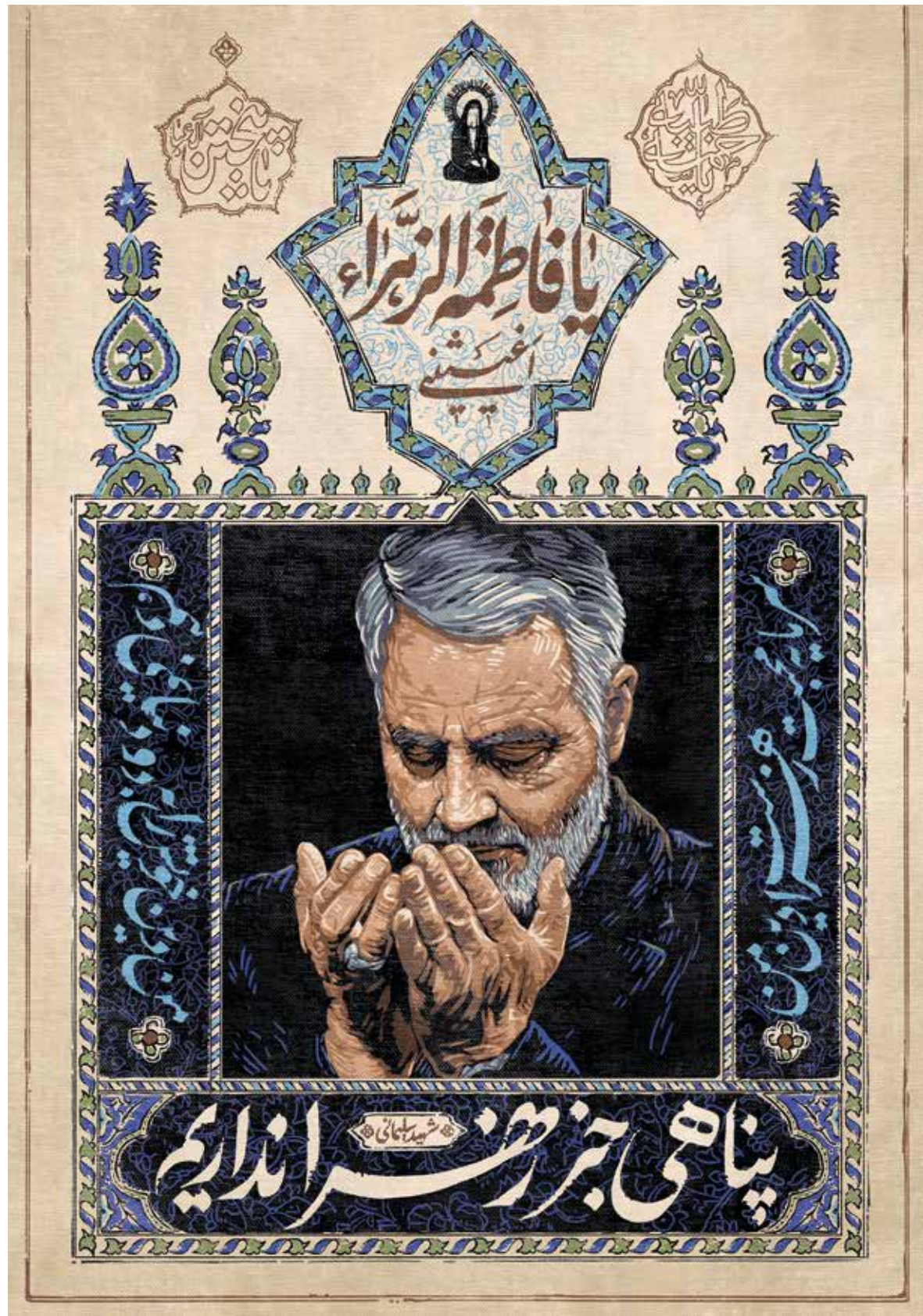












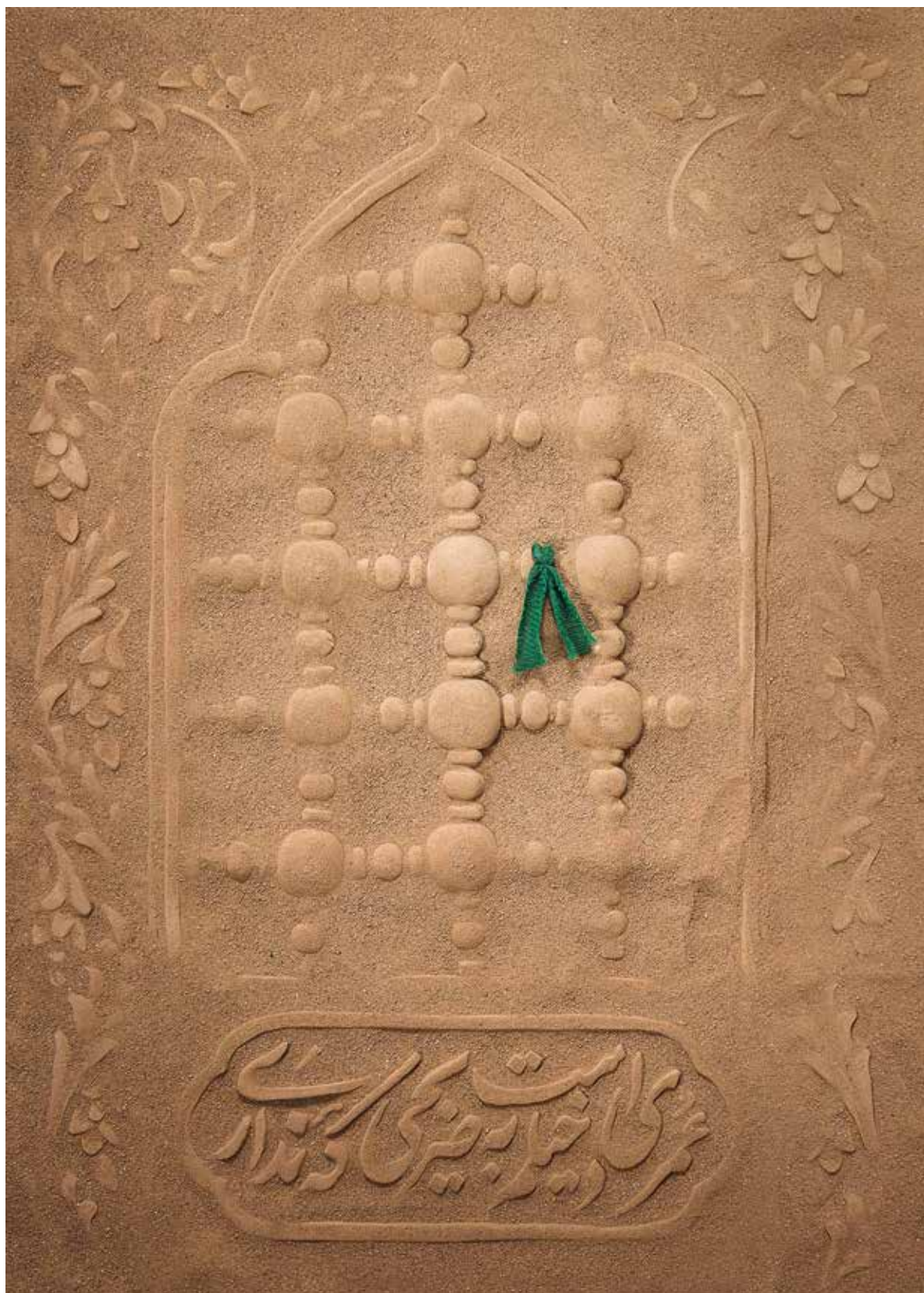
















---

عکاسی  
Photography







دریاچه‌ی هامون بزرگترین دریاچه‌ی آب شیرین فلات ایران است که در جنوب شرقی استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. در ادبیات و اسطوره‌شناسی ایران کهن، دریاچه‌ی هامون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در اوستا و مباحث فرجام‌شناسی دین زرتشتی نیز بارها به این دریاچه اشاره شده است. هامون، قبل از خشک شدن، بزرگ‌ترین تأمین‌کننده‌ی آب شرب و کشاورزی برای سه استان سیستان‌بلوچستان و قسمت‌هایی از هرمزگان و کرمان بوده و استان سیستان و بلوچستان از قدیم‌الایام به عنوان انبار غله‌ی ایران معروف بوده است.

در دو دهه‌ی گذشته، خشک‌سالی شدیدی بر اثر تغییرات اقلیمی، سوء مدیریت منابع آبی، برداشت‌های بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و همچنین بستن حق‌آپ رود «هیرمند» از سمت کشور افغانستان، به عنوان مهم‌ترین رود تأمین‌کننده‌ی آب هامون، باعث خشکیدن «دریاچه‌ی هامون» و از بین رفتن کشاورزی، دامداری و سایر فعالیت‌های اقتصادی مردم منطقه شده است. از سوی دیگر، مشکلات زیست‌محیطی دیگری مانند طوفان ریزگردها و حرکت شن‌های روان پیش آمده و بحران بزرگی را در شرایط زندگی انسانی آن منطقه به بار آورده است. مهاجرت گسترده‌ی مردم سیستان به مناطق دیگر، یکی از تنمه‌های آن بحران است که در حال حاضر نیز ادامه دارد. بعد از خشک شدن هامون بادهای معروف ۱۲۰ روزه‌ی سیستان که سرعت آن هاگاه به ۸۰ کیلومتر در ساعت هم می‌رسد، باعث ترکیب رسوبات خشک‌شده در کف دریاچه با ریزگردها و ایجاد خطرات زیست‌محیطی و بیماری‌های تنفسی و پوستی برای بیش از ششصد هزار نفر ساکنان روستاها و شهرهای اطراف شده است. این پروژه‌ی بلندمدت، با دعوت یکی از دوستان برای بررسی وضعیت زیست‌محیطی هامون و تطبیق وضعیت آنجا در امتداد پروژه‌ی عکاسی از دریاچه‌ی ارومیه، از فروردین‌ماه سال ۱۳۹۲ شروع شده و تا به اکنون نیز ادامه دارد. از قرائن این‌گونه بر می‌آید که در آینده‌ی نزدیک برای هامون خواهیم گریست.

Hamoon is the largest freshwater lake of the Iranian Plateau, situated to the southwest of the Sistan and Baluchistan Province. Hamoon enjoyed a special status in the ancient Iranian literature and mythology, and has been mentioned many times in the in Avesta and the teleology of the Zoroastrian religion. Before drying up, Hamoon was the main source of drinking and agricultural water supply for the three provinces of Sistan and Baluchistan, parts of Hormozgan and Kerman, while from ancient times, Sistan and Baluchistan was famed as the cereal silo of Iran. In the course of the last two decades, intensive droughts brought about by the climate change, mismanagement of water resources, over exploration of ground waters as well as the obstruction of "Hirmand River", the main source of "Hamoon Lake", by Afghanistan, have resulted in the drying up of the Lake and the decline of agricultural, farming and other economic activities of the region. On the other hand, other environmental problems such as dust storms and desertification have created a great living condition crisis. The mass migration of the Sistanis to other regions is the residual impact of this still ongoing crisis. After the Hamoon's desolation, the notorious 120-day winds, reaching at times the 80 km/h in velocity, have combined the sediments and dust at the floor of the lake thereby creating many environmental problems and the respiratory and skin ailments of the six hundred thousand residents of surrounding towns and villages. This long term project, began in April 2013 following an invitation by a friend to investigate the environmental conditions of Hamoon and to draw a parallel with the Uromieh Lake project. From the looks of it, we shall shed many tears in the near future for Hamoon.



صابر قاضی / برای هامون خواهیم گریست  
I shall cry for Hamoon! / Saber Ghazi





"اگر مرگ زمانی دور از تصورات ما بود، اکنون نزدیک‌تر از هر زمان دیگری در اطراف ما پرسه می‌زند. اصلاً نمی‌دانیم تاب می‌آوریم یا نه؟ کرونا همه چیز را عوض کرده است!"

دست می‌گذارد به مخفی‌ترین ضعف‌های دفاعی بدنمان، همان‌طور که روی عمیق‌ترین شاخص‌های فردیت ما دست گذاشته است. ناگهان رها شدیم میان جدال جسم‌مان با ویروس در انبوه فشارهای روحی و روانی، بین هجوم دل‌تنگی‌ها و تنش‌های مداوم و در پایان حتی بدرقه‌ای مناسب با آن که در آغوش مرگ خفته نداریم.

در یک مرز بین آگاهی و نادانی، مرزی از سوگ و ترس. مرزی از تنهایی، حتی به ظاهر در میان دیگران، کنار هم اما دور از هم. همیشه روی خط باریک بودن و نبودن قدم می‌گذاریم و کووید نوزده دلیل ناخواسته‌ای است برای محو شدن این مرز در میان مه. حالا به نزدیک‌ترین‌هایمان هم اعتماد نداریم، وجودمان را حتی مهم‌تر از عشق می‌دانیم.

این تلاشی است برای بقای خود. باید در برهوت خود راه زیادی بگذرانیم و برسیم به مرزی از معجزه. به نوری از آگاهی برای آینده‌ای که شاید مثل گذشته نباشد. نمی‌دانیم فردا چه پیش می‌آید، چگونه خواهیم بود، اصلاً آیا زندگی بعد از کرونا را خواهیم دید؟ نمی‌دانم."



"If death was once far away in our minds, it now hovers around us closer than before. We don't even know whether we can make it or not.

Corona has changed it all!

It has laid its hand on the most hidden weak and ness of our individuality. We're suddenly let loose in the middle of our body's battle with the virus and in a sea of mental and psychological pressures, trapped in the onslaught of constant yearnings and tensions. In the end, we cannot even bid proper farewell to the ones lying in the arms of death. We stand at the border, separating awareness from ignorance, a border made of lament and fear, a border made of loneliness, even amongst others, next to each other, yet quite distant. We always trod on the thin line of being or not being. Covid 19 is the undesirable pretext for this border to fade in a haze. Now, we don't even trust our dearest ones, and consider our lives to be more important than our loves. This is an attempt for survival. We must carry on long in the wilderness to attain the border of miracles. A light of awareness for a future, that might be quite different from the past. We don't know what it holds in store for us, how shall we fare or even whether there would be life after Corona at all? I don't know.



غلامرضا احمدی / مرز  
Border / Gholamreza Ahmadi





مرگ تلخ پرندگان مهاجر در تالاب میانکاله، واقع در استان مازندران، به علت کم‌آبی و آلوده شدن تالاب به سم بوتولیسم ده‌ها هزار پرنده از گونه‌های مختلف را در سال‌های ۹۸ و ۹۹ به کام مرگ کشید و این تصاویر محیط‌بانانی است که برای جمع‌آوری اجساد و دفن آن‌ها روزها و ماه‌ها تلاش کردند. قطع حق‌آبه‌ی تالاب و بارش‌های کم و ریختن فاضلاب‌ها و... همگی کمر به نابودی تالاب‌ها بسته‌اند.



The sad fate of migrating birds in Miankaleh Lagoon in the Province of Mazandaran, which caused the death of tens of thousand birds of different species in the years 2019 and 2020 due to water shortage and contamination with botulism. These are the images of rangers, who spent days and months collecting and burying their dead bodies. The halt in the Lagoon's water rights, the lowering precipitation, the discharge of wastewaters, etc. have all a hand in the Lagoon's destruction.







پیرمرد بی‌آنکه حرفی بزند لنگان لنگان از حفره‌ای به سراغ حفره‌ای دیگر می‌رفت. سکوت پیرمرد نشان از سکوت و خلایق حفره‌ها بود که به‌سان چشم‌هایی در طلب باران و آب به آسمان می‌نگریستند. آسمان بی‌ابر بود و دریاچه بی‌آب و بی‌پرنده، و تنها یاد خشک و استخوان‌سوزی بود که در بلورهای تیز و خشن نمک می‌پیچید. حفره‌ایی پیدا کرد، عصا را زمین گذاشت، روی دو زانو خم شد و با آب شور حفره وضو گرفت. نمازش را به سوی افق ناپیدای دریاچه خواند و دعا کرد: اینک، ای آب‌ها، ما بر آنچه بر شما کرده‌ایم، گریان و شرمساریم. ما را از داروها و درمان‌های نهفته در جان خویش محروم نسازید. ما قربانیان جاه‌طلبی‌ها و خودپرستی‌های انسانی

Without saying a word, the old man proceeded limping from one ditch to another. His silence reflected the silence and vacuum of the pits that looked up to the sky in search of rain and water. The sky was cloudless and the lake without water and birds. Only a dry and stinging wind swirled around the sharp and rough salt crystals. He found a water hole, put down his cane, bent on his knees and made his ablution with the brine water. He began praying towards a vague horizon and said: "Now, o waters, we are tearful and ashamed of what we have inflicted on you. Don't deprave us of your medicines and cures hidden in your bosom. Us the victims of human ambitions and arrogance.

فرشید احمدپور / 'وضو با آب شور حفره'  
Ablution with ditch's brine / Farshid Ahmadpour



با شیوع ویروس کرونا مردم برای برپایی عزای امام حسین اقدام به برگزاری مجالس روضه در خانه‌های خود کردند.

Witht the start of the pandemic, people held recitals at their homes to lament Imam Hussein (AS)

علی ابک / روضه‌های خانگی  
Domestic recital / Ali Abak





کی یارگی برنشته سیاه همی گرد نعلش برآمد به ماه سیاوش چو گشت از جهان ناامید برو تیره شد روی روز سفید  
چنین گفت شیرنگ بهزاد را که فرمان مهر زین سپس باد را  
A steed black, he rode Dust to the moon, rose As of all Siqvash despaired, Darkened he felt, the days he  
shared He addressed thus, his noble ride, the callouys wind, do not abide

یگانه اسفندیاری‌نیا / بدون عنوان  
Untitled / Yeganeh Esfandiarinia



طبیعت را به حال خود رها بگذاریم، آن‌ها هم به آرامش نیاز دارند؛ از دست انسان‌ها کلافه شده‌اند.  
Let us leave nature alone, she needs to calm down, she is fed up with humans

ماردین احمدی / آرامش  
Tranquility / Mardin Ahmadi





آرامگاه تازه آباد رشت.  
Tazeabad Cemetery, Rasht

علی اسداللهی سوته / و زندگی ادامه دارد  
Ali Assadolahi Sooteh / And life goes on



حضور پرشکوه مردم رشت در ۲۲ بهمن سال ۹۸ که مصادف شده بود با چهلمین روز شهادت سردار سلیمانی.  
The grand gathering of the people in Rasht on 11th February 2020, which coincided with the fortieth day of Gen. Suleimani's martyrdom

علی اسداللهی سوته / ۲۲ بهمن  
Ali Assadolahi Sooteh / 22nd Bahman (11th February)





بافت به عنوان یکی از عناصر بصری تأثیر گذار در عکاسی اهمیت بسزایی داشته و عکاس علاوه بر اشاره به این عنصر بصری از طرفی معضل آلودگی رو نیز به نمایش گذاشته است.

As an effective visual elment, texture has a significant importance in photography, and in addition to highlighting this visual element, the photographer has somehow portrayed the issue of pollution

ابراهیم ترک‌زاده / بدون عنوان  
Untitled / Ebrahim Torkzadeh



آبدرمانی یکی از سنت‌های دیرینه مردم استان آذربایجان غربی است که با حضور در دریاچه نمک ارومیه به این کار می‌پردازند ، زوج پیری را می‌بینیم که با روحیه جوان خود انرژی و عشق ابدی را همانند یک فیلم و بازیگران یک تئاتر با تمام احساس و وجود ابدی نقش می‌کنند.

the spa is a traditional cure for the people of West Azerbaijan, who gather at the Uromieh salt lake for the purpose. We see an elderly couple, who, in a youthful spiriti, play out the eternal energy and love with all their feelings as the actors in a film or a play

بهرام بیات / دریاچه زندگی  
The lake of life / Bahram Bayat





نیلوفر دختر بچه‌ای از ایل قشقایی که در ۱۷۵ کیلومتری شهر شیراز واقع در منطقه عشایرنشین بابانجم واقع در شهرستان قیرو کارزین زندگی می‌کند. این عکس یکی از پرتره‌های گرفته شده از او می‌باشد.

Niloofer is a girl from the Qasqai tribe living at a distance of 175 km from Shiraz at the Nomadic region of Babanajm in Ghrokarzin District. This photo is one of her portraits.

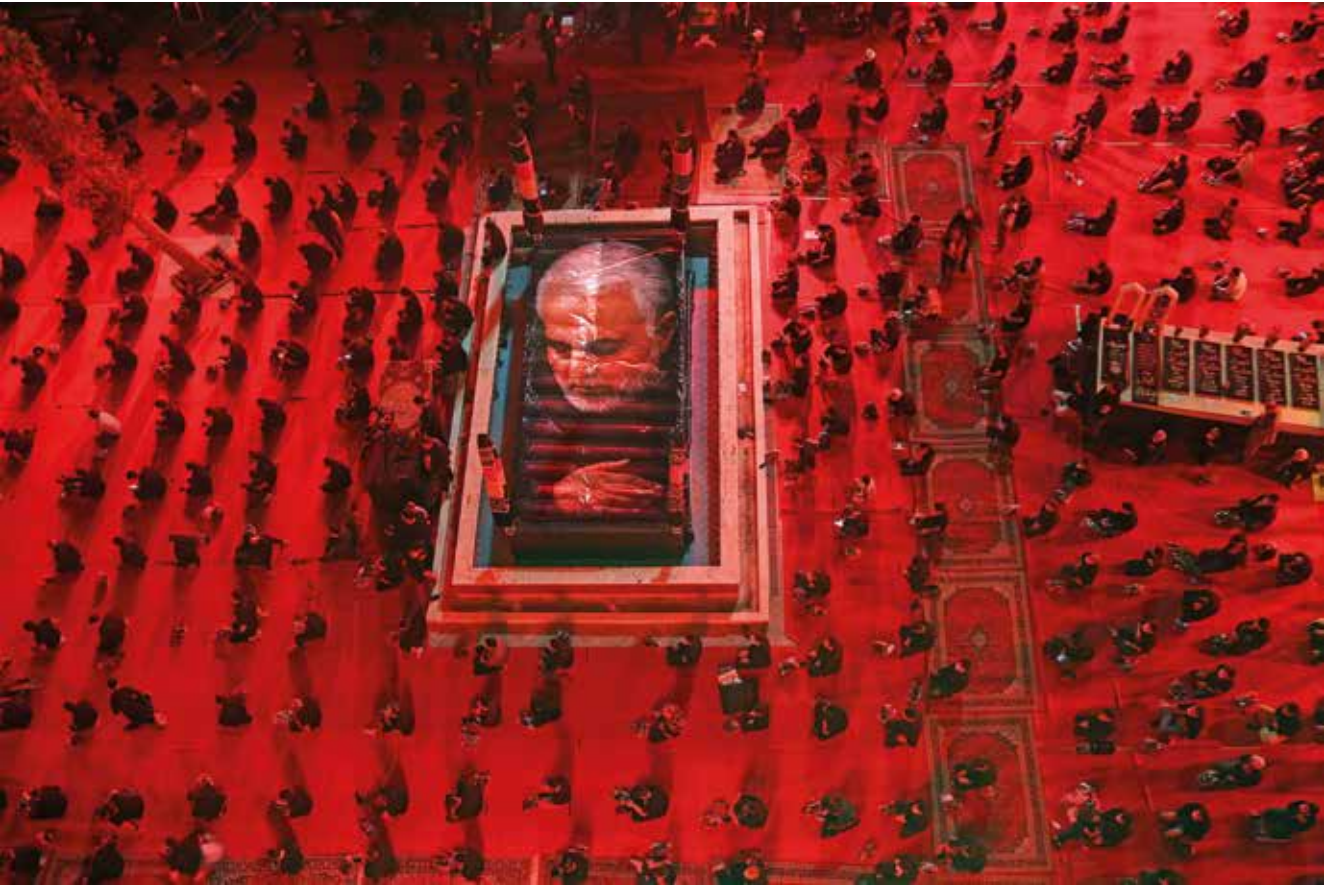
سید محمدصادق حسینی / نیلوفر  
Niloofer / Seyed Mohammad Sadegh Hosseini



معانی در عکس جز ذاتی آن نیست  
Meaning in photography is not part of its nature

شاپور حاتمی / بدون عنوان  
Untitled / Shapour Hatami





تصویر مربوط به مراسمی برای بزرگداشت سردار قاسم سلیمانی است که رنگ قرمز عکس نشان دهنده سرخی خون شهادت این سردار در نگهداری از مرز و بوم کشور اهورایی ایران است. سردار سلیمانی در این عکس در مرکز قرار گرفته و در اطراف آن مردمی که دل بسته وی هستند با پیراهن های سیاه مشغول عزاداری هستند و هر کدام در خیال خود یاد این آزاد مرد را زنده نگه می دارند. مرکز بودن تصویر قاسم سلیمانی شاید نمادی از آرامگاه وی باشد که چشم هر بیننده ای را به خود می کشد که دمی بنشینند و با این سردار درد و دل کند. قاسم سلیمانی در ۲۰ اسفند ۱۳۳۵ در قنات ملک که روستایی کوهستانی با ساختاری طایفه ای (طایفه سلیمانی کرمانی) بود، واقع در شهرستان رابر، از توابع کرمان زاده شد. او اصالتی لر داشت. نام پدرش حسن و نام مادرش فاطمه سلیمانی بود؛ یک خواهر و یک برادر بزرگتر و یک برادر کوچکتر داشت. سلیمانی از ۱۲ سالگی روستای خود را برای کار در شهر کرمان ترک کرد. در نوجوانی به کار بنایی مشغول بود و در سال های ابتدای جوانی، از بیمانکاران سازمان آب کرمان به شمار می آمد. او در سنین جوانی ازدواج کرد و پنج فرزند به نام های نرجس، حسین، فاطمه، زینب و رضا دارد. یکی از فرزندانش از دنیا رفته است. سلیمانی در سال های آخر زندگی در شهرک «شهید دقایقی» در محله شیان در کنار پارک جنگلی لویزان در تهران زندگی می کرد. او در ۱۳۸۴ در رشته فقه و حکمت اسلامی مدرک کارشناسی ارشد خود را گرفت. سرانجام در ۱۴ دی ۱۳۹۸، اجساد قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و سایر مقتولان عملیات آذرخش کبود در بغداد و کاظمین تشییع شد. هزاران نفر از مردم عراق در این مراسم حضور یافتند. در چهار روز بعدی اجساد سلیمانی و کشته شدگان به ترتیب در شهرهای اهواز، مشهد، تهران، قم و کرمان تشییع شد و حضور تشییع کنندگان در تهران میلیونی بود.

The photo belongs to a ceremony in the honor of Gen. Ghassem Suleimani. The red color represents the red blood of this General protecting the borders and frontiers of the Iranian territory. Gen. Suleimani occupies the center stage in this photo, and is surrounded by a crowd of admirers clad in black, lamenting his death and keeping the memory of this liberated man alive. the central position of Suleimani's image may be an allegoric representation of his grave, which invites the passers by to sit and pass a moment talking to the General. Ghassem Suleimani was born on 11th March 1957 in Qanat Malik, a mountainous village of tribal structure (the Suleimani tribe of Kerman) in Rabar District of Kerman. He had a Lor ancestry. His father was Hassan and his mother was Fatemeh Suleimani. He has an older brother and sister and a younger brother. Suleimani left his village for Kerman in search of employment. He became a construction worker in his adolescence and a Kerman Water Company's contractor in his youth. He married young and had five children by the names of Narjes, Hossein, Fatemeh, Zeynab and Reza, one of whom has passed away. In his final years, Suleimani lived at the 'Shahid Daghbayegh' Town at Shian neighborhood next to Lavizan Park in Tehran. He obtained his Masters' Degree in Islamic Jurisprudence and Wisdom in the year 2005. Finally, on 4th January 2020, the bodies of Ghassem Suleimani, Abu Mahdi Almuhandis and other victims of Blue Thunder Operation were carried in a funeral procession in Baghdad and Kazemein. Thousands of Iraqis attended the ceremonies. The next four days, saw the bodies of Suleimani and the victims carried in funeral processions in the cities of Ahwaz, Mashhad, Tehran, Qom and Kerman. Over a million individuals attended the ceremony in Tehran.

معیشت ... به نظر من توکل به خداوند در همه امور زندگی برای ما می بایست سرلوحه تمام کارها باشد من اعتقاد دارم هیچ بزرگی از درخت به زمین نمی ریزد مگر به اجازه خداوند بعضی مواقع ها دستمان در زندگی خالیست ولی با توکل به خداوند جلو می رویم در این روزگار که معیشت و امرار معاش مردم سخت شده است، چیزی جز توکل بر او ما را زنده نگه نداشته است.

Livelihood ... I think trust in God in all affairs must be the first item in our works. I believe no leaf falls on the ground unless willed by God. At times, our hands are empty in life, but we go forth by trusting in God. In these days, when livelihood and living have become difficult for the people, only the trust in Him keeps us alive.





حال و هوای محله‌های قدیمی شهر  
The atmosphere of the city's old neighborhoods

حسن دهقان دوست / بدون عنوان  
Untitled / Hassan Dehghandoost



خیابان ولیعصر، به عنوان یک شاهراه موثر در شهر تهران، به واسطه‌ی مسافت طولانی‌اش، در برگرفته‌ی عناصر همگون و ناهمگون بیشماری است که به آن معنا می‌بخشد. شیوه‌های متعدد معماری، مردمانی از هر قشر و فرهنگ و آثاری که آنها از خود بر جای می‌گذارند، حتی آسمان ولیعصر برای همه یک رنگ نیست. در فرهنگ دهخدا، چل تیکه پارچه‌ای است که از مجموع تکه پارچه‌های متنوع در کنار هم دوخته می‌شود اما اینجا برای من حاصل تنیده شدن چهل تکه عکس مجراست که شاید هیچ مناسبت زمانی و مکانی ای با هم نداشته باشند اما در پی شکل دهی به یک کل منسجم به نام خیابان ولیعصر است. خیابانی به مثابه پتوی چل تیکه‌ی مادر بزرگ که مامن دوران کودکی‌ام بود و در ایام سرد، حتی برای دقایقی دلگرم می‌کرد.  
(نحوه ارائه: چهل قطعه عکس چاپ شده مجزا، که به صورت پازل و شاسی شده در کنار هم قرار می‌گیرند.)

As an effective highway in Tehran, and by its long distance, the Valiasr Street contains numerous harmonious and disparate elements that give it a meaning. The different styles of architecture, people of all walks of life ad culture and the traces they leave behind. Even the Valiasr sky is not the same for everyone. In Dehkhoda Lexicon, quilt is a textile composed of different fabrics sewn together. But for me here, it is the product of stitching up forty separate photos, that may have no temporal or local relevance, but seek out to form a consistent whole called the Valiasr Street. A street much like the quilt blanket of my grandmother, which was my childhood refuge, and which used to warm me, albeit for a few minutes, in cold days.

فرناز دمنابی / چهل تیکه  
Quilt / Farnaz Damnabi





از پنجره‌ی مطب دکتر دیده بود که برف سرعت می‌گیرد و دیده بود که پای پیاده‌ها، کلافه از برفی که به صورتشان می‌زند، می‌پرند توی هر ماشینی که پیش پایشان ترمز می‌کند و ... داروها را که خرید، بچه به بغل زد بیرون، برف شدت گرفته بود و تا آن سوی خیابان برسد آخرین فریادهای مستقیم هم بی جواب نماندند، اما «مستقیم»های کم‌رقم او... تب دخترکش کم نشده بود و بخاری که از پرده‌های سرخ و صورتی بینی‌اش بیرون می‌زد، صورتش را گرم می‌کرد. چقدر منتظر می‌ماند؟ پلاستیک دارو را چپاند توی جیب پالتویی که کشیده بود به سروصورت خود و مسافرش و دود؛ مستقیم ....

She had seen the snow becoming heavier from the window of doctor’s office and had witnessed how the pedestrians, irritated by the snow that hit their faces, jumped in any car that stopped in front of them... She bought the drugs and went out with the child in her arms. The snowfall had intensified and by the time she reached the other side of the street, the shouts of straight ahead were not unanswered, but her meek “straights”... her daughter’s fever had not abated and the steam coming out of her red and ink nostrils, warmed her face. How long had she to wait? She stuffed the plastic bag in the pocket of the overcoat she had pulled over her and her passenger’s faces and ran: straight ahead.

لیلا رضوانفر / "مستقیم!"  
Straight ahead!" / Leila Rezvanfar"

هر ساله بخصوص در فصل سرما هوای کلانشهرها از جمله تهران دچار آلودگی می‌شود که در مواردی شدت این آلودگی به حدی است که پایتخت ایران را به مرز تعطیلی می‌کشاند. بعضاً عوامل مختلفی به‌عنوان علت آلودگی هوا شناخته می‌شود که از مهم‌ترین این موارد می‌توان به سوازنده شدن مازوت در نیروگاه‌ها، تردد خودروهای فرسوده در شهر و یا خودروهای بی‌کیفیت می‌توان اشاره کرد. با وجود این شاید بتوان علت اصلی آلاینده‌ی هوا را عدم امکان جایجایی و پخش شدن آلاینده‌ها عنوان کرد که به آن پدیده وارونگی (اینورژن) شناخته می‌شود. وارونگی دماگاهی از سطح زمین به طرف بالا دیده می‌شود که آن را اینورژن سطح زمین می‌گویند و گاهی در لایه‌ای بالاتر از سطح زمین دیده می‌شود که آن را وارونگی سطوح فوقانی می‌خوانند. هرچند نقش انسان در آلوده کردن جو مؤثر است اما طبیعت نیز گاهی اوقات با پدیده اینورژن در تشدید موضوع دخالت دارد زیرا هنگامی که این پدیده اتفاق می‌افتد هوای سرد و آلوده به دلیل سنگینی بیشتر در سطح پایین و هوای گرم در ارتفاع بالا قرار می‌گیرد و لذا جو حالت پایدار به خود گرفته و امکان مخلوط شدن و تهویه هوا میسر نمی‌شود.

Each year, and particularly during the cold seasons, the air of major cities including Tehran becomes polluted, and in some cases their pollution reaches a limit that forces a close down in the capital. Different parameters have been recognized as air pollutants, amongst which, one may point out to the power plants’ fuel and the movement of worn out or substandard vehicles. Despite all, the main cause of air pollution still remains the immobility and stagnation of pollutants, a phenomenon that is known as inversion. The temperature inversion is sometimes observed from the ground surface upwards, known as ground surface inversion, and sometimes at higher levels than the ground, which is known as upper surface inversion. Although human activities are major players in the phenomenon, nature also intervenes at times to intensify the conditions, because, when it occurs, the cold and polluted air becomes heavier and stays close to the surface of the ground while the warmer air ascends to a higher altitude, thereby stabilizing the atmosphere and removing all possibilities of blending and aeration.





عمو حسن در یک کشتارگاه کار می‌کند او در این سن که باید بازنشسته باشد در کنار خانواده برای امرار معاش هنوز کار می‌کند او در این کشتارگاه شب کار هست و بالغ هزار مرغ را ذبح می‌کنند.

Uncle Hassan works at a slaughterhouse. At this age, when he should be retired and spent his time with his family, he must continue working to earn his living. He is a night shift worker at this slaughterhouse, and slaughters about one thousand chicken.

جابر غلامی / مرد قصاب  
The butcher / Jaber Gholami



حس انسان دوستی زمستان سال ۹۸ بود. برف و سرمای شدید، اجازه هیچ‌گونه رفت و آمدی را از روستاها به هاشجین و برعکس نمی‌داد. آن روز به هر دری زدیم و با هر راننده‌ای برای رفتن به روستای 'دایی‌کندی' صحبت کردیم، نتیجه‌ای نگرفتیم. باید کاری می‌کردیم. در روستای دایی‌کندی بیماری، منتظر رسیدن داروهای دیابت بود؛ انتظاری میان مرگ و زندگی... با پسرم سعید، راه افتادیم. در میان برف و سوز سرما به کمرکش کوه رسیدیم. آنچه اما امیدوارمان می‌کرد حس انسان دوستی و نجات یک زندگی بود. در همان لحظات، عکسی گرفتم.

Sense of philanthropy. It was the winter of 20. Heavy snowfall and extreme cold prevented any movement to and fro between the villages and Hashjin. No matter where we turned and to whoever driver we asked to be taken to the "Daieekandi" Village, we were turned down. We had to do something. There was a patient in Daieekandi waiting for diabetes drugs; a wait between life and death... I started off with my son Saeed, and reached the foothills amid snow and cold. What kept us going was a sense of philanthropy and the matter of saving a life. In those moments, I took a picture.

احمد زعفری هاشجین / حس انسان دوستی  
Sense of philanthropy / Ahmad Zafari Hashjin





کولبری در حال کولبری  
A porter carrying his load

مجتبی فخری / فراموشی  
Desolate / Mojtaba Fakhri



بارش برف زیبایی چشم‌نوازی به جاده‌های کوهستانی منطقه الموت قزوین بخشیده است.  
Snowfall has created a delightful scene on the mountainous roads of Qazvin's Alamut region

ندا صفتکار صفاری / جاده برفی  
Snow road / Neda Sefatkar Safari





تصویر گرفته شده به وسیله ی دوربین هوایی از خلیج فارس که به شکل پرچم سه رنگ ایران در آمده.  
The image taken by an aerial camera from the Persian Gulf, which resembles the tricolor flag of Iran.

محمدعلی کنار کناری / پرچم خلیج فارس  
The flag of Persian Gulf / Mohammad Ali Kenar Kenari



سوگواری خانواده‌هایی که در جنایت انفال ، عزیزان خود را از دست داده‌اند. جنایت انفال توسط رئیس‌جمهور سال‌های گذشته ی عراق ، صدام حسین در سال ۱۹۸۸ و در بخش کردستان عراق اتفاق افتاد .

The mounmig by the families who lost their dear ones during the Anfal Campaign. The Anfal genocide occurred during the rule of Saddam Hussein the ex – Iraqi President in 1988 at Iraq’s Kurdistan.

محمدتقی فکوری‌نیا / جنایت انفال  
The Anfal genocide / Mohammad Taghi Fakourinia





فصل زمستان تنها فصلی است که مثل سایر فصل‌ها پروسه‌ای برای شکل‌گیری کامل خود ندارد و با آمدن اولین برف، یکباره معنای خود را کامل می‌کند، و آن سفیدی برف به تمامی اشکال موجود در خود چه از لحاظ فرم و چه از لحاظ رنگ شکلی مینیمالی می‌دهد و تمامی رنگ‌های پیرامون خود را به شکلی کاملاً خالص به معرض نمایش می‌گذارد.

Winter is the only season, that unlike others does not go through a process of formation, and finds its meaning suddenly with the first snowfall. The white of snow gives a minimalistic appearance, both in form and in color to all shapes within it, and displays all its surrounding colors in an entirely pure manner.

محمد مظفری / اسکلت‌های یلورآجین  
Crystalline skeletons / Mohammad Mozafari



حضور درخت در بازتاب شیشه و اهمیت وجودی درخت در زندگی انسان به معنای واقعی نوید بخش حیات.

The presence of tree in the reflection of glass and the importance of tree's existence in the human life as the actual hope for life

اکرم کاظمی‌پور خیازی / حضور  
Presence / Akram Kazemipour Khabazi





نماز از فرایض دینی مسلمانان است که توسط اشخاص در هر مکانی که باشد لازم الاجراست.  
Praying is among the Muslims' religious duties, that must be undertaken anywhere by the individuals.

سعید قاسمی / نماز  
Prayer / Saeed Ghassemi



نقش روحانیون و کادر در مان در دوران کرونا پررنگ بود. نماز میت و خاکسپاری فوتی‌های کرونا به عهده روحانیون داوطلب بود.

The roles of the clergy and the medical staff were quite prominent. The volunteer clergies were charge of the funerals, the prayers and the burials of the Corona victims.

سعید قاسمی / قبرستان کرونایی  
Corona cemetery / Saeed Ghassemi





یکی از جذابترین بازی‌های بومی و محلی گیلان و مازندران ورزش کهن کشتی گیله مردی است که هنوز در مناسبت‌ها و شادی‌های مردم برگزار می‌گردد.

Guileh-Mardi wrestling is one of the most attractive local games in Guilan and Mazandaran, which is stil organized during public ceremonies and festivities.

سیحان مهدی‌زاده / کشتی گیله‌مردی  
Guileh-Mardi Wrestling / Sobhan Mahdizadeh



گاهی باید گذر کرد....  
One must pass by at times...

سیده نیلوفر محمودیان / گذر  
Passage / Seyedeh Niloofer Mahmoodian





در طی یک پیاده روی کوتاه در زمستان ۱۳۹۸ و در حومه شهر، متوجه چوپانی شدم که از گله گوسفندان خود دور بود و سعی می کرد تنها در میان صخره ها، برف و طوفان به آنها برسد. این وضعیت تلاش ناموفق، برای من یادآور وضعیت کنونی جوانانی است که با امید و تلاش برای رسیدن به آرزوهایشان قدم پیش می گذارند لیکن سرآخر از آنها دور شده و محکوم به سکوت و چشم پوشی از آینده هستند.

از دل خاک....چه می خواهی؟؟ مگر رهايت نکرده اند؟ زمین را گشوده نشانت را پوشانده اند.... گفته اند: 'مرده ای!!!' مرده ای یا زنده؟ هیچکس نمی داند.... لب دوز دیوار بر دوش کتش و...برو....

During a short walk in winter 2020, I became aware of a sheppard, who had fallen behind from his herd and was struggling to reach them among cliffs, snow and storm. This unsuccessful attempts reminded me of the current condition of the young people, who step forth optimistically to realize their dreams, but are finally distanced from them and condemned to silence and giving up on their future. What do you seek .... in the heart of the earth?? Haven't they abandoned you?, They have dug the soil and covered your signs... They've proclaimed you dead. Are you dead ore alive? No one knows.... Keep silence, bear the burden and ... Leave ...

تدفین قربانی کرونا در هوای برفی در آرامستان وادی رحمت تبریز.  
The burial of Covid 19 victims in the snowy air of Tabriz's Wadi Rahmat Cemetery.





زندگی در تمام وجوه خود، تصویری است خلاقانه از روزهای گذشته و حادثه‌ی امروز، محتوای پیشین را دارد در قالبی بدیع، جانوران، همچنان برای بقای خود می‌جنگند و آغوش طبیعت، همچنان عرصه‌ی این جنگ است. دست‌اندرکاران زندگی چون گذشته مشغول به کارند؛ امواج، طوفان، ریشه‌ها و سرانجام، انسان، که وجب به وجب جهان را قدم زده است و همه‌جا، اثری از خود برجای گذاشته؛ اثری که ضمانت دوام اوست! آدمی، همواره بی‌زندگی دویده است، حتی پیش از یافتن واژه‌ای برای نامیدنش. در مسیر ابدیت حرکت کرده است، بی‌آنکه بداند؛ خانه ساخته، شکار رفته، بذری کاشته، و لباس دوخته، و در طول سال‌ها و قرن‌ها، تنها ایده و ابزار دست او بوده که تغییر کرده است. و مدام خواسته، ساخته، رفع نیاز کرده و بی‌خواسته‌های بعد دویده، و، با هربار رفتن، چیزی پشت سر باقی گذاشته؛ خانه‌ای متروک، صندلی خالی، دکمه‌ای از لباس! انسان در مسیر ابدیت، چراغی را روشن نگاه داشته، انگار که می‌خواسته بگوید: «یک روز، من، اینجا زنده بودم!» آری اینجا سکوت آباد است، جایی که سکوت را هزاران بار فریاد می‌زنیم، جایی که محکوم به نشنیدن هستیم ....



All in all, life is a creative image of days gone by and present events, containing the past in a novel frame. Animals still struggle for survival and nature is still their battleground. Life's stakeholders are at work as always: waves, storm, roots and ultimately man, who has travelled the word step by step, leaving his trace everywhere, a trace that guarantees his sustainment! Humans have always run after life, even before finding a name for it. They have travelled the course of eternity without realizing; they have built houses, hunted, planted seeds and weaved cloths, with only their ideas and tools evolving in all these years and centuries. They have relentlessly, desired, constructed, provided and ran after their next requirements. And in this course, they have left their marks in each passage: an abandoned house, an empty chair, a button from a cloth! On the path to eternity, mankind has kindled a light, as if saying: "I was living here, once!" Yes, this is the Silence Ville, where we shout out the silence a thousand times, and where we are condemned to not being heard.





راحله تک‌تبار، ۱۳ ساله، ناینبای مادرزاد، در روستای کوهستانی حجله، در ۲۵ کیلومتری شهرستان بابل، در شمال ایران زندگی می‌کند. شغل پدر او دامداری و کشاورزی است و مادر او، با وجود ابتلا به بیماری ام‌ایس در کارهای روزانه به همسرش کمک می‌کند.

راحله با وجود معلولیتی که از بدو تولد با آن روبروست و توانایی دیدن محیط پیرامونش را ندارد، از تلاش و کنجکاوی برای شناخت زندگی دست نکشیده است. رنگ‌ها برای او مفهومی ندارند و تنها چیزی که در روز می‌بیند سفیدی مطلق و در شب تاریکی است.

اما او توانسته با لمس اشیاء، گوش سپردن به صداها، حس سرما و گرما و حس بویایی، با محیط اطرافش ارتباط برقرار کند. در جهان حدود ۴۰ میلیون نابینا وجود دارد که اکثر آن‌ها در کشورهای در حال توسعه، مانند آسیا و آفریقا، در نواحی محروم و روستایی زندگی می‌کنند. دلایل نابینایی می‌تواند وراثتی، عوامل جغرافیایی و اجتماعی باشد.



Rahele Taktabar, 13 years, blind from birth, lives in the mountainous village of Hejleh at a distance of 25 km from Babol, in the north of Iran. Her father is a farmer, and her mother, despite her MS, helps her husband in his daily chores. In spite f the disability she has since her birth and her inability to see her surroundings, Rahele has not given up her curiosity and efforts to learn about life. Colors have no meaning for her, and the only thing she sees in the mornings is the absolute whiteness and at nights, darkness. However, she has been able to establish a relation with her environment by touching objects, listening to sounds and by sensing warmth, coldness and odors. There are about 40 million blind individuals throughout the world, most of whom live in the developing countries such as Asia and Africa, and in the deprived and rural areas. Blindness could be caused by heredity, as well as geographical and social factors.





انسان به تخریب محیط زیست ادامه می دهد.  
لاستیک های مستعمل در همه جای طبیعت رها شده اند، رودخانه و کوهستان و کویر و دریا ...  
لاستیک ها با توجه به ساختار شیمیایی خود مقاومت بالایی در مقابل تجزیه ی بیولوژیکی، فیزیکی و شیمیایی داشته و برای تخریب در محیط، به مدت زمانی طولانی نیاز دارند. در صورت تخریب هم جذب محیط نشده و یک آلاینده ی خطرناک محسوب می شوند.  
صنعت بازیافت لاستیک برای حفظ محیط زیست حائز اهمیت بوده، اما متأسفانه در کشور ما تنها ۶ درصد لاستیک ها بازیافت می شوند در حالی که امروزه در دنیا بالای ۶۰ تا ۶۵ درصد بازیافت انجام می شوند.



Humans continue to destroy the environment. Used tires have been thrown all over nature, rivers, hills, deserts, the seas, etc. Given their chemical make up, tires are highly resistant against biological, physical and chemical decomposition, and last a long time in nature. once decomposed, they are not absorbed in the environment and are thus considered to be a highly dangerous pollutant. The tire recirculation industry is quite important for the protection of the environment, but, unfortunately in our country, only 6% of the tires are recirculated, whereas this figure stands at over 60 to 65% in the world.





جنگ برای کسانی که عزیزان شان را از دست داده‌اند هرگز تمام نمی‌شود. در طول جنگ و حتی پس از پایان آن، خانواده‌های مردان و جوانان کشته‌شده در جنگ معمولاً در مناسبت‌هایی همچون سالگرد جنگ تحمیلی، محرم و عاشورا، روز شهادت عزیزشان و روزهای آخر هفته بر سر مزار عزیزان شان جمع شده و به یادشان اشک می‌ریزند؛ در حدی که این کار، حتی برای خانواده‌هایی که شهید ندارند نیز به آیین و ارزشی اجتماعی تبدیل شده است.

این پروژه، سه دهه پس از پایان جنگ، روایت نشانه‌های غیاب همیشگی مردان و زنانی است که گرچه سال‌ها است که جسم و تن‌شان در زیر خاک دفن شده اما یادشان همواره در ذهن خانواده‌های‌شان، که طولانی‌ترین جنگ کلاسیک قرن بیستم را تجربه کرده‌اند، باقی است. «اندوه جنگ» برای کسانی که عزیز و خویشاوندی را در جنگ از دست داده‌اند، تمام‌شدنی نیست و رنج‌های جنگ هنوز هم در ذهن آن‌ها ادامه دارد.

War is never over for those who lost their dear ones. Throughout the war and even after it, and on occasions such as the anniversary of the Imposed War, Muharram and Ashura, the anniversary of their dear ones' martyrdom and on the weekends, the families of the men and youths killed in battle, gather round their graves and shed tears in their memory; to such an extend that this action has turned into a social value and ritual even for families that do not have any martyr. Three decades after the end of the war, this project reflects the signs of the eternal absence of men and women, who, despite being buried for years in soil, still live on in the memories of their families, who have experienced the longest classical war of the Twentieth Century. "The sorrows of war" do not end for those who have lost a dear one in the battle, and their suffering continues unabated in their minds.







این مجموعه که بصورت استیج-مونتاژ اجرا شده سعی دارد تا با پرداختن اسطوره ای به نقش گوزن، خواب و خیال دختر بچه ای را به تصویر بکشد که پدر و مادرش همراه او هستند. گوزن شکل نمادین شده ایست که از دیرباز در اسطوره شناسی مظهر تیزیابی، نگهبانی، شادی، خلوص و تقدس بوده است. وجود این حیوان در بیشتر فرهنگ ها موجب خیر و برکت می باشد. در این مجموعه این حیوان نمادی از آرامش بخشی، همراه، نگهبان و برآورنده آرزوهای سرکوب شده است. دختر بچه به همراه خانواده اش سفری پر از اتفاقات خوب و بد را آغاز می کند. گوزن به عنوان یاریرگر و نگهبان در طول سفر سعی در مراقبت از آنها را دارد. طوریکه در نهایت جان خود را نیز در این راه از دست می دهد. دختر بچه در نهایت با خاک کردن گوزن به همراه خانواده اش به سفر خود ادامه می دهد.

Through a mythological processing of the role of deer, this collection, which is executed as a stage assembly, attempts to depict the dreams and imaginations of a girl, whose parents are with her. Deer is a iconic form, which in the mythology of ancient times was the symbol of agility, guardianship, joy, purity and holiness. In mist cultures, the presence of this animal is considered as a blessing. In this collection, the animal represents tranquility, companionship, protection and the realization of suppressed wishes. This girl sets off on an eventful journey with her family. As a player and their guardian in this trip, the deer tries to protect them throughout to such as extend that it loses its life in the end. Ultimately, after burying the deer, the girl continues on her journey with her family.





محمد مهدی در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴ همراه با یک بیماری ناشناخته بنام آنامولی به دنیا آمد. علیرغم همه ی آزمایشات و سونوگرافی و بررسی های پزشکی که در دوران بارداری بر روی مادر انجام می شود، هیچ پزشکی متوجه پاها و زانوهای ناقص او نشد. دلیل این بیماری به طور دقیق مشخص نیست، اما پدر و مادر بدون توجه به علت بیماری در ۵ سال زندگی با حمایت و روحیه دادن به فرزندشان سعی کردند او را برای غلبه بر این نقص پرورش دهند.

محمد مهدی در ۱۱ ماهگی تحت عمل جراحی قرار گرفت و بخشی از پاهایش که ناقص رشد کرده بود قطع شد. با طی شدن دوران نقاهت و پس از سه ماه، اولین پروتز برای پاهای او طراحی شد. پوشیدن پاهای مصنوعی اگر چه در ابتدا خیلی سخت بود اما شروع رژیاپردازی های محمد مهدی و خانواده اش بود. او روز به روز رشد کرد و با روحیه ی بالای خود و همراهی پدر و مادرش همزیستی با پاهای آهنی را آموخت.

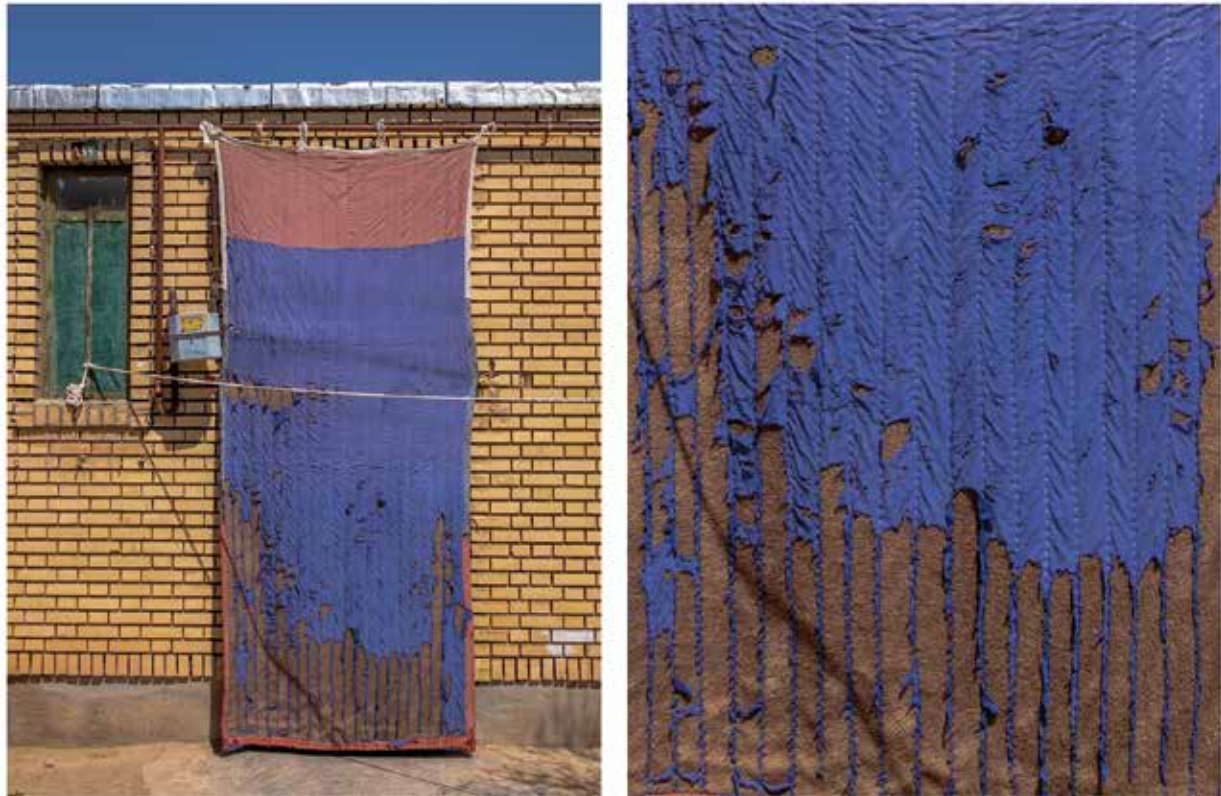
محمد مهدی سه ساله بود که در یک سفر خانوادگی برای شنا کردن در دریاچه اقدام کرد و نشان داد با بهره گیری از توان دستانش می تواند شنا کند. پس از بازگشت از سفر با تشویق خانواده، کلاس آموزش شنا را در کنار دو و میدانی شروع کرد. محمد مهدی این روزها زیر نظر مربی اش که متخصص ورزش معلولان است تمرین می کند و می خواهد در آینده به آرزویش برسد. او می گوید: آرزویش رفتن به پارالمپیک و کسب مدال پارالمپیک است. به همین خاطر مشغول یاد گرفتن زبان انگلیسی است.

Mohammad Mehdi was born on 4th May 2015 with a rare ailment called anomaly. Despite all the tests, sonographies and medical examinations undertaken during his mother's pregnancy, no doctor became aware of the anomaly of his legs and knees. The reason for this ailment is not clear, but his parents, ignoring the handicap during these five years, have tried to raise their child for overcoming it through their moral support and care. Mohammad Mehdi was operated at the age of 11 months, and part of his leg, that had an abnormal growth was amputated. After the recovery period and three months, the first prosthesis was designed for his legs. Although wearing artificial legs proved quite difficult at first, but it heralded the era of dreaming for Mohammad Mehdi and his family. He grew up day by day and learnt living with iron legs along with his parents. He was three years old when he began swimming in the lake during a family outing, and demonstrated how he could swim with the strength of his arms. After their return, and encouraged by his family, he began attending swimming lessons alongside athletic track events.

Mohammad Mehdi is training these days under the watchful eyes of his trainer, who is a specialist of the sports for the handicapped, and vies for his dreams of future. He says:

His dream is to go to the Paralympics and win a medal. That is why he is learning English.





«این پتوها را به خاطر سرما و گرد و خاک زده‌ایم». این جواب چند تن از ساکنان این خانه‌هاست؛ مهاجران افغانستانی که بیش از ۳ دهه زندگی خود را در آن گذرانده‌اند. در کمپی به نام شهرک مهمانشهر در تربت جام، استان خراسان رضوی، در ابتدای گشت‌وگذار در این شهرک وجه مشترکی در این خانه‌ها توجهم را جلب کرد. پتوهای رنگ و رو رفته و پوسیده‌ای که جلوی در هر خانه محکم شده و از ظاهرشان پیدا بود که در معرض باد و گرد و خاک فرسوده شده‌اند و احتمالاً هر دفعه که باره می‌شوند، ساکنان دوباره وصله‌پینه‌شان می‌کنند. به همین خاطر است که صورتی چهل تکه پیدا کرده‌اند. نزدیک به ۲۳۰۰ مهاجر افغانستانی در شهرک مهمانشهر ساکن‌اند. این کمپ در سال ۱۳۷۳ با ۱۰۰۰ چادر تأسیس شد که بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ خانه‌هایی به عنوان سرپناه دائمی برای‌شان ساخته شد.

“We have put up these blankets for protection against cold and dust.” This is the answer of a number of residents in these houses. Afghan refugees, who have spent over three decades of their lives in here, a camp called the Mehmanshahr Township, at Torbate Jam, the Province of Razavi Khorasan. A common trait caught my attention at the beginning of my stroll in the Camp. Discolored and tattered blankets were tied to the front of each house, bearing the marks of wear and tear by wind and dust. They were probably mended each time they were torn, and have thus found the appearance of quilts. Close to 2300 Afghan migrants live in Mehmanshahr Township. The cam was set up in the year 1999 with 1000 tents, but from 1999 to 2001, houses were built as permanent settlements in the camp.





جنگ ایران و عراق پس از جنگ ویتنام، طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم به‌شمار می‌آید که یکی از بی‌آمدهای شوم آن، مین‌هایی هستند که گویی تمام نمی‌شوند. داستان مین‌هایی که از حکایت‌هایی است که تلخی جنگ را ماندگار می‌کند و تانسل‌ها بعد باقی می‌ماند، هنوز هم روستاها و شهرهایی وجود دارند که جنگ برای مردمان‌شان تمام نشده است.

«حکایت عاشقی» داستان پسری به نام صلاح سعیدپور متولد اول شهریور ۱۳۶۵ هجری خورشیدی (۲۳ آگوست ۱۹۸۶ میلادی)، ساکن استان کردستان شهرستان مریوان است که یازده سال پس از پایان جنگ ایران و عراق، در سنین نوجوانی و درست زمانی که صلح و عشق‌ورزی جایگزین جنگ و خون‌ریزی شده بود، قربانی جنگ خاموش می‌شود. در روز شانزدهم شهریور ماه ۱۳۸۰ خورشیدی (هفتم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی)، او که به همراه خانواده برای تفریح و گذران اوقات فراغت به دل طبیعت زده بود، در جایی نزدیک مرز باشماق، مرز مریوان و کردستان عراق، با قدم گذاشتن بر روی یکی از مین‌های پنهان در دل زمین، هر دو دست (از مچ) و هر دو چشم خود را از دست می‌دهد. مانند بیشتر قربانیان مین، صلاح هم چاره‌ای جز کنار آمدن یا شرایط جدیدش نداشت؛ بنابراین تسلیم نشد، به ورزش روی آورد و تلاش کرد تا روال عادی زندگی را در پیش بگیرد. آذر ماه ۱۳۹۳ خورشیدی زمانی بود که صلاح پس از سه سال کشمکش به دلیل نقص عضو خود و سختی‌ها و مخالفت‌های گوناگون، توانست با دختر زیبارویی به نام سروه امینی، متولد بیست‌وچهارم خرداد ۱۳۷۰ خورشیدی (۱۴ ژوئن ۱۹۹۱ میلادی) ازدواج کند.

بعد از گذشت چهار ماه از ازدواج این زوج، پروژه‌ی عکاسی من از آن‌ها شروع شد. من رسالت خود را در عکاسی، ثبت خاطرات فراموش‌نشدنی، از جنس معنادار کردن زندگی به دور از روزمرگی‌ها، می‌دانم. برای من بزرگ‌ترین لذت زندگی، عشق است و عشق حقیقی‌ای که میان صلاح و سروه موج می‌زند، پیوند عاطفی عمیقی بین ما ایجاد کرده و من تا زمانی که دوربین به‌دست باشم، این پروژه را تمام‌شده اعلام نخواهم کرد. صلاح به کمک سروه به ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی حقوق مشغول شد و توانست مدرک کارشناسی‌اش را دریافت کند. علاوه براین، بارها در رشته‌های دو و میدانی و شنا بر سکوهای افتخار ملی و بین‌المللی ایستاد و مدال‌های قهرمانی بی‌شماری را در کارنامه‌ی ورزشی خود به ثبت رساند. این زوج جوان دوست‌داشتنی، از حامیان سرسخت محیط زیست، یا بهتر بگویم، همه‌ی محیط‌هایی هستند که در آن نوعی از زندگی جریان دارد. تا از این طریق، جهان را به جای بهتری برای زیستن تبدیل کنند. از نگاه من، صلاح و سروه الگویی برای بشریت هستند و نگاه‌شان به زندگی ستودنی است. بخش پایدار و حقیقی زندگی صلاح و سروه به هم و در کنار هم، با گذراندن تمام سختی‌ها و ناهنجاری‌ها و با از خودگذشتگی، به بشریت نشان دادند که زندگی پر از زیبایی است و عشق نقش قدرتمندی در دیده‌شدن زیبایی‌ها دارد.



After the Vietnam , the Iran Iraq war was the longest in the twentieth century. One of its evil consequences is the mines that do not seem to end. The story of the mines is a tale that keeps the bitterness of war alive and sustains it for generations to come. There are still towns and villages, where the war is not yet over for their people. «The tale of love» is the story of a boy by the name of Salah Saeedpour, born on 23rd August 1986, living at the city of Marivan in the Province of Kurdistan, who, fifteen years after the end of Iraq– Iran war, during his youth and at the time when peace and love had replaced the hostilities, fell victim to the silent war. On 7th September 2001 , when he had gone for a leisurely stroll in nature with his family, he stepped on a hidden mine near the Bashmaq Frontier, at the border of Marivan with Iraq Kurdistan, and lost both his arms and his eyes. Like most victims of mines, Salah had no choice but to accept his fate. He did not give up however, turned to sports and tried to lead a normal life. It was in December 2014, after years of challenges and sufferings brought about by his conditions, that Salah married a beautiful girl by the name of Serveh Amini, born on 14th June 1991.





سرآمد، صبر ایوب ...

از مهر ماه ۹۸ است که دیگر نمی‌دود. صبر ایوب یک روز سرآمد. نه به این خاطر که حق خودش لگدمال شد. برای اینکه طلای مسلم را از گردن ایران ربودند. ایوب در مسابقات برون مرزی، سهمیه پارالاسیایی جاگارتا ۲۰۱۸ را کسب کرد اما به مسابقات اعزام نشد. فدراسیون، سهمیه او در ماده ۴۰۰ متر را از خودش دریغ کرد و به یک پرتاب کننده وزنه سپرد. از ایوب تشکر کردند بابت سهمیه و گفتند طبق محاسبات اگر تو را اعزام کنیم ششم می‌شوی اما اگر آن پرتاب کننده را بفرستیم، طلا می‌گیری.

خوش‌گلدین!

ایوب هم گفت: ان شاءالله.

ساکش را بست و تهران را بدرود گفت. در خانه پدری تلویزیون را روشن کرد اما دید که از قضا ماجرا برعکس شده. ورزشکاری که سهمیه ایوب را مصرف کرد، در پرتاب وزنه ششم شد و رکورد دهنده‌ای که مدال طلا را در ماده ۴۰۰ متر گرفت، فقط دو ثانیه از آخرین رکورد ایوب ۲ ماه پیش از آغاز مسابقات جاگارتا بهتر بود. ایوب فردویی میلان ۵ سال است که می‌دود. دوبار قهرمان دوی سرعتی نایب‌نایان و کم‌بینایان کشور شد و خودش را در آستانه طلای آسیا قرار داد در حالی که شغل و درآمدی نداشت. ایوب در عوض همه نداشته‌هایش، تراب فرزین نیا را به عنوان مربی، رفیق و برادر کنار خود می‌دید. البته به علاوه پیکان یا معرفت تراب که پایه‌یای او دویده و عرق ریخته. تراب رئیس هیات دو و میدانی چالدران است اما پشت میز نمی‌نشیند. او می‌گوید اگر ایوب فقط شغل و درآمد ثابتی داشته باشد و برای حداقل‌های زندگی لنگ نزنند، بی‌بروبرگرد طلای المپیک ۲۰۲۱ را برای ایران صید می‌کند. هر کس در ارتفاع آذربایجان و مخصوصا چالدران بدود، خود به خود ۲ ثانیه از همه رقبا پیش است. ایوب در کودکی به بیماری نادری مبتلا شد و برای حفظ چشم چپ، پزشکان چشم راستش را تخلیه کردند. چشم چپ ۵۰ درصد بینایی دارد. آن روز که پس از سه ماه تهران نشینی و تمرین، امیدش را ناامید کردند، می‌دانست که نباید راستش را بگوید. به چالدران که رسید در اوج شرافت برای پیچه محل‌ها و پدر و مادرش دروغی تلخ را سرهم کرد. گفت مسابقات انتخابی لغو شده چون رویش نمی‌شد که در چشم‌هایشان نگاه کند و بگوید حاصل سال‌ها زحمت و حق مسلمش را چطور پایمال کردند. اما هرکس که به چشم‌های ایوب، مخصوصا به برق نگاه آن چشم تخلیه شده چشم دوخت، فهمید که حقیقت این نیست.

ایوب فقط ۲۵ سال دارد اما به هر حال مرتکب گناه بزرگی شده چون طوری دویده که فدراسیون و وزارت ورزش جا مانده‌اند ...



سید متین هاشمی / سرآمد، صبر ایوب  
thus ended Ayyub's patience / Seyed Matin Hashemi



Thus ended, Ayyub's patience...  
He doesn't run anymore since October 2019. Ayyub's patience ended one day. Not because his right was quelled, but because they took away a certain gold medal from Iran. Ayyub had secured a place in the 2018 Jakarta Asian Paralympics, but was not dispatched to the competitions. The Federation took away his place in the 400m dash and allocated it to a shot putter instead. They thanked Ayyub for the quota and said, "According to our evaluation, if we send you, you'll only get the sixth position, whereas if we send the shot putter, he'll win the gold." Good Bye! And Ayyub said: "Inshallah".  
He packed his bag and left Tehran. He turned on the TV at his father's home, but saw that the opposite occurred. The athlete who took Ayyub's quota had become sixth in shot put and the time of the runner, who won the gold medal in 400m dash, was two seconds better than Ayyub's last record secured only two months before the Jakarta games. It is five years that Ayyub Ghardouee Milani took up running. He became the national champion of the blind and the visually impaired, and became an aspirant for the Asian gold medal while he had no regular employment. In compensation for all his lacking, Ayyub had Torab Farzinnia as trainer, friend and brother at his side, of course in addition to Torab's trusty Peykan, who had run and perspired alongside him. Torab is the Head of Chaldoran Board of Athletics, but does not sit behind a desk. Torab believed that if only Ayyub had a stable income and was not struggling for the minimums in life, he could have been a sure contender for the 2021 Olympics Gold. Anyone running in the heights of Azerbaijan and especially at Chaldoran, can autom, whzatically outrun all other competitors by 2 seconds. Ayyub was afflicted by a rare disease in his childhood and the doctors had to remove his right eye to preserve the left which has now only 50% vision. On the day, when after three months of hard training at Tehran, his hopes were faded, he knew that he must not tell the truth. When he reached Chaldoran, he told a bitter lie to his parents and the neighborhood kids at the height of honor. He said that the selection trials were cancelled as he was ashamed to look them in the eyes and tell them how they had crushed his rights after years of efforts. However, anyone who glanced at Ayyub's eyes, especially the gleam in the empty eye, knew that the truth was something else. Ayyub is only 25, but he has committed a great sin; because he has run in a way that has left the Ministry of Sports and the Federation behind...





طی سه دهه خشکسالی مداوم به دلیل گرمایش کره‌ی زمین و تغییرات اقلیمی، بسیاری از رودخانه‌ها و دریاچه‌های ایران در خطر خشکی کامل قرار گرفته‌اند. دریاچه‌ی ارومیه، در شمال غرب ایران، ششمین دریاچه‌ی آب شور جهان و بزرگ‌ترین دریاچه‌ی خاورمیانه نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در معرض خطر خشکسالی جدی قرار گرفته است. از مهم‌ترین عوامل انسانی دخیل در خشک شدن دریاچه می‌توان به سدسازی و حفر چاه‌های عمیق دارای مجوز و همچنین بدون مجوز در حوضه‌ی آبریز دریاچه، ساخت پل میان‌گذر ۱۵ کیلومتری و عدم مدیریت منابع آبی اشاره کرد. کارشناسان محیط زیست معتقدند که خشکی کامل دریاچه موجب تغییرات اقلیمی در منطقه شده و بقای اکوسیستم و زیست ساکنین اطراف دریاچه را با خطری جدی مواجه خواهد کرد. پس از سه دهه خشکسالی، خود طبیعت به ترمیم خود و نجات دریاچه اقدام کرده و اشک‌های آن‌اهیتا (نگهبان آب‌های جهان) بر تن و کالبد نیمه‌جان چیچست نفسی تازه دمید. باران‌های سیل‌آسای سال ۱۳۹۸ (شدیدترین بارش‌های گزارش شده در ۵۰ سال اخیر) دریاچه را با سیلاب و سرریز سد‌ها سیراب کرده و موجب شد که سطح آب به طرز شگفت‌انگیزی افزایش یافته و ۵۳٪ جبران شود. اقدامات برای مدیریت و بهبود مصرف آب در حوضه‌ی آبریز دریاچه نیز امیدها را برای نجات دریاچه و جلوگیری از فاجعه زیست‌محیطی افزایش داده بود. با این حال، در دو سال اخیر (۱۳۹۹، ۱۴۰۰) با کاهش بارش در حوضه‌ی آبریز دریاچه، حجم آب ورودی به میزان قابل توجهی کاهش یافته و سطح آب در تابستان سال ۱۴۰۰ به نصف سال ۱۳۹۸ برسد و اکنون خطر خشکی کامل دریاچه و وقوع طوفان‌های نمک بسیار جدی است.



"In the course of three decades of drought brought about by the global warming and the climate change, many rivers and lakes in Iran are on the threshold of complete dryness. The Uromieh Lake to the north-west of Iran, the sixth largest brine water lake of the world and the largest lake in the Middle East is no exception to the rule, and is exposed to complete depletion. The most important human factors in the lake's drying up process are dam construction, the licensed as well as illegal excavation of deep wells in the lake's catchment basin, the construction of a 15km bridge on the middle of the lake and the lack of water resources management. The environmental pundits believe that the complete drying up of the lake will induce climatic changes in the region, and will seriously undermine the region's ecosystem and the environment of the residents around the lake. After three decades of drought, nature herself has stepped in to repair and save the lake, and the tears of Anahita (the Guardian of global waters) have bestowed a new life on its half dead body. The flood inducing rains of the year 2019 (the largest reported rainfall of the past 50 years) have quenched the lake with floodwater and dams' overflows, and have dramatically raised the water level to 53% of its original size. The actions to manage and improve water consumption at the lake's catchment basin, had also raised hopes for its rescue and the prevention of an environmental catastrophe. Regretfully, in the last two years (2020, 2021) with the decline of rainfall at the lake's catchment basin, the inflow has been reduced dramatically, diminishing the water level in the summer of 2021 to half its volume in the year 2019. Now, the threat of lake's complete depletion and salt storms loom over the region more seriously than ever before.









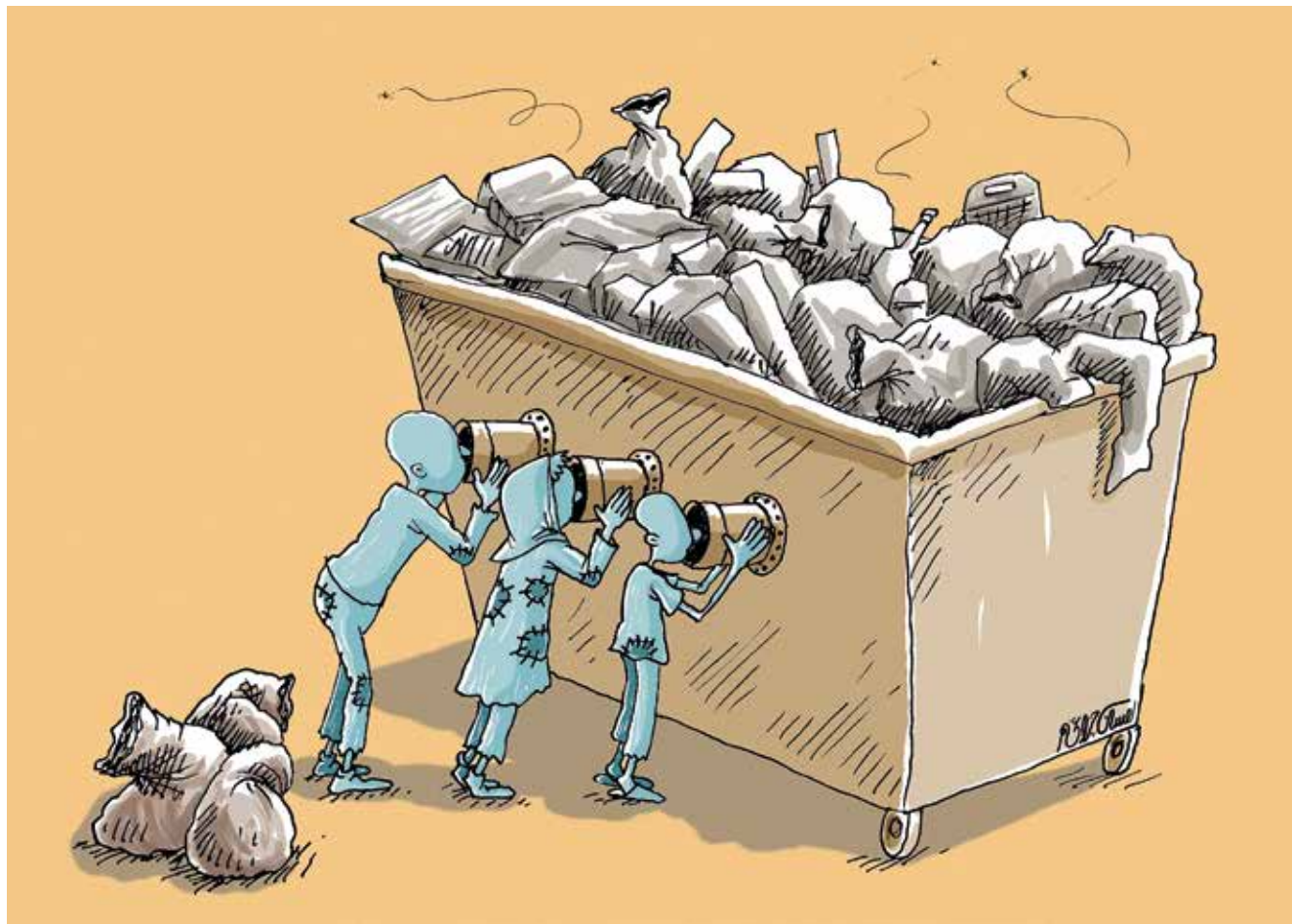
---

کارتون و کاریکاتور

Cartoon







احسان چراغی ایرانشاهی / زیاده‌گرد  
Scavenger / Ehsan Cheraghi Iranshahi











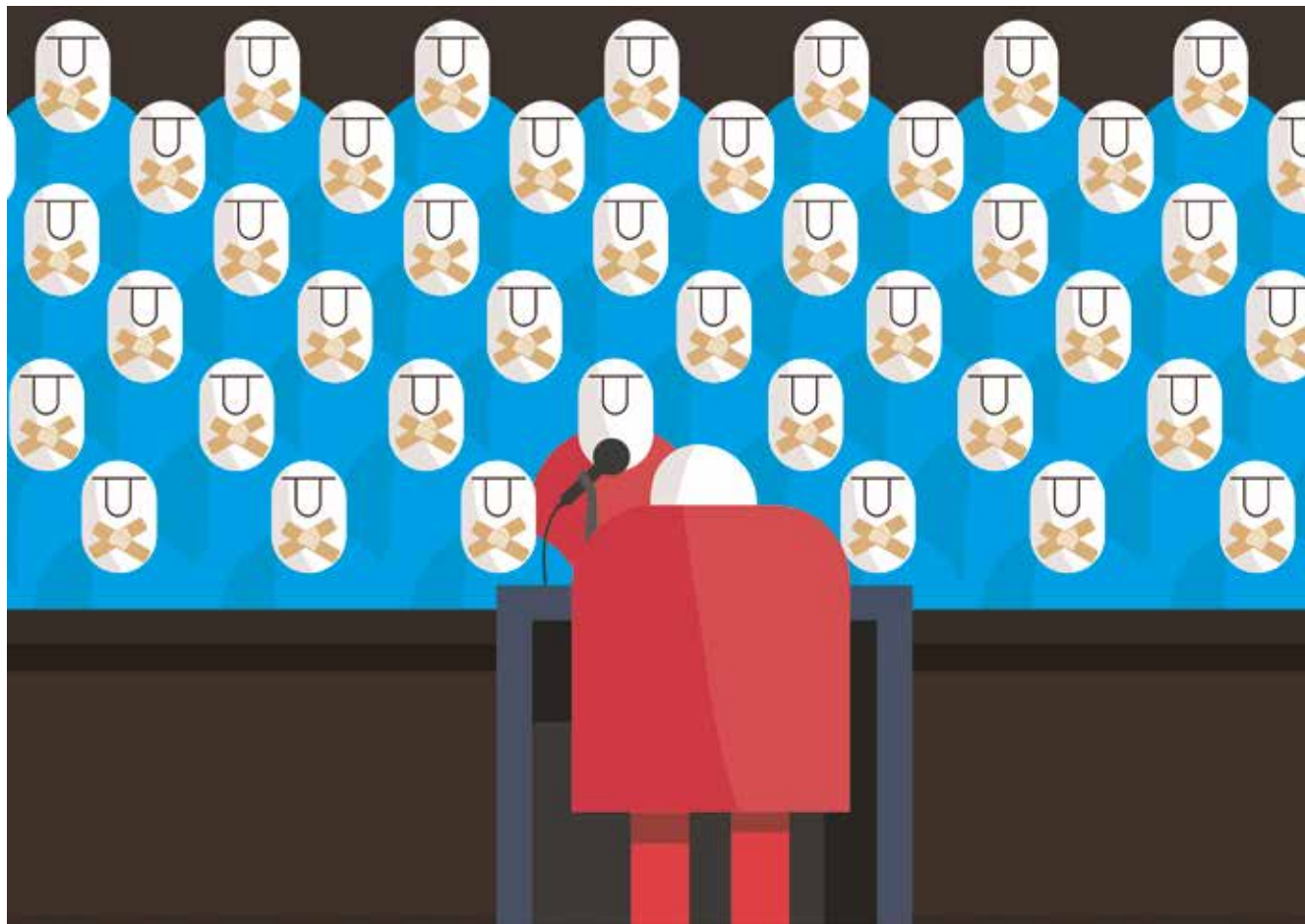


اسماعیل بابایی / محیط زیست و نابودی  
The environment and the destruction / Esmail Babaee

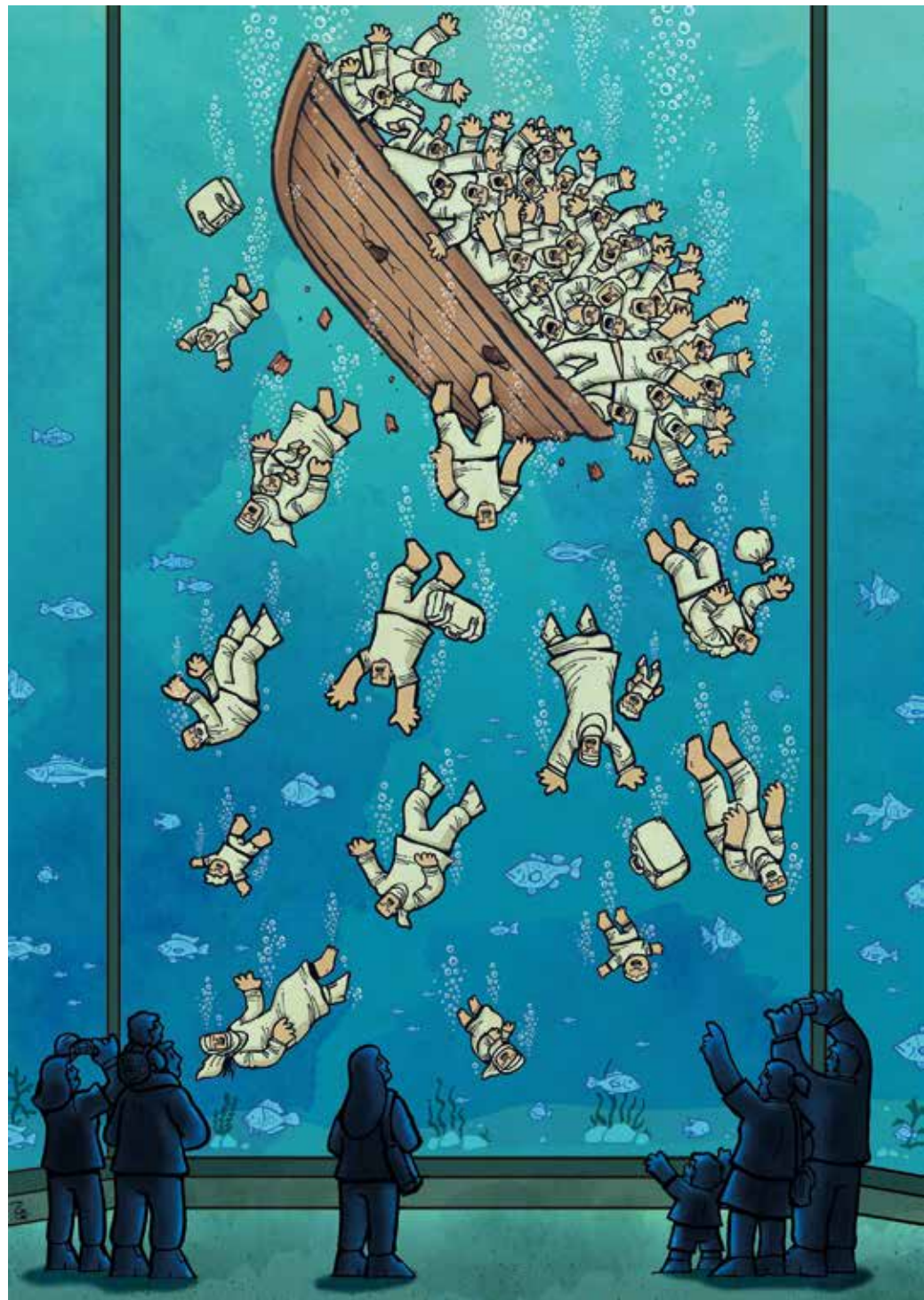


محمد حسین اکبری سیستانی / مهاجرت تحمیلی!  
Migration! Imposed migration! / Mohammad Hossein Akbari Sistani





مجید جان بزرگی / بدون عنوان  
Untitled / Majid Jan Bozorgui

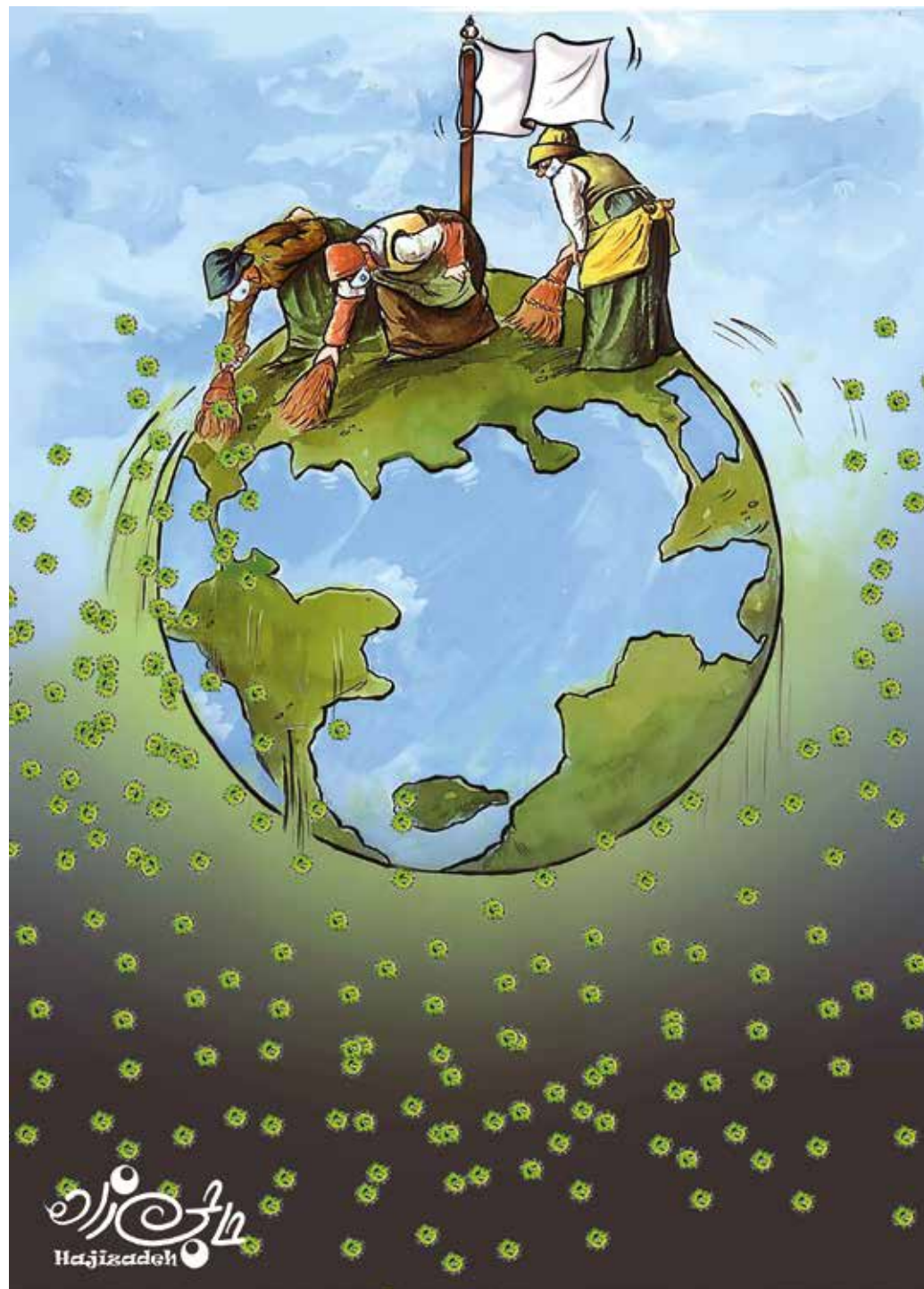


علیرضا پاکدل قوشخانه / بدون عنوان  
Untitled / Alireza Pakdel Ghooshkhaneh

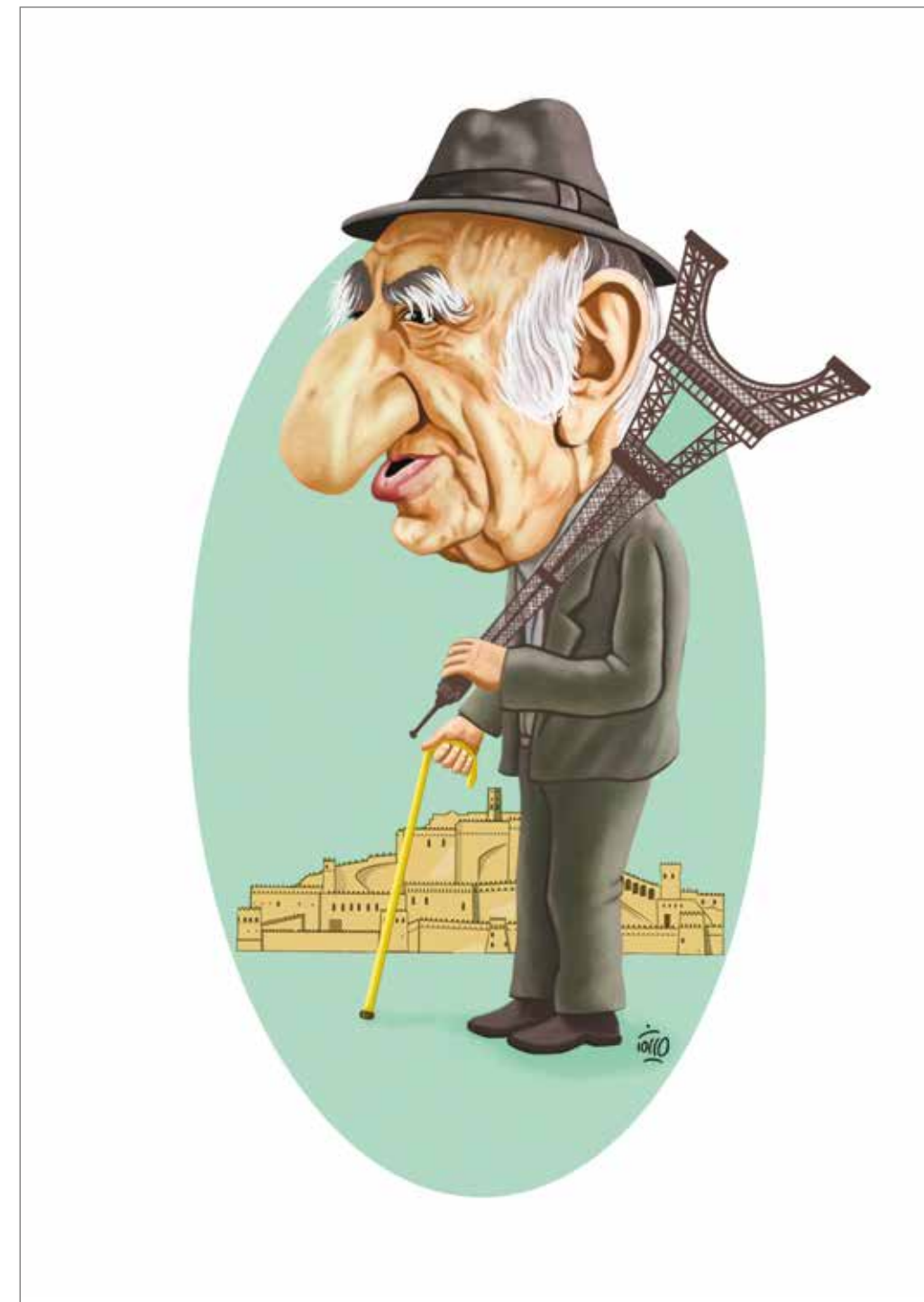






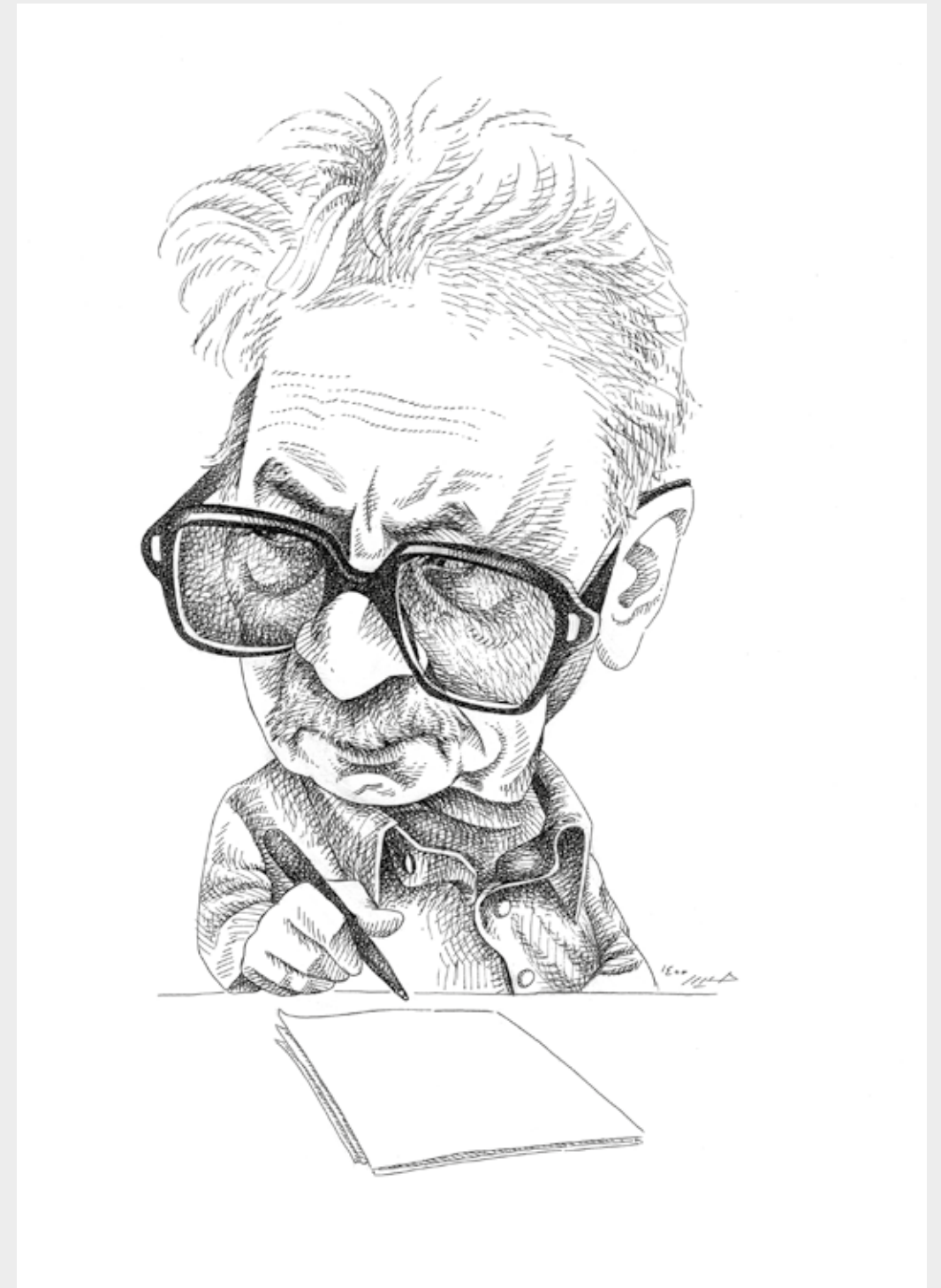


رسول حاجی زاده میر اشرفی / خدا حافظ کرونا  
Good bye Corona / Rasool Hajizadeh Mir Ashrafi

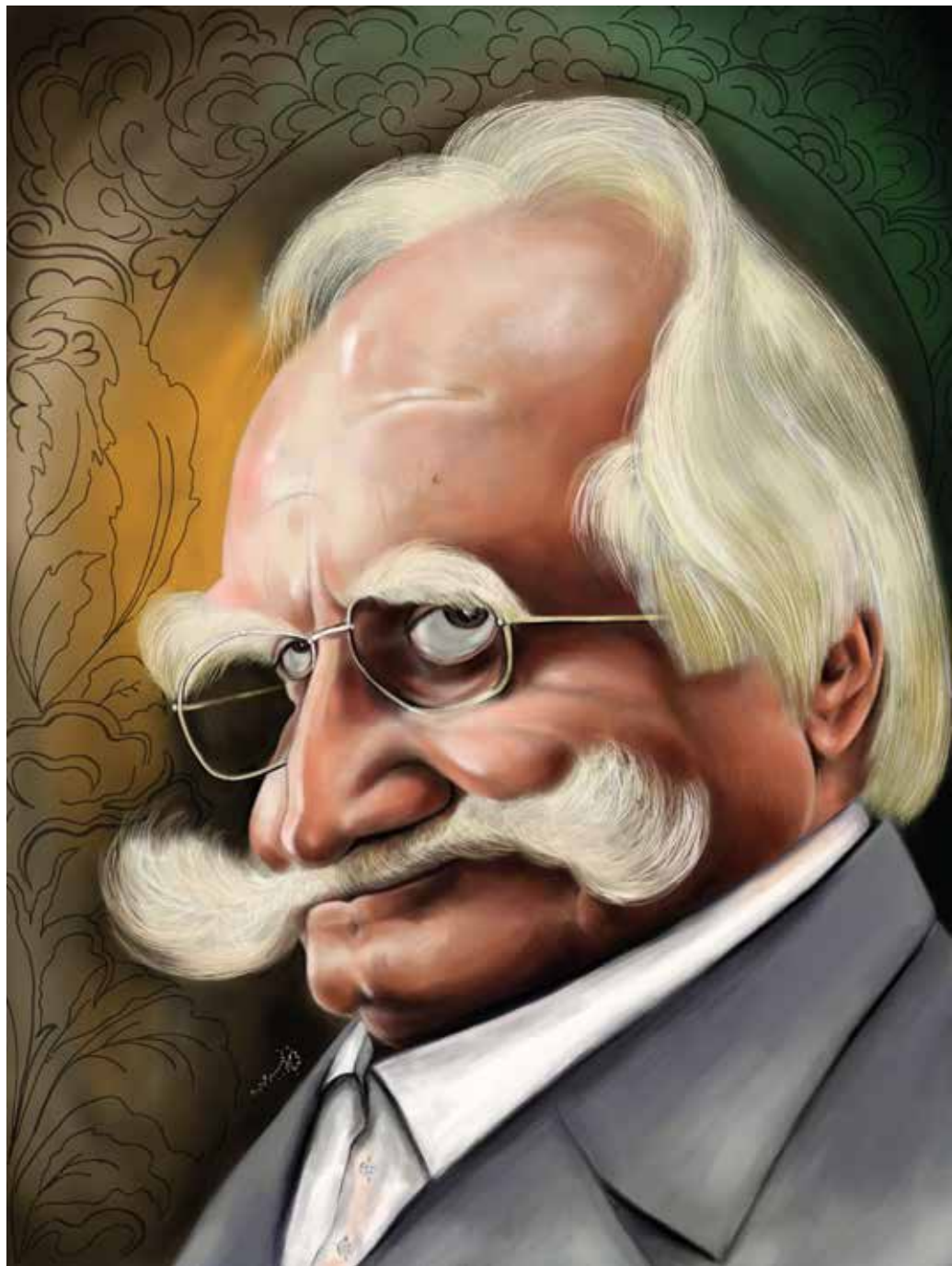


میثم جعفرخانی / استاد پاریزی  
Master Parizi / Meysam Jaffarkhani







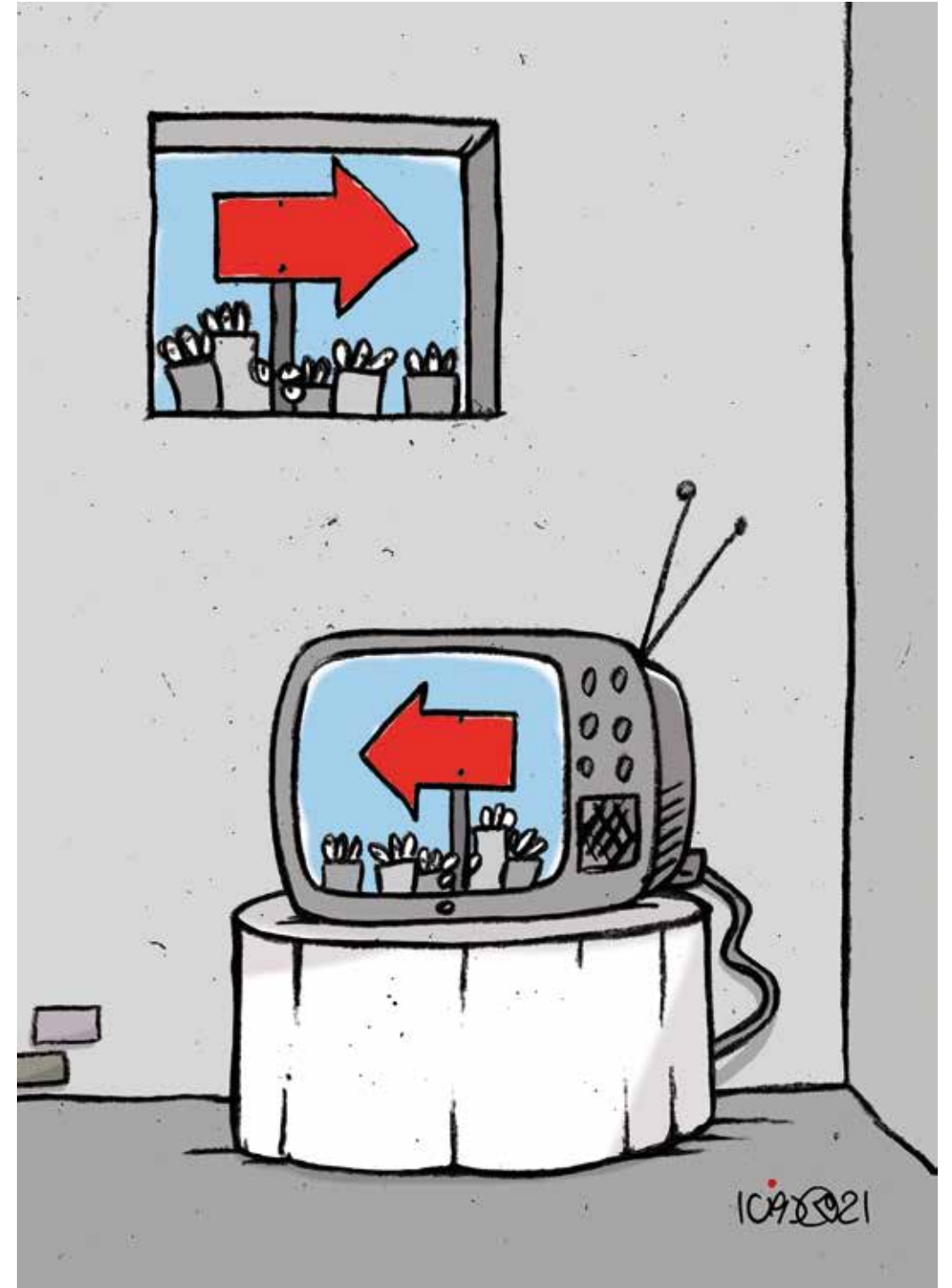


محمدباقر رنجبر / استاد فرشچیان  
Master Farshchian / Mohammad Bagher Ranjbar

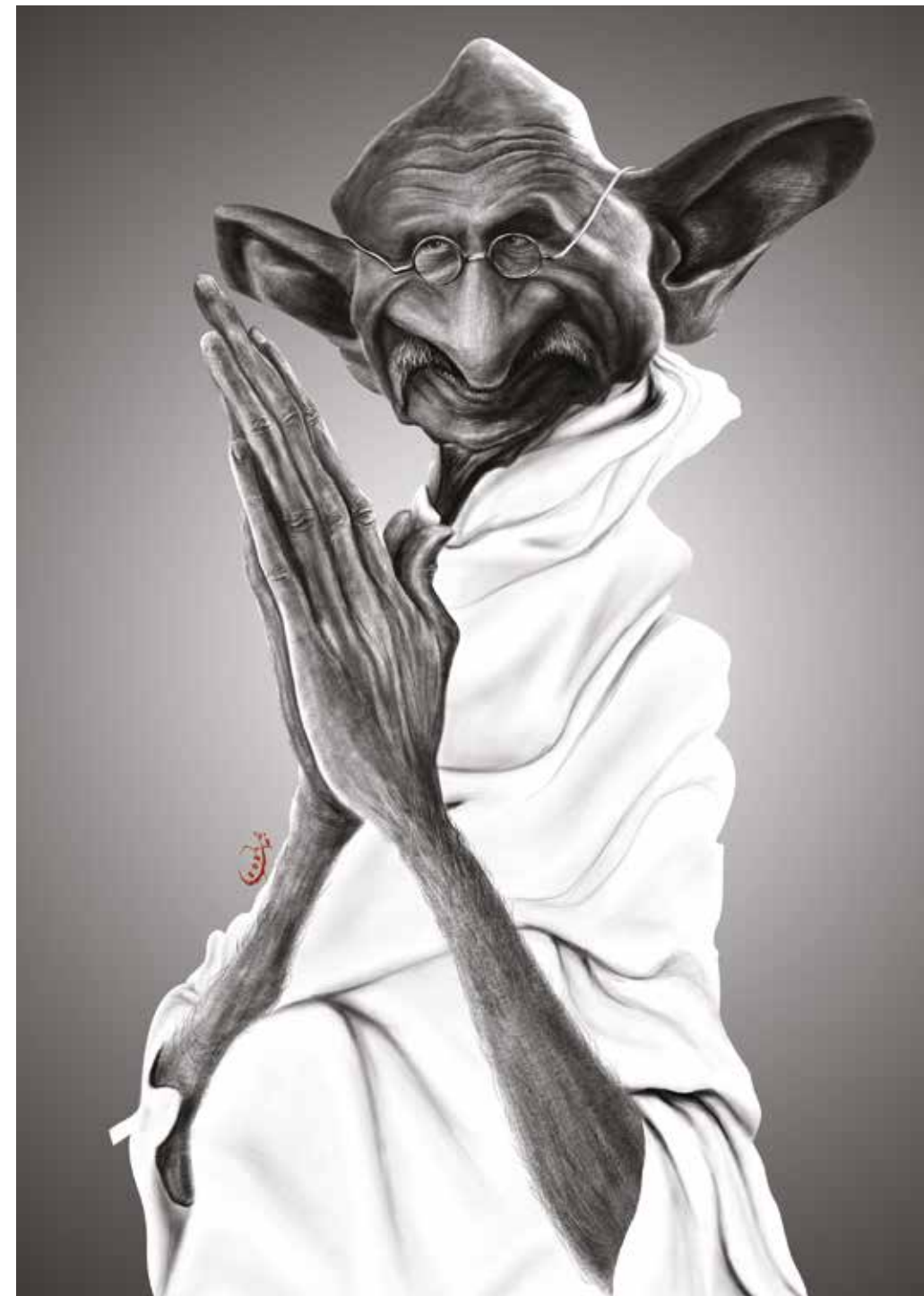
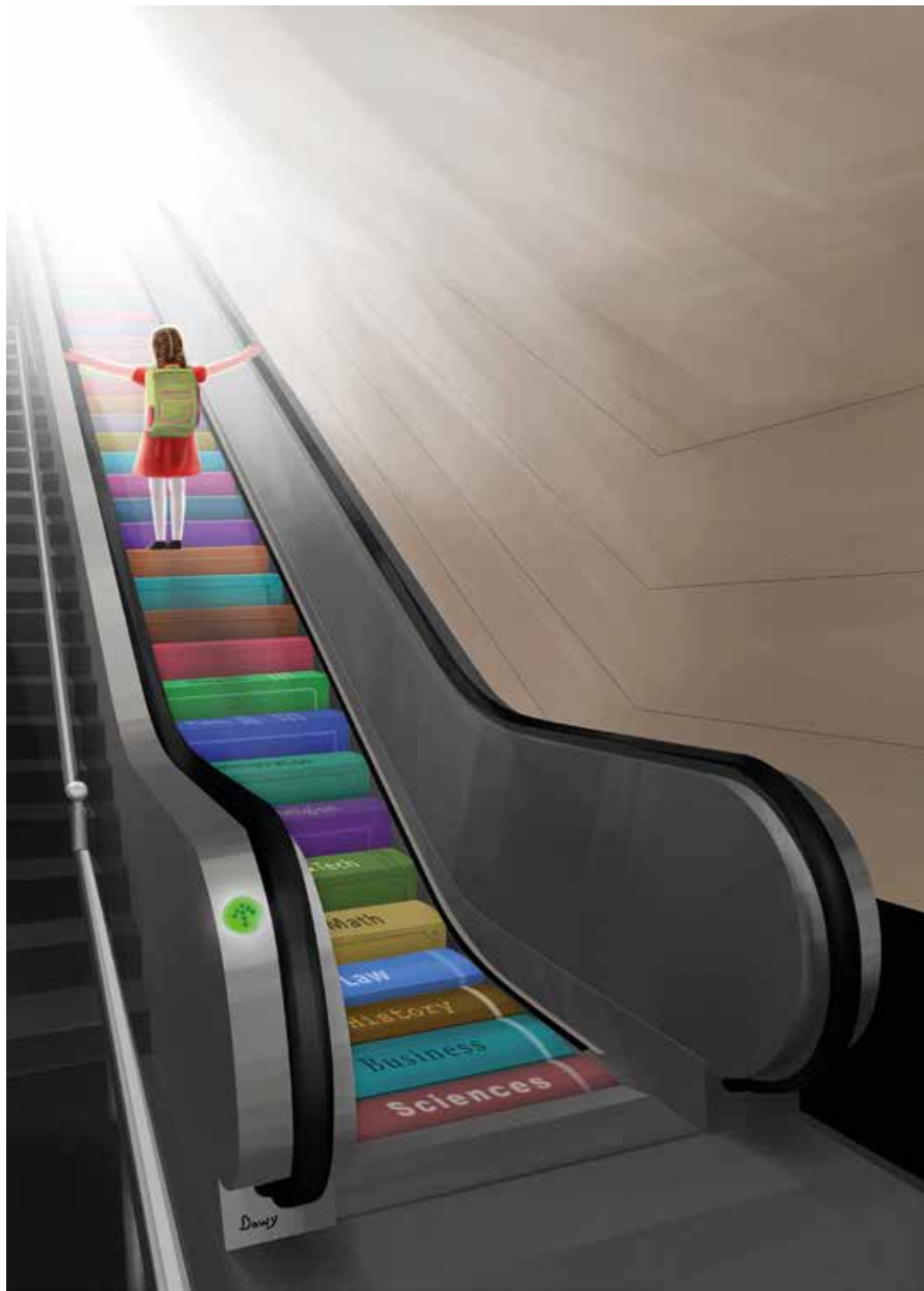


سجاد رافعی / کرونا در این روزها  
Corona in these days / Sajjad Rafeiei

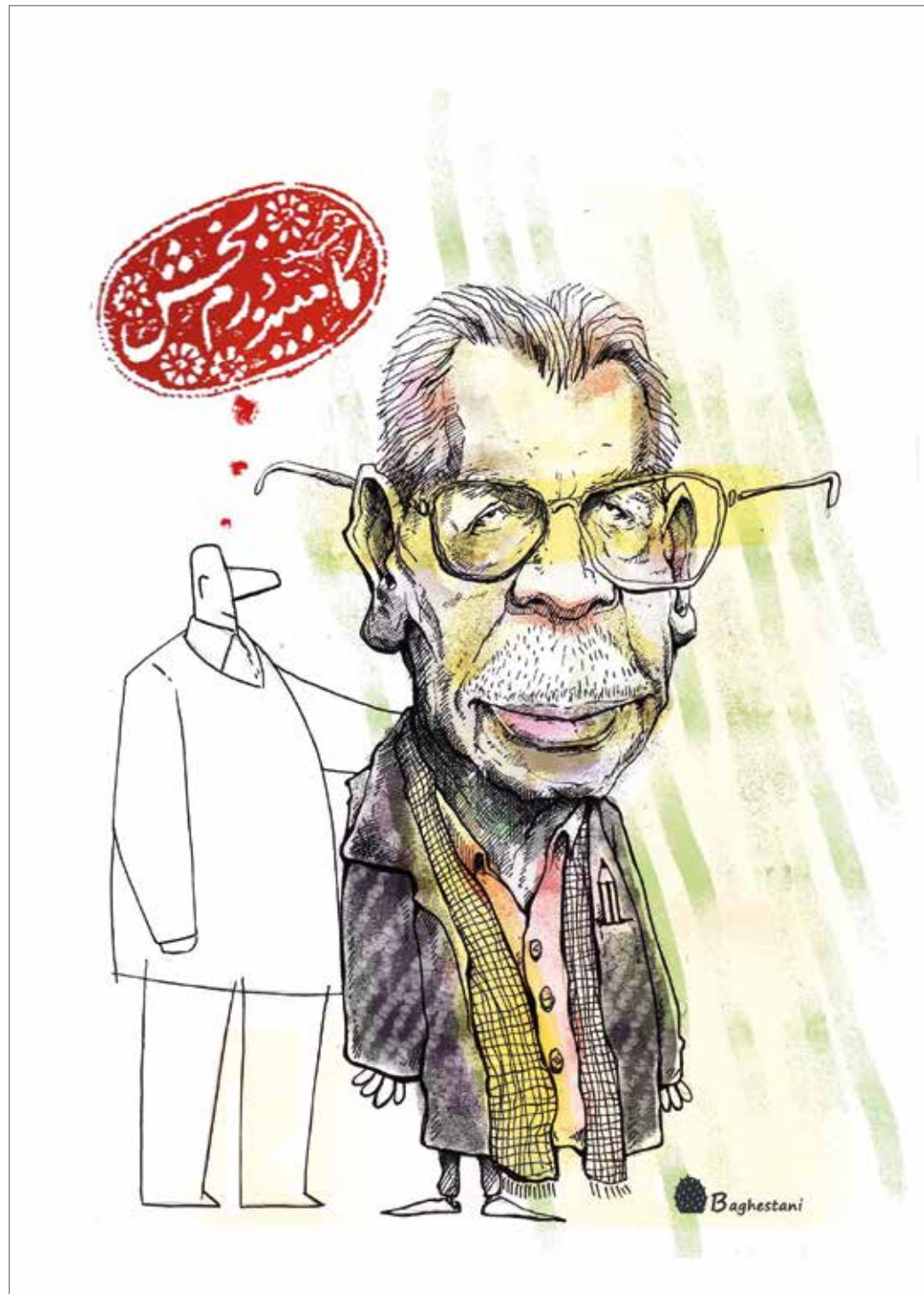










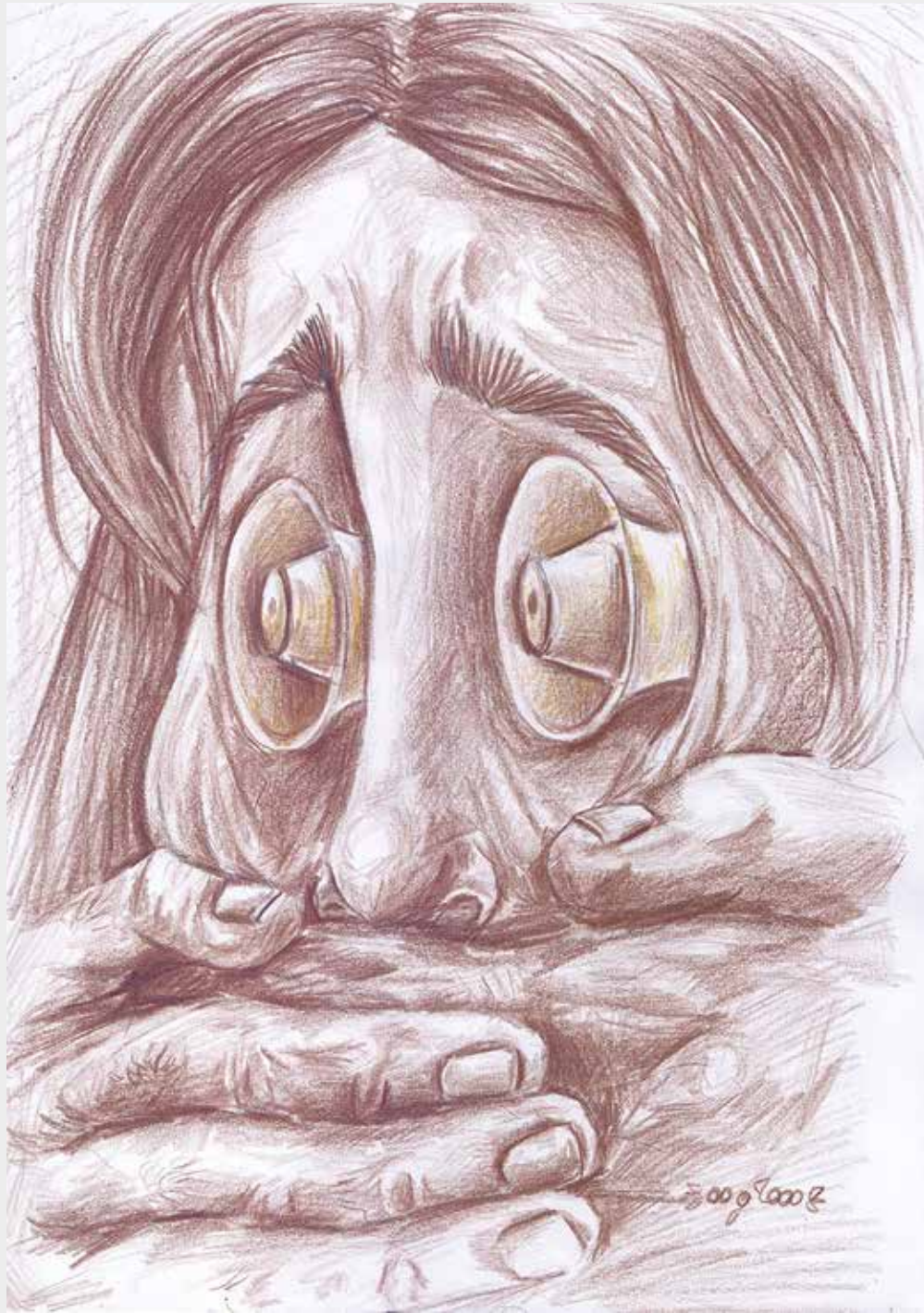


امین فامیل باغستانی / بدون عنوان  
 Untitled / Amin Famil Baghestani



منصوره فاطمی قمی / مرتضی احمدی  
 Morteza Ahmadi / Mansoureh Fatemi Ghomi





معمومه مسیب خواه / سکوت را فریاد کن  
Scream your silence / Masoumeh Mossayeb Khah

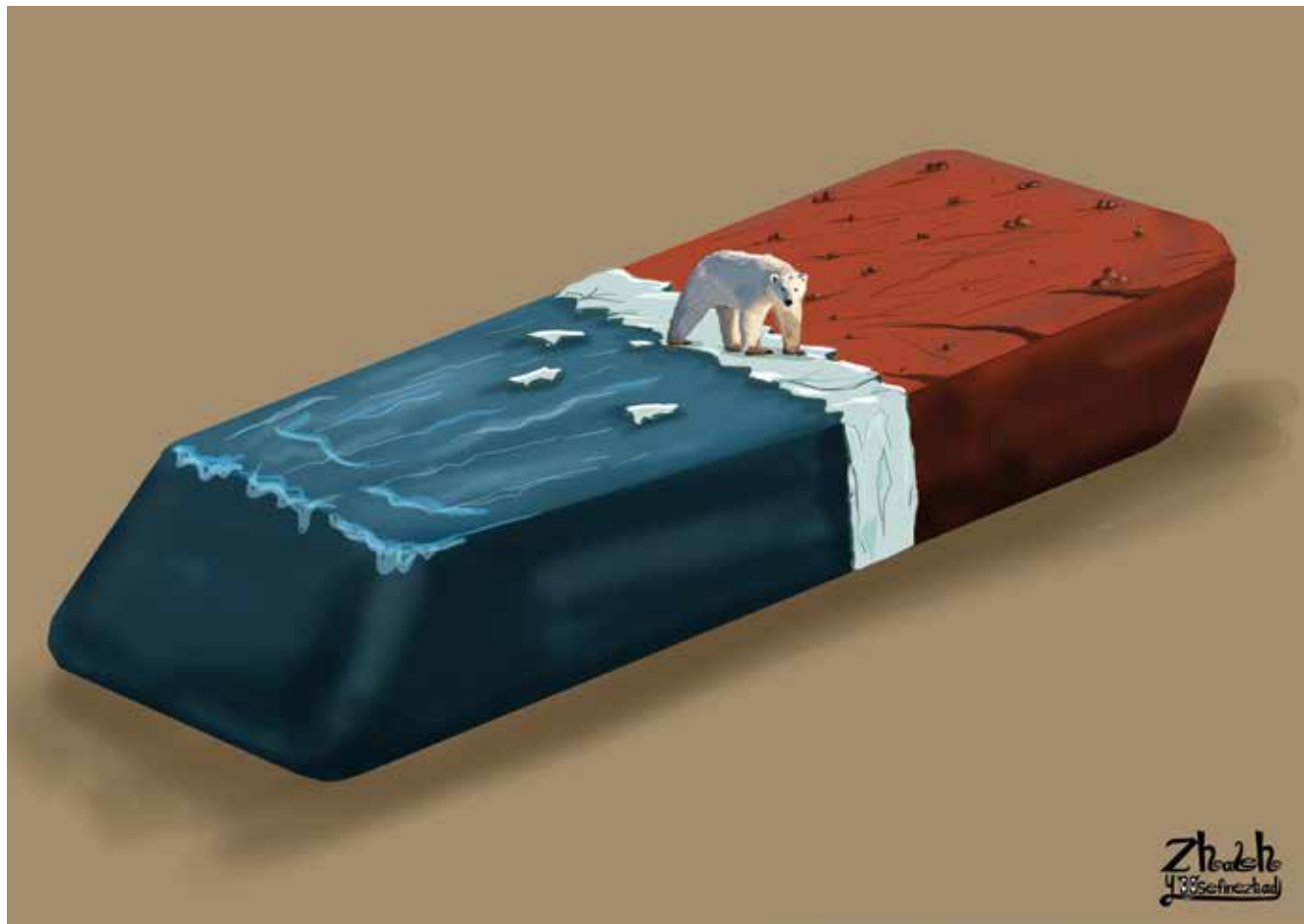


مهدیه کلانتری / سفر  
Journey / Mahdiah Kalantari

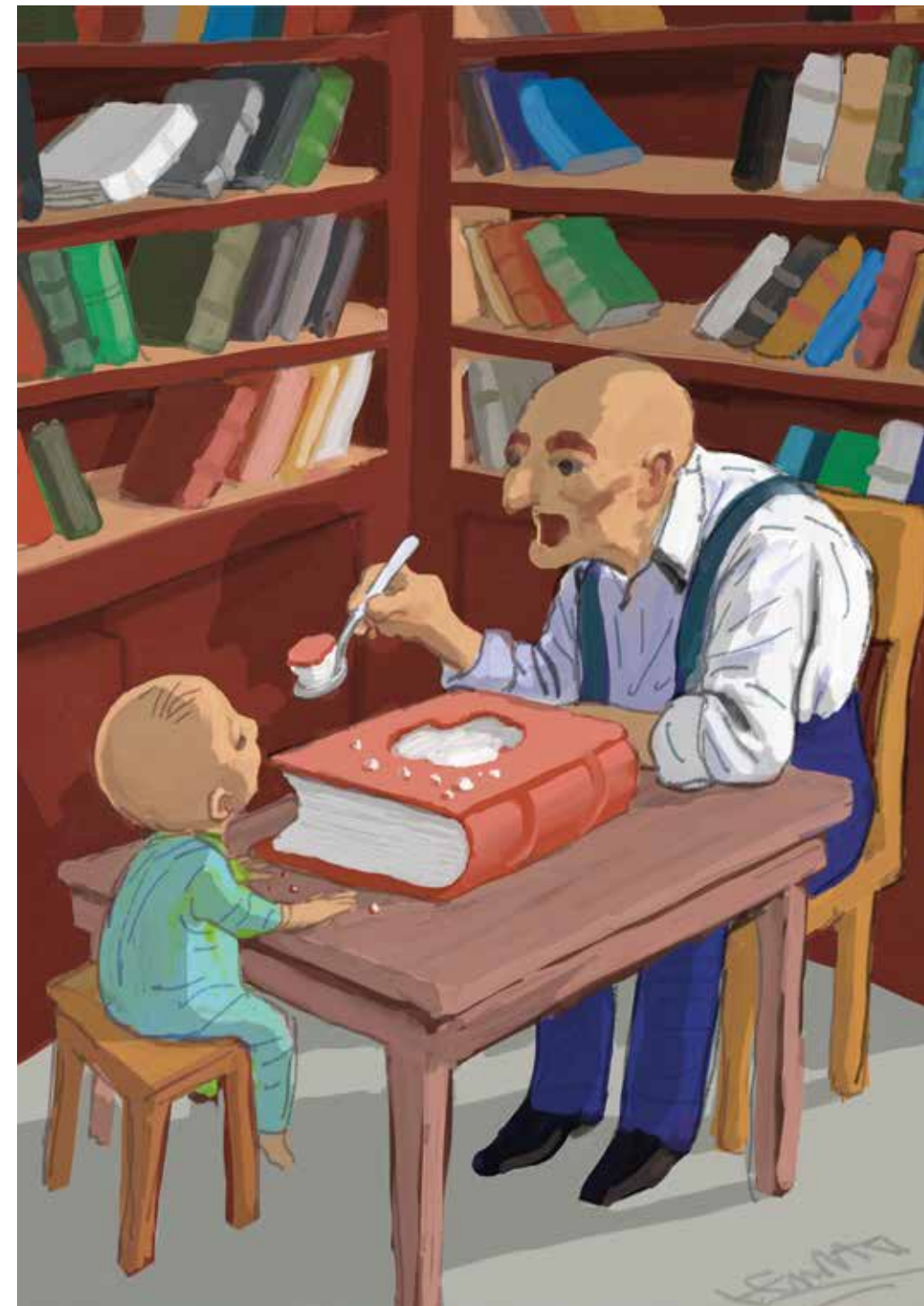








ژاله یوسفی نژاد / گرم شدن زمین  
Global warming / Jaleh Yousefinejad



باقر همتی / بدون عنوان  
Untitled / Bagher Hemati







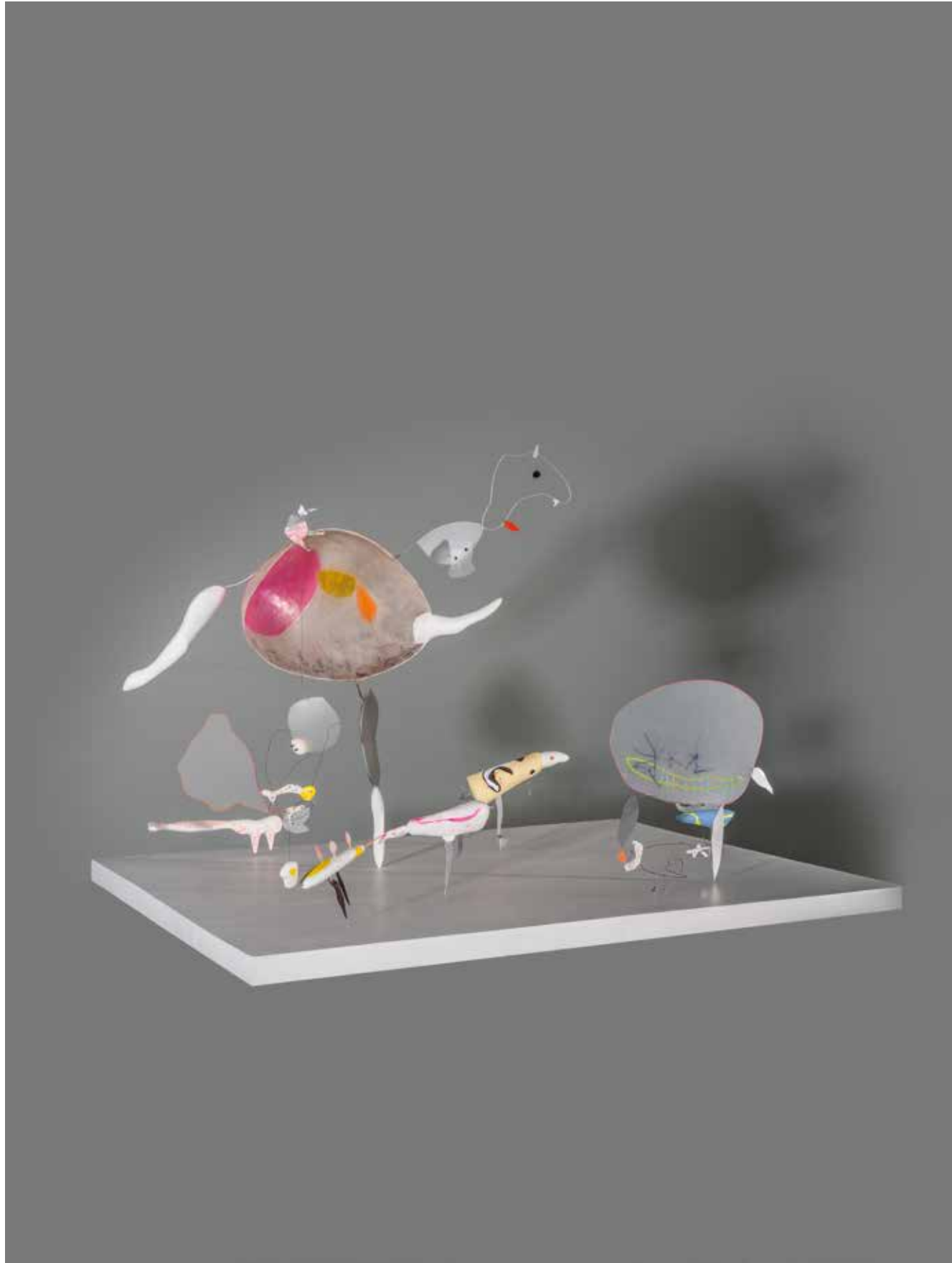


---

سجسده  
Sculpture





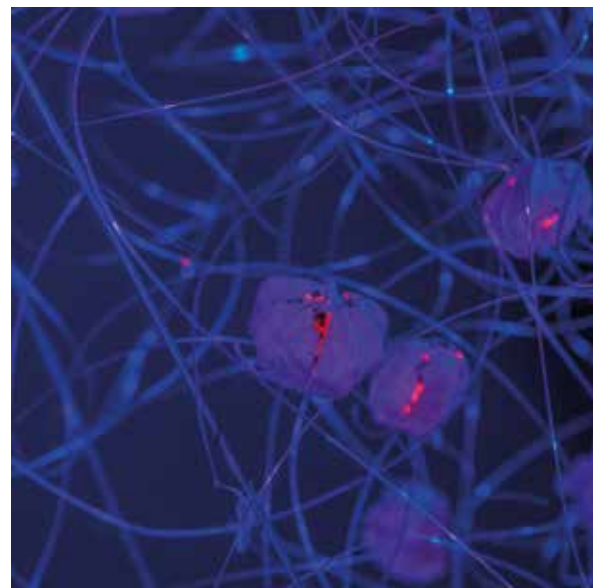


نسرین شاپوری آذر / رویای یک جادوگر  
A witch's dream / Nasrin Shapouri Azar





ونوشه شکری / بدون عنوان  
Untitled / Vanoosheh Shokri



نسیم ابوالقاسم / بزرگداشت طبیعت  
Honoring nature / Nassim Abolghassem





رحمان احمدی ملکی / بیقراری شیخ صنعان  
The Agitation of Sanaa Sheikh / Rahman Ahmadi Maleki



بهادر احسانی / خیمه شبازی  
Puppet show / Bahador Ehsani



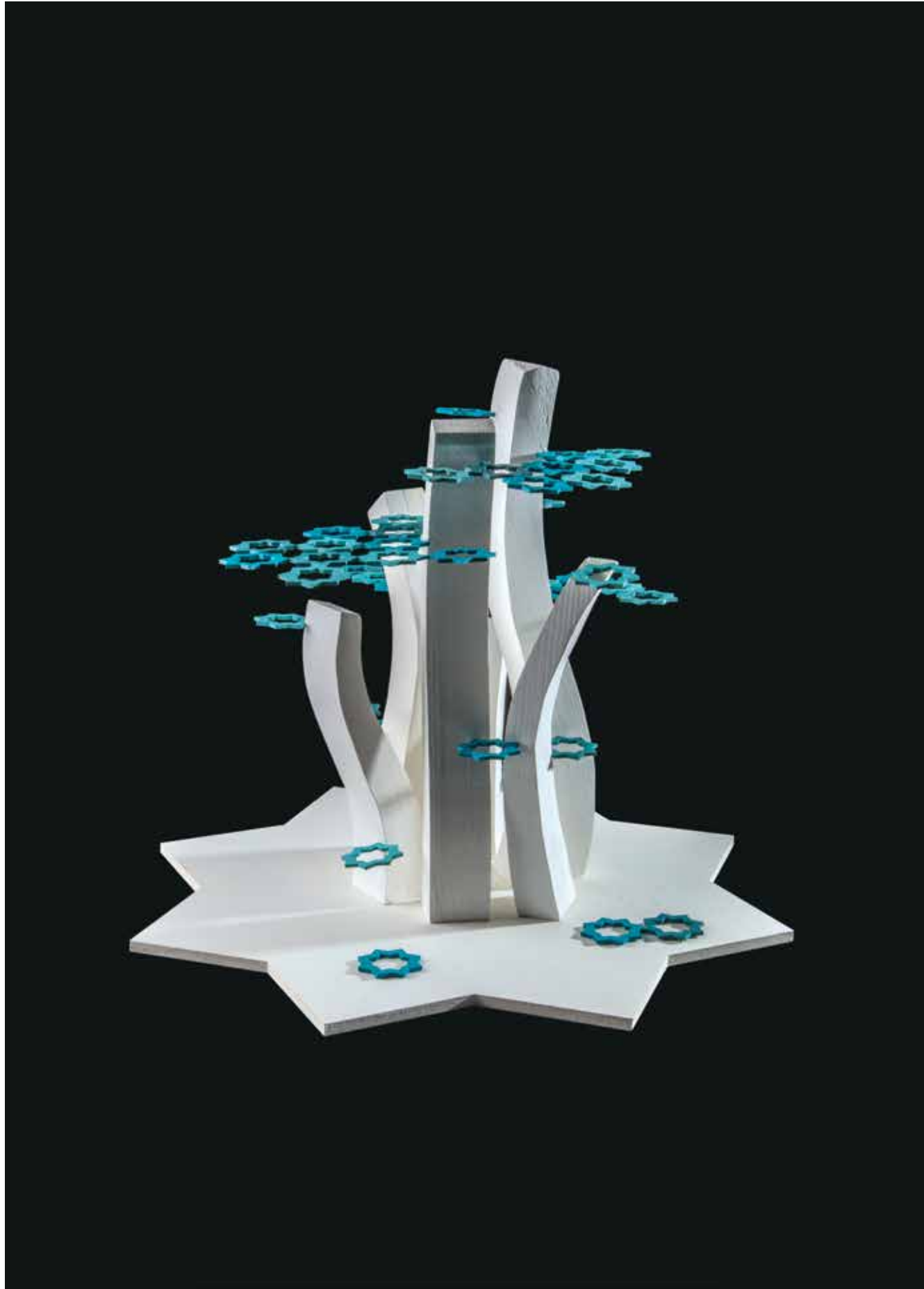


محمود (کیوان) پورنصری نژاد / کوه از غمت بشکافنه وان غم بدل درتافته، یک قطره خونی یافته از قضات این افضالها  
 Mahmood (Keyvan) Pour Nassri Nejad / Hills cracked from sorrows, and sorrow descended to heart, in search of a drop of blood, from the judges of this excellence



عرفان بی‌باک / عصر انسان  
 The age of man / Erfan Bibak



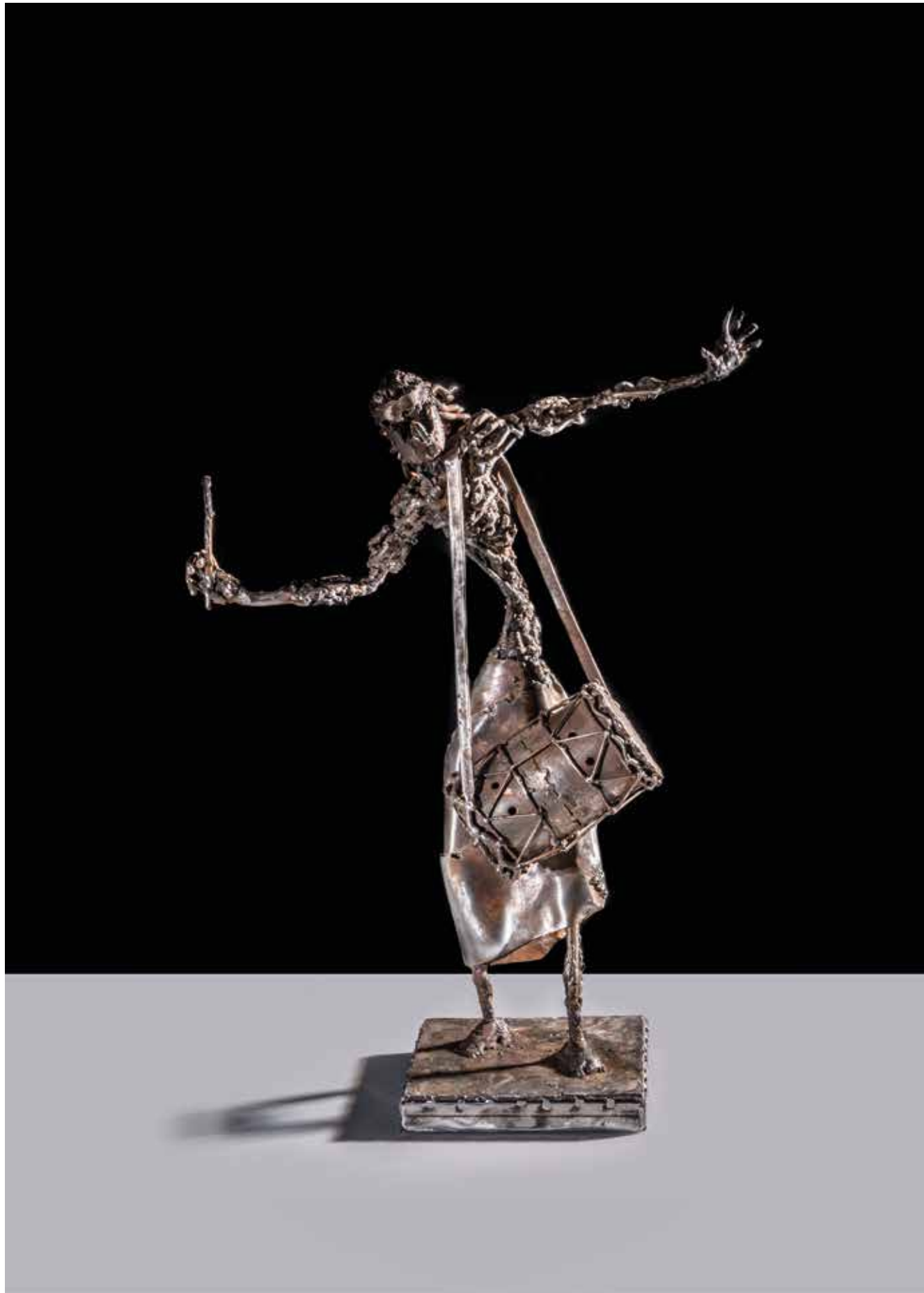


فاطمه چگینی / افلاک  
Heavens / Fatemeh Cheguini

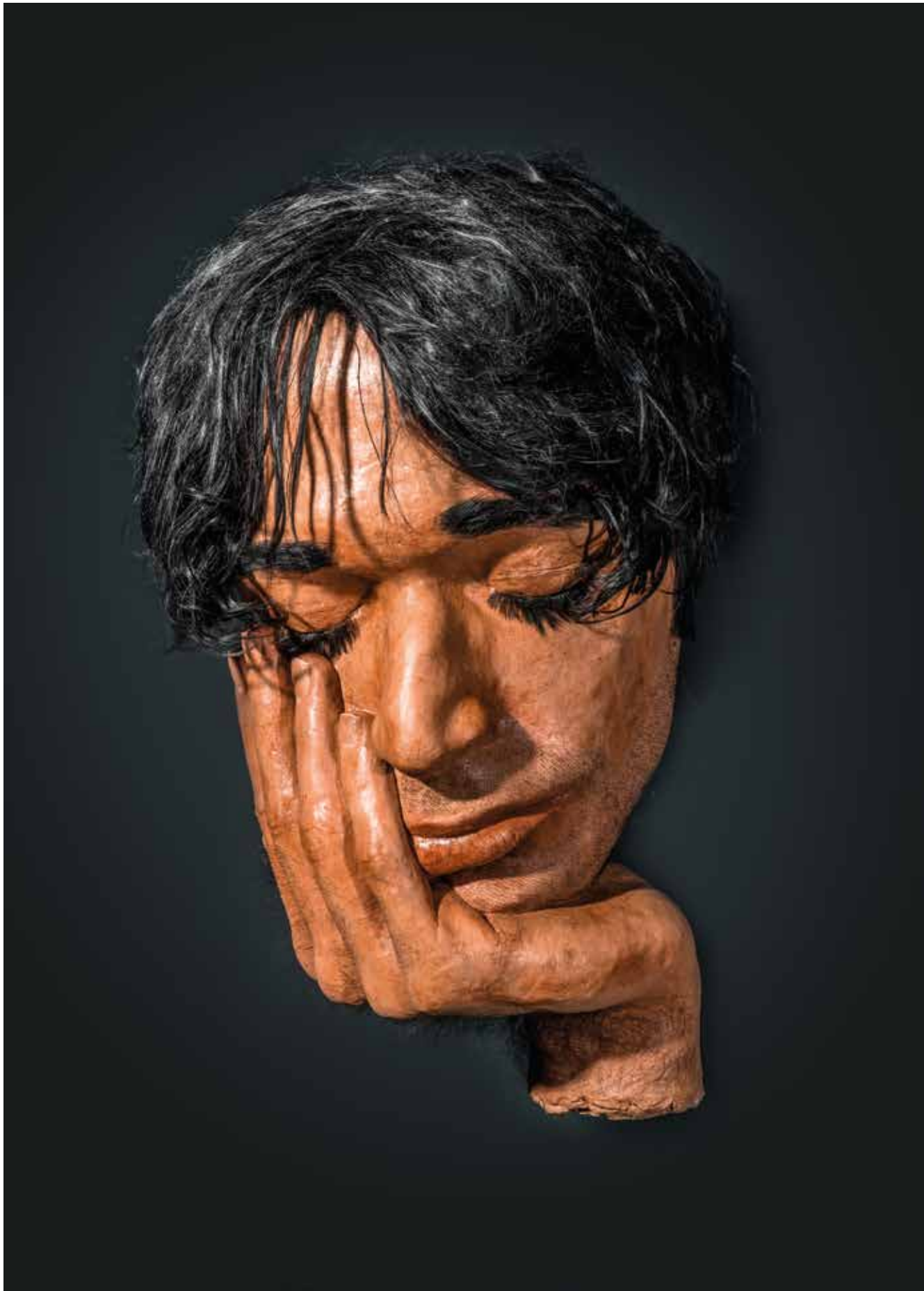


هادی پیروی / کجا هست من - شماره یک  
Where is I - no. 1 / Hadi Peyravi





حسین حسن شاهی / دمام زن  
Drummer / Hossein Hassan Shahi

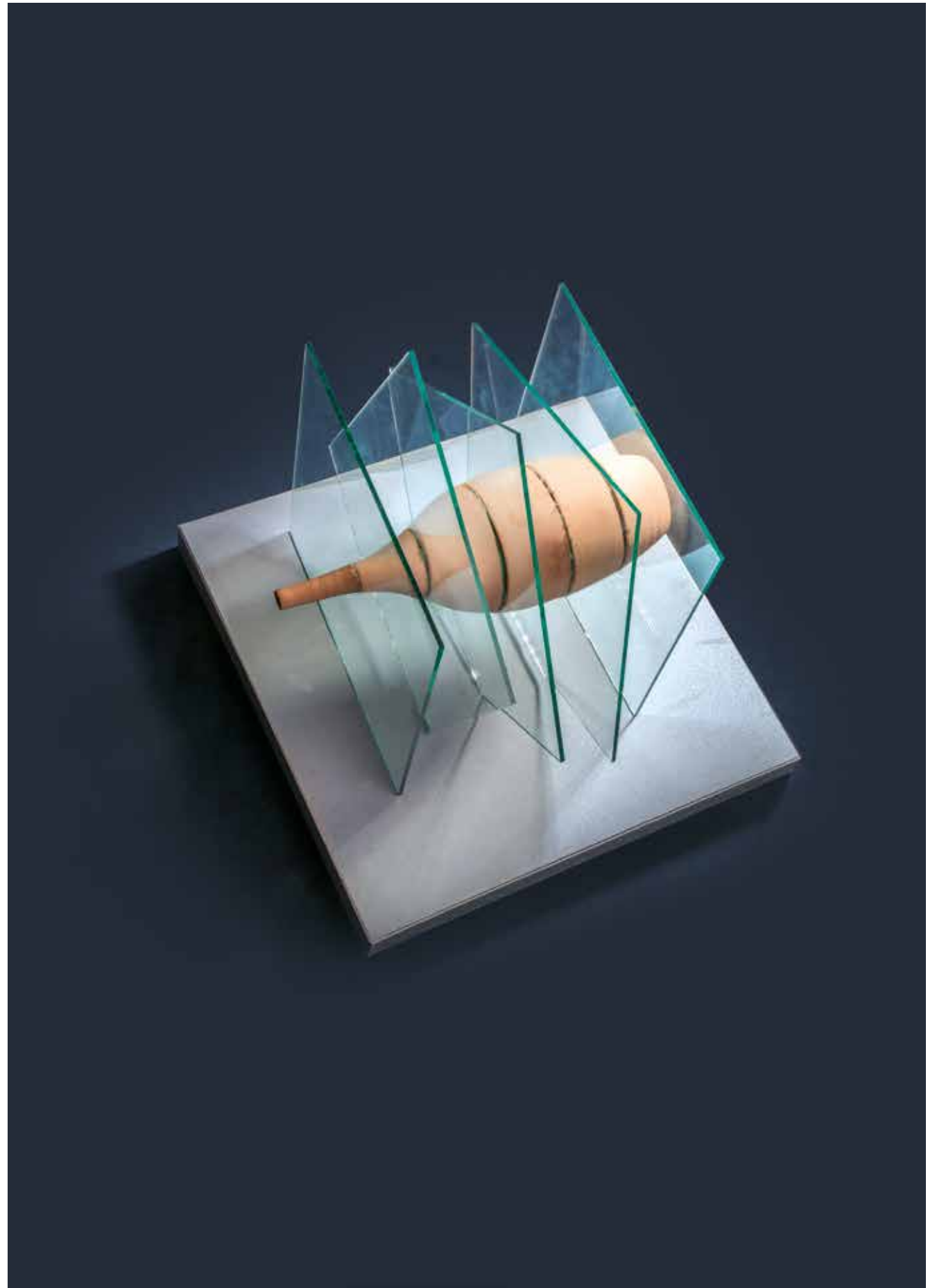


علی حاجی مرادی / بدون عنوان  
Untitled / Ali Hajimoradi





احسان رحمانی طاحونه / پاپیاماشه  
Papier-mâché / Ehsan Rahmani Tahooné

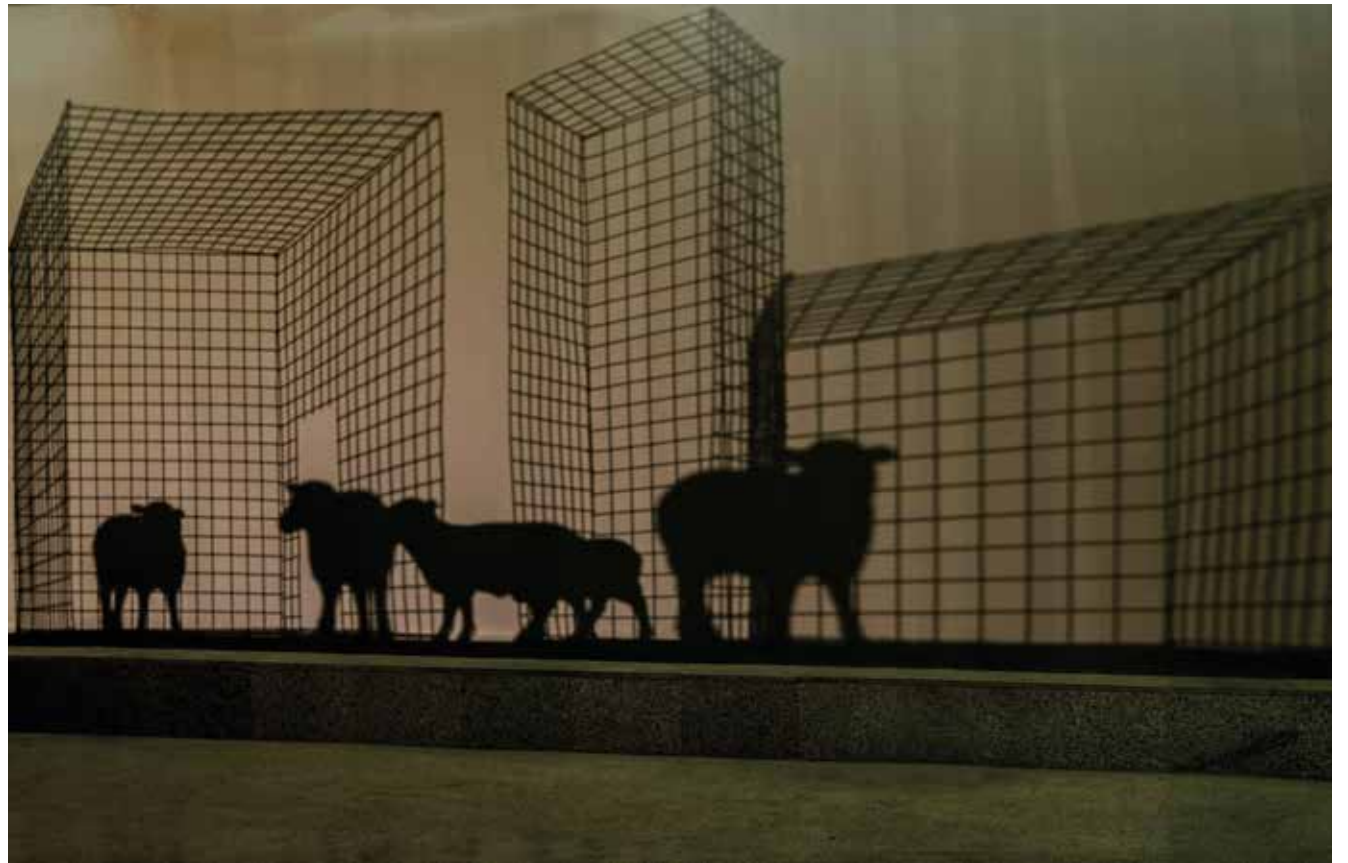


یزدان دلیری / بی جان محصور  
lifeless enclosed / Yazdan Daliri





معصومه روستا / تکرار  
Repetition / Masoumeh Roosta



منا رمضانی / تناقض  
Contradiction / Mona Ramezani





محمد علی شیخ الحکمایی / دروازه بهشت  
Gates of Heaven / Mohammad Ali Sheikhol Hokamaee

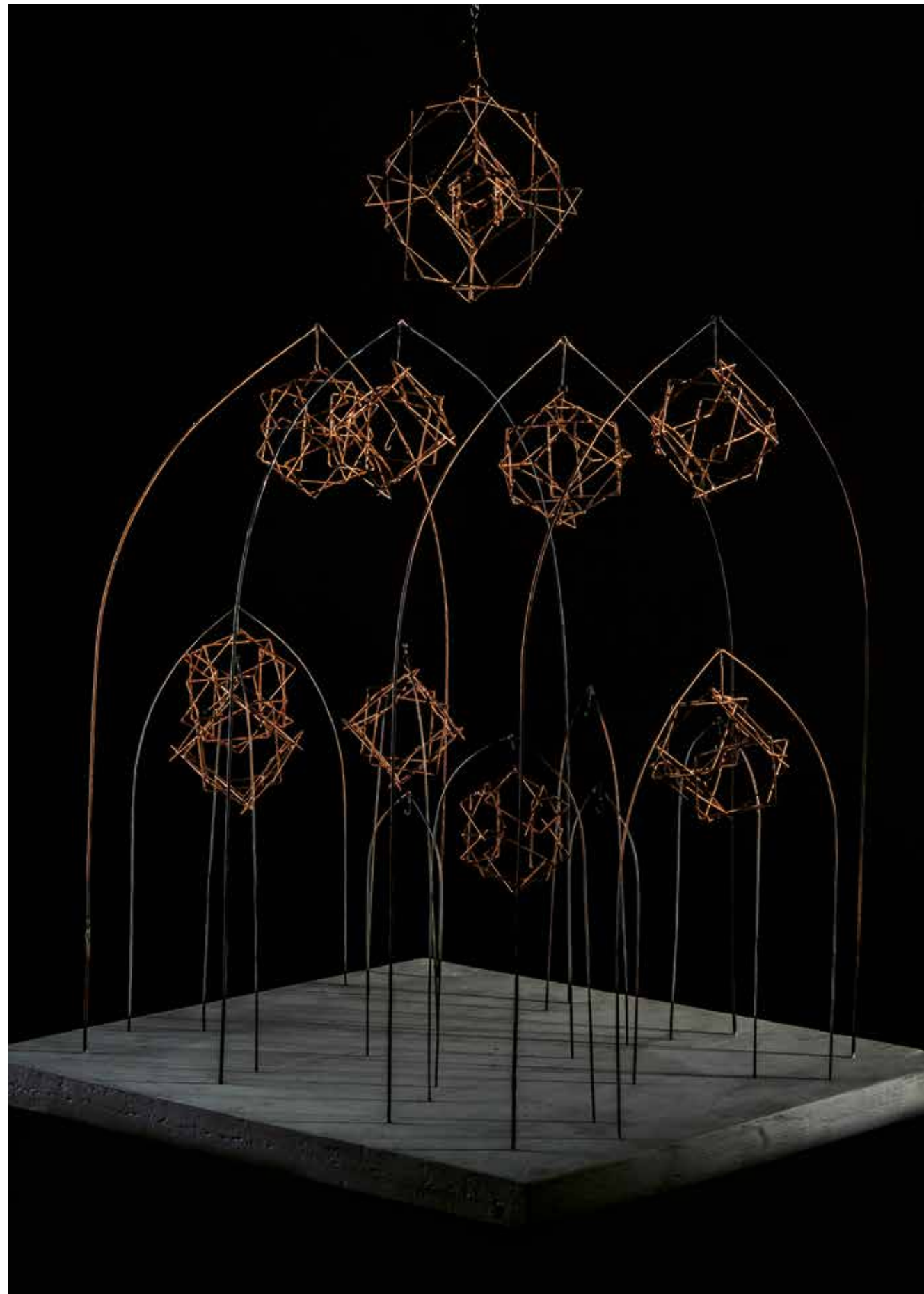


الهام شکری / آن (لحظه)، از مجموعه ی خویشتن  
Instant, from self collection / Elham Shokri





زهرا صفری / توان  
Strength / Zahra Safari

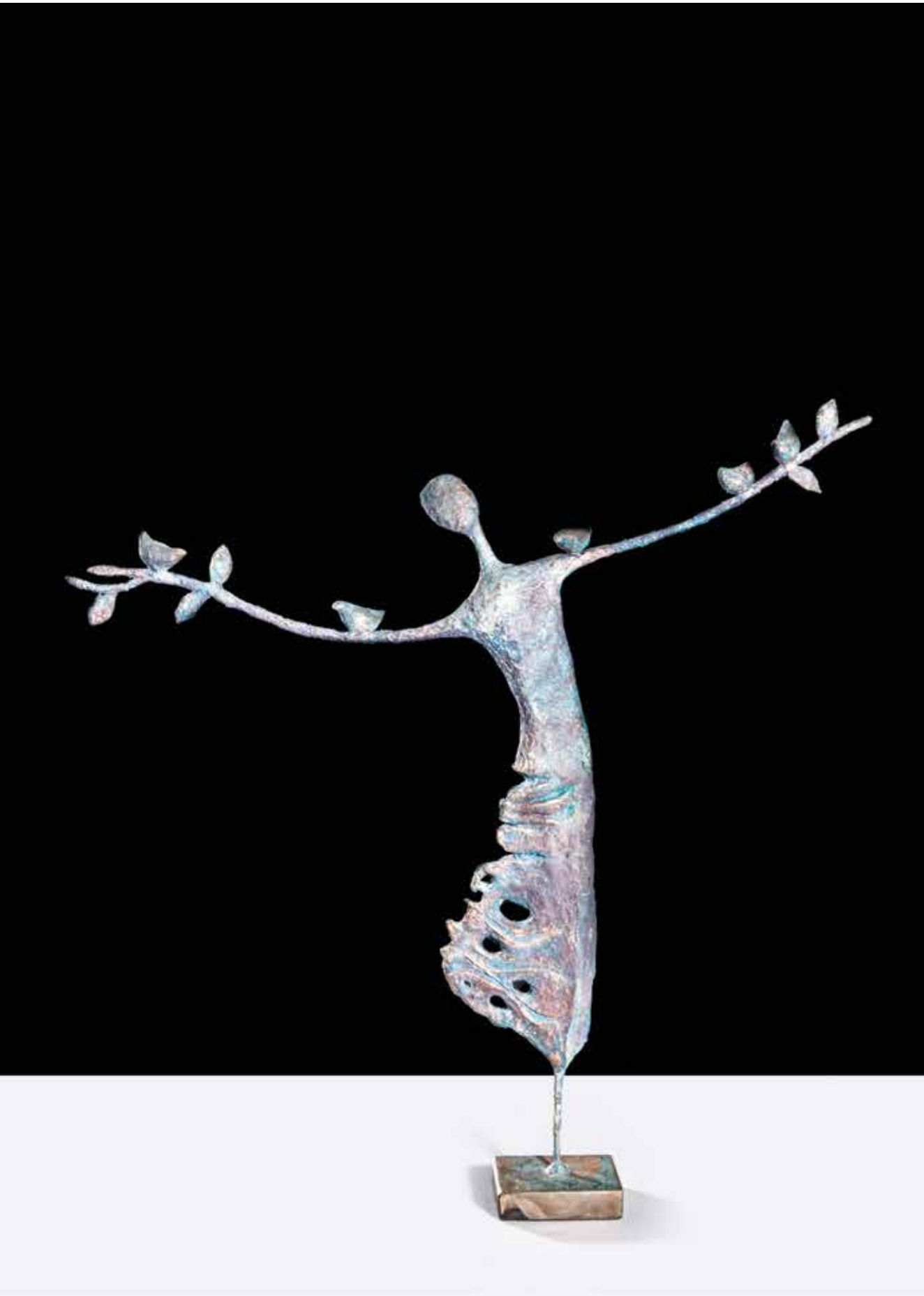


زهرا شیخ‌الحکمایی / بدون عنوان  
Untitled / Zahra Sheikhol Hokamaee





رضا قهره باغی / گذر سیاوش از آتش  
Siavash passage through fire / Reza Ghare Baghi

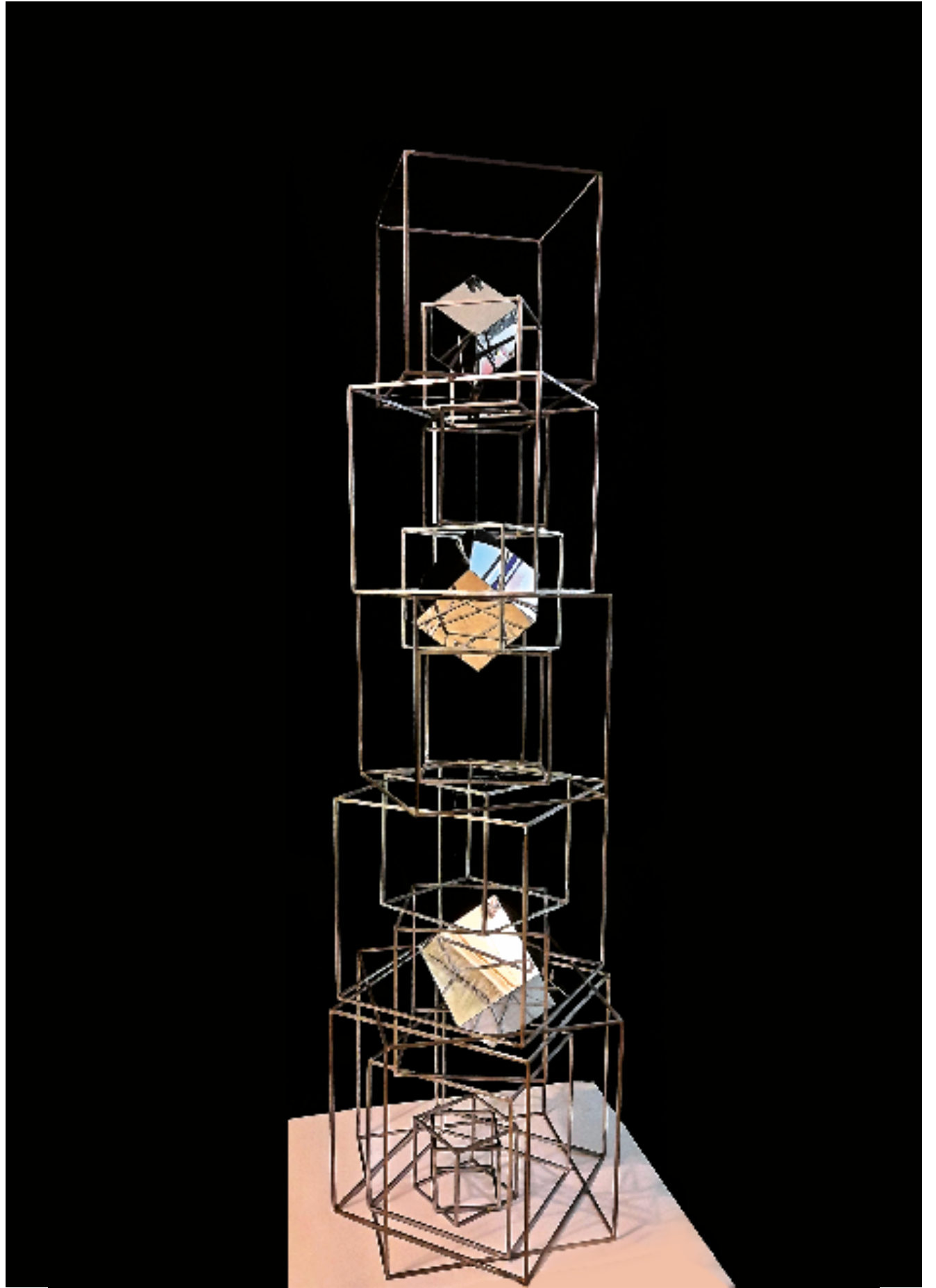


فرشته قاسمی / بالندگی وجود  
The pride of being / Fereshteh Ghassemi





احسان گرمسیری / پرند  
The bird / Ehsan Garmsiri



فائزه کریمی آوارزمان / بدون عنوان  
Untitled / Faezeh Karami Avarzaman





مرسده گوئه / پاندورا ۲  
Pandora 2 / Mercedes Gooneh



حاجيمراد گرمسيري / چو هزاره (چوب هزاره)  
The Hezare wood / Hajimorad Garmsiri





ملیسا ولی‌پور / زمان درد  
Time for pain / Melissa Valipour



روزبه نعمتی شریف / بدون عنوان  
Untitled / Roozbeh Nemati Sharif









---

نقاشی  
Painting





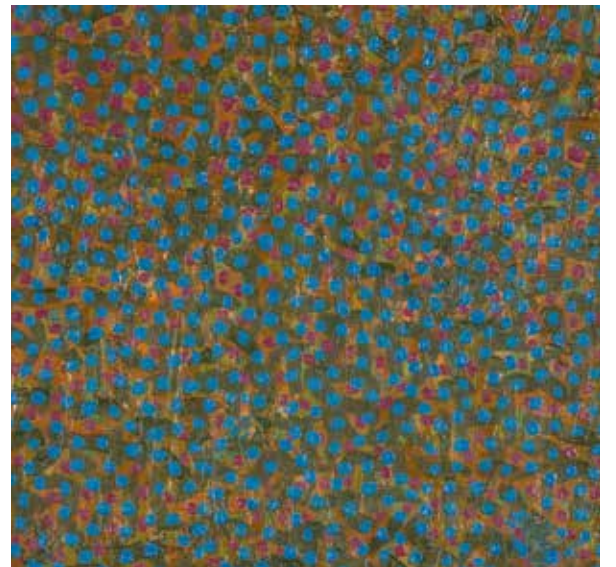
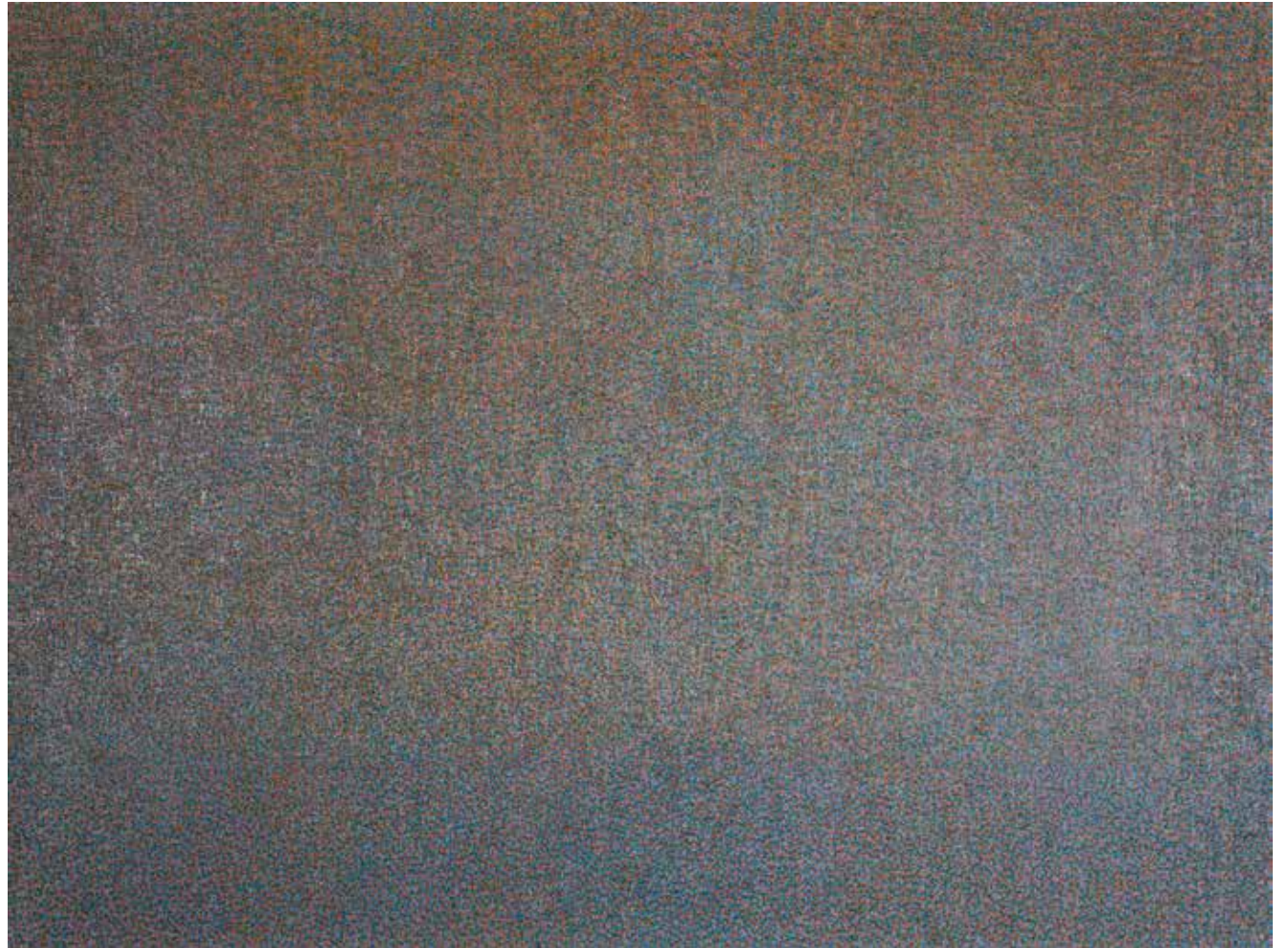


پریا مالمیر / سقوط  
The fall / Parya Malmir





سالی سمیعی کاشی / مردم یک شهر  
Sally Samiei Kashi / Citizens of a town



مصطفی سروریان / بدون عنوان  
Untitled / Mostafa Sarvarian





ابراهیم اکبری / از مجموعه "اقلیم خیال"  
From «climate of Imagination» / Ebrahim Akbari



فریما آذر سینا / گهینوم  
Ge-Hinum / Farima Azarsina





شهرزاد بیاتی / فراق  
Separation / Shahrzad Bayati

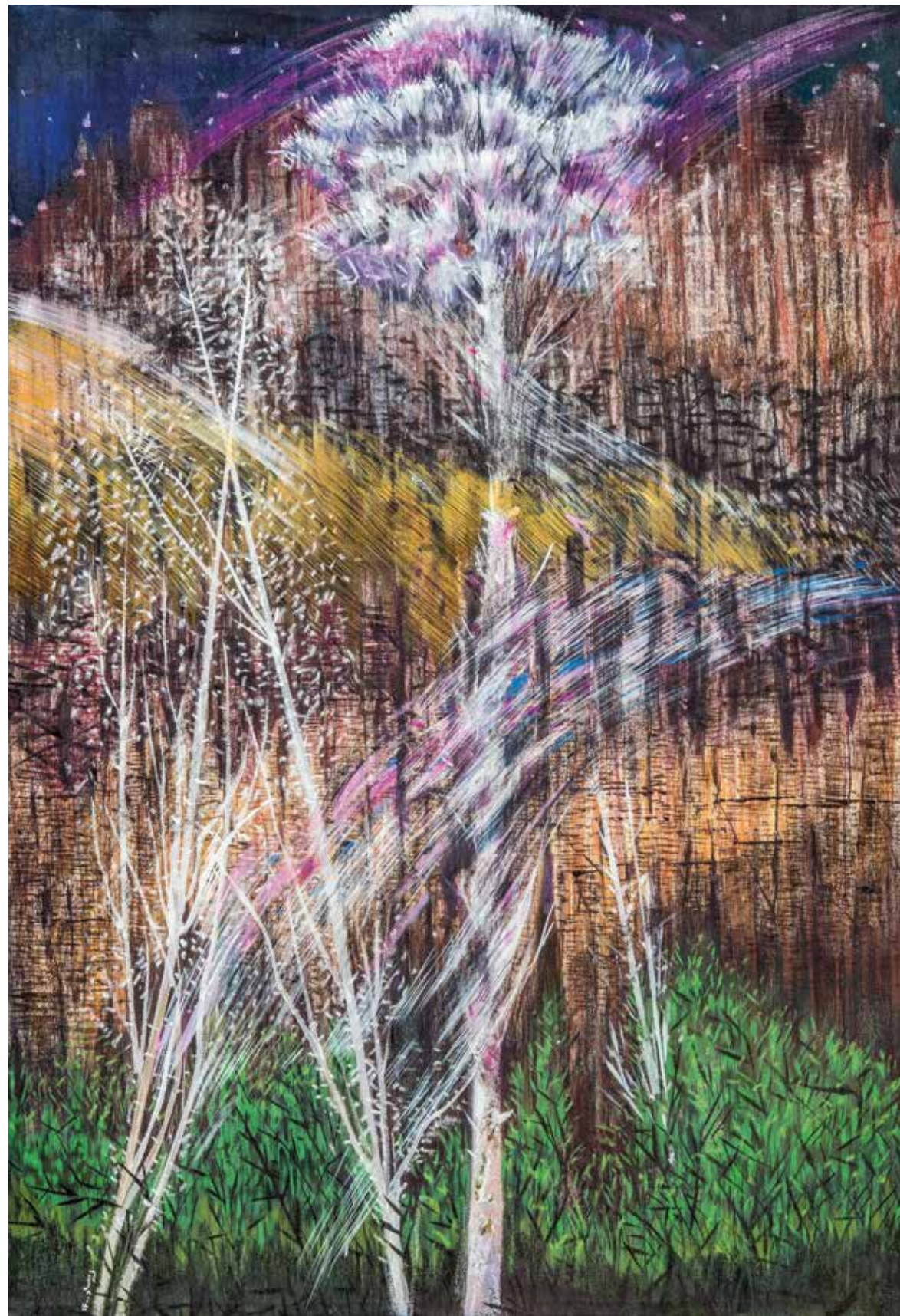


زهرا به نژاد / بدون عنوان  
Untitled / Zahra Behnejad





زہرا حسین پور / نور  
Light / Zahra Hosseinpour



فرہاد توکلی / بدون عنوان  
Untitled / Farhad Tavakoli



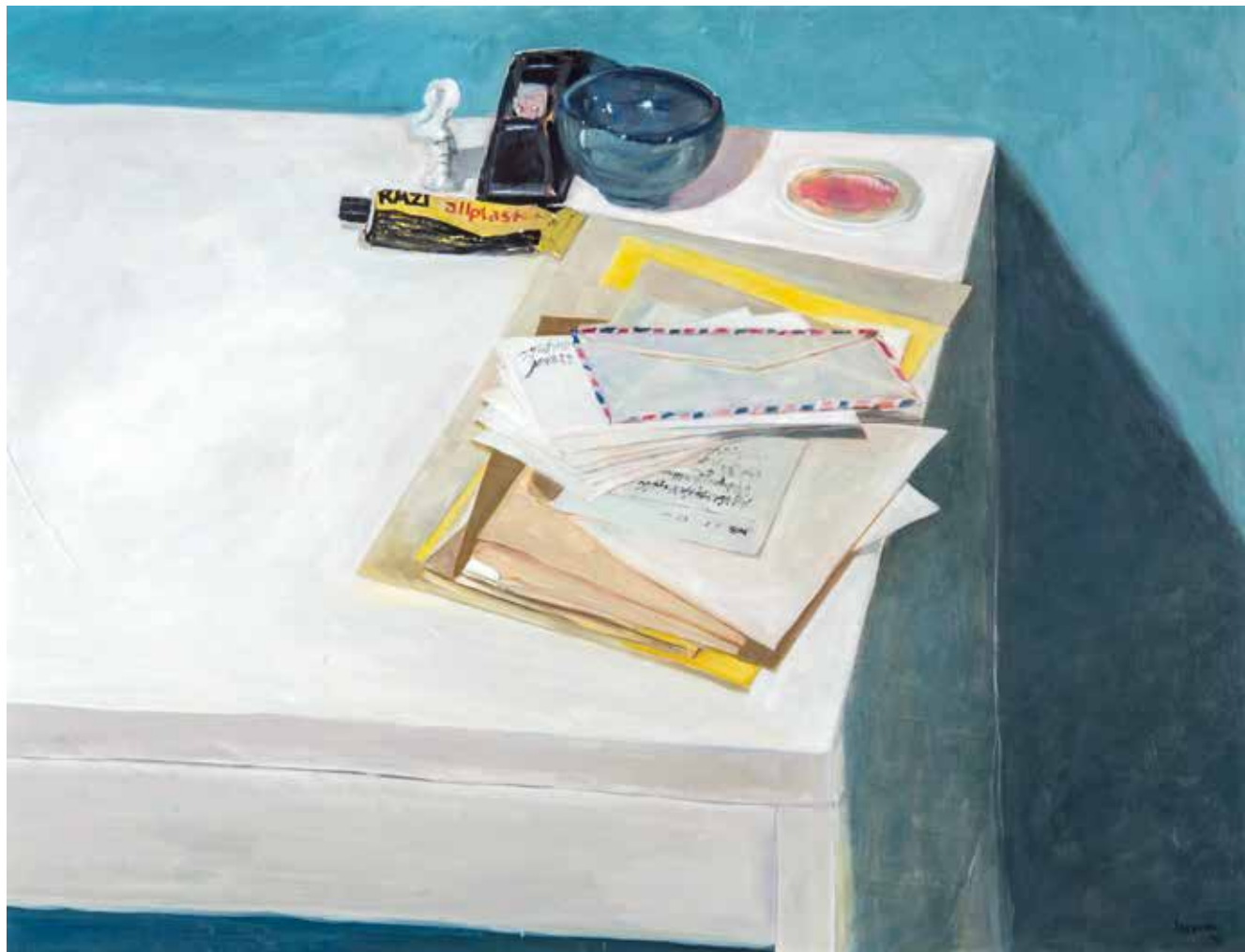


سید رضا حسینی / وهم  
Delusion / Seyed Reza Hosseini



راضیه حسینی / از مجموعه چشم‌هایش  
From His Eyes collection / Razieh Hosseini





یاسمن خالقی / وقتی خیلی دور بودی  
You were too far / Yassaman Khaleghi

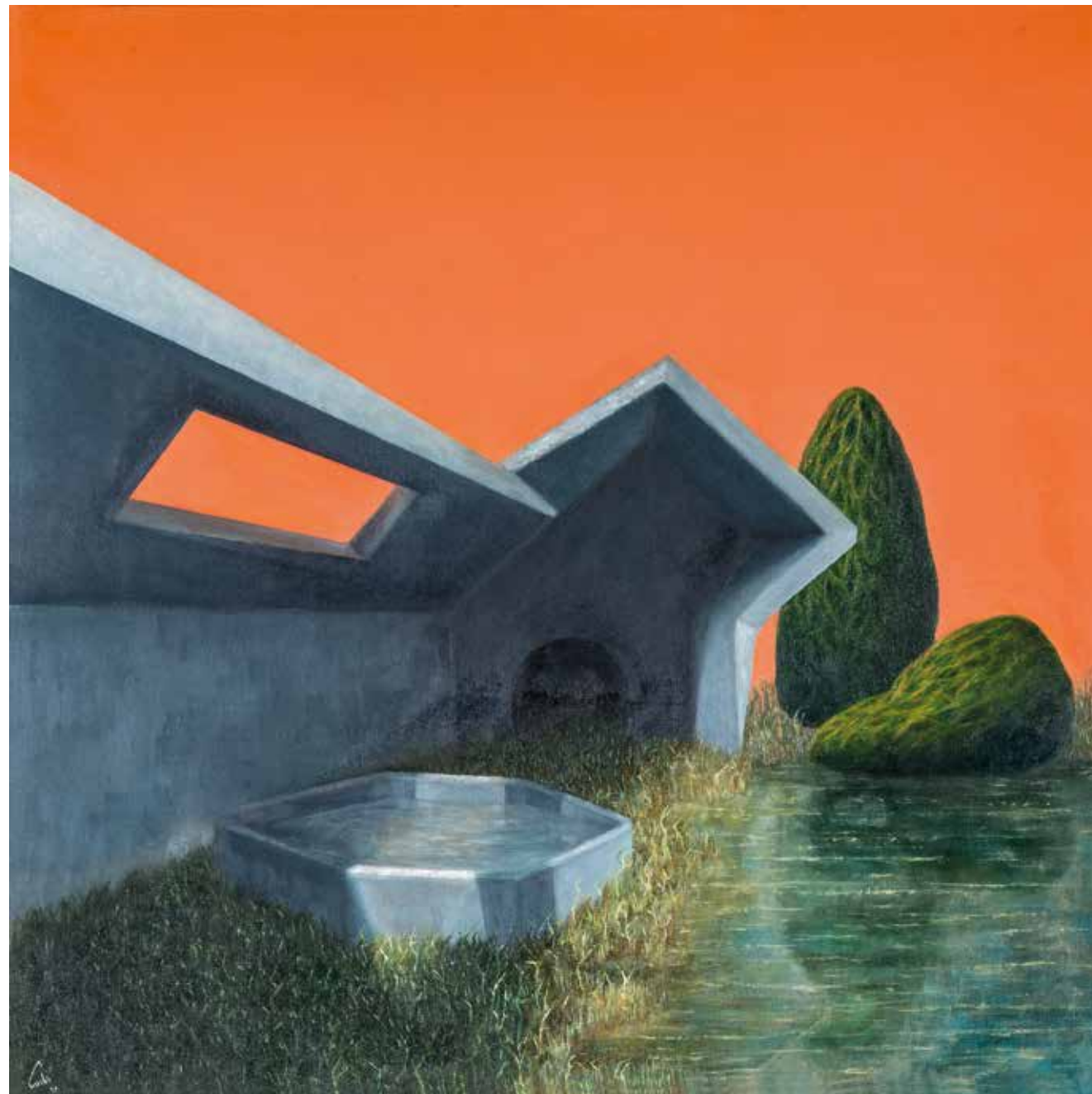


ریحانه خداپنده / بدون عنوان  
Untitled / Reyhaneh Khodabandeh





روزبه دبیری / بدون عنوان  
Untitled / Roozbeh Dabiri



شادی دادخواه / بدون عنوان  
Untitled / Shadi Dadkhah



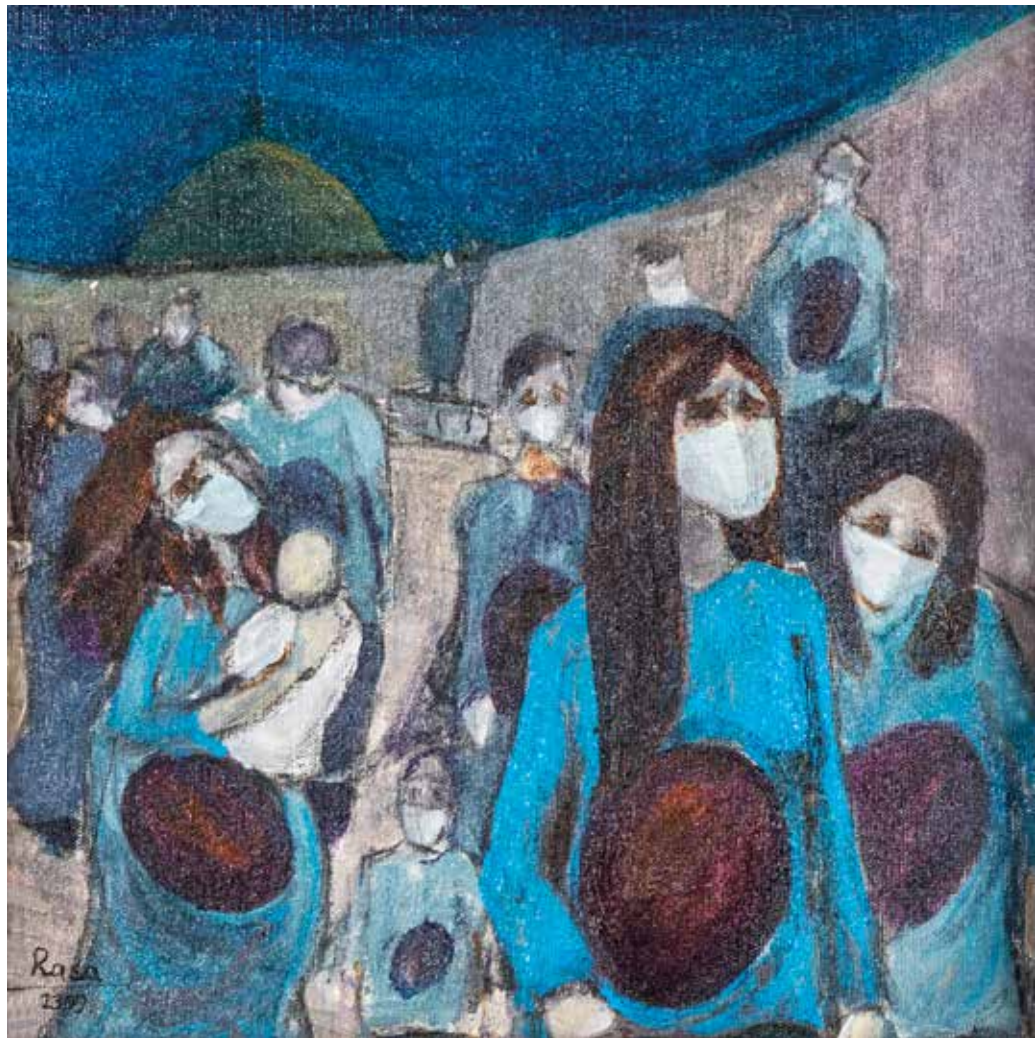


مرضیه رزاقی / بدون عنوان  
 Untitled / Marzieh Razaghi



هانیه دوامی / بدون عنوان  
 Untitled / Hanieh Davami





فاطمه رسا / بدون عنوان  
Untitled / Fatemeh Rassa



یلدا رحمانی راغب / من، ترس، امید  
I, fear, hope / Yalda Rahmani Ragheb





محمدجواد زارع مهذبیه / در مشرق خیال  
To the east of imagination / Mohammad Javad Zare Mahzabieh



سمیه زارعی / سبکی تحمل ناپذیر  
Unbearable lightness / Somayeh Zareie



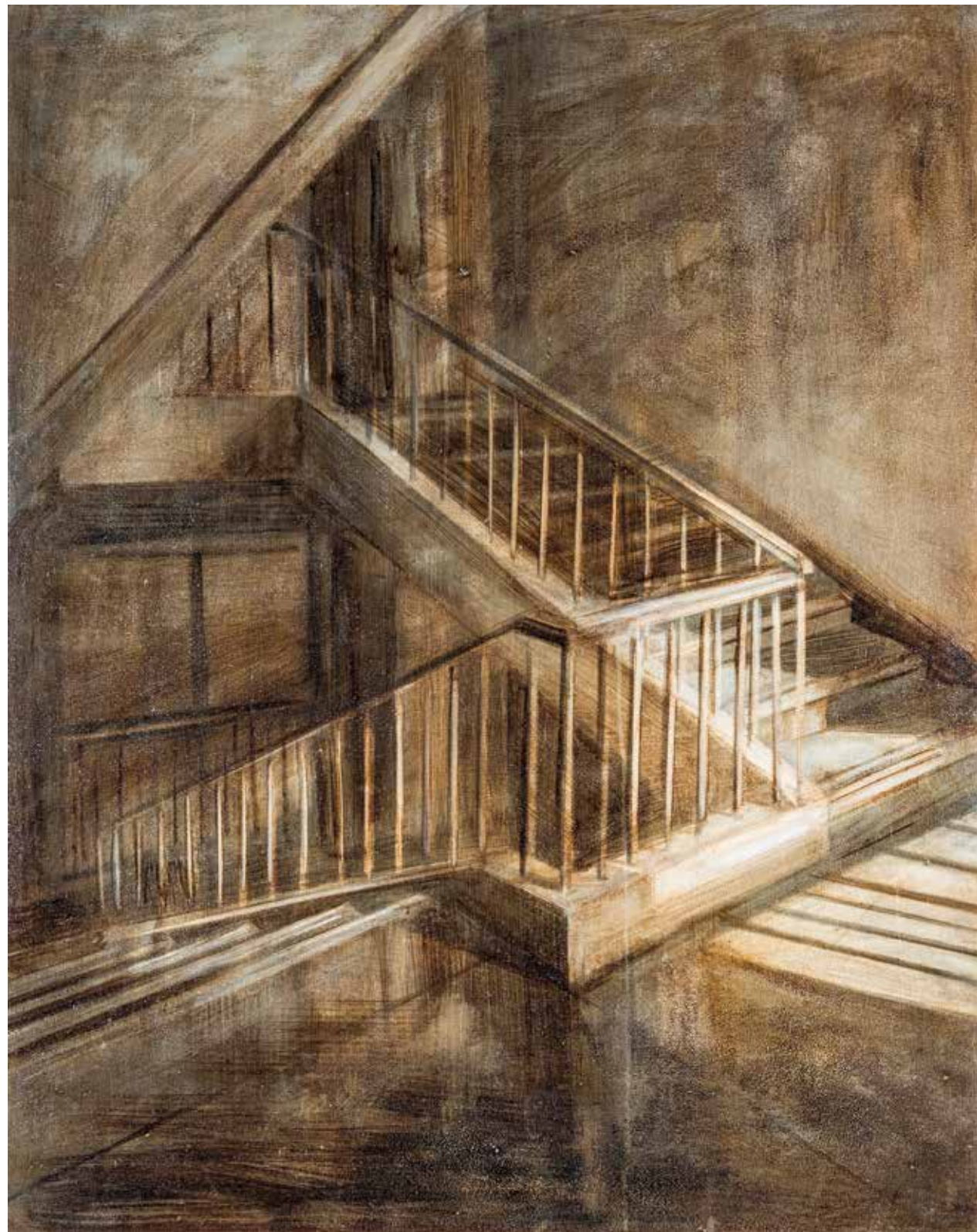


اعظم ساردویی نسب / همیشه  
Always / Azam Sardooee Nassab



یغما سروسه / بدون عنوان  
Untitled / Yaghma Sorooshe





الهام سلطانمحمدي / از مجموعه فضا  
From space collection / Elham Soltan Mohammadi

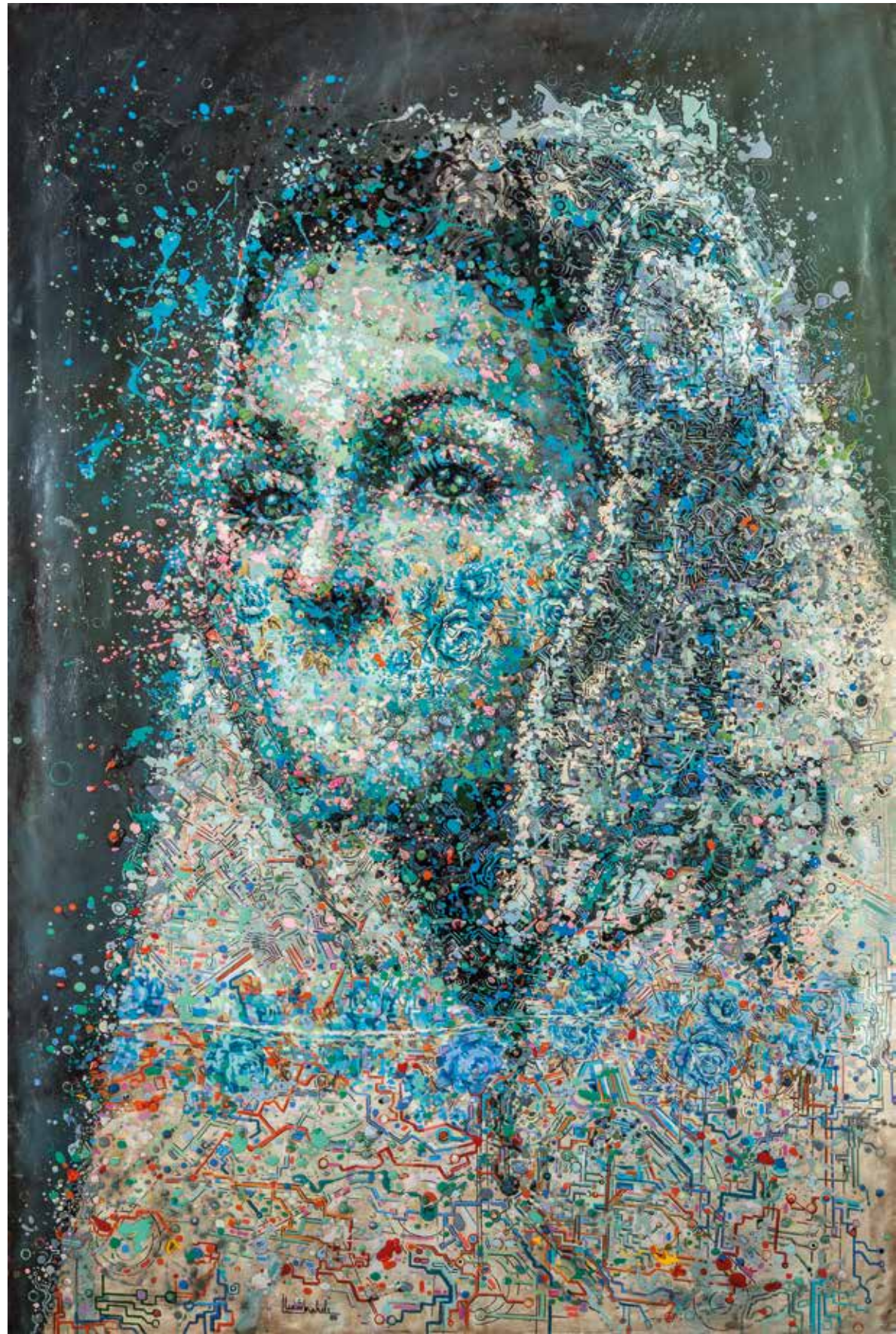


فريبا سلطاني علي آباد / طبيعت  
Nature / Fariba Soltani Ali Abad



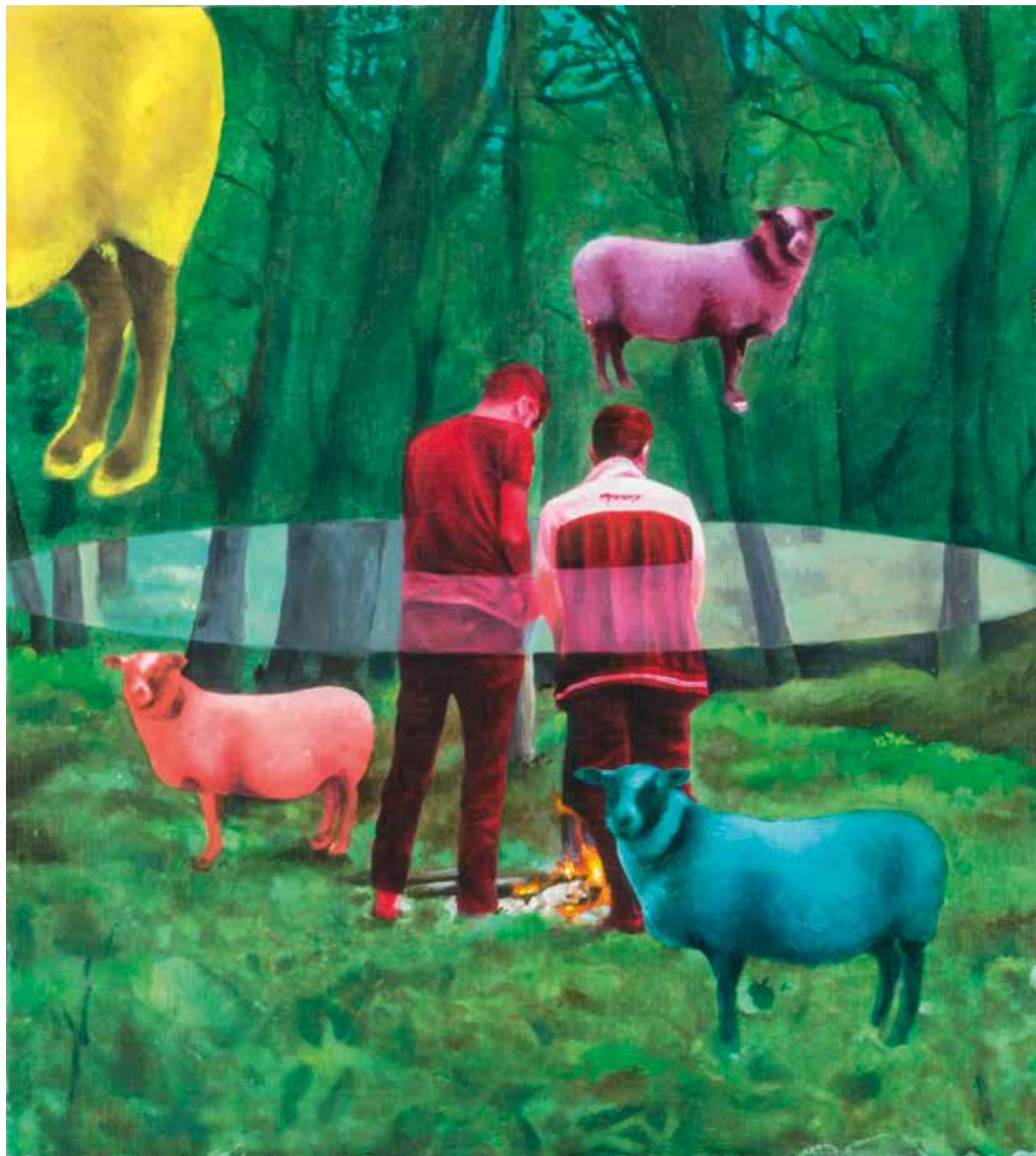


شیمّا شریفی کوشا / امید  
Hope / Shima Sharifi Koosha

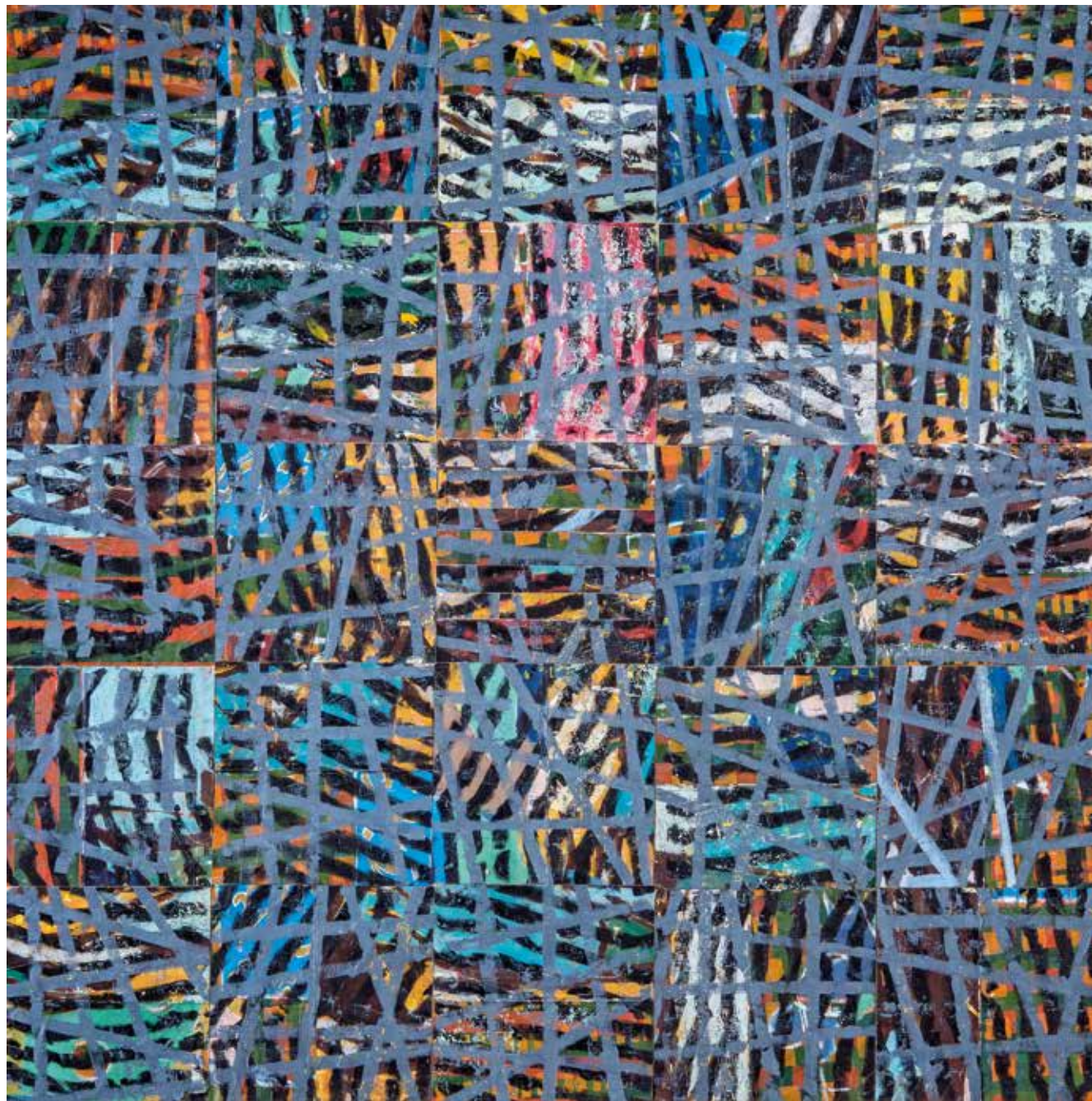


مهدی شعبانی رازی / بدون عنوان  
Untitled / Mahdi Shaabani Razi



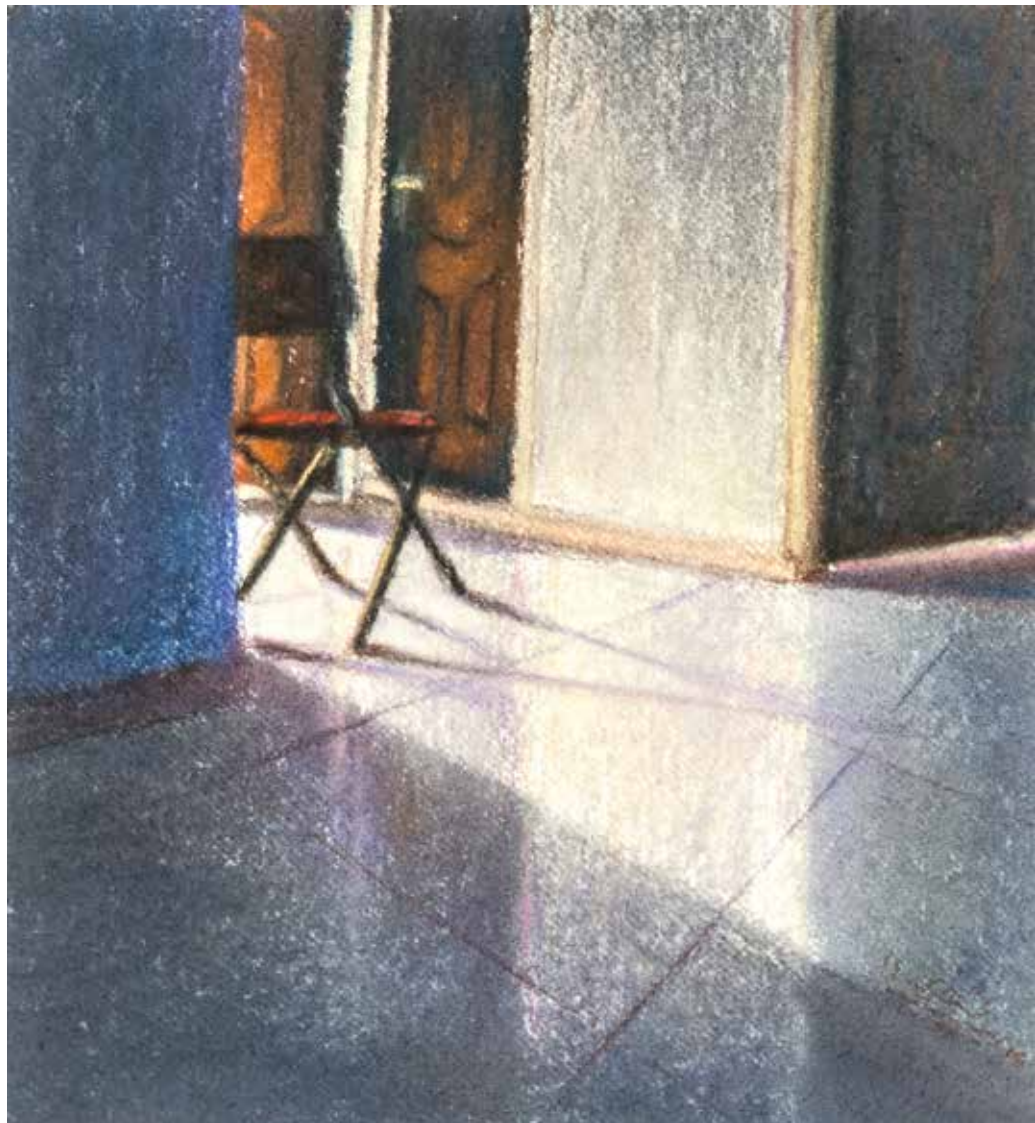


حسن شكري / تکامل  
Evolution / Hassan Shokri



لطیف شكري / بدون عنوان  
Untitled / Latif Shokri





مریم شیخی / صندلی خالی  
Empty chair / Mariam Sheikhi



محمد رضا شیروانی زاده / قیقاچ  
Diagonal / Mohammad Reza Shirvanizadeh





ایمان صادقی / بدون عنوان  
 Untitled / Iman Sadeghi



سپیده صادقی / بدون عنوان  
 Untitled / Sepideh Sadeghi



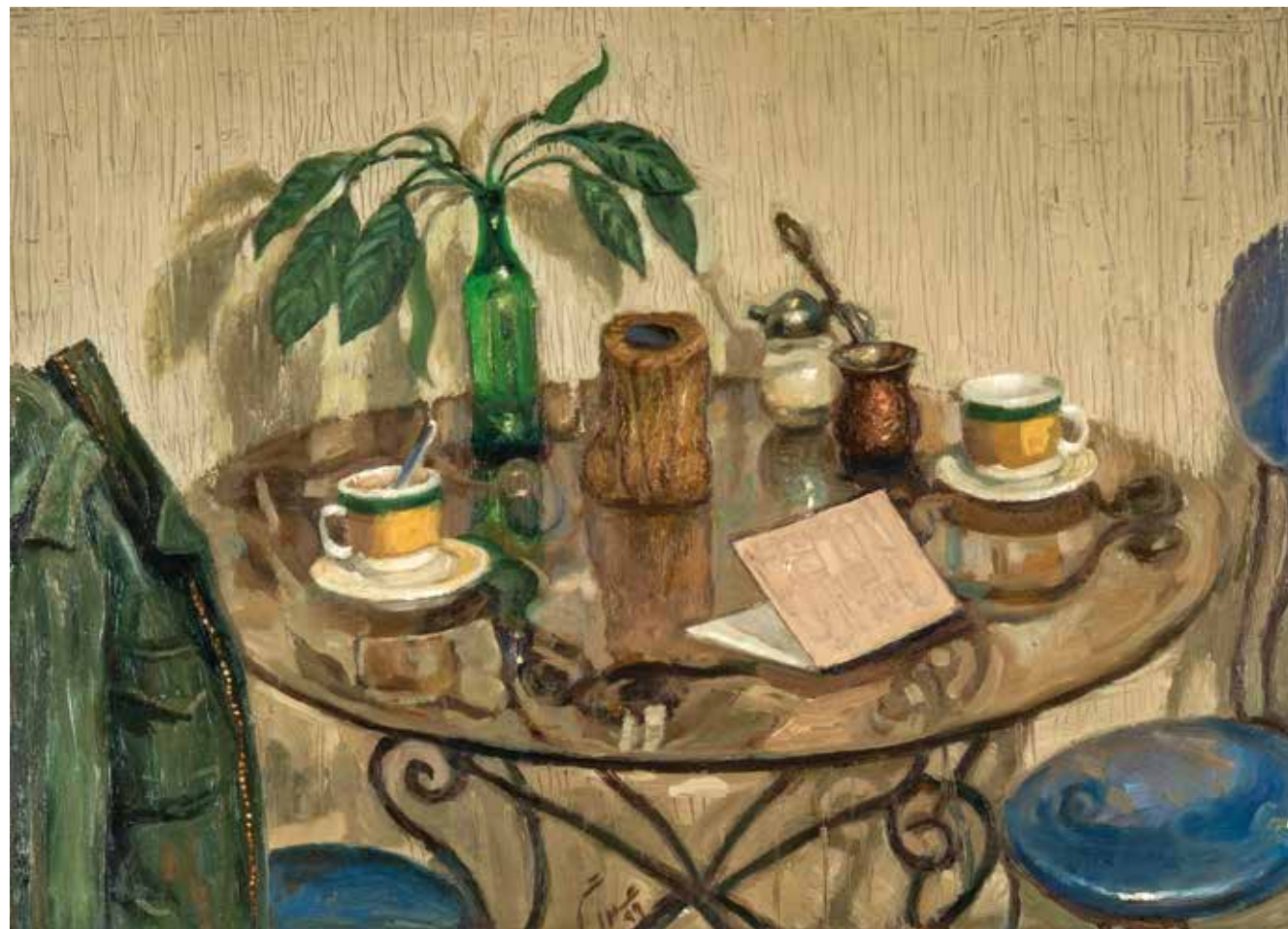


گلنار صمیمی / بدون عنوان  
Untitled / Golnar Samimi



سمیه صادقی‌پری / بدون عنوان  
Untitled / Somayeh Sadeghi Pari





مسعود عسگری مبین / بدون عنوان  
 Untitled / Masoud Asgari Mobin



مریم صفری / گسل زمان  
 The fault of time / Mariam Safari





فاطمه فیلی / آن دیگران من  
My other ones / Fatemeh Filly



سعید عاشوری / بدون عنوان  
Untitled / Saeed Ashouri





سیدعلی قافله‌باشی / طبیعت بی جان  
Still life / Seyed Ali Ghafelbashi



فرهود فیض‌ده / رقص نور  
The dance of light / Farhood Fiezdeh





فائزه کریمی نوری / بدون عنوان  
Untitled / Faezeh Karami Noori

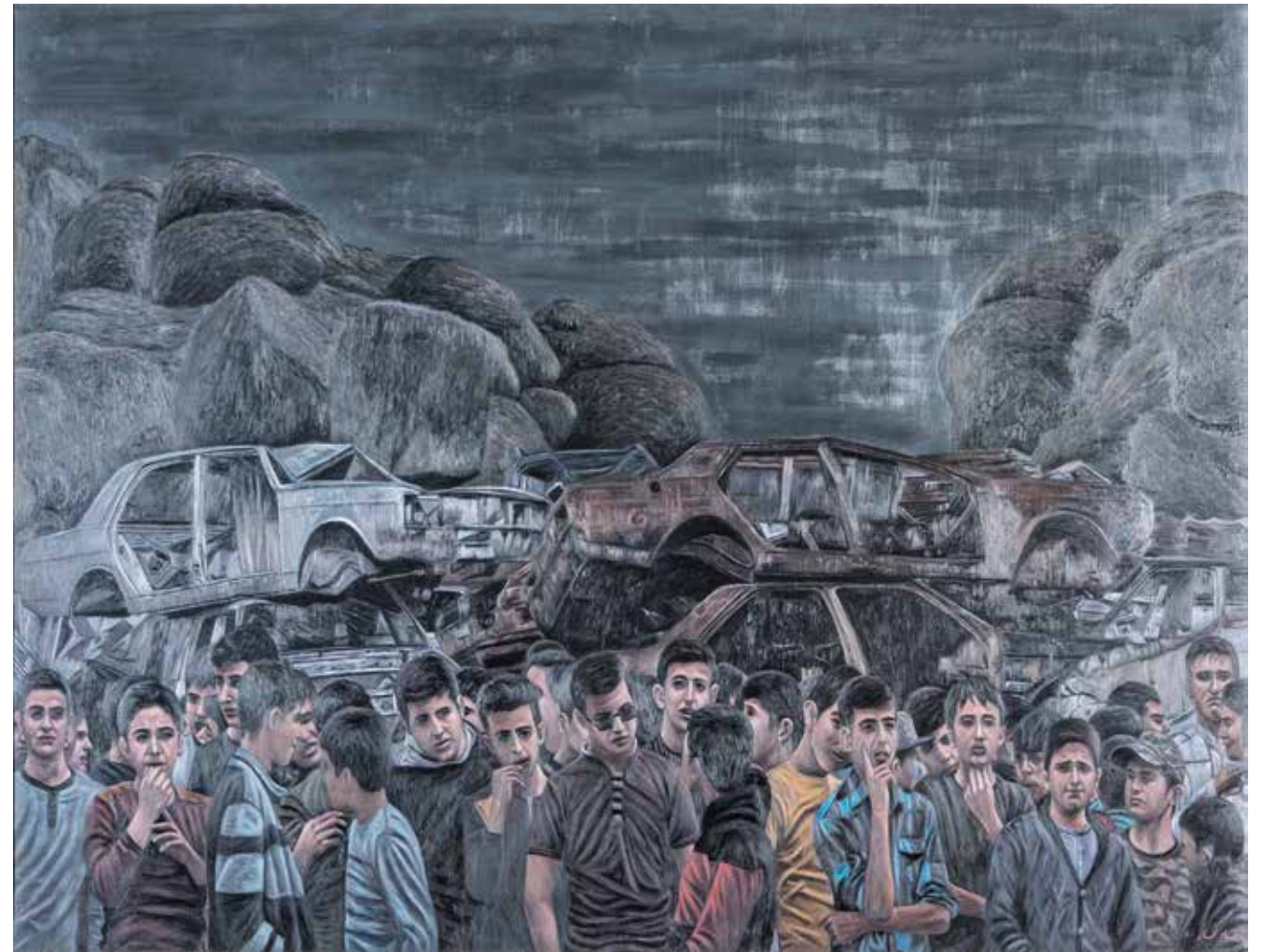


ابوطالب قادری / بدون عنوان  
Untitled / Abutaleb Ghaderi





آمنه محسنی / بدون عنوان  
Untitled / Ameneh Mohseni



سجاد گمار / انباشت ۲ (از مجموعه ازدهار تغیر)  
Pile 2 (from glowing hardship collection) / Sajjad Gomar





شقایق مشکانی شاهسوارانی / یاور  
Belief / Shaghayegh Meshkani Shahsavarani



هلیا مروّتی / متوسط  
Medium / Helia Marevati





اردوان منظم / طبیعت  
Nature / Ardavan Monazam



فرناز مطلوبی / بدون عنوان  
Untitled / Farnaz Matloobi





اکرم نصیری زاده / روزمرگی  
Routine / Akram Nassirizadeh



نوید ندائی / تخریب ۳  
Destruction3 / Navid Nedaie





علیرضا نیکزاده / طبیعت  
Nature / Alireza Nikzadeh



بهراد نقاش / شمایل مذهبی  
Religious icon / Behzad Naghash





عارفه وفا / بدون عنوان  
Untitled / Arefeh Vafa



سپیده وزیری / بشقاب‌های گلسرخی برای شام  
chinaware plates for dinner / Sepideh Vaziri





بهنام ولدوند / زوال عصر آهن  
The decline of iron age / Behnam Valadvand



نیکو وقری مقدم / بدون عنوان  
Untitled / Nikoo Vaghari Moghadam









---

نگارگری  
Iranian Painting







هادی فقیهی / این قافله عمر  
This caravan of life / Hadi Faghihi









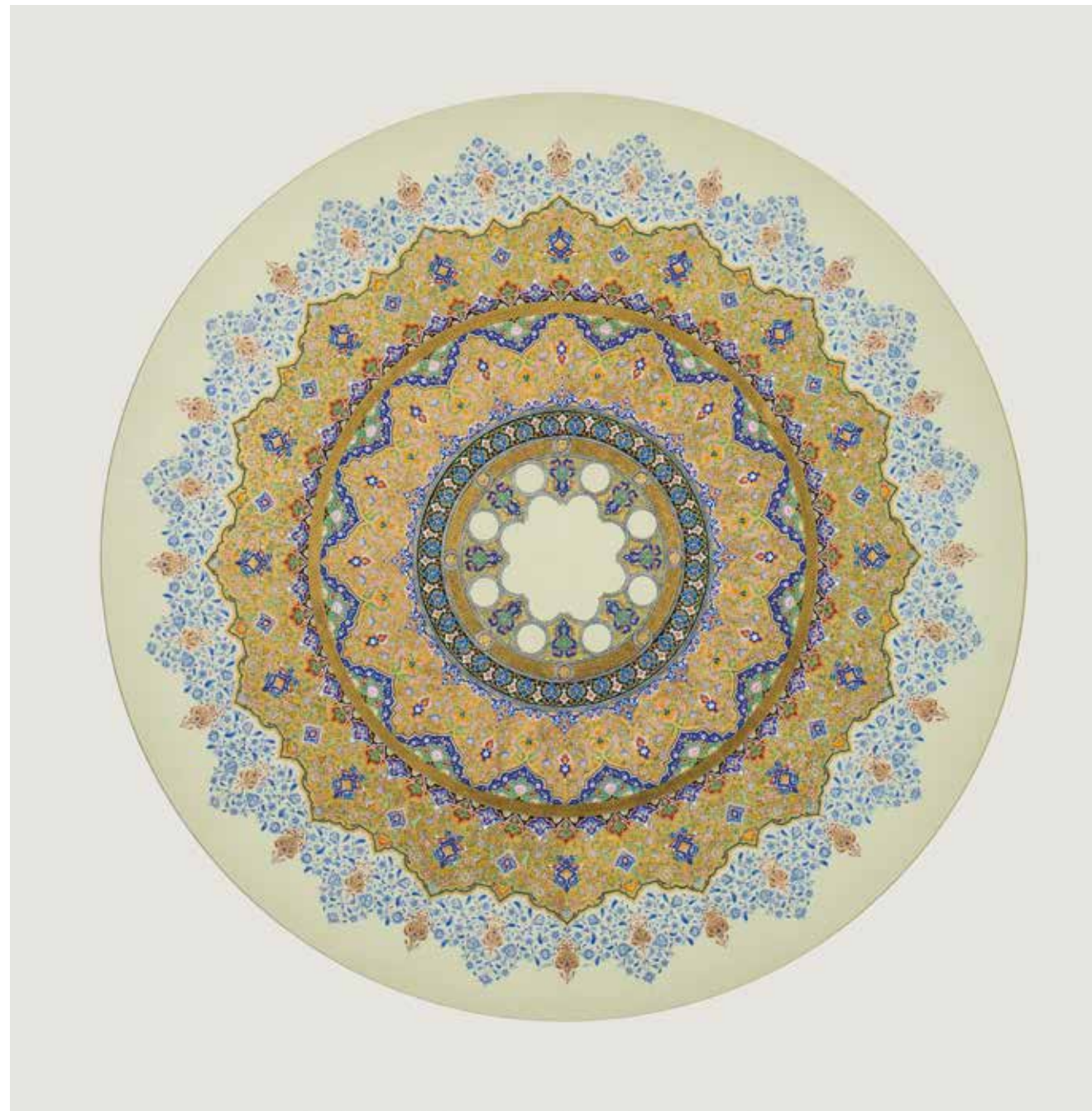
محمدرضا آقامیری / خلوت انس  
Seclusion / Mohammad Reza Aghamiri



نازی عظیمی / هر گلی نو که در جهان آید  
Each new flower coming to the world / Nazi Azimi











وحیده بدیعی / شمسه  
Roundel / Vahideh Badiei



دنیا امام حسینی / تنگنا  
Dilemma / Donya Emam Hosseini





بتول ثابتي قهفرخی / ترصیع  
Incrustation / Batoool Sabeti Ghahfarokhi

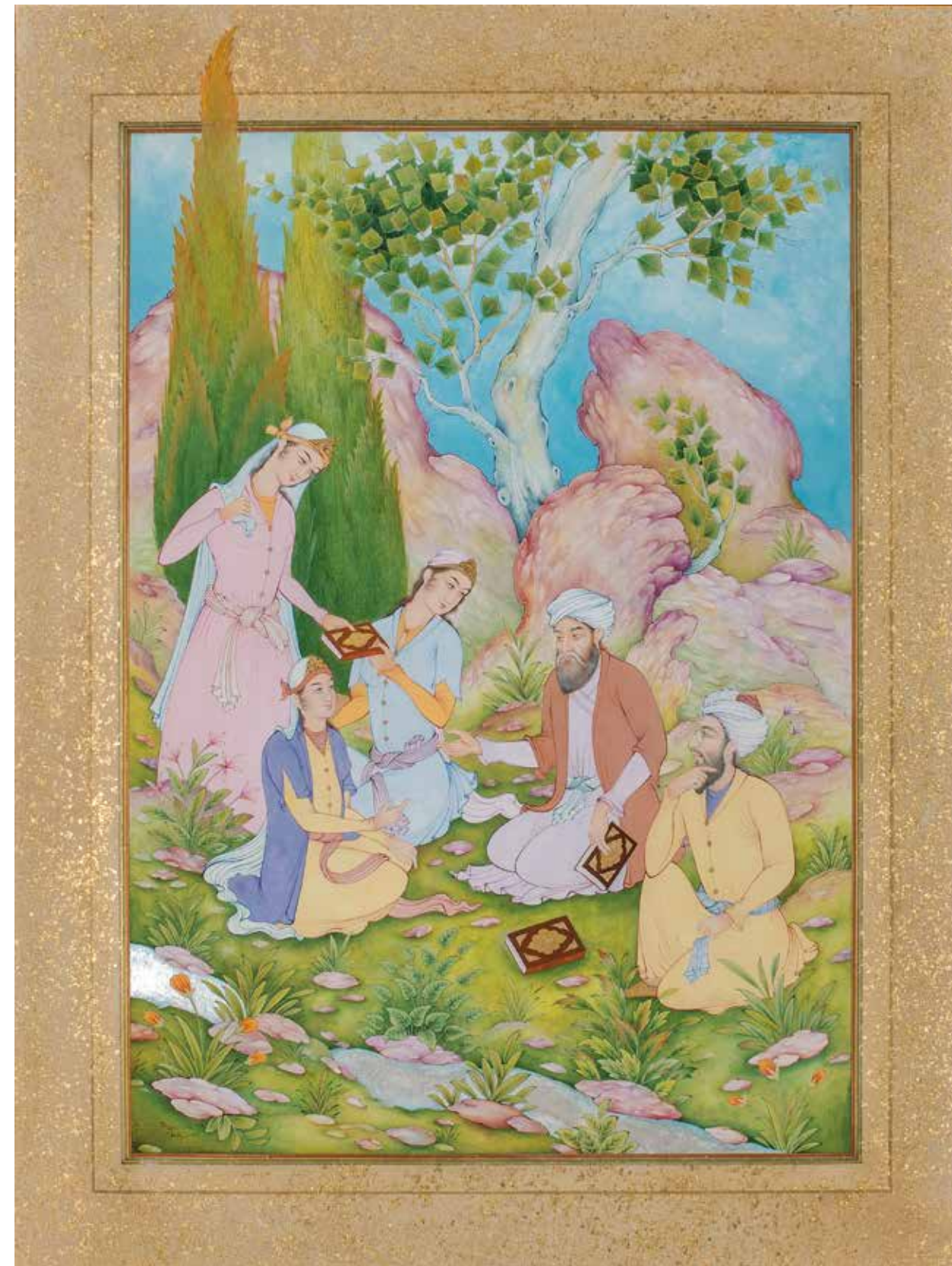


زینب تورانیلو / آتش گلستان می شود  
Fire turns to flowerbed / Zeynab Tooranloo





صابر خلواني / امید واهی  
False hope / Saber Halvani



سہیلا جاہد ساری نصیرلو / کاتب  
Writer / Soheila Jahed Sari Nassirloo





حدیثہ دوستی / بدون عنوان  
Untitled / Hadiseh Doosti

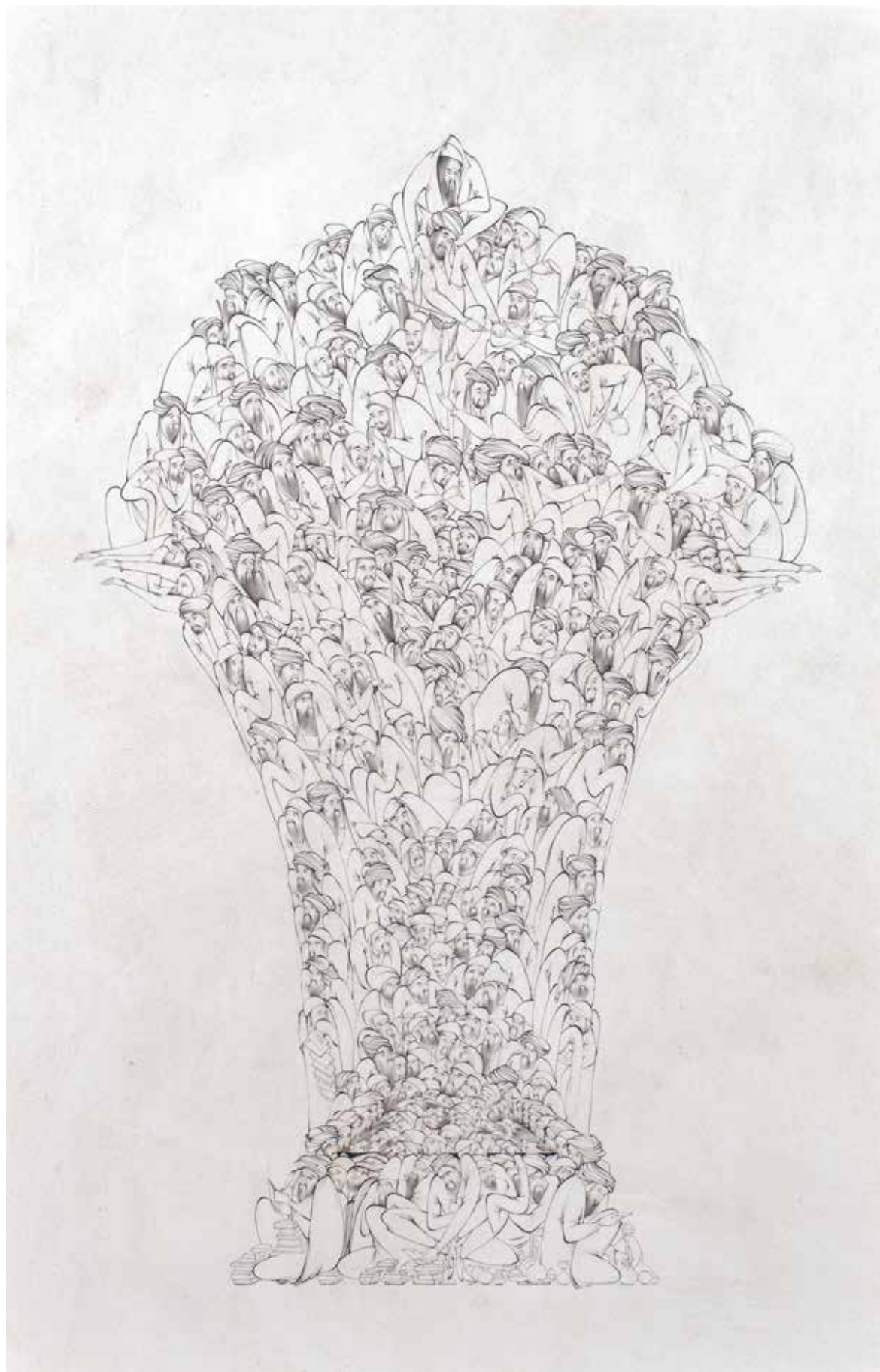


غزالہ خانی / تذهیب-شمسہ  
Illumination - roundel / Ghazaleh Khani





حسین رزاقی / بر بال سیمورخ  
On Simorgh's wings / Hossein Razaghi



سمانه دوستی‌نیا / ملت  
Nation / Samaneh Doostinia



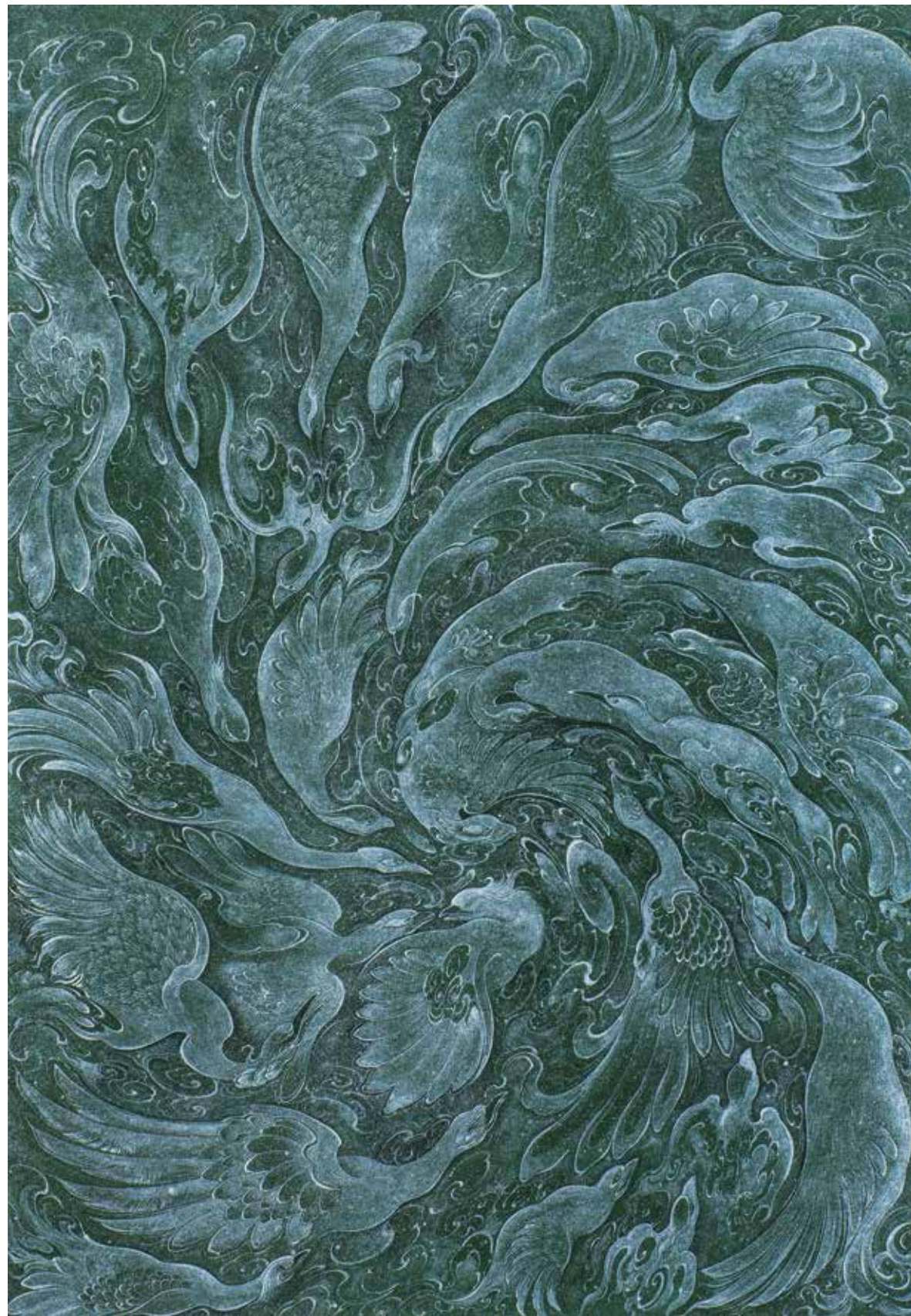


فاطمه رمضانی دیزکوهی / شمسه  
Roundel / Fatemeh Ramezani Dizkoobi



مژگان رضایی / درد عشق  
The pains of love / Mojgan Rezaei

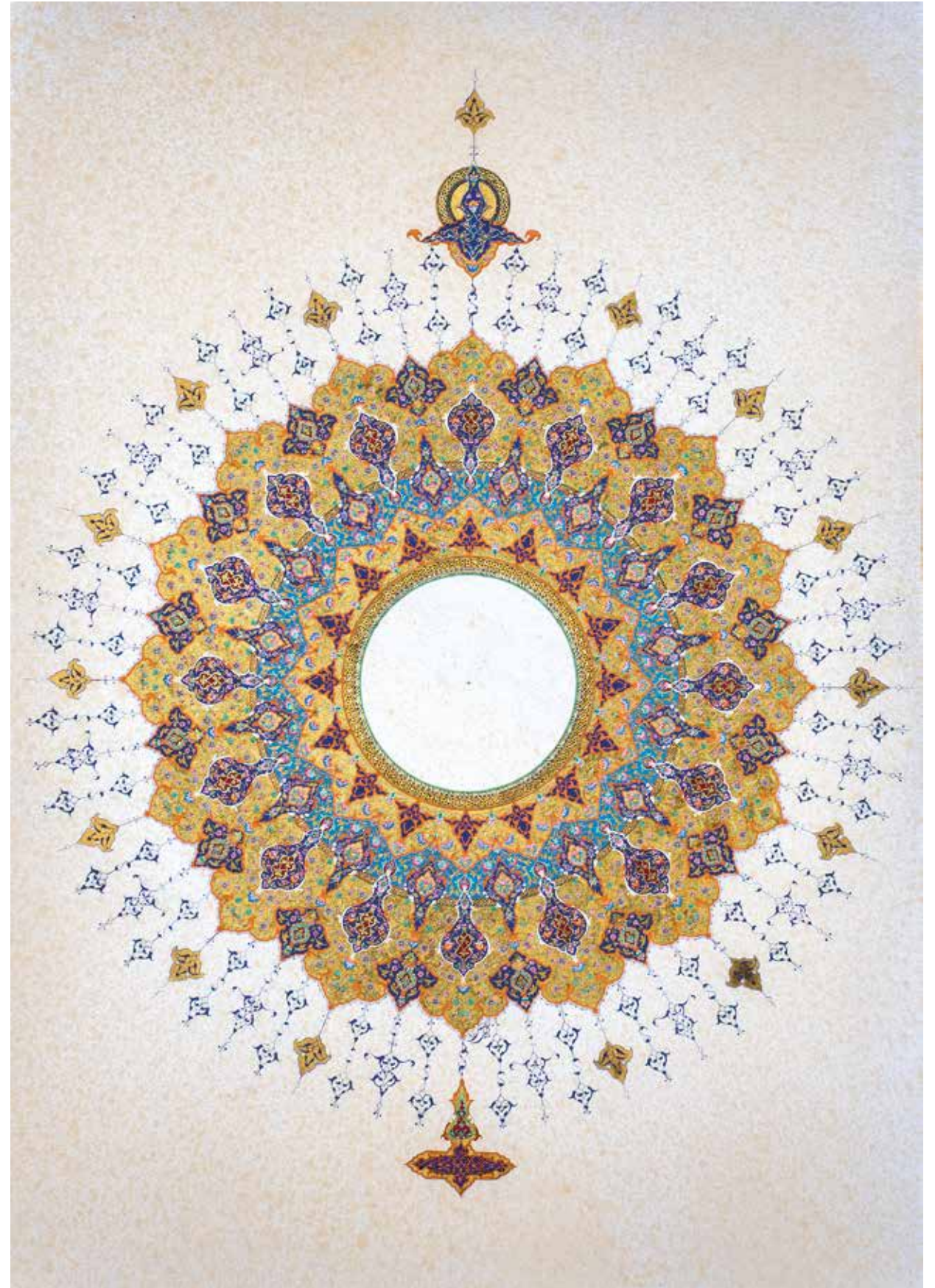








هادی ساعت ساز / قمر بنی هاشم ©  
The moon of Bani Hashim / Hadi Saatsaz

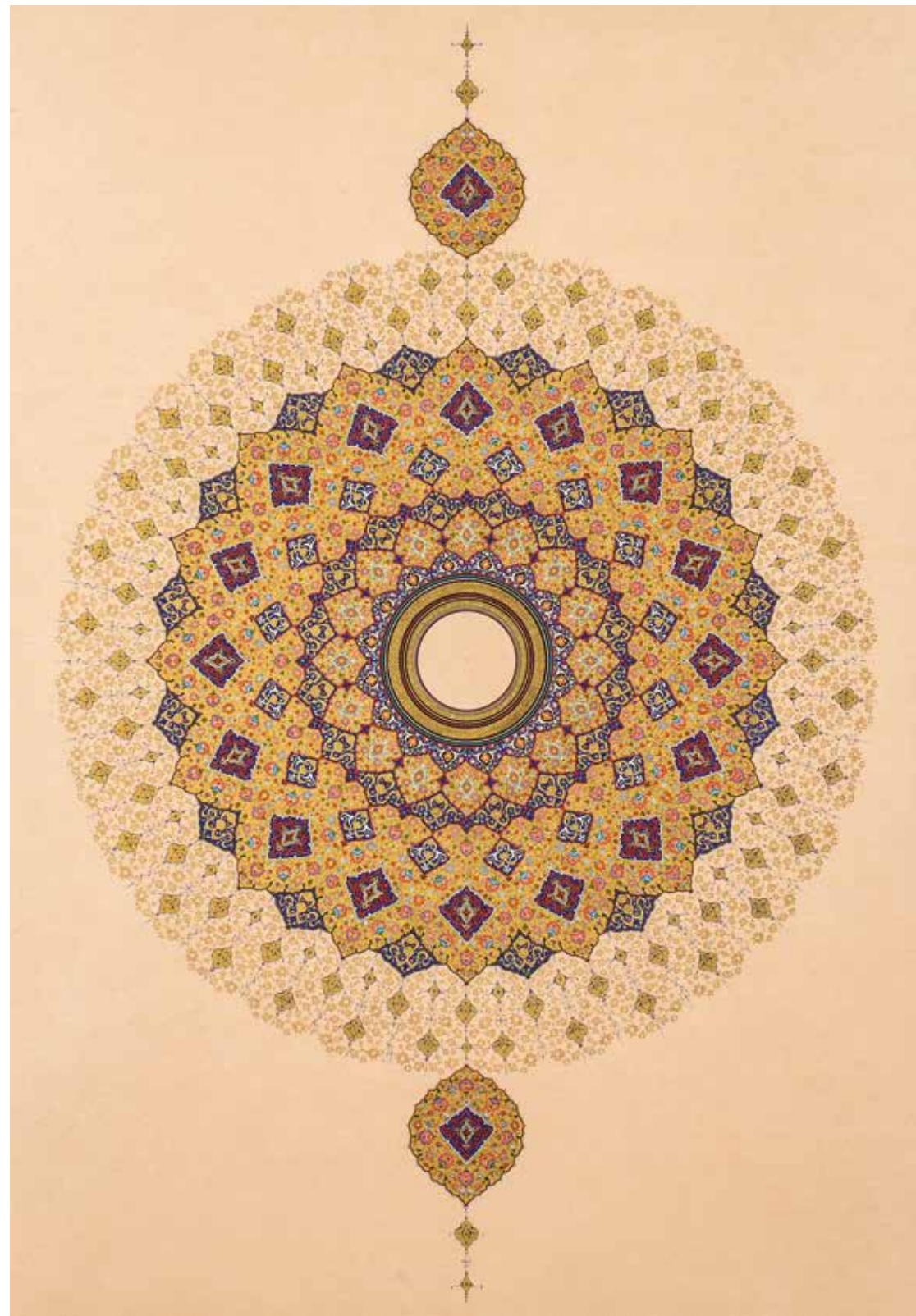


ابوالفضل زیلویی / بدون عنوان  
Untitled / Abolfazl Zilooeie





رعنا شریلو / گل و مرغ  
Gol-o-morgh / Raana Shariloo



زهرا سیدان / شمسه  
Roundel / Zahra Seyedan





افسانه شهبازی / شمس خورشید و زمین  
Roundel, sun and the earth / Afsaneh Shahbazi



عاطفه شفیعی / تذهیب  
Illumination / Atefeh Shafiei





مهدی عباسزاده / رهبری  
Leader / Mahdi Abbaszadeh



شیوا شهروزی / صلح  
Peace / Shiva Shahroozi





مجید فتاحی / ایران من  
My Iran / Majid Fatahi



فاطمه غزالی / بدون عنوان  
Untitled / Fatemeh Ghazali



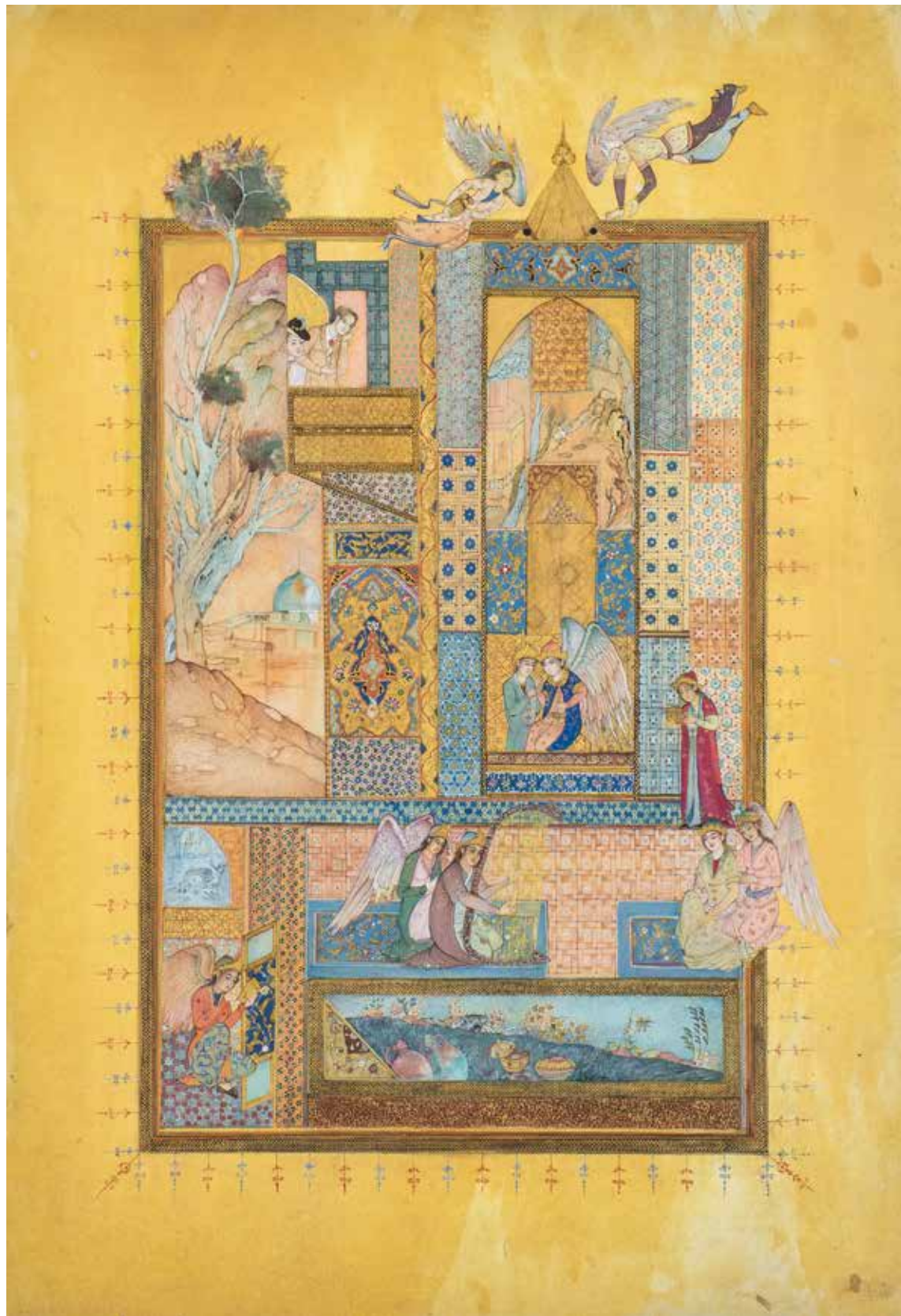


امیرحسین قلیچ خانی / پیام آور صلح  
Harbinger of peace / Amir Hossein Ghlichkhani



مجید قاسمی / بدون عنوان  
Untitled / Majid Ghassemi





سہیلا لشکری / پیوند خورشید و شاہ  
The union of sun and king / Soheila Lashkari



ستارہ قنبری / روجا  
Roja / Setareh Ghanbari





فرشاد نادران / گلدان گل  
Flower pot / Farshad Naderan



شیوا مدنی / بدون عنوان  
Untitled / Shiva Madani





سیده فاطمه هندی / بدون عنوان  
Untitled / Syedeh Fatemeh Hendi





---

ایثار و فداکاری

Self - Sacrifice





بخش ایثار و فداکاری پاسداشت از فعالیت های ایثارگران و فداکارانه مدافعان سلامت/ آتش نشانان/ گروه های جهادی و ... است. بخشی از آثار نمایشگاهی این بخش/ از طریق فراخوان و توسط هیات انتخاب و بخش دیگر نیز از گنجینه انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس به نمایش گذاشته شد. در بخش ایثار و فداکاری ۷۱ اثر از ۶۷ هنرمند به نمایش درآمد.

The Self – Sacrifice section is a tribute to the relentless and selfless actions of the defenders of health, firefighters, the Jihad groups, etc. A part of the exhibits in this section went on display following the invitation and selection by the Selection Committee, and the others were from the collections the Association of the Revolution and the Sacred Defense Visual Arts.

71 works by 67 artists were exhibited at the Self – Sacrifice Section.

#### هنرمندان بخش ایثار و فداکاری

سمیه آرزوفر (هنرهای جدید) / امین احمدی (گرافیک) / محمود بازدار (گرافیک) / رضا بدرالسماء (نگارگری) / مهدی بلوریان (عکاسی) / علیرضا پاکدل قوشخانه (کارتون و کاریکاتور) / لیلا تیموری نژاد (تصویرسازی) / هانیه سادات حجازی (نقاشی) / حسین حسن شاهی (مجسمه) / علیرضا حسینی صدر (نقاشی) / سجاد رافعی (کارتون و کاریکاتور) / محمد علی رجبی (کارتون و کاریکاتور) / امین رحمانی (عکاسی) / مرتضی رحمتی (گرافیک) / پویا سرابی (گرافیک) / علی سلطانی (خوشنویسی) / احمد رضا سهرابی (کارتون و کاریکاتور) / غلامرضا شاملو (تصویرسازی) / مریم شاکری چالش تری (نگارگری) / طاهر شعبانی (کارتون و کاریکاتور) / زهرا شیخ الحکمایی (مجسمه) / حسین شیخ علیشاهی (نقاشی) / سعید صادقی (کارتون و کاریکاتور) / هنگامه صالح زهتاب (مجسمه) / داود صفری (کارتون و کاریکاتور) / مصطفی عابدینی (خوشنویسی) / سید علی قافله باشی (نقاشی) / حمید قربان پور (گرافیک) / مهرداد لطفی پور (نگارگری) / روح الله مختاری (گرافیک) / معصومه مسیب خواه (کارتون و کاریکاتور) / حامد مغروری (گرافیک) / معصومه موسوی (کارتون و کاریکاتور) / ساسان مویدی (عکاسی) / حسین نقیب (کارتون و کاریکاتور) / اعظم واضحی مقدم (تصویرسازی) / ایمان وکیلی مطلق (خوشنویسی) / فائزه کرمی آوزمان (مجسمه) / حسین یوزباشی (گرافیک) / صادق اکبری (نقاشی) / حسین دشتی اردکانی (نقاشی) / منا فرزانه (نقاشی) / بهنام ولدوند (نقاشی) / کامیار صادقی (نقاشی) / کریم اسکندری (نقاشی) / مریم سادات رضوی (نقاشی) / مهدی پازوکی (نقاشی) / خدیجه همرنگ (نقاشی) / حسین صدر (نقاشی) / توران نوری (نقاشی) / امین مرادی (تصویرسازی) / مهدی بادیه پیما (تصویرسازی) / فاطمه محمدی (تصویرسازی) / امین نظری (عکس) / مرتضی جابریان (عکس) / احمد بلباسی (عکس) / فرهاد رحیم قراملکی (کارتون و کاریکاتور) / مجید حجتی (عکس) / ایمان ماندگاری - کارگاه طراحی سه در چهار (گرافیک) / سید جواد میرحسینی (عکس) / حسین ونکی فراهانی (گرافیک) / سید احمد باقریان (گرافیک) / لیلا نیرومند (گرافیک) / محبوبه و منصوره جوادی پور و ثوبیه پروین (گرافیک) / مهدی مصطفوی (گرافیک) / میکائیل براتی - کارگاه طراحی سه در چهار (گرافیک)

حسن روح الامینی (مدعو) / حسن قائندی (مدعو) / عباس مجیدی (مدعو)





ایثار و فداکاری

تصویرسازی

Illustration



لیلا تیموری نژاد / بدون عنوان  
Untitled / Leila Teimoorinejad





لیلا تیموری نژاد / شهیده  
Martyr / Leila Teimoorinejad



لیلا تیموری نژاد / بدون عنوان  
Untitled / Leila Teimoorinejad





مهدی بادیه پیما / بدون عنوان  
 Untitled / Mahdi Badi'eh Peyma



اعظم وازهی مقدم / دا  
 Da / Azam Vazehi Moghadam



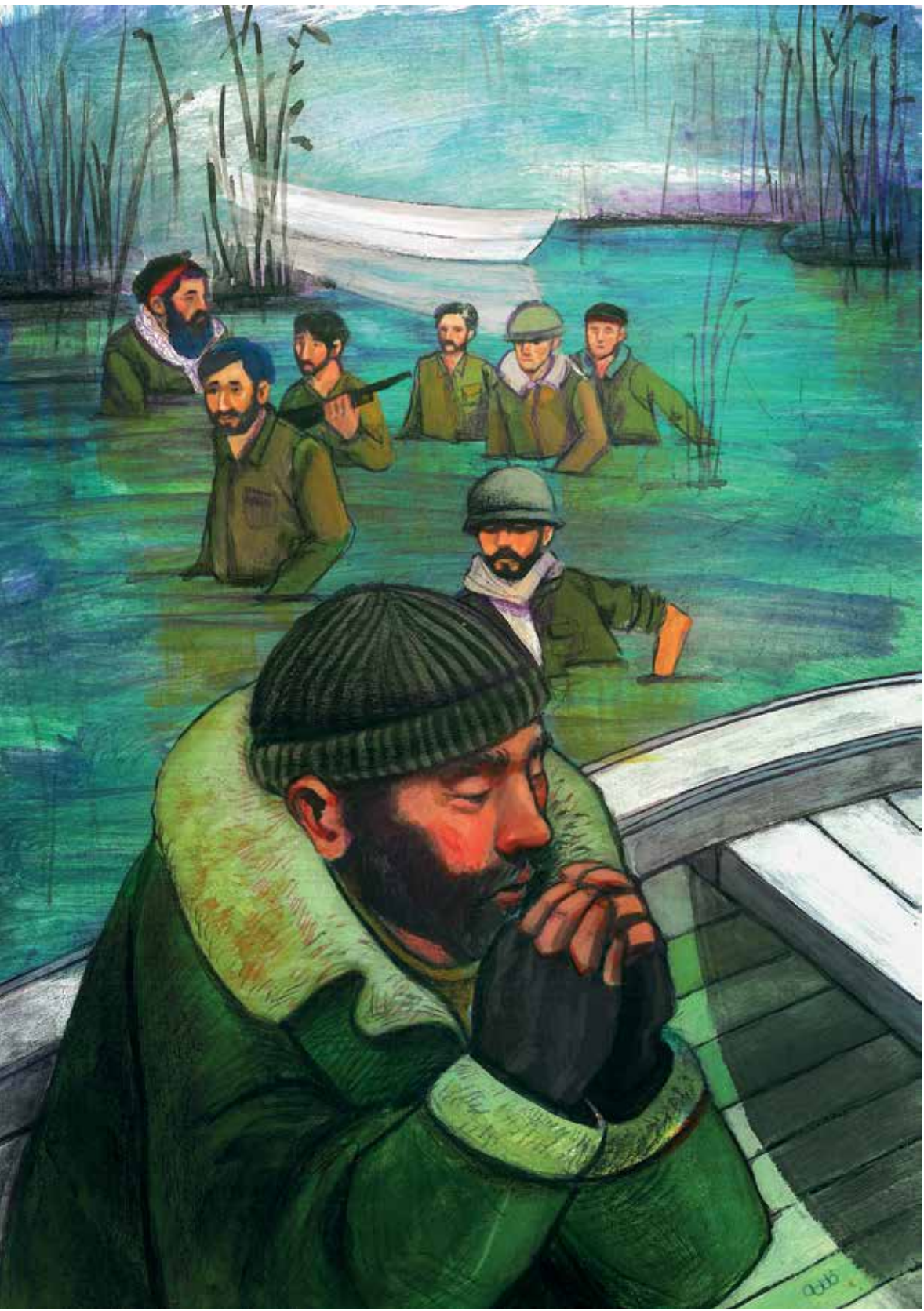


امین مرادی / بدون عنوان  
Untitled / Amin Moradi



غلامرضا شاملو / بدون عنوان  
Untitled / Gholam Reza Shamlou





فاطمه محمدي / بدون عنوان  
Untitled / Fatemeh Mohammadi





ایثار و فداکاری

خوشنویسی

Calligraphy



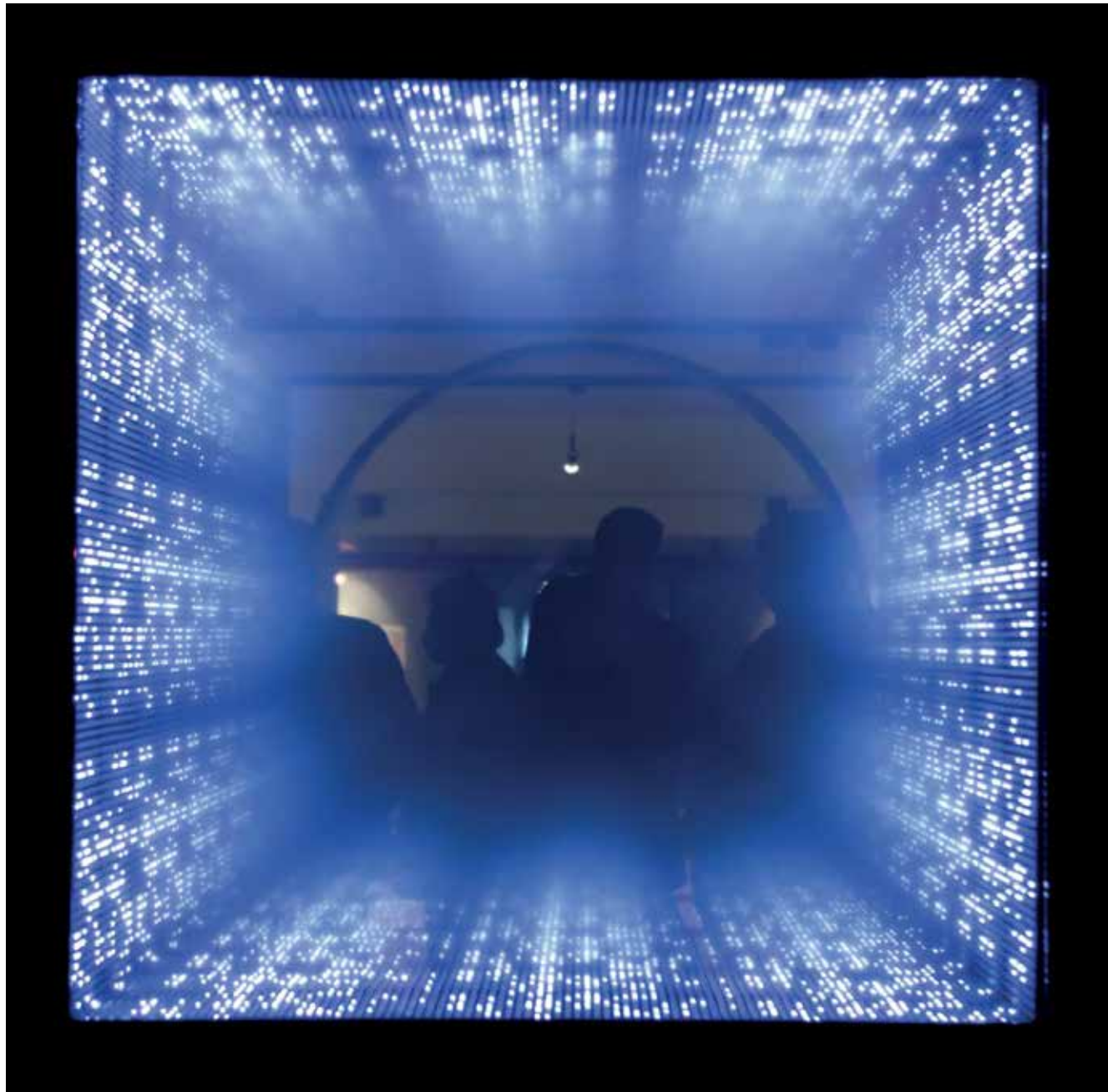
تقدیر شده  
Honorable

مصطفی عابدینی / بدون عنوان  
Untitled / Mostafa Abedini









پیرواک در فضای تهی، خلاء، توهم به مثابه بازنمایی فیزیکی در فضای بی نهایت، از جمله تعابیری است در امر والا که سالها محوریت مطالعات مرا تشکیل داده است. زیبایی و والایی، مفاهیمی هستند که از دهه های پایانی سده ی هجدهم، به عنوان دوگانه های محوری، سنت زیبایی شناسی را تشکیل داده اند. صفت ممیزه امر والا، جنبه گسترده و تصویری است که از بی نهایت التقا می کند. در این اثر بطور سیستماتیک به بررسی محدودیت های فضا و اپتیک پرداخته ام. حرکت نورها در سطح های ابتدایی در لحظه هیجان انگیز و در خلاء و بی نهایت، شوم و قابل تفکر است. گویی لذت احساس شده به عجز ختم می شود. در این احساس خوف و رجاء یک جا بروز می کند و اراده به نحو اجتناب ناپذیر بر نفسیات فائق می آید. دریچه ای به دنیای دیگر، سفر به جهان ناشناخته ها، جهش و گذر از خود و ... هدف اصلی در خلق ایده و کانسپت اثر می باشد. بودن صوت با یک تفکر خاص، موسیقی این اثر را همسو با حرکت و فضا تشکیل می دهد.

Echo in an empty space, vacuum, illusion as a physical reflection in infinite space are interpretations of the sublime, which has been the focus of my studies for years. Beauty and sublime are concepts, which in the last decades of the 18th century composed the aesthetic tradition as the focal duality. The distinguishing mark of the sublime affair, is the extensive and imaginary aspect that is included in the infinity. I have systematically processed the limitations of space and optic in this work. The movement of lights at the primary levels are evil and thought provoking at the exiting moment and in vacuum and infinity. As if the pleasure felt turns to incapability. The feeling of hope and despair appear simultaneously in this, and the will overcomes the wish in an unavoidable manner. A gateway to another world, a journey to the unknown, a leap and passage from self... The main objective lies within the idea and the concept of the work. The availability of a sound with a specific thought behind, forms this work's music in line with the movement and space.

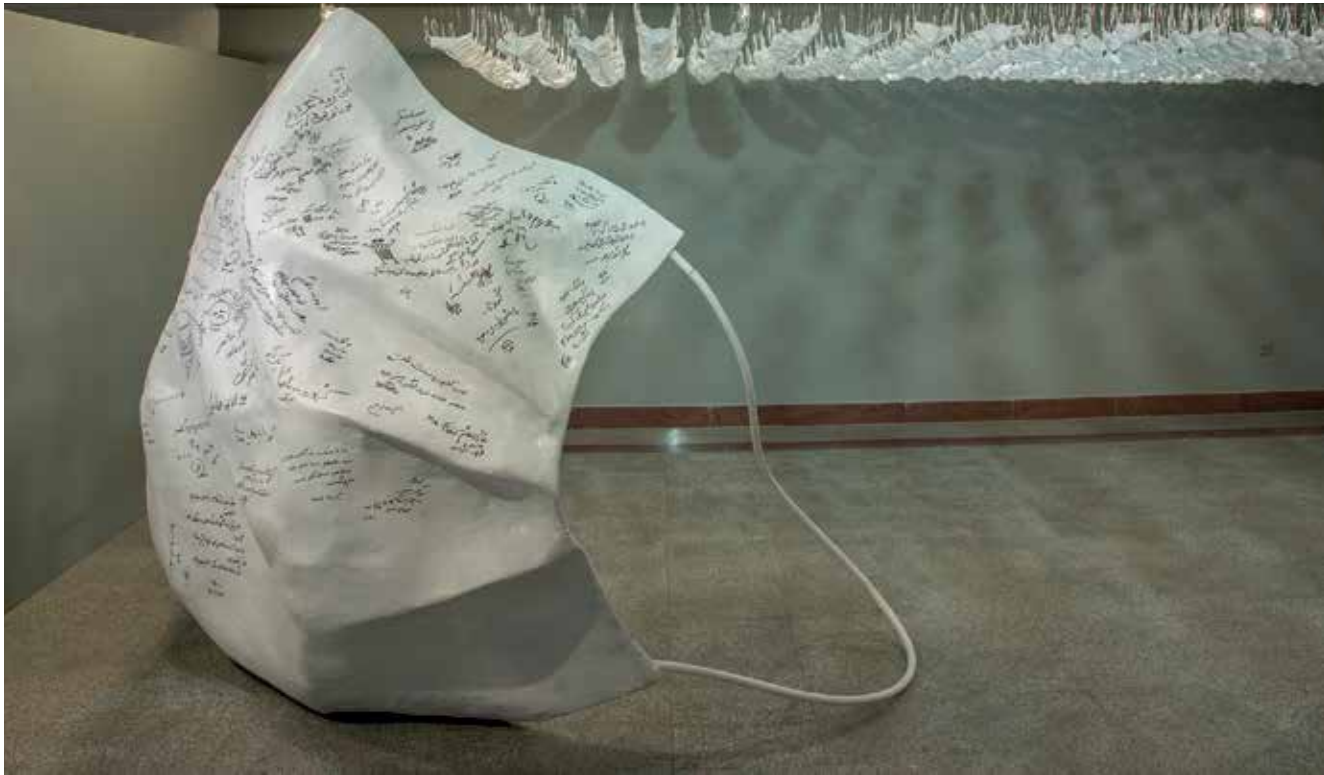


ایثار و فداکاری

رسانه های هنری جدید

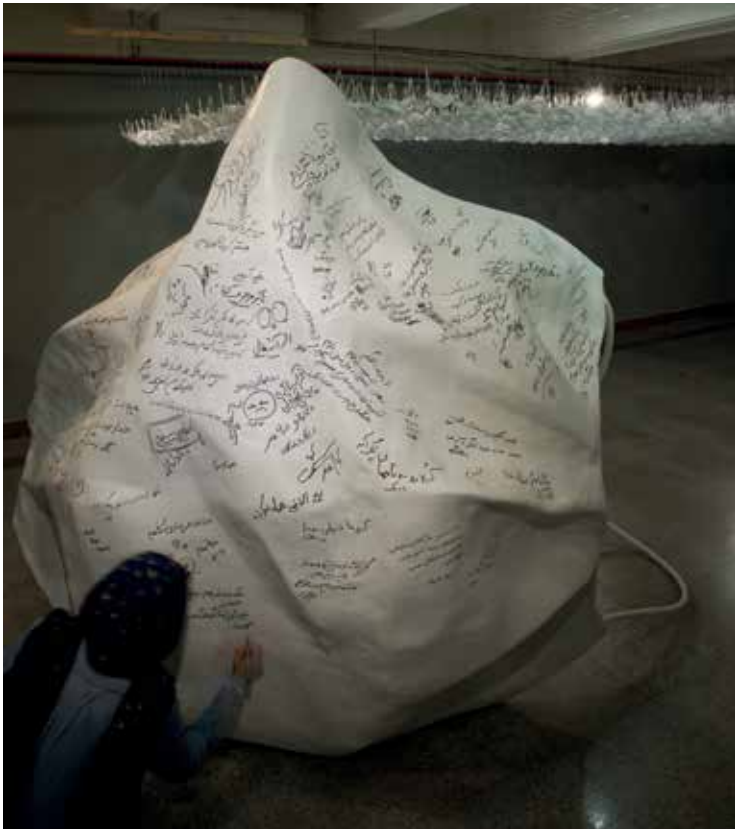
New Medias





(از مجموعه ی زیر سایه ی ماسک ها)  
 کرونا با خود تجربه های تازه ای آورد  
 و فرصت های بسیاری را از ما گرفت؛  
 ذهن ما پر از ترس ها و امیدهاست ...  
 در این میان، ماسک ها، این محافظ های سفید که قرار است در تعامل با دیگری، ما را در مقابل ویروس  
 ایمن کنند،  
 در تمام ابعاد اجتماعی زندگی ما جا خوش کرده اند؛  
 گویی ماسک ها نه فقط بر چهره ی ما، که بر ذهن و زندگی ما لمیده اند و در لحظه لحظه های این  
 تجربه ی زیسته،  
 مفهوم ماسک و ماسک زدن برای ما تعابیر مختلفی داشته است....  
 در این اثر تعاملی، مخاطب می تواند تعبیرها و احساس های واقعی خود را نسبت به ماسک و  
 ماسک زدن روی سطح آن بنویسد.

(from "Under the Shadow of Masks" collection  
 Corona brought about a new experience with it  
 And took away many opportunities from us  
 Our mind is brimming with fears and hope ...  
 Amid this, masks, these white protections that are supposed to safeguard us against the virus  
 during our interaction with others, have found a place in our social aspects of our lives;  
 As if the masks are not only leaning on our face, but on minds and lives, and at each moment  
 of this lived experience, the concept of mask and wearing a mask had a different interpretation  
 for us...  
 In this interactive work, the audience can write down his/ her interpretation and actual feelings  
 about mask and wearing it on the surface.



(از مجموعه ی زیر سایه ی ماسک ها)  
 دریافت خبرهای روزانه و تاثیرات ناشی از آن،  
 دست مایه ی ایده ی این چیدمان بوده. چیدمانی از بریده ی جراند با موضوع وضعیت شیوع کرونا، به عنوان  
 نمادی از رسانه....  
 تا آنجا که هجوم اخبار انتشار یافته به مثابه انتشار ویروس  
 در ذهن و اندیشه ی ما جاری می شود و مرز میان این دو،  
 اخبار و ویروس، نادید می شود؛  
 ویروس، خبر را می سازد؟  
 یا خبر ویروس را می سازد؟

(from "Under the Shadow of Masks" collection  
 Obtaining the daily news and their impacts  
 Were the idea behind this installation, made up of newspaper clippings about the Corona Pan-  
 demic, as a symbol of media ... To the extent that like the spread of the virus, the onslaught of the  
 published news,  
 Flows in our minds and thoughts, and the border between these two,  
 The news and the virus, disappears;  
 Has the virus made the news?  
 Or was it the news that made the virus?







فراتر از نهاد و سازمان، سخن از تفکری است که کمک کردن و یاری رساندن را دوست دارد.  
تفکری که آسایش دیگران را همچو آسایش خویش و چه بسا به آسایش خویش ترجیح می‌دهد.  
تفکر امدادگر و جهادی از هر قشری می‌تواند باشد.  
از هر طبقه‌ی اجتماعی در هر جایگاه علمی و با هر تخصصی.  
می‌تواند امدادگر هلال احمر باشد یا پزشک جراح در یک بیمارستان خصوصی.  
می‌تواند ورزشکار باشد یا خلبان، یا گرافیکست یا عکاس.  
جهادی همیشه آماده است.  
آماده‌ی عزیمت از مکان به زمان.  
از خویش به دیگران.

جایی بیل به دست مشغول پاکسازی خانه‌ها از سیل و جایی واکسن به‌دست برای مقابله با کرونا.  
گاهی در پشت خاکریز برای دفاع از مرزها و گاهی در پشت رایانه‌های پژوهشکده‌ی رویان.  
گاهی از مدافعان حرم پرستاری می‌کند و گاهی نسل جدید سانتریفیوژها را طراحی می‌کند.  
داوطلب‌ها، مردمی‌ها یا جهادی‌ها مرز و محدوده ندارند.

Beyond entities and organizations, it is an attitude that favors assistance and help.  
An attitude that considers the welfare of others as its own, and at times even as prior to its own.  
The Jihadi and Rescuer attitude can come forth from any walk of life.  
From any social class, and from any scientific position and with any specialty.  
He can be a Red Crescent assistant, or a surgeon in a private hospital.  
He can be an athlete, or a pilot, a graphic designer or a photographer.  
A Jihadi is always ready.  
Ready to move from a place to time.  
From himself to others.  
At times holding a shovel to clear house of floods, and at others with a vaccine syringe against Corona.  
Sometimes, in a trench to defend the borders, and at others behind the computers of the Rooyan Research Institute.  
At times it tends to the defenders of the Shrine, and at others he is engaged in designing the new generation of centrifuges.  
Volunteers, the humble ones and the Jihadi have no borders or limits.



(از مجموعه‌ی زیر سایه ی ماسک‌ها)

وضعیت بلاتکلیف انسان مستاصل امروز

به واسطه‌ی حضور دائمی ماسک‌ها در زندگی رومزه‌ی ما

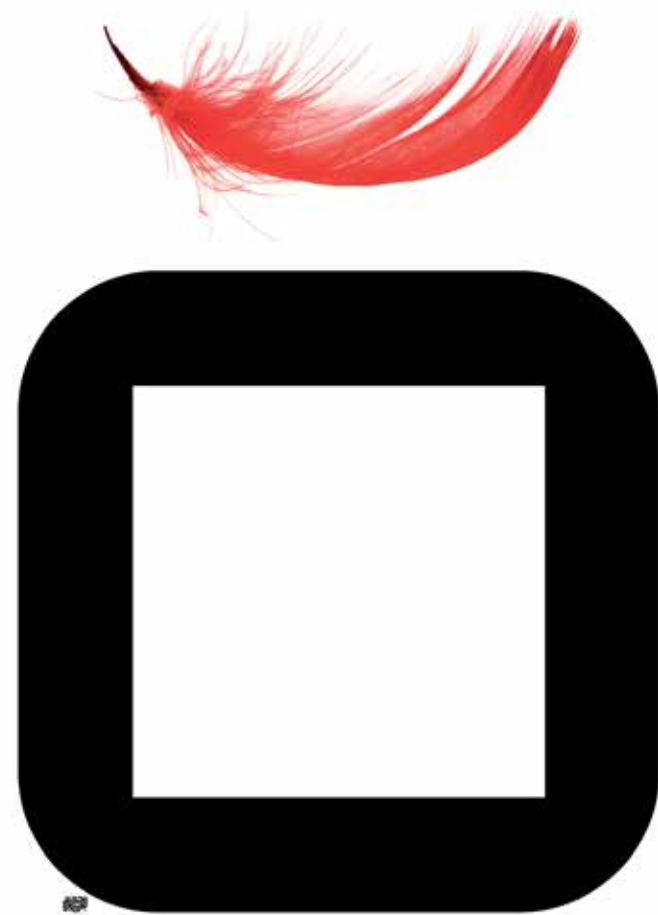
و تحمیل شرایطی که ما را میان دوگانه‌ی خستگی و امید، آویخته است؛

گویی میان دوگانه‌ی آسمان و زمین‌ایم...

(from “Under the Shadow of Masks” collection)  
The undecided condition of today’s frustrated humanity  
Through the permanent presence of masks in our daily lives  
And the imposition of situations that hang us between the duality of weariness and hope;  
As if we are in between the earth and the sky...







سبک‌بالان خرامیدند و رفتند



مرتضی رحمتی / سبک‌بالان خرامیدند و رفتند  
The light hearted walked gracefully and went / Morteza Rahmati

ایثار و فداکاری

طراحی گرافیک

Graphic Design



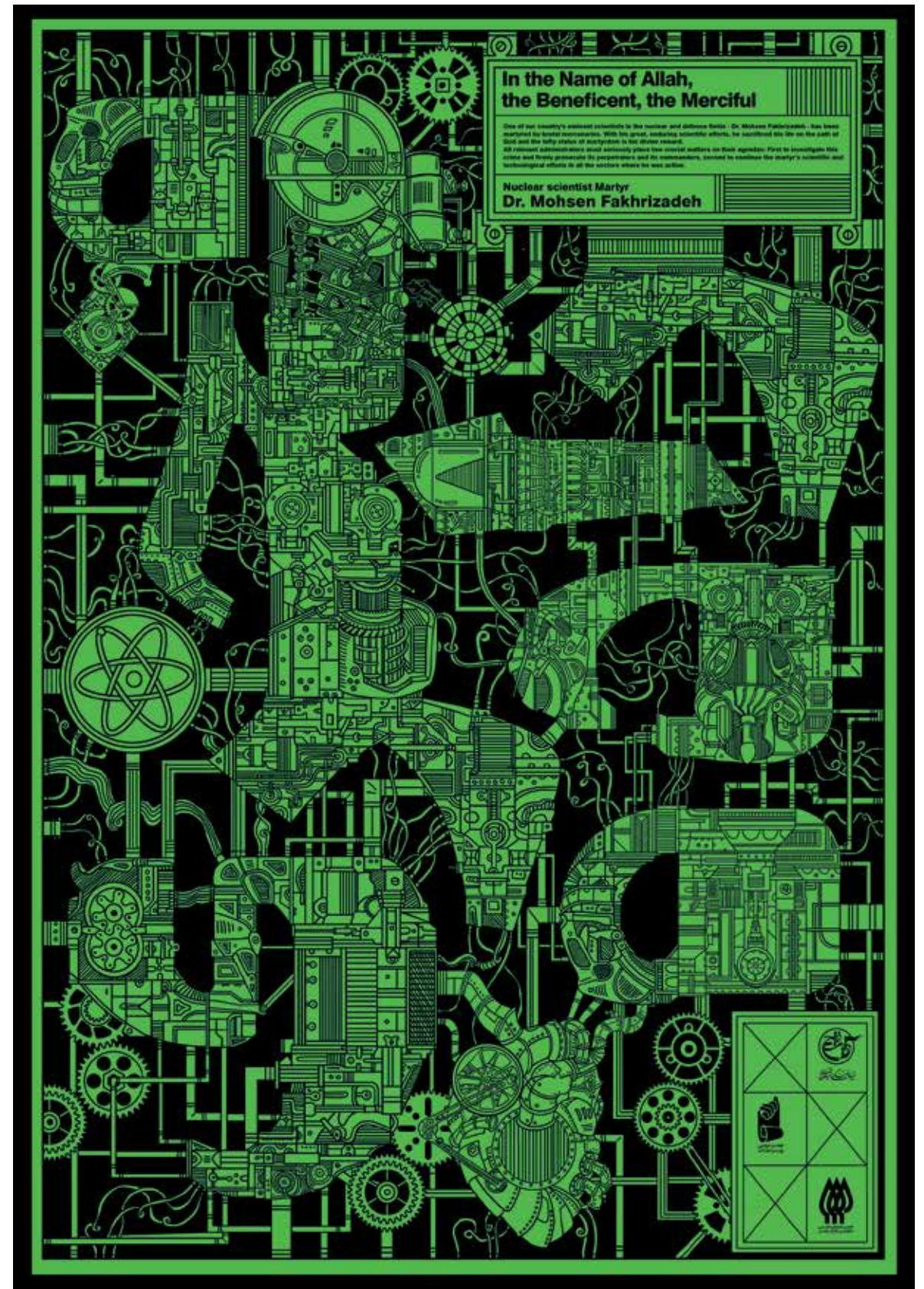
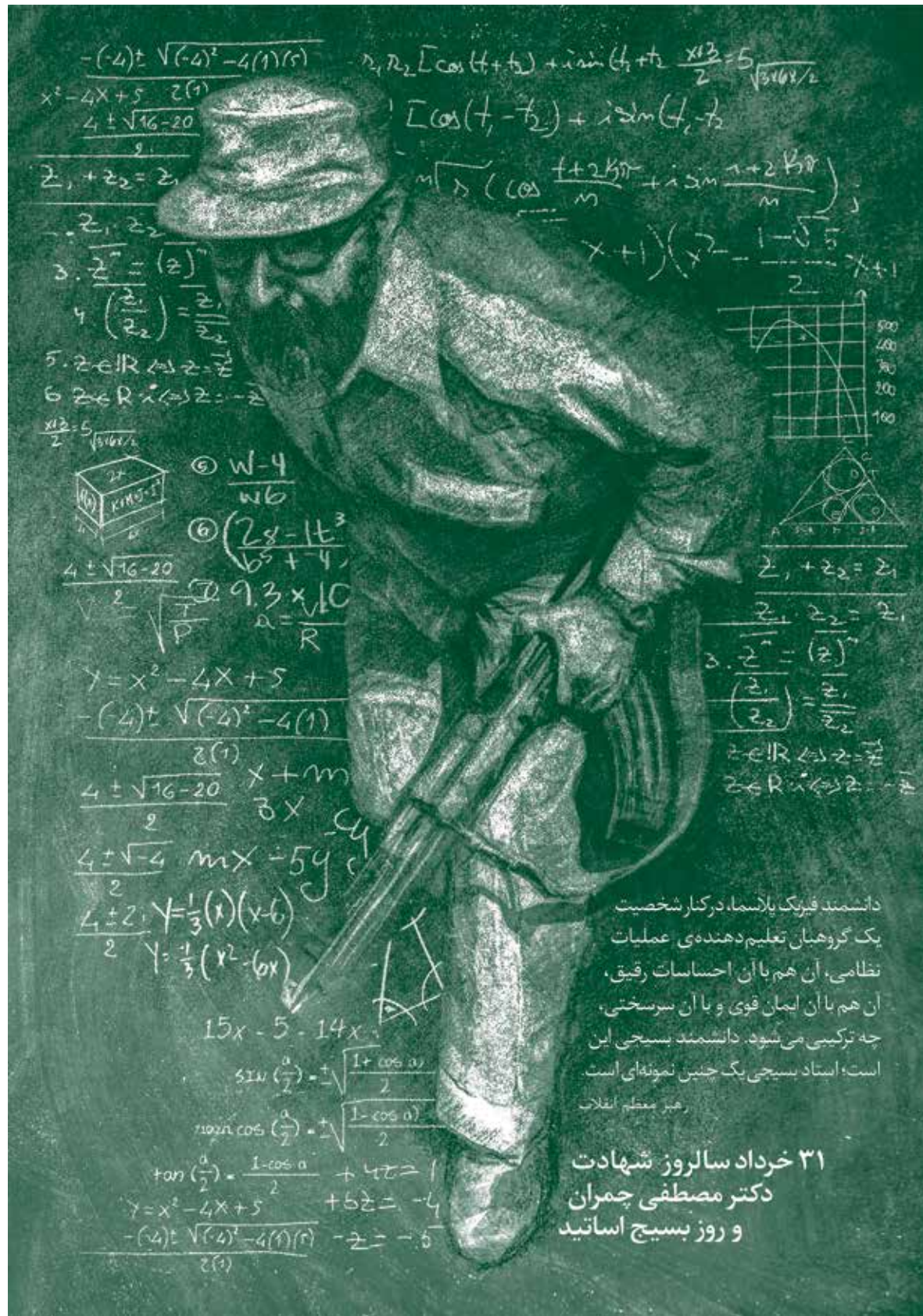


سید احمد باقریان / بدون عنوان  
Untitled / Seyed Ahmad Bagherian



محمود بازدار / غواصان شهید  
Martyred divers / Mahmood Bazdar

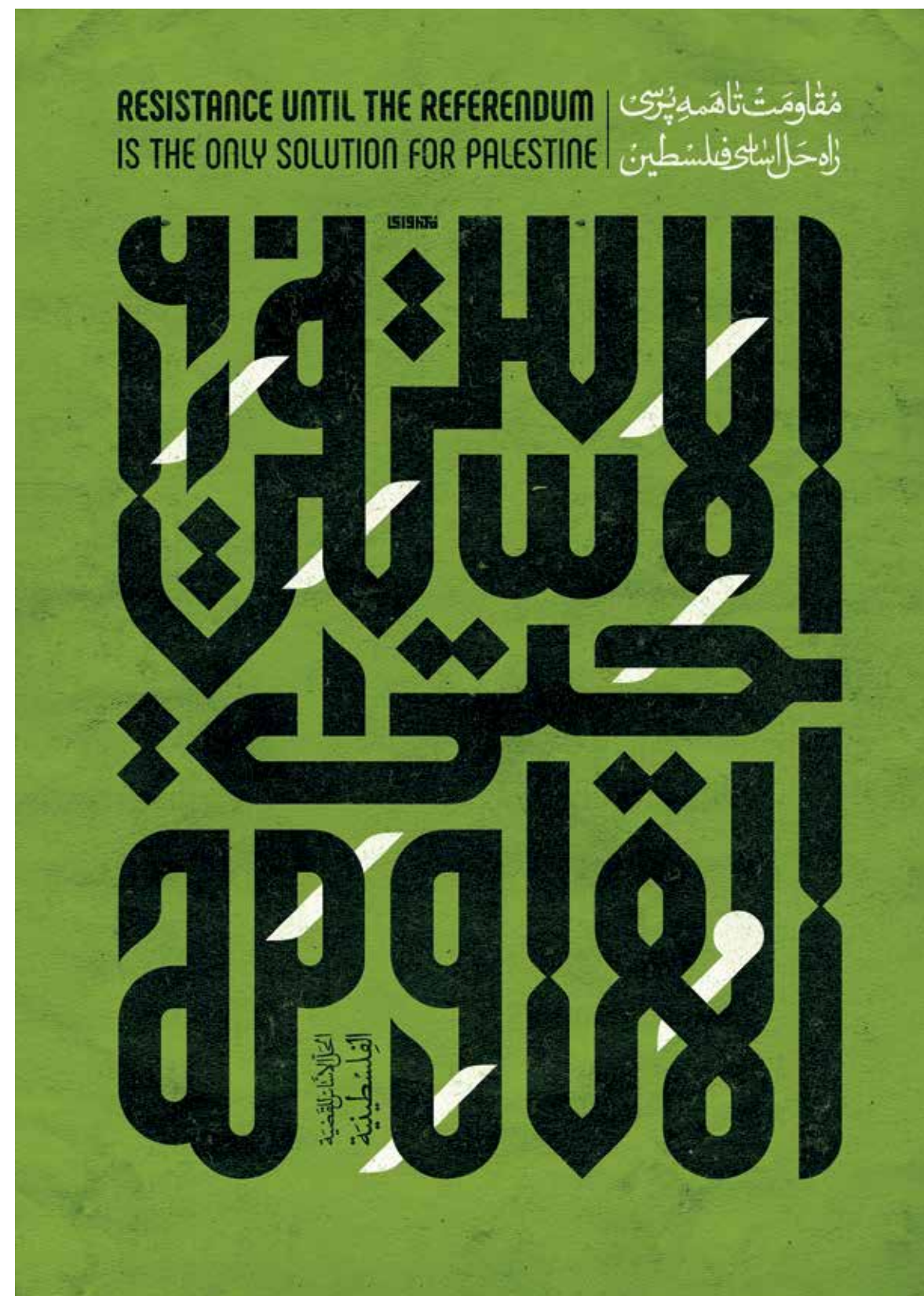
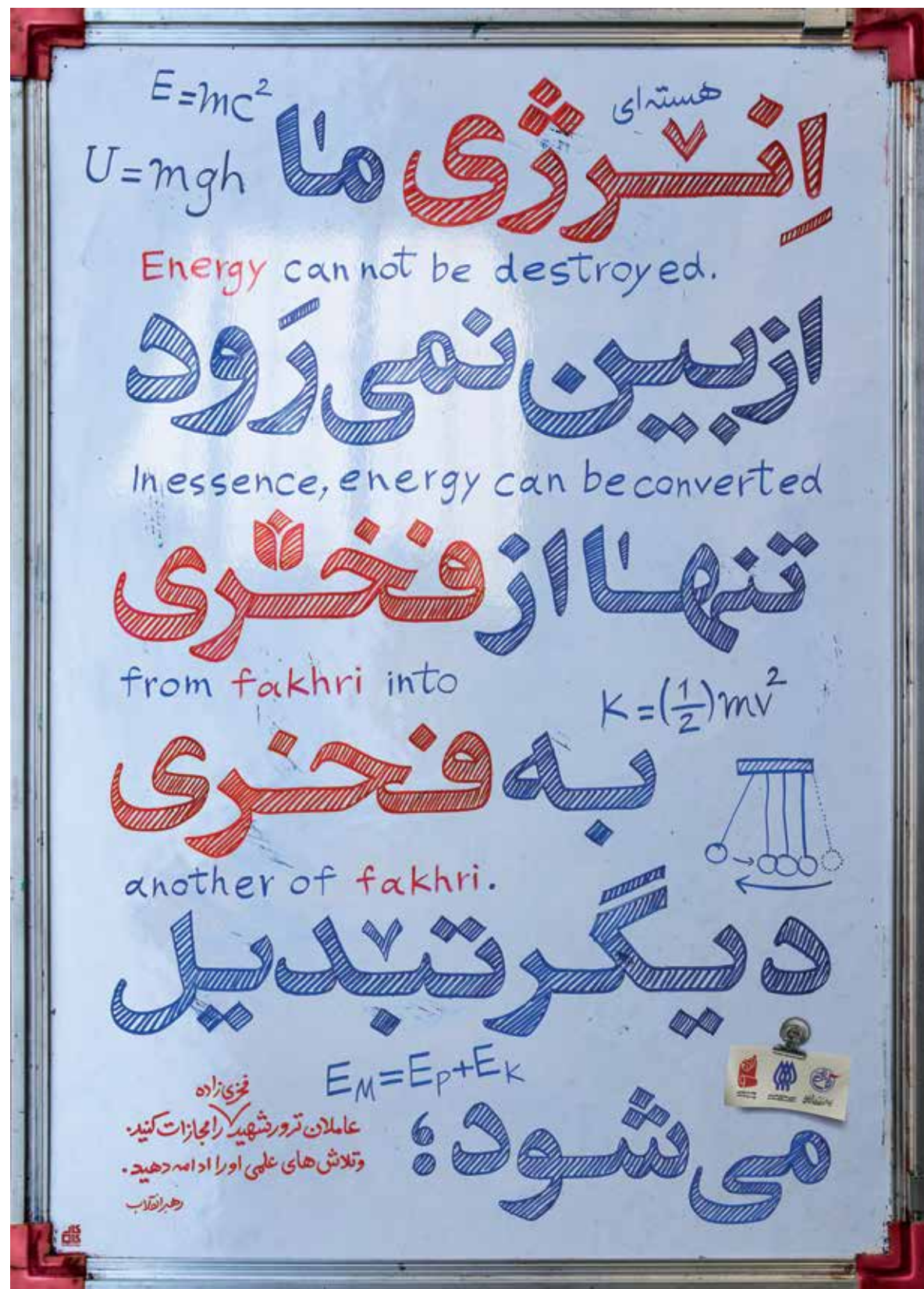
















حسین ونکی فراهانی / بدون عنوان  
Untitled / Hossein Vanaki Farahani



لیلا نیرومند / بدون عنوان  
Untitled / Leila Niroomand



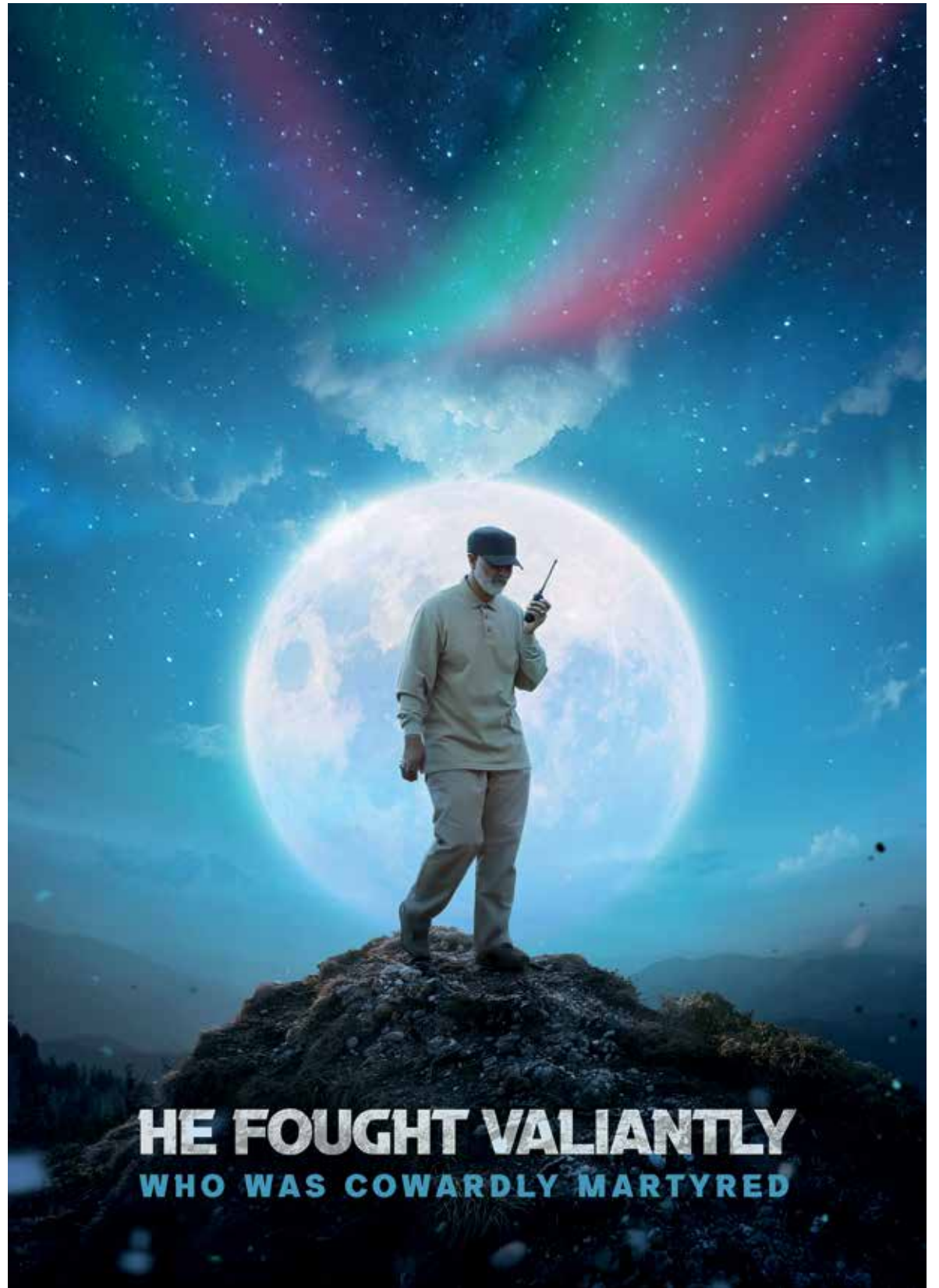
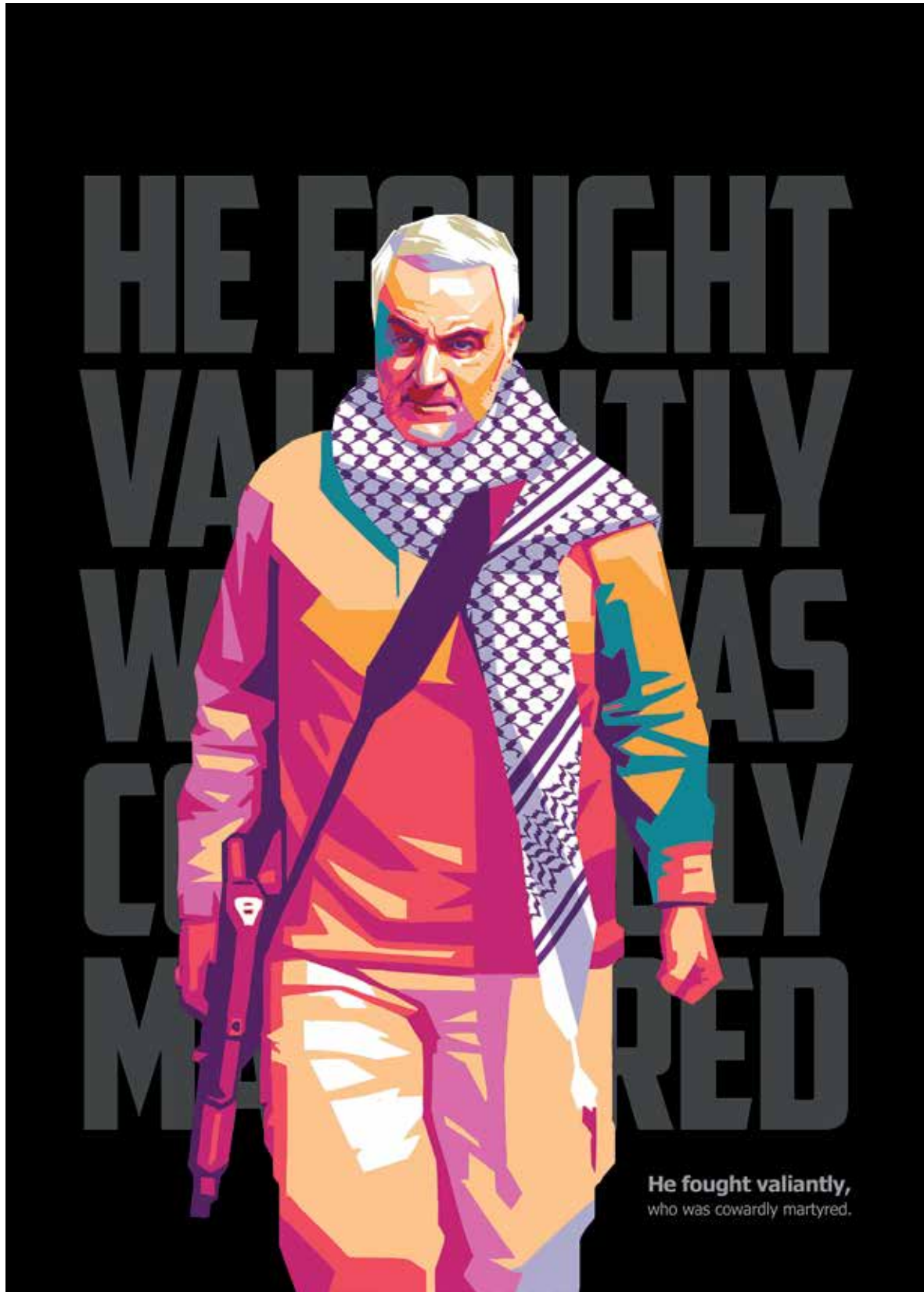


محبوبه جوادی پور، منصوره جوادی پور، ثویبه پروین / بدون عنوان  
 Untitled / Mahboobeh Javadipour, Mansoureh Javadipour, Soubiyeh Parvin

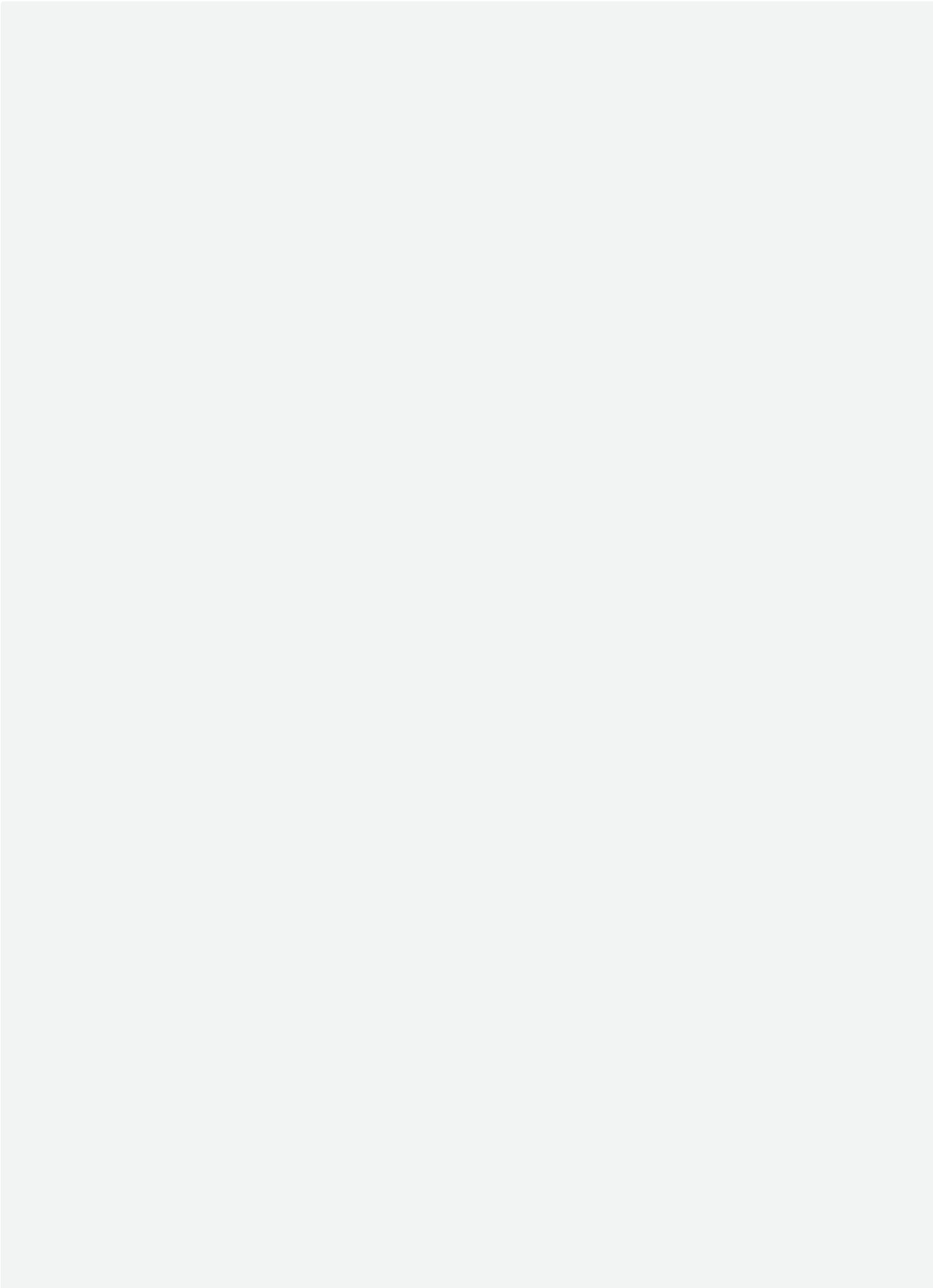


حسین یوزباشی / یادبود شهدای آتش نشان  
 In memory of the martyred fire fighters / Hossein Youzbashi













مرتضی جابریان / بدون عنوان  
Untitled / Morteza Jabarian

ایثار و فداکاری

عکاسی

Photography









احمد بلباسی / بدون عنوان  
Untitled / Ahmad Balbassi



مهدي بلوريان / ميدان  
Square / Mahdi Bloorian





امین نظری / بدون عنوان  
Untitled / Amin Nazari



امین رحمانی / سرپل زهاب  
Sare-Pole-Zahab / Amin Rahmani





سید جواد میرحسینی / بدون عنوان  
Untitled / Seyed Javad Mir Hosseini



سید جواد میرحسینی / بدون عنوان  
Untitled / Seyed Javad Mir Hosseini





ایثار و فداکاری

کارتون و کاریکاتور

Cartoon



سعید صادقی / بدون عنوان  
Untitled / Saeed Sadeghi





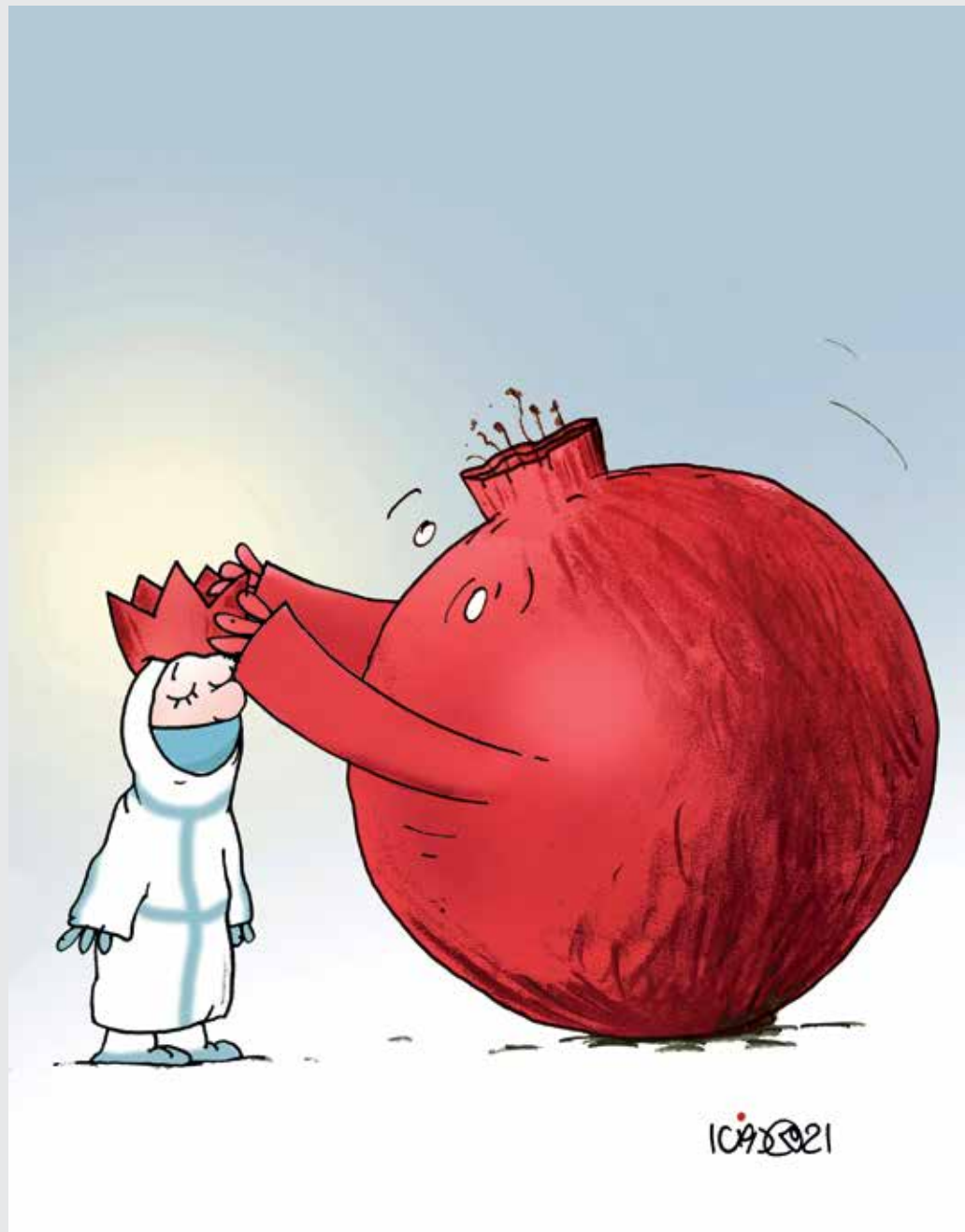








معصومه مسیب خواه / بدون عنوان  
Father and mother / Masoumeh Mosayebkhah



احمد رضا سهرابی / تجلیل  
Homage / Ahmad Reza Sohrabi













هنگامه صالح زهتاب / نور به پایش قامتشان به سجده می افتد  
Light prostrates in the face of their stature / Hengameh Saleh Zehtab

ایثار و فداکاری

مجسمه

Sculpture



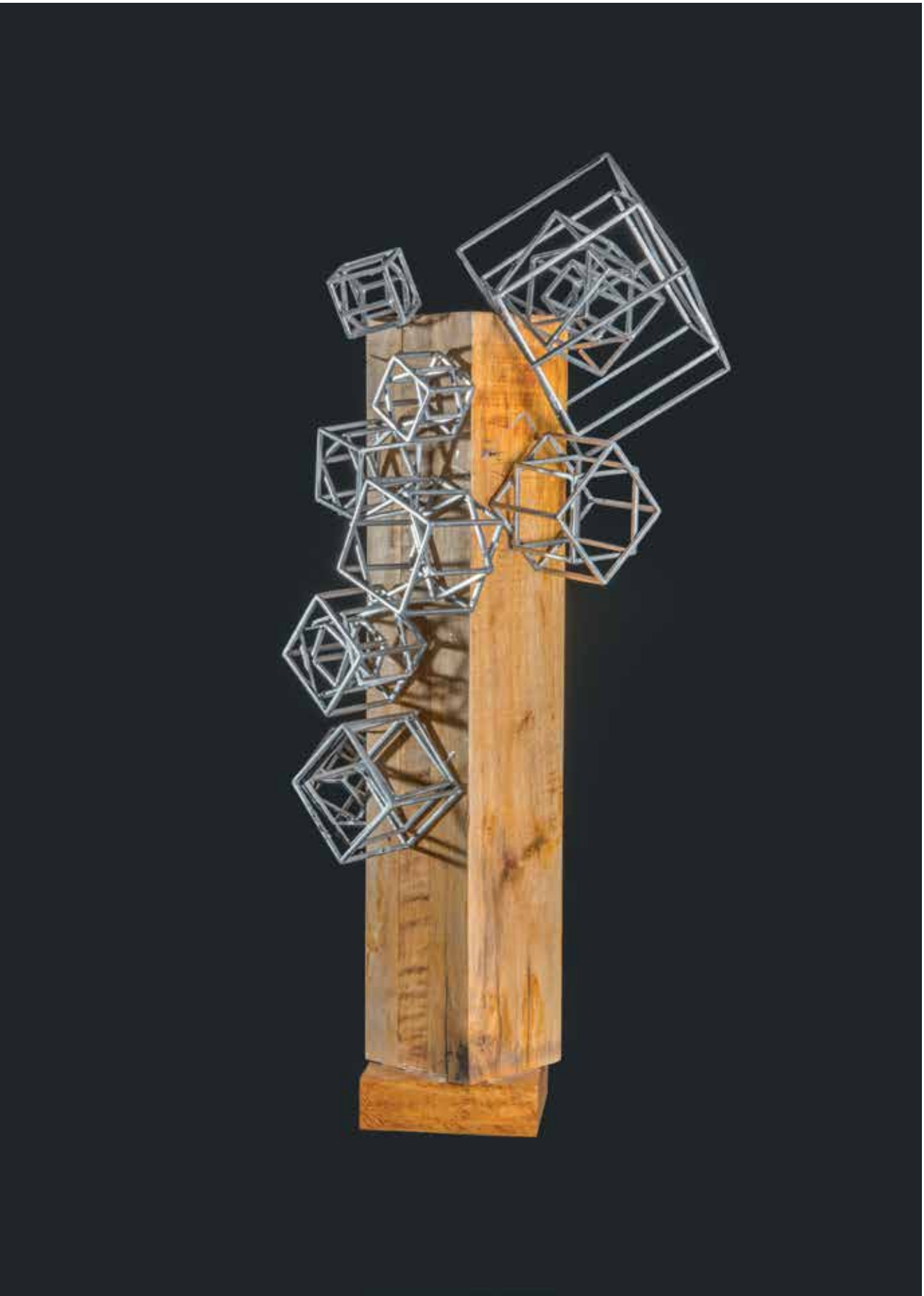


زهرا شیخ الحکمایی / ققنوس  
Phoenix / Zahra Sheikhol Hokamaee



حسین حسن شاهی / وترالموتور  
Engine's chord / Hossein Hassan Shahi





فائزہ کرمی اورزمان / بدون عنوان  
Untitled / Faezeh Karami Avarzaman





کامیار صادقی / بدون عنوان  
Untitled / Kamyar Sadeghi

ایثار و فداکاری

نقاشی

Painting



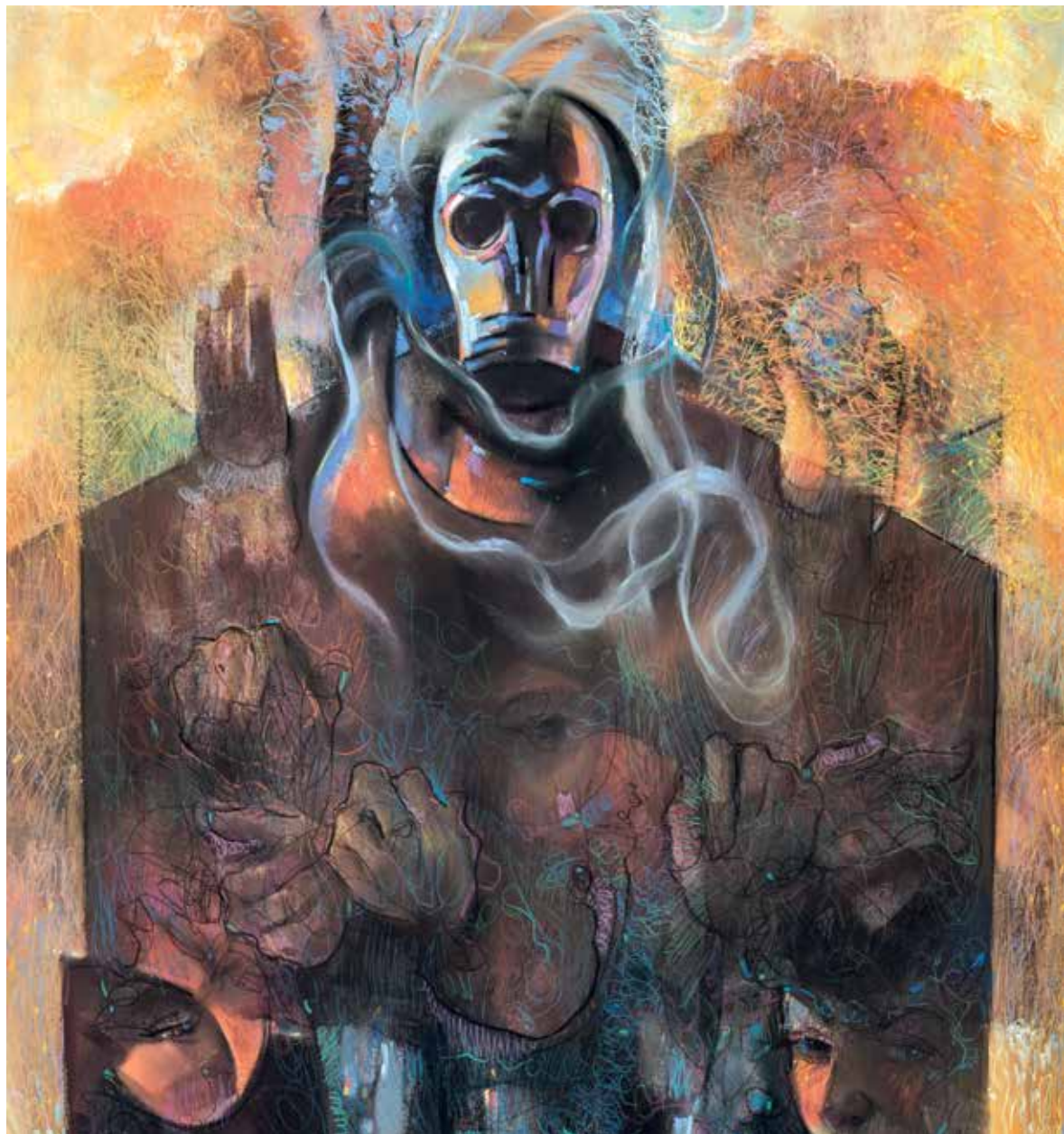


مهدی یازوکی / بدون عنوان  
Untitled / Mahdi Pazooki



صادق اکبری / بدون عنوان  
Untitled / Sadegh Akbari





علیرضا حسینی صدر / بدون عنوان  
Untitled / Alireza Hosseini Sadr



هانیه سادات حجازی / شهادت، ایثار، فداکاری  
Martyrdom, sacrifice / Hanieh Sadat Hejazi





مریم سادات رضوی / مدافعان سلامت  
The defenders of health / Mariam Sadat Razavi



حسین دشتی اردکانی / بدون عنوان  
Untitled / Hossein Dashti Ardekani





کریم اسکندری / بدون عنوان  
 Untitled / Karim Eskandari



حسین شیخ علیشاهی / فرشته های سپید  
 The white angels / Hossein Sheikh Alishahi





منا فرزانه / بدون عنوان  
 Untitled / Mona Farzaneh



حسین صدر / معنویت در مقاومت  
 Spiritualism in resistance / Hossein Sadr





توران نوری / مقاومت زنان انقلابی  
The resistance of revolutionary women / Tooran Noori



سید علی قافله‌باشی / مادر  
Mother / Seyed Ali Ghaflehashi





خدیجه همزنگ / بدون عنوان  
 Untitled / Khadijeh Hamrang



بهنام ولدوند / بدون عنوان  
 Untitled / Behnam Valadvand





حسن روح الاميني (هنرمند مدعو) / بدون عنوان  
Untitled / Hassan Roohol Amini





ایثار و فداکاری

## نگارگری

Iranian Painting

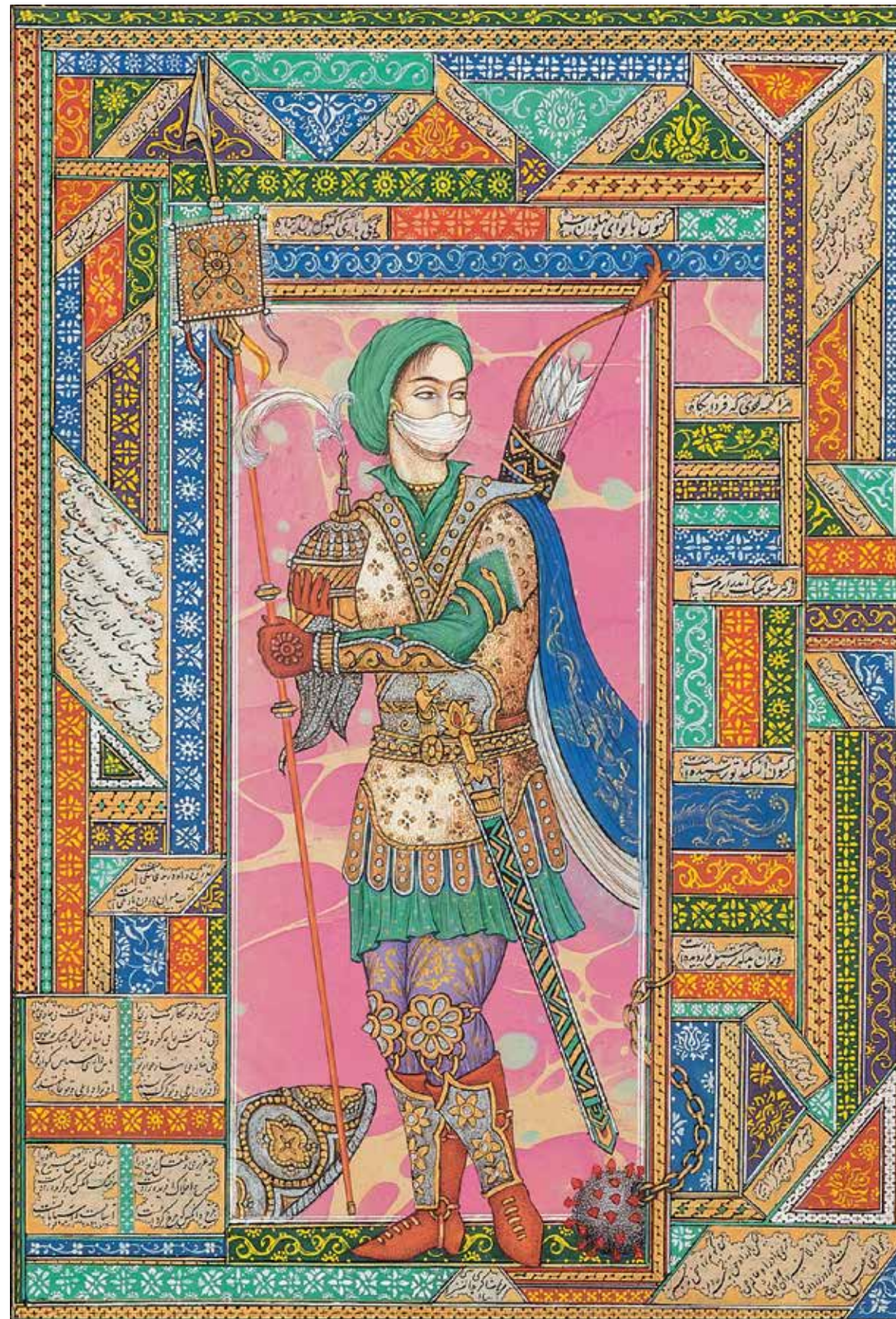


رضا بدرالسماء / مسیر ظهور  
Path of appearance / Reza Badrolsama





مهرداد لطفی پور / ایثار و فداکاری  
Sacrifice / Mehrdad Lotfipour



مریم شاکری چالشتری / بدون عنوان  
Untitled / Mariam Shakeri Chaleshtari





کاتب

Scribe





کاتب بخش کیوریتوریال چهاردهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر بود. وقتی قرآن توسط پیامبر (ص) برای مردم خوانده می‌شد، افراد زیادی آن را به حافظه می‌سپردند تا از گزند فراموشی در امان باشد. در این میان برخی به کتابت وحی پرداختند / که به کاتبان وحی شهرت یافتند. کار کاتب / تبدیل پیام (صوت) به نقش (خط) بود.

Scribe was the curatorial section of the 14th Fajr Festival of Visual arts. When the Quran was read by the Prophet (PBUH) to the people, many would learn it by heart to safeguard it from oblivion. Amongst these a number started to record it, and became known as the scribes of the revelation. Their function was to transform the message (sound) into design (script).

#### کیوریتور: جمشید حقیقت‌شناس

#### هنرمندان بخش کاتب:

احمد آریا منش / محمد احصایی / محمد بابا اورنگ / مظفر بیگی / تهمورث بهادرانی / فرامرز پیلارام / صادق تبریزی / عبدالحکیم توانا صداقت جباری / کیخسرو خروش / حسین زنده رودی / علی زندی شفق / مهدی سدیفی / امیر شاهرخ فریوسفی / مسعود صالحی عبدالکاظم صادقا / علی اشرف صندوق آبادی / جعفر صادقی / حمید عجمی / حسین غلامی / اسدالله کیانی / غلامحسین فرخ نسب حمیدرضا قلیچ خانی / کامران رضوی دهقان / فریدون فخری جوقان / نیک محمد مستمند / شهاب الدین مستمند / رضا مافی محمود ماهرالنقش / احمد محمدپور / ایرج نعیمایی / سعید نقاشیان / کیارش یعقوبی

















---

تجسم هنر  
Visualization of Art

---





تجسم هنر، بخش استانی چهاردهمین جشنواره هنرهای تجسمی  
فجر بوده است که در ۲۷ استان و ۲ منطقه آزاد در کشور برگزار شد.  
مسئولیت برگزاری این نمایشگاه و دعوت از هنرمندان استان  
بر عهده مدیر هنری هر استان بوده است.

This was the provincial section of the 14th Fajr Festival of Visual  
Arts and was held at 26 provinces and 3 centers nationwide.  
The Art officials of each province had the responsibility for  
organizing the exhibition and for inviting the relevant artists.













---

نظامی گنجوی  
Nezami Ganjavi

---





در چهاردهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر یک بخش  
جنبی با عنوان «نظامی گنجوی» برگزار شد که در این بخش،  
آثاری در رشته‌های خوشنویسی، نگارگری و تصویرسازی به  
نمایش درآمد.

At side event was held at the 14th Fajr Festival of  
Visual Arts under the title of “Nazami Ganjavi”, in  
which works in the fields of calligraphic, Persian  
Painting and illustration were displayed.

#### هنرمندان بخش نظامی گنجوی

پرستو سعیدی (مجموعه تصویرسازی)

مینا صدری (نگارگری)

امیر طهماسبی (نگارگری)

حبیب‌الله فضائی (نگارگری)













نقابان بن بارل ما  
چشم آن خشنده جانی

ز دجلان زمانی دوا خرد و دوا  
خشد لرد آن چشمه نور حلت آب در

هنگام کون بیان شد از کج  
صد سبزه شد بنی شبا کا

جب باشد کل را چشمه نور  
مر سبزه آب فاشد بر در

زنگ آرایش کا فو کرد  
م در خدمت شاهان کج

چشم جان آن  
ز بسا آن دم

است آن سبزه شاه  
فت از آن حبه

در دل خرد  
کافور و مال است

کافور زمانه  
شدن فردا بخیر

بسته آم نامه



فت دزدی  
فت پیش شکر با  
نارستانی در اینجا  
آباد از مشکوی خرا  
کوکا  
ارکوز



سینه مرغ زاری  
دور اندام خسته  
دیده سربازی است  
رشته بی سرباورد  
اکلی پوشش چون  
فش میسجد در آب  
در وقت برده  
اگر بماند انداخته  
دانشه بود انداخته  
این کوته سپهری

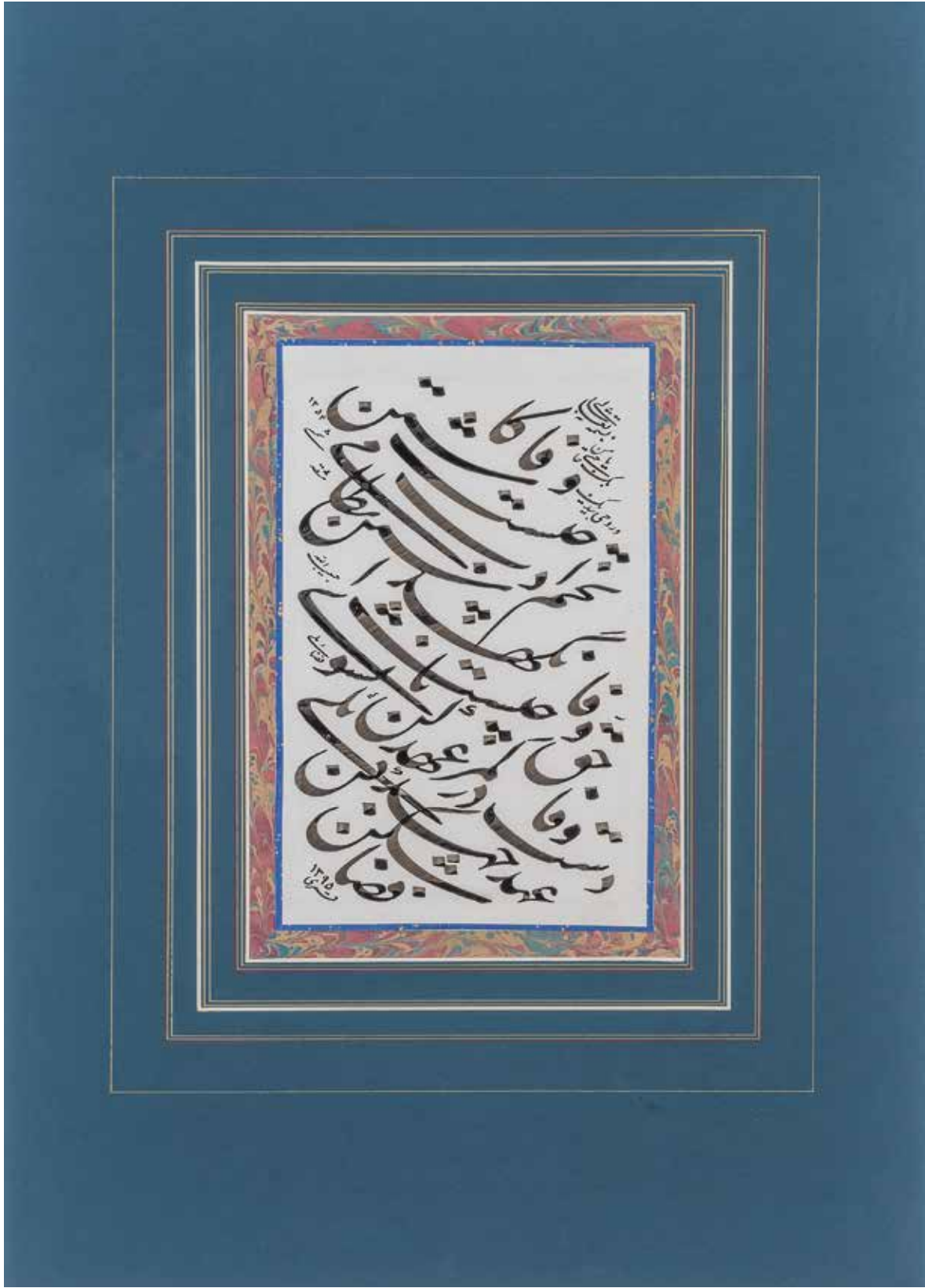
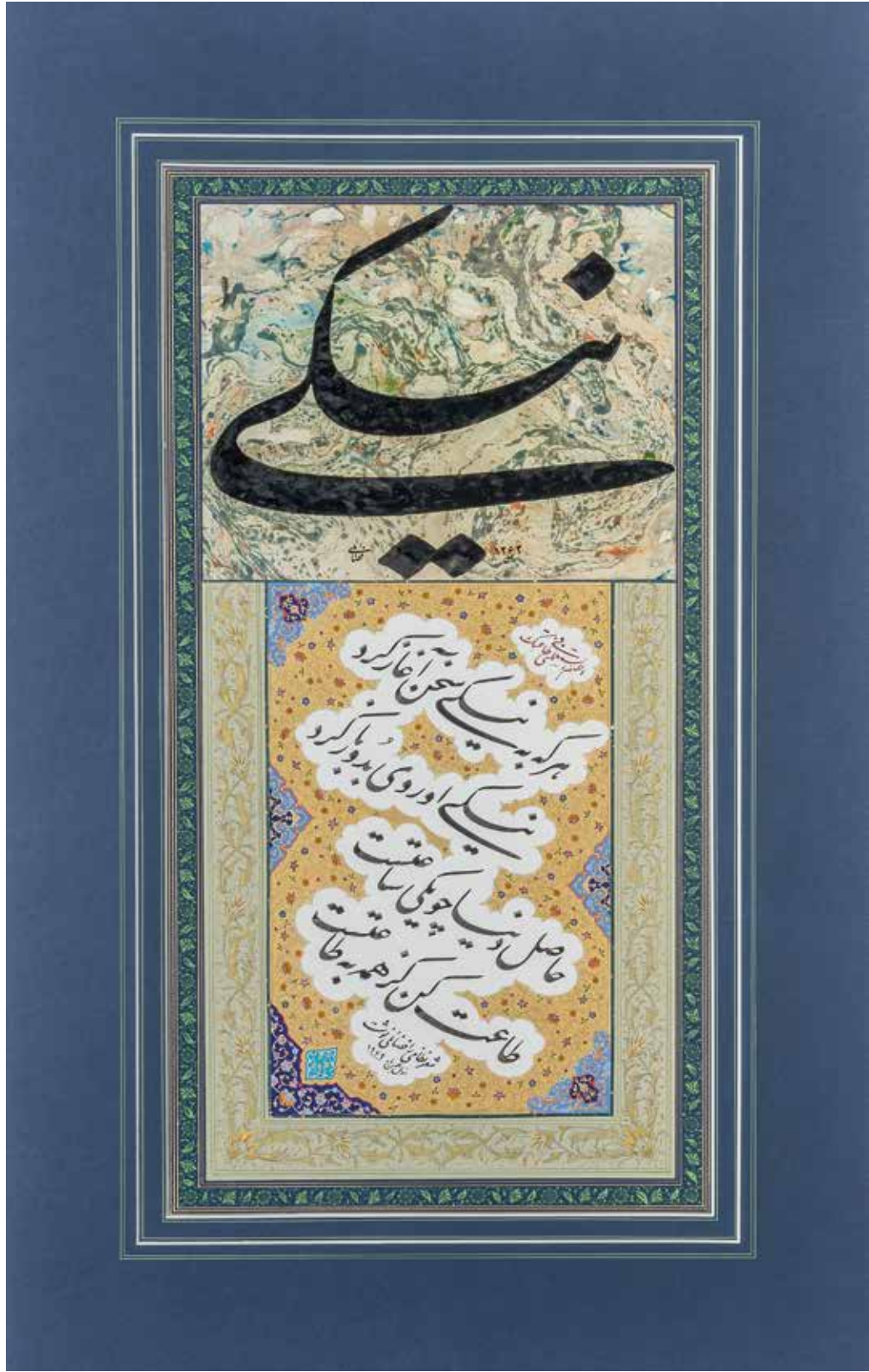
بیلی نو  
محبوبون

پیش از آن که در آید

















---

آینه در آینه  
Mirrored Reflections

---





آینه در آینه، بخش جنبی چهاردهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر است که در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد.

این نمایشگاه به صورت پژوهشی برگزار شد و نگاهی به دیوارنگاره ها، نقاشی ها، عکس ها و هنر اعتراضی و انقلابی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۳ بود.

Mirrored Reflections was a side event of the 14th Fajr Festival of Visual Arts, held at the Tehran Museum of contemporary Arts.

This exhibition was held in the form of a research, and consisted of a look at the murals, paintings, photos and the protest and revolutionary arts from 1974 to 1984.

#### هنرمندان بخش آینه در آینه

حسن اسماعیل زاده / ایرج اسکندری / مرتضی اسدی / علیرضا اسپهبد / هانیبال الخاص / نصرالله افجه‌ای / پروانه اعتمادی / ایوب امدادیان / پرویز ایزدپناه / ژیلادژم‌تباہ / رضا بانگیز / ناصر پلنگی / محمدعلی ترقی‌جاه / کاظم چلیپا / محمدحسین حلیمی / جواد حمیدی / حسین خسروجردی / واحد خاکدان / کیخسرو خروش / جمال‌الدین خرمی‌نژاد / بهرام دبیری / مسعود سعدالدین / کامران شیردل / علی‌اکبر صادقی / منوچهر صفرزاده (مش صفر) / حبیب‌اله صادقی / غلامعلی طاهری / محمد فاسونکی / امراله فرهادی / نیلوفر قادری‌نژاد / مرتضی کاتوزیان / مصطفی گودرزی / رضا مافی / محمد مدبر / اردشیر محمص / بهمن محمص / حسین محجوبی / سیروس مقدم / جلال متولی / لیلی متین‌دفتری / رحیم ناظر / مینا نوری

هنرمندان غیر ایرانی: میشل ستبون / خوزه کلمنته اوروسکو / دیوید آلفارو سیکروس / دیه‌گو ریورا





















---

یادبود  
In Memoriam

---

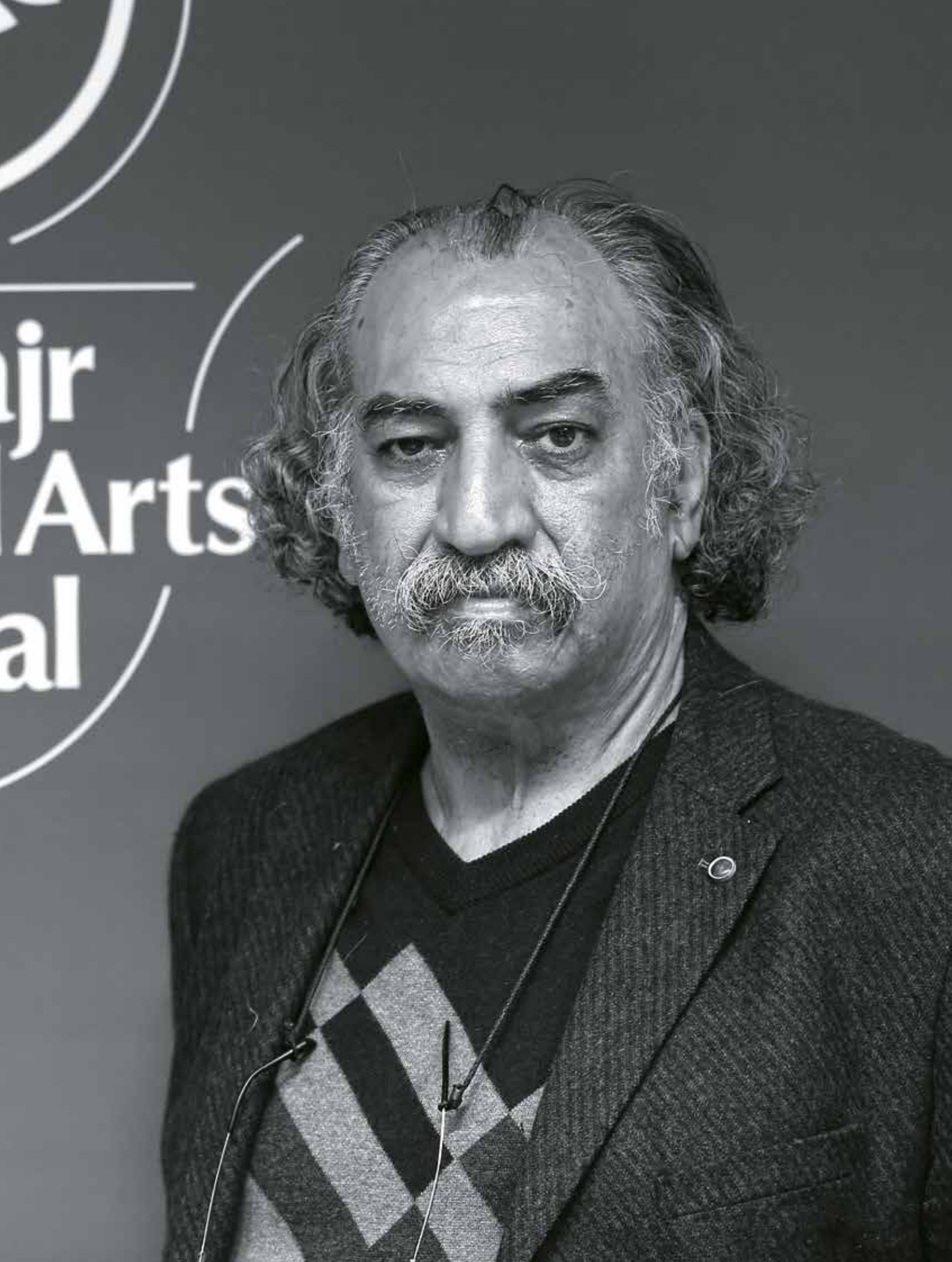




یادمان دو هنرمند درگذشته به پاس همراهی مستمر این  
عزیزان با ادوار مختلف جشنواره هنرهای تجسمی فجر  
به یاد استاد اصغر کفشچیان مقدم:  
چیدمان «قاف» اثری از کریم اله خانی  
و به یاد استاد کامبیز درمبخش: انتشار مینیاتور و آثاری از  
گنجینه موزه هنرهای معاصر و حوزه هنری

A tribute to two deceased artists was held at the 14th  
Fajr Festival of Visual Arts:  
In memoriam of Master Asghar Kafshchian Moghadam:  
The “Ghaf” Installation, by Karimollah Khani;  
In memoriam of Master Kambiz Derambakhsh: Presenta-  
tion of miniatures and works from the collections of the  
Tehran Museum of Contemporary Art and the Depart-  
ment of Arts.





## قاف

### کریم اله خانی

اثر تقدیم است به روح بزرگ استاد اصغر کفشچیان مقدم.

همچنانکه می‌دانیم در علم ریاضی گسترده‌کردن؛ به نوعی بازکردن اعداد یا احجام است و تبدیل آنها به واحدهای کوچکتر.

«قفس» از نظر هندسه یک فرم حجمی است که غالباً به شکل مکعب،

استوانه و ... ساخته می‌شود و کارکرد آن بر همه ما روشن.

اما ساختار و ارائه قفس‌ها در این چیدمان بستری است برای اندیشیدن به سوال چون:

آیا گسترده کردن هر حجمی تبدیل آن به واحدهای کوچکتر است؟!

رابطه ی محتوا و حجم چگونه رابطه ایی است؟!

اگر محتوا بیش از ظرف باشد ....؟؟!







## Qhaf

**Karim Allah Khani**

This work is dedicated to the soul of the great master, Asghar Kafshchian Moghadam. As we know, expansion in mathematics is a kind of opening up numbers or volumes and transforming them into smaller units.

From a geometrical aspect, “cage” is a volume, which is commonly built in the shape of a cube, cylinder, etc. and whose function is quite clear for all of us.

However, the structure and the presentation of cages in this installation provide the grounds for pondering on questions such as:

Is the expansion of any volume for transforming it into smaller units?

What kind of relation exists between content and volume?

What if the content is more than the vessel?





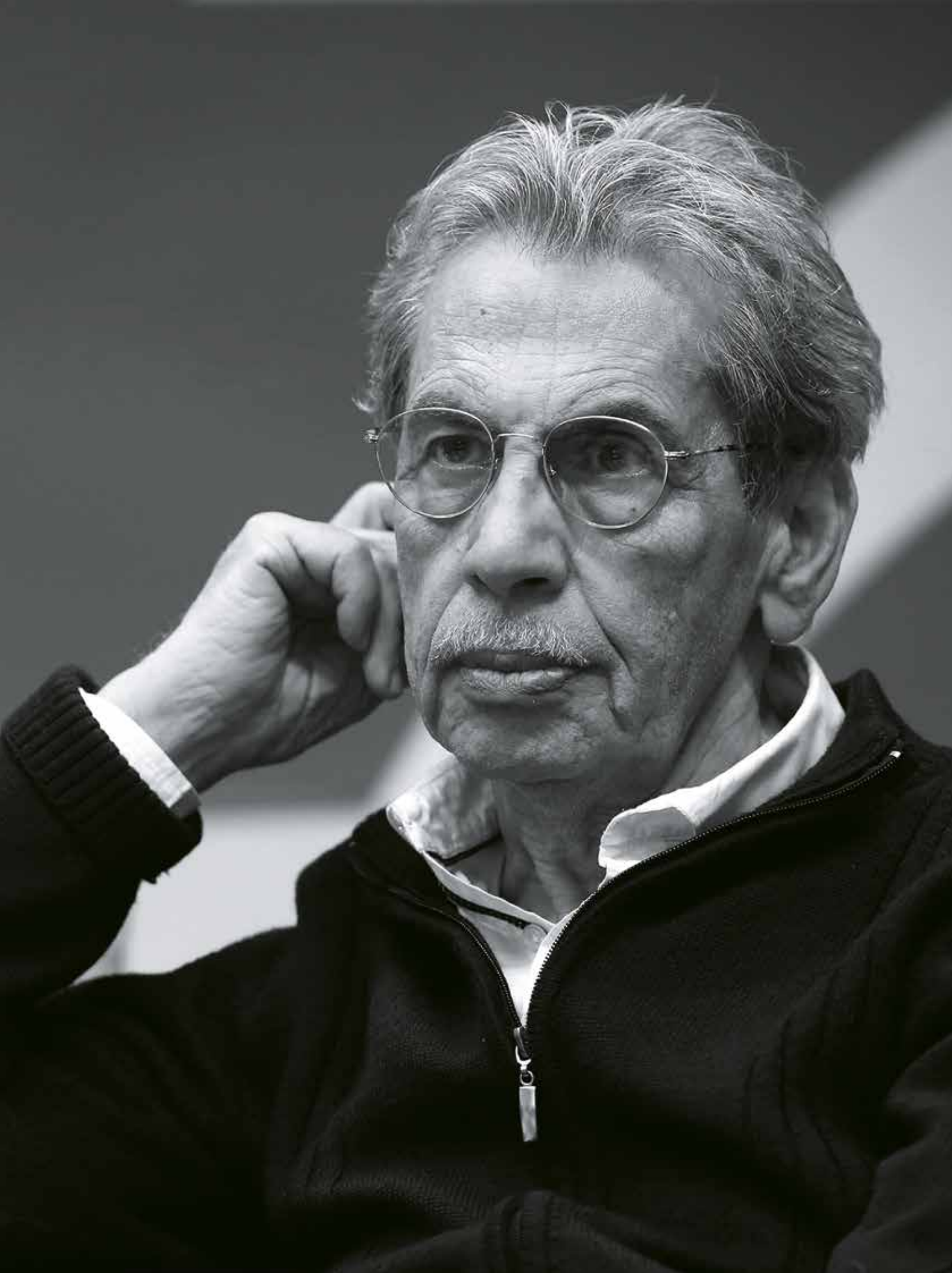
## یادبود زنده یاد کامبیز درمبخش

مجموعه مینیاتورهای سیاه کامبیز درمبخش، نگاهی امروزی به شیوه ای سنتی در نقاشی ایران است و مینیاتورهای ایرانی دست مایه کار یک طنزپرداز قرار گرفته است.

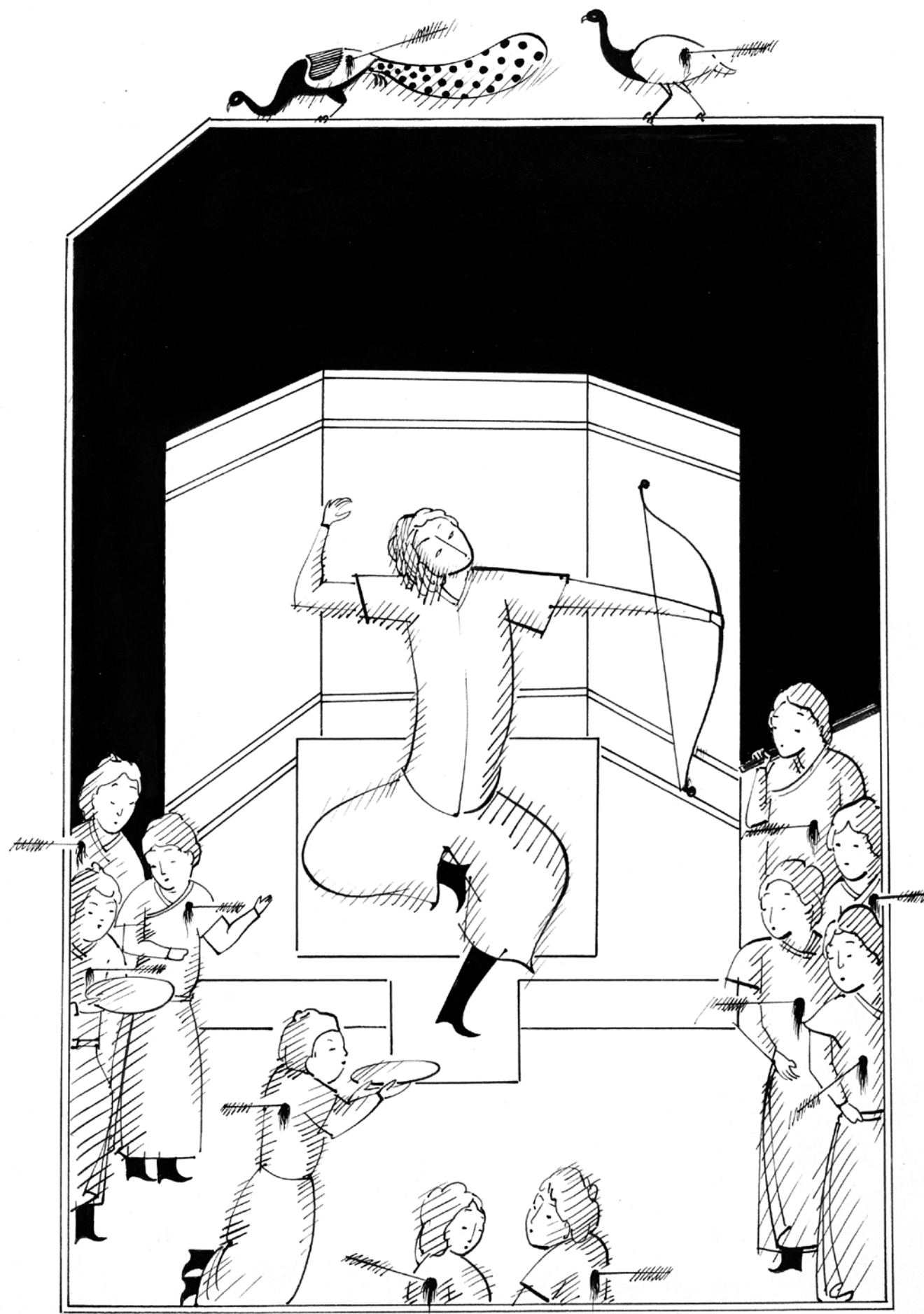
درمبخش درباره این مجموعه گفته است: «مینیاتورهای سیاه» و من، هر دو در سال ۱۳۵۲ در تهران به دنیا آمدیم! هفت ماهه بودم که مادرم راهی زندان شاهنشاهی و «مینیاتورهای سیاه» دو ساله بود که پدرش ممنوع القلم شد! هر دو، در زمانه زندان، شکنجه و سانسور به دنیا آمدیم. امروز بعد از چهل و دو سال کنار یکدیگریم. با این تفاوت که گرد پیری بخش زیادی از موهای جوانی ام را سپید کرده اما «مینیاتورهای سیاه» با داشتن آن همه خاطرات تلخ، ذره ای کمر خم نکرده و سرزنده تر از قبل، سرگذشتش را بازگو می کند.

در مجموعه مینیاتورهای سیاه درمبخش، فرم و معنا به موازات هم پیش رفته اند. مینیاتورهای سیاه در واقع به معنای نقش زدن با مرکب سیاه نیستند، بلکه مفهوم سیاهی اصل موضوع است. همان تاریکی و وحشتی که بر جامعه سایه انداخته بود. در بیان طنزپردازان این مفهوم با عبارت طنز سیاه شناخته می شود. درمبخش با تلفیق هنر ایرانی و مفهوم طنز سیاه مینیاتورهای سیاه را خلق کرده است.

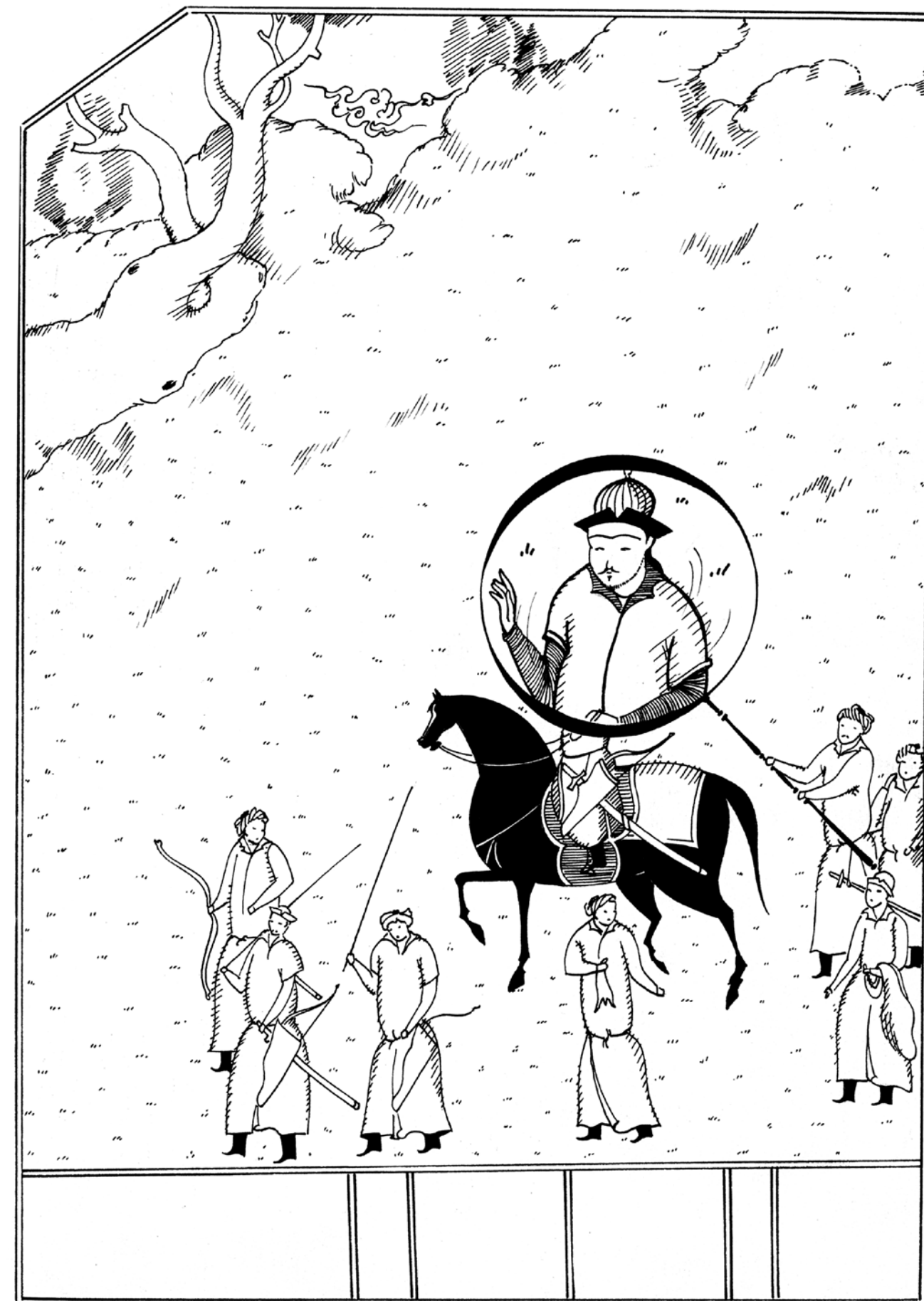
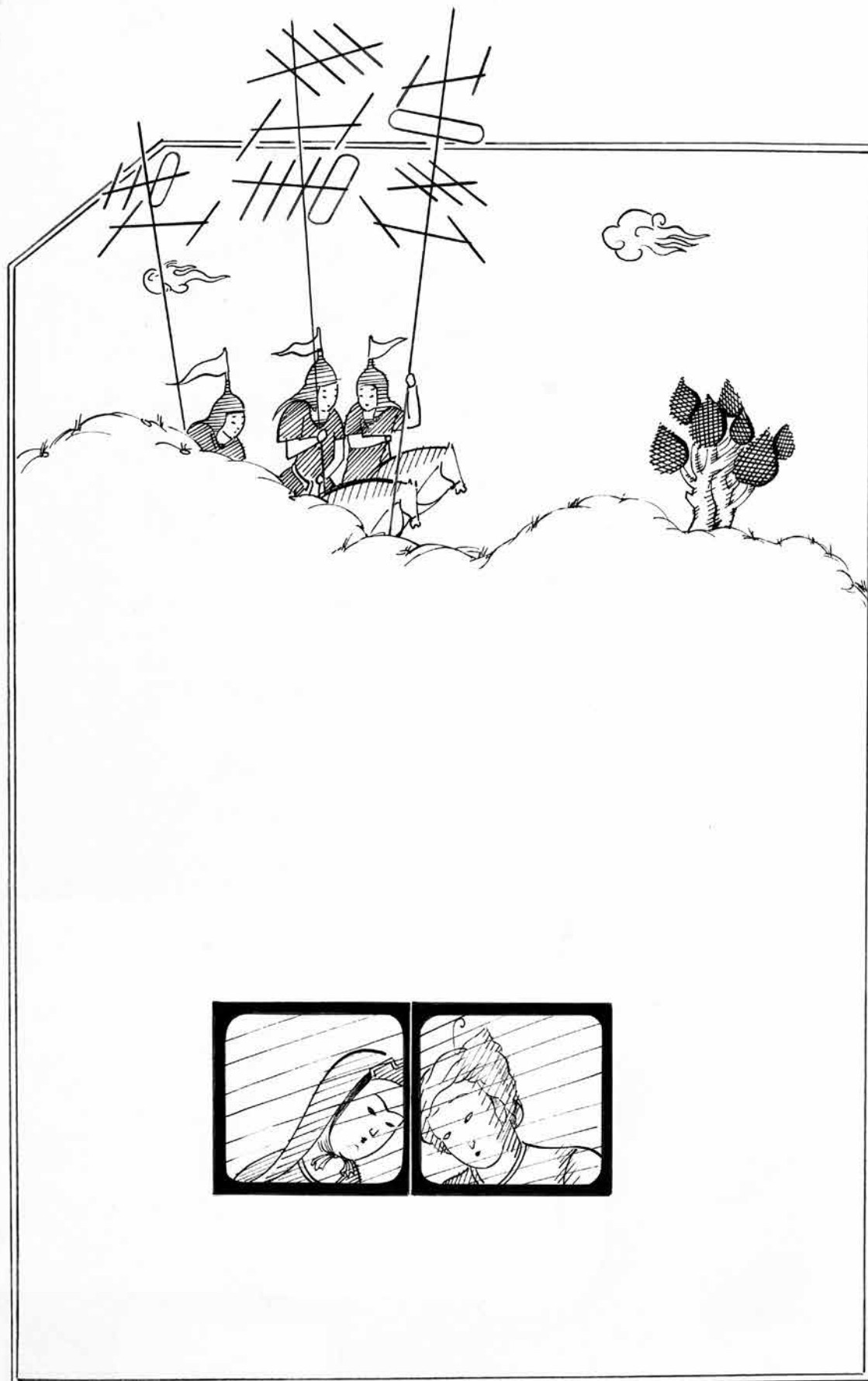
از مجموعه گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران و حوزه هنری













### A tribute to the late Kambiz Derambakhsh

The collection of black miniatures of Kambiz Derambakhsh, is a modern look to the traditional approach to Iranian painting, and the Iranian miniature has become the theme for a satirist.

Derambakhsh has described this collection as: “The black miniatures” and I were both born in the year 1973 in Tehran! I was seven months old when my mother was sent to the Royal prison and the “black miniatures” was two years old when his father was debarred from writing! Both of us were born at the period of prisons, torture and censorship. Today, and after forty-two years, we stand next to each other, with this difference that the dust of age has turned a major part of my youthful hair grey, whereas, in spite of all the bitter memories, “the black miniatures” has not bent over at all, and narrates its adventures livelier than ever before.

Form and meaning have advanced in parallel in Derambakhsh’s “black miniatures” collection. “Black miniatures” does in no way mean drawing with a black ink, but refers to the blackness of the main theme. The same darkness and terror that had cast its shadows on the society. In the words of satirists, this concept is known as black satire. Derambakhsh has created the black miniatures collection by combining the Iranian art with the concept of black satire.

From the collections of Tehran Museum of Contemporary Arts and the Department of Arts







---

ستاد برگزاری  
The Organizing Committee

---





معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی **محمود سالاری**

رئیس شورای سیاستگذاری **هادی مظفری**

اعضای شورای سیاستگذاری منیژه آرمین/ محسن حسن پور/ امیر راد/ پریسا شادقزویی/ سیدمسعود شجاعی طباطبایی

**طاهر شیخ‌الحکمایی/ حبیب‌الله صادقی/ مینا صدری/ علی‌اشرف صندوق‌آبادی/ جاسم غضبانپور/ سیدعباس میرهاشمی مسعود نجابتی**

دبیرکل **سیدعباس میرهاشمی**

دبیرهنری **امیر راد**

دبیر اجرایی **عبدالرحیم سیاهکارزاده**

دبیر بخش تجسم هنر **اردشیر میرمُنگره**

دبیر بخش ایثار و فداکاری **محمد حبیبی**

دبیر بخش مقالات **پریسا شاد قزویی**

دبیر بخش آینه در آینه **احسان آقایی**

کیوریتور بخش کاتب جمشید حقیقت شناس

مدیر برگزاری و فضای مجازی **سیدحسین محمدپور**

مدیر هنری **شاپور حاتمی**

مدیر ارتباطات و رسانه **سعید اسلام زاده**

مدیر امور مالی **جعفر واحدی**

مدیر حراست معاونت امور هنری **علیرضا حفیظی**

کارشناسان دبیرخانه هنری **زهرآ صالحی/ باران حمیدی/ هانیه خانی**

مسئول امور پشتیبانی و کارپرداز **حامد شفیع‌پور**

مسئول امور اداری، تشریفات و هماهنگی **مریم صفری**

کارشناسان امور مالی **آناهیتا آرمودیان مقدم/ رسول پورعظیمی/ احسان رشگی**

امور هماهنگی ستاد جشنواره **وریشه معاذیان/ علیرضا اسمعیلی**

امور هماهنگی معاونت امور هنری **محمدرضا محمدزاده/ علی رزم خواه/ محسن هاشمی/ سیدمحمدرضا تقوی**

امور هماهنگی اداره کل هنرهای تجسمی **کامبیز علاقه بند/ اکرم اسلامی**

امور پشتیبانی **وحید واحدی**

طراح پوستر**مسعود نجابتی**

دستیار مدیر هنری و طراح گرافیک **مهدیه روستایی**

ناظر تیم مستندسازی **مجید گیاهچی**

تصویر و صدا **کسری آتشی/ علیرضا سلطانی/ امیر فولادوند**

تدوین **علی‌رضا شادمنش**

گروه موشن‌گرافیک **سید ایمان فردی/ افرا (علی) گرامی**

عکاس رویداد **معین باقری**
همکار: پانته آنیکزاد

عکاس آثار **فریدون قیصری پور**
همکار: سعید اصفهانی/ فاطمه شهرابی

کیوریتور بخش آینه در آینه **کیانوش معتقدی**

گروه بخش کاتب **فاطمه کافی زاده/ امین فخارزاده/ محسن انجم شعاع/ جعفر صادقی**

برنامه‌نویس سایت و پشتیبانی فنی **وحید علینقی‌زاده**

امور نرم افزاری **علی آفریده**

مسئول خدمات نمایشگاهی **عیسی کاظمی**

خدمات نمایشگاهی **یوسف ملکمحمدی/ بهمن عسگری والا/ حسین عسگری/ مهدی محبی/ علی شهبازی**
مقدم

کارشناسان و مراقبان آثار نمایشگاه مهسا محمودی/ پرستو سلطانی/ لیدا عزتی/ محمد رستمی/ محمد سلطانی

همکاران حراست نمایشگاه **محسن رضایی/ علی بستانچی**

اجرای گرافیک محیطی نمایشگاه **مهدی نظری، میلاد نظری (آندیا گرافیک)**

ساخت تندیس طوبای زرین **داور برقی نمینی**

ساخت نشان مفاخر **محمد مروستی**

ستاد خبری **مریم درویش/ مریم سجده ای/ آزاده جعفری/ محمد افسانه/ مریم آموسا/ ندا زنگینه/ لیلا ضامنی**

مترجم **مجتبی احمدخان**

مسئول عضویت و بیمه هنرمندان موسسه توسعه هنرهای تجسمی **معاصر خدیجه رجبی**

پشتیبانی و خدمات دبیرخانه **مریم تقیان/ احمد بهرمند**

حراست دبیرخانه **حسن حبیبی/ ابراهیم سلیمانی**

تیم بازرسی و عملکرد عباس **قدیانی/ سعید فرجی/ ملیحه کاسه‌ساز/ مریم پناهی**

با سپاس از

**نهاد ریاست جمهوری**

رئیس فرهنگستان هنر **بهمن نامور مطلق**

رئیس موسسه فرهنگی و هنری صبا **سجادمحمد یارزاده/ جمشید حقیقت شناس**

مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری **سیدمسعود شجاعی طباطبایی**

مشاور برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی معاونت امورهنری **سیدامین مؤیدی اصفهانی**

مشاور اجرایی معاونت امور هنری

مدیر روابط عمومی معاونت امور هنری **مسعود الهیاری**

معاون هماهنگی اداره کل هنرهای تجسمی **کتابیون عضدی**

معاون اجرایی موزه هنرهای معاصر تهران **بابک نظری**

مدیر روابط عمومی موزه هنرهای معاصر تهران **حسن نوفرستی**

همکاران موسسه فرهنگی و هنری صبا **اعظم السادات محمدباغبان/ سمیه مشفق/ پونه میرشمسی/ صابر سلیمانی**

**محمود طوفان/ شهرام خاکپور/ میثم رضایی نیا/ سعید حمزه‌پور**

رئیس خانه کاریکاتور ایران **شهرام بابایی/**
کارشناس هنری خانه کاریکاتور ایران **امیر طاهری شایسته**

هماهنگی تبلیغات مترو و اتوبوس‌رانی **وحید لک**

**مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها**

**مدیران هنری استان‌ها (بخش تجسم هنر)**

**هیات مدیره انجمن‌های هنری**

**همکاران اداره کل هنرهای تجسمی**

**همکاران موسسه فرهنگی و هنری صبا**

**همکاران موزه هنرهای معاصر تهران**

**انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس**

و با سپاس از همه هنرمندان و عزیزانی که ما را در برگزاری این جشنواره یاری نمودند.



Deputy, Arts Affairs of the Ministry of Culture and Islamic Guidance: **Mahmood Salari**  
President, Policy Council: **Hadi Mozafari**  
Members of Policy Council: **Manijeh Armin, Mohsen Hassanpour, Amir Rad, Parissa Shad Ghazvini, Seyed Massoud Shojaee Tabatabaie, Taher Sheikhol Hokamaeie, Habibollah Sadeghi, Mina Sadri, Ali Ashraf Sandogh Abadi, Jassem Ghazbanpour, Seyed Abbas Mir Hashemi, Massoud Nejabati.**  
Secretary General: **Seyed Abbas Mir Hashemi**  
Art Secretary: **Amir Rad**  
Executive Secretary: **Abdol Rahim Siahkarzadeh**  
Secretary, Visualization of Art Section: **Ardeshir Mirmangareh**  
Secretary, Self –Sacrifice Section: **Mohammad Habibi**  
Secretary, Articles Section: **Parissa Shad Ghazvini**  
Secretary, Mirrored Reflections Section: **Ehsan Aghaee**  
Curator, Scribe Section: **Jamshid Haghighat Shenاس**  
Manager, Organization and Virtual Space: **Seyed Hossein Mohammadpour**  
Art Director: **Shapour Hatami**  
Manager, Communications and Media: **Saeed Eslamzadeh**  
Manager, Financial Affairs, **Jaffar Vahedi**  
Manager, Security of the Arts Affairs Dept.: **Alireza Hafizi**  
Experts, Art Secretariat: **Zahra Salehi, Baran Hamidi, Hanieh Khani**  
Head of Logistics and Supplies: **Hamed Shafiepour**  
Head of Administration, Protocols and Coordination: **Mariam Safari**  
Experts, Financial Affairs: **Anahita Armoodian Moghadam, Rasoul Pour Azimi, Ehsan Rashki**  
Coordination, Festival HQ: **Varishe Maazian, Alireza Esmaili**  
Coordination Art Affairs Dept.: **Mohammad Reza Mohammadzadeh, Ali Razmkhak, Mohsen Hashemi, Seyed Mohammad Reza Taghavi**  
Coordination, Directorate General of Visual Arts: **Kambiz Alagheband, Akram Eslami**  
Logistics Affairs: **Vahid Vahedi**  
Poster Design: **Massoud Nejabati**  
Assistant Art Director and Graphic Design: **Mahdieh Roostaie**  
Supervisor, Documentation Team: **Majid Guiahchi**  
Audio and Video: **Kassra Atashi, Alireza Soltani, Amir Fooladvand**  
Editor: **Alireza Shadmanesh**  
Motion Graphic Group: **Seyed Iman Fardi, Afra (Ali) Gerami**  
Photographer, Event: Moeen Bagheri, Assistant: **Pantea Nikzad**  
Photographer, Works: Fereydoon Gheysarpour, Assistants: **Saeed Esfahani, Fatemeh Shahrabi**  
Curator, Mirrored Reflections Section: **Kianoush Motaghedi**  
Scribe Section Group: **Fatemeh Kafizadeh, Amin Fakharzadeh, Mohsen Anjam Shoa, Jaffar Sadeghi**  
Site Programmer and Technical Support: **Vahid Alinaghizadeh**  
Software Affairs: **Ali Afarideh**  
Head of Exhibition Services: **Eissa Kazemi**  
Exhibition Services: **Youssef Malek Mohammadi, Bahman Asgari Vala, Hossein Asgari, Mahdi Mohebi, Ali Shahbazi Moghadam**  
Experts and Protectors of Exhibition’s Works: **Mahsa Mahmoodi, Parastoo Soltani, Lida Ezzati, Mohammad Rostami, Mohammad Soltani**  
Exhibition’s Security: **Mohsen Rezaee, Ali Bostanchi**  
Exhibition Environment Graphic : **Mahdi Nazari, Milad Nazari (Andia Graphic)**  
Producer, Golden Tooba Statuette: **Davar Barghi Namini**  
Producer, Elites’ Medal: **Mohammad Marvasti**

Newsroom: **Mariam Darvish, Mariam Sojdeie, Azadeh Jaffari, Mohammad Afsaneh, Mariam Amoosa, Neda Zanguineh, Leila Zameni**  
Translation: **Mojtaba Ahmad Khan**  
Head of Membership and Artists’ Insurance of the Institute for the Promotion of Contemporary Visual Arts: **Khadijeh Rajabi**  
Secretariat Support and Services: **Mariam Taghian, Ahmad Bahremand**  
Secretariat Security: **Hassan Habibi, Ebrahim Soleimani**  
Inspection and Performance Team: **Abbas Ghdiani, Saeed Faraji, Maliheh Kassesaz, Mariam Panahi**  
Acknowledgement:  
**The President’s Office**  
Head of Academy of Art: **Bahman Namvar Motlagh**  
Head of Saba Institute of Culture and Art: **Sajjad Mohammad Yarzadeh, Jamshid Haghighat Shenاس**  
Manager, Visual Arts Center, Department of Art: **Seyed Massoud Shojaee Tabatabaie**  
Advisor, Strategic Planning and Supervision of the Art Affairs Dept.: **Seyed Amin Moayeddi Esfahani**  
Executive Advisor, Art **Affairs** Dept.  
Manager, Public Relations, Art Affairs Dept.: **Massoud Allahyari**  
Deputy, Coordination, Directorate General of Visual Arts: **Katayoun Ezzedi**  
Executive Deputy, Tehran Museum of Contemporary Arts: **Babak Nazari**  
Manager, Public Relations, Tehran Museum of Contemporary Arts: **Hassan Noferesti**  
Staff of the Saba institute of Culture and Art: **Azam–ol–Sadat Mohammad Baghban, Somayeh Mashfegh, Pooneh Mirshamsi, Saber Soleimani, Mahmood Toofan, Shahram Khakpour, Meysam Rezaeenia, Saeed Hamzepour**  
President, Forum of Iranian Caricature: **Shahram Babaeie / Art Expert, Forum of Iranian Caricature: Amir Taheri Shayesteh**  
Coordination, Metro and Bus Publicity: **Vahid Lak**  
**Directors General of the Provincial Administrations of Culture and Islamic Guidance**  
**Art Directors of the Provinces (Art Visualization Section)**  
**Board of Directors of Art Associations**  
**Colleagues at the Directorate General of Visual Arts**  
**Colleagues at the Saba Institute of Culture and Art**  
**Colleagues at the Tehran Museum of Contemporary Arts**  
**The Association of the Revolution and the Sacred Defense’s Visual Arts**  
**And all the artists and friends who assisted us in organizing this festival**



